اطلاعات

سه شنبه ۲۲ مرداد ۱۳۹۲ ـ ۵ شوال ۱٤۳٤ـ ۱۳ آگوست ۲۰۱۳ـ شماره ۲۵۶۶۳ ـ ۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه – ۲۰۰ تومان

اعلام جزئیات نرخ بیکاری در ۳۹۷ شهر کشور

* وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی: براساس سرشماری سال ۹۰، بشاگرد با ۵۳/۲ درصد بالاترین و ابوموسی با ۱/۲ درصد کمترین نرخ بیکاری را داشته است
* نرخ بیکاری ۲۸۱ شهر بالای ۱۰ درصد و ۱۱۶ شهر تک رقمی بوده است

صفحه ۴

مرگ ۹۰ تروریست القاعده در درگیری با کردهای سوریه

* در درگیری که در ریف حلب روی داد دهها کرد سوری نیز کشته یا زخمی شدند
* «ابوحذیفه التونسی» از فرماندهان القاعده در سوریه کشته شد

صفحه ۱۶

دفاع دکتر روحانی از وزرای معرفی شده به مجلس

کابینه‌ام عصاره خرد جمعی نخبگان است

به هدایت‌ها و ارشادهای مقام معظم رهبری امیدوارم که همواره همراه و یار دیرینه خود را مورد تفقد قرار داده‌اند

* دکتر روحانی: مجلس آگاه، پویا و پیگیر می‌تواند سلامت و موفقیت قوه مجریه را تضمین کند
* نظام ارزی کشور را امسال به تدریج به سمت یکسان سازی نرخ ارز سوق خواهیم داد
* فاز دوم هدفمندسازی یارانه‌ها باید بسیار کاراتر و با تأکید بر رفع فقدان تعادل‌های اقتصاد کلان به اجرا درآید
* گفتمان سیاست خارجی در دولت حرکت واقع‌بینانه، خودباورانه، متوازن، هوشمندانه و تعامل سازنده و تفاهم برای ارتقای جایگاه و توسعه کشور است
* دکتر جعفر میلی منفرد، فردی مستقل است و مشی وی در دانشگاه ۱۰۰ درصد اعتدالی خواهد بود
* در شرایط کنونی وزارت نفت از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است و بی‌تردید مهندس زنگنه جزو بهترین افراد برای تصدی این وزارتخانه است
* دکتر ظریف از چهره‌های ممتاز در فهم سیاست خارجی و دارای دانش و تخصص مورد نیاز و یکی از چهره‌های بنام در مذاکرات سیاست خارجی است
* دکتر نجفی از چهره‌های علمی بنام و فردی صاحب‌نظر و باتجربه در آموزش و پرورش است و برنامه‌های خوبی برای آموزش و پرورش دارد
* محمدرضا تابش نماینده اردکان در مجلس: اکنون نوبت مجلس است که به انتخاب مردم و کابینه منتخب مردم آری بگوید
* توکلی: دکتر روحانی برای نجات و اعتلای کشور نیازمند حمایت و یاری همه مردم است
* مهندس جهانگیری معاون اول رئیس جمهوری: توسعه سرمایه انسانی و حاکمیت قانون از جمله اصلی‌ترین کارهای دولت یازدهم است

صفحه ۲

پیام رهبر معظم انقلاب به همایش نکوداشت استاد مشفق کاشانی

* یک خصوصیت مهم شعر آقای مشفق، قرار گرفتن در خدمت اهداف دینی و انقلابی است
* آیین تجلیل و نکوداشت استاد مشفق کاشانی دیروز با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در تالار وحدت برگزار شد

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیام به همایش نکوداشت استاد عباس کی منش (مشفق کاشانی) با اشاره به برخی ویژگی‌های ممتاز این شاعر برجسته کشور، تقدیر از شاعران بزرگ را موجب پیشرفت شعر و ادبیات فارسی و تشویق جوانان مستعد خواندند و تصریح کردند: یک خصوصیت مهم شعر آقای مشفق، قرار گرفتن در خدمت اهداف دینی و انقلابی است.

در این پیام که برگرفته از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی

بقیه در صفحه ۳

فرمانده ناجا: ایران از امنیت پایدار برخوردار است

* رسانه‌هایی که در یک جهت خاص حرکت می‌کنند با گذشت زمان پژمرده می‌شوند و می‌روند
* سند جدید فرهنگ عفاف و حجاب تا ۳ ماه آینده تصویب می‌شود

صفحه ۱۳

تجلیل از دکتر سیدمحمد حسینی

* جمعی از مدیران و مسئولان مؤسسات فرهنگی دیروز با حضور کارکنان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از خدمات دکتر حسینی تجلیل کردند
* دکتر حسینی: امیدوارم در دولت بعدی گام‌های بلندتری در عرصه فرهنگ برداشته شود

صفحه ۳

آماده‌باش هواداران مرسی همزمان با پایان مهلت ارتش مصر به اخوان‌المسلمین

* منبع نزدیک به وزارت کشور مصر: عملیات خاتمه دادن به تظاهرات حامیان مرسی به زودی آغاز می‌شود
* حامیان مرسی تهدید کردند که در صورت مداخله ارتش تجمع خود را به میدان التحریر منتقل می‌کنند

صفحه ۱۶

محک

خوش بود گر محک تجربه آید به میان...

ابوالقاسم ـ قاسم زاده

فصل جدید روابط دولت و مجلس

همه نظام‌های حاکم در جهان که خود را در حدود مردم‌سالاری (دمکراسی) تعریف می کنند معیارها و ضوابطی را برای موفقیت مدیریتی خود باور دارند. اصلی ترین شاخص این معیارها از چگونگی روابط دولت و مجلس برمی آید. نظام‌هایی که در چرخش احزاب و رقابت‌های حزبی مدیریت و قدرت سیاسی خود را سامان می‌دهند، احزاب را با گرایش راست یا چپ و میانه محک می‌زنندو در تشکیل دو رکن دولت و مجلس علاوه بر سوابق افراد به لحاظ سیاسی ـ اجتماعی، برنامه معرفی شده حزب معیار انتخاب می گردد و چرخش مدیریت کلان در این نظام‌ها از مسیر انتخابات می چرخد. روابط دولت با انتخاب حداکثری برخوردار از مجلس حداکثری است اما حزب یا احزاب رقیب به حاشیه نمی‌روند و محو نمی‌شوند. در کنار کابینه رسمی که برخوردار از اکثریت مجلس است کابینه سایه با فراکسیون اقلیت در مجلس گام به گام حرکت می کند. دولت را نقد می کند و برای حل مشکلات مردم و کشور لحظه‌ای باز نمی‌ماند. نقدها بجای شخصی یا شخصیتی سمت و سوی اجرای برنامه‌ها را دارد و محصول کار و اجرا در نظر گرفته می‌شود. روابط دولت و مجلس در دمکراسی برآمده از احزاب رسمی و رقابت آنها است.

در نظام جمهوری اسلامی ایران مجلس در رأس امور دیده شده است و قانون اساسی جایگاه مجلس را بر دو اصل قانون‌گذاری و نظارت دیده است. دولت‌ها برنامه‌ریز و مجری هستند. در برنامه‌ریزی با ارائه لوایح، مجوز قانونی برای مدیریت اجرایی را از مجلس می گیرند. دولت قدرت و مدیریت مالی کشور را در اختیار دارد اما برای هزینه آن نیازمند قوانین است که مهمترین آن ارائه بودجه سالانه به مجلس و کسب تصویب آن به صورت قانون بودجه سالانه از سوی مجلس است. مجلس می تواند وزرا را مورد سؤال قرار دهد و در مواردی استیضاح و عزل کند. روابط دوجانبه دولت و مجلس در قانون اساسی شفاف و بر مدار قانونمداری است. نظام جمهوری اسلامی را نظام ریاستی ـ پارلمانی می‌دانند. هر گاه روابط دولت و مجلس بر مدار قانونمداری قرار داشته باشد، نسبت موفقیت‌ها مطلوب تر می گردد. از مشکلات برجسته گذشته در دولت نهم و دهم، آشفتگی در روابط دولت و مجلس بود که بخصوص در دو سال گذشته خسارت بسیاری از این آشفتگی برای مدیریت کلان کشور بوجود آورد. شاید نیازی به شرح مرحله به مرحله آن در این نوشته نباشد. بسیاری معتقدند بخش مهمی از مشکلات کنونی مردم و کشور ناشی از خدشه‌دار شدن روابط مجلس با دولت دهم است. آشفتگی در این روابط به آنجا رسید که رئیس دولت، قانون مصوب مجلس را ابلاغ نمی کرد و در عمل این مردم و کشور بودند که زیان دیدند. اگر بپذیریم نظام جمهوری اسلامی نظام پارلمانی ـ ریاستی است و در کنار این تعریف هنوز کشور فاقد احزاب با برنامه‌های مشخص است، روابط دولت و مجلس جایگاه ویژه پیدا می کند.

اکنون همه جناح‌های سیاسی در کشور باور دارند که مشکلات گوناگون، پیچیده و فراگیر شده است. برای حل این مشکلات نظرهای بسیار بیان می‌شود. بیان این نظرها به خودی خود نشان مردم‌سالاری است. اما آنچه تعیین کننده است انتخاب راه‌حل مناسب از میان نظرهای متنوع است. هر راه‌حلی باید از مسیر مصوبه قانونی عبور کند تا پس از تصویب مجلس به دولت برای اجرا ابلاغ گردد. آقای روحانی به دنبال شروع فصل جدید از روابط دولت و مجلس است. مجلس کنونی در دوره دوم دولت آقای احمدی‌نژاد شکل گرفت درحالی‌که در پایان دوره دولت دهم در عمل روابط دولت و مجلس به ضعیف‌ترین حد خود رسید. مجلس نیز خواهان تحول در روابط دو قوه مجریه و مقننه است تا باری از مشکلات مردم را با همراهی با دولت یازدهم بردارد. فرصت بسیار تنگ و میدان تعارف مسدود است. مردم می‌خواهند تا با شروع فصل جدید از روابط دو قوه که سکاندار مدیریت کلان کشورند، نشانه‌هایی از حل مشکلات خود را ببینند. موفقیت دولت آقای روحانی منوط به تنظیم روابط جدید دولت و مجلس است که در آستانه شروع به کار رسمی دولت یازدهم فصل جدیدی از این روابط وعده داده شده است. نیمی از دوره چهارساله مجلس شورای اسلامی سپری شده است و نمایندگان بدون تردید از انتخابات ریاست جمهوری برداشت معین و مشخصی دارند. نمایندگان نیز می‌دانند که مردم از وضع موجود رضایت ندارند و انتخاب آقای روحانی برای ریاست جمهوری و تشکیل دولت جدید را برای تغییر در وضع موجود خواسته‌اند. دو راه در نیمه دوم از مجلس کنونی می تواند انتخاب گردد. راهی که همچنان بر طبل گرایش‌های سیاسی کوبیده شود و فرصت دولت یازدهم برای پاسخگویی به این گرایش‌ها و رد یا قبول آن تلف گردد. راه دوم، شناخت واقعیت‌ها در کشور و پذیرش آرای مردم در اصل تغییر در وضع موجود است. این تغییر با فصل جدید از روابط دولت و مجلس امکان ظهور و بروز پیدا می کند. فصل تقابل‌های سیاسی گذشته، کهنه شده و دیگر پاسخگوی نیازهای مردم نیست. مردم خسته از لفاظی‌ها خواهان اقدام مثبت برای بازسازی کشور و حل مشکلات خود هستند. اگر دولت و مجلس شعار ترمیم می‌دهند اولین گام برای اصلاح و ترمیم، ارائه تعریف فصل جدید از روابط دو قوه مجریه و مقننه است. نشانه‌های آغاز این فصل جدید که در آن قانونمداری و کار در اولویت است، دیده می‌شود. نباید گذاشت تا برخی با شعارزدگی مسیر را به جای این مقیاس (قانون و کار) به سمت تقابل جدید تشکیلاتی و سیاسی سوق دهند.

رئیس جمهوری: دولت تدبیر و امید از تجربیات همه مسئولین استفاده می کند

رئیس‌جمهوری عصر یکشنبه در جلسه هیات دولت با تبریک عید سعید فطر به همه مردم و مسلمانان جهان و با بیان این که دولت تدبیر و امید بر مبنای عقلانیت، مشورت و اعتدال حرکت می کند، گفت: این دولت در مسیر خدمت به مردم و نظام گام برمی‌دارد.

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی در ابتدای این جلسه که به ریاست وی برگزار شد، افزود: دولت به‌هیچ‌وجه‌قصد‌تخریب‌مسئولین‌دولت گذشته را ندارد و هرگز در پی بزرگنمایی مشکلات هم نخواهد بود. دولت تدبیر و امید خود را از دولت گذشته جدا نمی‌بیند.

رئیس جمهوری تاکید کرد: همه ما در یک کشور و زیر چتر جمهوری اسلامی و ولایت فقیه در حال انجام وظیفه هستیم و دولت تدبیر و امید از تجربیات همه مسئولین استفاده خواهد کرد.

دکتر روحانی خطاب به اعضای کابینه دهم اظهار داشت: شما به کل نظام و کشور تعلق دارید و تجربه‌هایی که آموختید متعلق به ملت است، سرمایه‌های بزرگ انسانی کشور هستید و دانش و تجربه شما در کنار هم گوهر گرانبهای تخصص و تجربه را به وجود آورده است که باید از آن استفاده شود.

رئیس جمهوری با اشاره به رقابت‌های انتخاباتی و مسائل و مباحث مطرح شده در آن زمان گفت: اگر کسی تخریبی نسبت به اینجانب انجام داده آن را گذشت کردم و از همه عزیزان هم می‌خواهم که آنچه باعث دلگیری آنها شده است را فراموش و همدیگر را حلال کنند.

دکتر روحانی با تاکید بر این که همه باید دست به دست هم دهیم و با همکاری و همدلی امور کشور را پیش ببریم، گفت: موفقیت دولت، موفقیت نظام و ملت است و اگر خدای ناخواسته نقص و کاستی در کشور به وجود آید، برای همه کشور خواهد بود. از همه عزیزان می‌خواهم که با برادری و محبت این دولت را یاری کنند و دولت تدبیر و امید هم از همه نصیحت‌ها و مشورت‌ها استفاده خواهد کرد.

در ادامه این جلسه هیات وزیران، ضمن اظهار تاسف از جان باختن تعدادی از هموطنان در حادثه سیل استان‌های کرمان، فارس و سیستان و بلوچستان و ابراز همدردی با بازماندگان آنها، اعتبار بلاعوض و تسهیلات بانکی برای جبران خسارات و بازسازی مناطق سیل زده به استان های مذکور اختصاص یافت تا در اختیار شورای هماهنگی مدیریت بحران این استان ها قرار گیرد.

همچنین دولت اجازه یافت تا سهام جمهوری اسلامی ایران در شرکت اسلامی بین‌المللی تامین مالی تجاری(ITFC) وابسته به بانک توسعه اسلامی را از یک میلیون و ۹۲۰ هزاردلار به ۱۰۱ میلیون و ۹۲۰ هزار دلار افزایش دهد.

در خاتمه این جلسه، دکتر روحانی از زحمات و تلاش وزرای دولت دهم در طول دوران مسئولیت تقدیر و تشکر نمود.

مذاکره تلفنی وزیران امور خارجه ایران و امارات

شیخ عبدالله بن زاید آل نهیان، وزیر امور خارجه امارات در تماس تلفنی با علی اکبر صالحی، وزیر امور خارجه کشورمان در باره مسائل دوجانبه و تحولات منطقه ای گفتگو و تبادل نظر کرد

صالحی در این گفتگوی تلفنی با اشاره به همکاری های فیمابین در برخی زمینه ها و تصمیمات متخذه توسط دو دولت ایران و امارات که روند مناسب و خوبی را در پیش گرفته است، ابراز امیدواری نمود که مناسبات فیمابین در همان مسیر حرکت کرده تا بتوان با برطرف کردن مشکلات موجود و هموار کردن بستر لازم، زمینه نزدیکی هر چه بیشتر دو کشور را فراهم آورد.

وزیر امور خارجه امارات هم ابراز امیدواری کرد که روابط فیمابین با روی کار آمدن دولت جدید در ایران بیش از پیش گسترش یافته و تعمیق یابد.

وی با ابراز خوشوقتی از اعتماد متقابل ایجاد شده میان وزرای امور خارجه دو کشور، ابراز امیدواری کرد که این علائق و دوستی دو طرف پس از مسئولیت کنونی هم تداوم یابد.

دکتر روحانی: کابینه‌ام عصاره خرد جمعی نخبگان است

حجت الاسلام و المسلمین دکتر روحانی با اشاره به این که از همان لحظه اعلام نتیجه انتخابات بر خود فرض دیدم که آرای مردم را به عنوان الزام قطعی و به عنوان میثاق میان خود و آنان تلقی و لوازم اجرای آن را فراهم آورم، اظهار داشت: انتظار بحق آن است که میثاق میان رئیس جمهوری و مردم از طریق تشکیل دولت در فرآیندی دو جانبه محقق شود و اینک و پس از استقرار در موضع یازدهمین رئیس جمهوری قانونی ایران در یکی از حساس ترین شرایط و مقدمات برنامه های اعلام شده قرارداریم و آن رأی نمایندگان محترم به وزرای پیشنهادی است که امیدوارم این فرآیند مهم هم با همدلی و تفاهم موفقیت آمیز طی شود.

دکتر حسن روحانی صبح دیروز در نخستین جلسه مجلس برای بررسی صلاحیت وزرای پیشنهادی دولت یازدهم، ضمن تبریک حلول ماه شوال و با تشکر از یک هفته تلاش بی وقفه نمایندگان برای بررسی برنامه های وزرا و ویژگی های آنان گفت: امیدوارم در ساعات امروز و فردا و شاید پس فردا که سرنوشت کابینه دولت یازدهم مشخص می شود، با عنایت خداوند متعال از پشتوانه اخلاص، تقوا، تفکر دقیق، دلسوزی برای منافع و تعهد به مطالبات مردم و همچنین پاسخگویی وزرای پیشنهادی به سئوالات و دغدغه های نمایندگان بهره بریم.

رئیس جمهوری با بیان این که مطمئنم در همه مراحل پیش رو، اخلاق متعالی دینی و انصاف سرلوحه همه گفتارها و کردارها خواهد بود، افزود: بارها به عنوان نماینده مردم در مجلس شاهد تقاضاهای روسای جمهوری گذشته درباره کسب رای اعتماد برای وزرای پیشنهادی بوده ام و اکنون مفتخرم که خود در پیشگاه نمایندگان ملت ایستاده ام تا چهره های آشنا، کارآزموده و دوراندیش را در معرض قضاوت شما قرار دهم.

حجت الاسلام والمسلمین روحانی اظهار داشت: در همین آغاز کار تجربه حضور وزرای پیشنهادی در کمیسیون ها و فراکسیون ها نشان داد که گفتگو، همدلی و تفاهم را بدنبال دارد و بسیاری از سئوالات با صراحت پرسیده و اطلاعات بسیاری مبادله شد و بسیاری از سوء تفاهم ها برطرف شد. تعامل دولت و مجلس بسیار راهگشاست و مجلس آگاه، پویا و پیگیر می تواند سلامت و موفقیت قوه مجریه را تضمین کند.

رئیس جمهوری با اشاره به این که وزرای پیشنهادی در گزارش خود درباره تعامل با مجلس از نمایندگان آزاده ای یاد کردند که از سر خیرخواهی و دقت نظر صلاحیت، توانایی و برنامه های وزرای پیشنهادی را مورد کنکاش قرار دادند، تصریح کرد: به سهم خود این دقت نظرها را ارج می نهیم و امیدواریم پس از این هم همین گونه تعامل پابرجا بماند.

دکتر روحانی خاطرنشان کرد: اینجانب با شناخت از شرایط خطیر کشور پس از بررسی ها تصمیم به ورود به عرصه رقابت های انتخاباتی گرفتم و از همان ابتدا تلاش کردم تا تحلیل خود را از این شرایط خطیر و رویکردهایی که برای بهبود شرایط در نظر داشتم به صورت شفاف با مردم در میان بگذارم و مردم هم با رای خود نشان دادند که با این تحلیل و رویکرد موافقند.

میثاق با مردم

رئیس جمهوری با اشاره به این که از همان لحظه اعلام نتیجه انتخابات بر خود فرض دیدم که آرای مردم را به عنوان الزام قطعی و به عنوان میثاق میان خود و آنان تلقی و لوازم اجرای آن را فراهم آورم، گفت: سوگندی که در همین جا و در خانه ملت ادا کردم در چارچوب تاکیدی الهی بر این عهد اجتماعی بود.

حجت الاسلام والمسلمین روحانی اضافه کرد: بدیهی است که رای به رئیس جمهوری تنها رای به یک شخص نبوده و انتظار بحق آن است که میثاق میان رئیس جمهوری و مردم از طریق تشکیل دولت در فرآیندی دو جانبه محقق شود.

رئیس جمهوری اظهار داشت: اینک و پس از استقرار در موضع یازدهمین رئیس جمهوری قانونی ایران در یکی از حساس ترین شرایط و مقدمات برنامه های اعلام شده قرارداریم و آن رأی نمایندگان محترم به وزرای پیشنهادی است؛ شما که منتخبان مردم هستید و خواسته و رجحان های آنان را بیان می کنید، انتظار آن است این فرآیند مهم هم با همدلی و تفاهم موفقیت آمیز طی شود.

دکتر روحانی تصریح کرد: با توجه به این که رأی شما به وزرا، صرفا رأی به افراد نیست، بلکه رأی به دولت و برنامه های آن است، آیین نامه داخلی مجلس زمانی برای بررسی و تشریح برنامه دولت و رأی به آن پیش بینی کرده است و لذا تلاش خواهم کرد به اختصار تحلیل خود را از شرایط موجود بیان و برنامه خود برای بهبود اوضاع را تشریح کنم.

شرایط دشوار اجتماعی و اقتصادی کشور

رئیس جمهوری با بیان این که همه می دانیم کشور در شرایط دشوار اجتماعی، اقتصادی قرار دارد، خاطرنشان کرد: فشارهای بین المللی هم بر مشکلات افزوده است، این فشارها نقطه اصلی تمرکز خود را بر اقتصاد قرار داده و تلاش کرده است مسیرهای ارتباطی کشور را با جهان خارج محدود و احیانا مسدود کنند.

حجت الاسلام و المسلمین روحانی گفت: صحبت بر سر این نیست که تحریم ها اثر گذار بوده یا نه؟ بلکه صحبت بر سر این است که آیا شیوه انتخاب شده توسط کشورهای غربی برای حل یک مشکل بین المللی درست و یا مناسب است؟

رئیس جمهوری افزود: آیا گرو گرفتن نیازهای اولیه جامعه برای حل مساله ای که می تواند راه حل های کم هزینه تری داشته باشد، شیوه ای منطقی، عقلانی، قابل قبول و مورد پذیرش بشریت در عصر کنونی و آینده است یا نه؟

دکتر روحانی با اشاره به این که در بعد اقتصاد داخلی، برخورداری از درآمدهای نفتی فراوان در سال های گذشته می توانست فرصتی استثنایی برای ظرفیت های جدیدی به وجود آورد تا از طریق ایجاد اشتغال های درآمدزا کشور را از مهمترین گردنه هرم سنی جمعیت جویای شغل عبور دهد، اظهار داشت: طبق آمار بودجه کشور برای تامین نیازهای اجتماعی جهشی صعودی داشت و هزینه های عمومی به شدت افزایش یافت.

رئیس جمهوری با بیان این که در سال های ذکر شده، بودجه دولت با هدف تامین نیازهای اجتماعی رشدی جهشی پیدا کرد، خاطرنشان کرد: از این طریق تعهدات دولت با افزایش شدید روبرو شد و واردات از محل درآمدهای مستقیم و غیرمستقیم نفتی و به رغم روند فزاینده تهدیدات خارجی با رشد فراوان مواجه شد که اتکای آن نیاز به تداوم برخورداری از درآمدهای سرشار نفتی داشت.

دکتر روحانی با اشاره به این که مصارف سیستم بانکی بر منابع پیشی گرفته و فاصله به وجود آمده با منابع بانک مرکزی پر شده است، اظهار داشت: در مجموع امروز با سه فقدان تعادل مهم در تراز پرداخت‌ها، بودجه دولت و نظام بانکی مواجهیم که باید برای رفع آنها بکوشیم.

رئیس جمهوری گفت: از طرف دیگر دو حرکت اصلاحی اساسی از مجموعه اصلاحات اقتصادی مورد نیاز کشور در عرصه واگذاری تصدی‌های دولت پس از ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ٤٤ قانون اساسی از سوی مقام معظم رهبری و اصلاح قیمت انرژی پس از تصویب قانون هدفمندسازی یارانه‌ها در سال های اخیر صورت گرفته است که دولت یازدهم باید رویکرد خود را در مورد چگونگی تداوم آنها در مراحل بعدی مشخص کند. آنچه در این مرحله روشن است ضرورت آسیب شناسی جدی اقدامات انجام شده است.

برنامه دولت برای مواجهه با دشواری ها

دکتر روحانی افزود: دولت یازدهم در سطح کلان با پنج سرفصل اقتصادی و یک سرفصل سیاست خارجی و البته سرفصلی در زمینه سیاست داخلی، امنیت و دفاع و در نهایت سرفصلی در زمینه سیاست فرهنگی و اجتماعی مواجه است که برای برخورد صحیح با هریک از آنها نیازمند برخورداری از قابلیت و کارآمدی اعضای کابینه است.

رئیس جمهوری تصریح کرد: کسری بودجه، کسری تراز پرداخت‌ها و نظام چندنرخی ارز، فقدان تعادل در سیستم بانکی، راه ناتمام هدفمندسازی یارانه‌ها و روش اجرای سیاست‌های کلی اصل ٤٤ قانون اساسی به عنوان پنج سرفصل اقتصادی در کنار مساله تحریم‌های بین المللی، سرفصل‌های اصلی مواردی را تشکیل می‌دهد که دولت در برنامه اقتصادی خود به آنها اهتمام ویژه خواهد داشت.

دکتر روحانی تأکید کرد: برنامه‌های دولت برای مواجهه با دشواری‌های موجود در دو مرحله طراحی شده است، مرحله نخست رسیدگی به برخی موارد ضروری و فوری و مرحله دوم هم پرداختن به مشکلات اصلی و ایجاد راه‌حل‌های اساسی است.

رئیس جمهوری ادامه داد: تأمین منابع مالی برنامه هدفمندی یارانه‌ها و ممانعت از بروز وقفه در پرداخت‌ها، حصول اطمینان از تأمین کالاهای اساسی مورد نیاز مردم، تنظیم رابطه میان واحدهای تولیدی، بانک ها و گمرک با هدف روان‌سازی در حوزه بانکی – تجاری و تلاش برای اجرای صحیح و واقع بینانه بودجه سال ۹۲ با توجه به تامین نشدن همه درآمدها، مواردی است که لازم است مجموعه وزرا و معاونین رئیس جمهوری در اجرای صحیح آنها بکوشند.

دکتر روحانی با اشاره به این که اقدام اینجانب در معرفی زود هنگام اعضای کابینه با توجه به همین ضرورت هاست، اظهار داشت: اقدامات ضروری و فوری در شش ماهه اول با همین هدف است تا به برقراری ثبات در اقتصاد کشور کمک کند.

رئیس جمهوری گفت: در رویکرد بنیادی در باره مشکلات اصلی کشور، دولت دو مسیر را به موازات هم دنبال خواهد کرد، از یک طرف در زمینه دیپلماسی تلاش می کنیم در چارچوب خواست استقلال طلبانه مردم بر چالش بین المللی فائق آییم و بتوانیم تداوم روند نامطلوب موجود را متوقف کنیم؛ اما از طرف دیگر محدودیت‌های موجود منابع را به منزله فرصتی تلقی خواهیم کرد تا به بهره وری فعالیت‌ها بیافزاییم.

دکتر روحانی با بیان این که باید تلاش کنیم اولاً منابع اقتصادی را افزایش دهیم و ثانیاً تخصیص منابع را بهبود بخشیم، تصریح کرد: دولت در گام نخست تلاش خواهد کرد در ارتباط میان بانک ها و بنگاه های اقتصادی تغییرات لازم را به وجود آورد، به این معنا که نظام بانکی بتواند محور اصلی جذب پس اندازهای کوچک و متوسط باشد و از طرف دیگر، بازار سرمایه هم محل دیگری برای جذب پس اندازها شود که اگر به عنوان مرکزی برای تأمین منابع مالی بنگاه ها درآید، تسهیل مناسبی برای فعالیت های تولیدی صورت خواهد گرفت.

بهبود فضای کسب و کار

رئیس‌جمهوری تأکید کرد: در زمینه بنگاه ها به طور جدی به بهبود فضای کسب و کار خواهیم پرداخت تا از این طریق فعالیت های تولیدی جذابیت پیدا کند و با بدست آوردن بازده مناسب به جذب بیشتر منابع به امور تولیدی، کمک کند؛ بازنگری شیوه‌های اجرایی سیاست های کلی اصل ٤٤ در همین چارچوب معنا پیدا خواهد کرد.

دکتر روحانی اولویت دیگر دولت را کاهش رشد نقدینگی دانست تا از این طریق شتاب تورم کنترل شود و افزود: کاهش تورم به رشد سرمایه گذاری و ثبات اقتصاد کلان کمک خواهد کرد که نتایج مثبت آن قابل توجه خواهد بود.

تداوم اجرای هدفمندی یارانه ها

رئیس جمهوری با بیان این که در همین سال مطالعات مورد نیاز برای ارزیابی چگونگی تداوم اجرای هدفمندی یارانه‌ها، مسائل مالیات، شیوه پرداخت به خانوارها، اثرات آن بر فعالیت های تولیدی و پیامدهای این تغییر بر مدل کسب و کار و بخش انرژی را آغاز خواهیم کرد، اظهار داشت: به همراه این موضوع، نظام ارزی کشور را هم به تدریج به سمت یکسان سازی نرخ ارز سوق خواهیم داد.

دکتر روحانی ادامه داد: فکر می کنیم که فاز دوم هدفمندسازی یارانه‌ها باید بسیار کاراتر و با تأکید بر رفع فقدان تعادل های اقتصاد کلان به اجرا درآید. نخستین آزمون سخت دولت تدبیر و امید در بودجه سال ۱۳۹۳ خواهد بود که مطمئناً بر مبنای معیارهای انضباط مالی، انضباط پولی، شفافیت، حداکثر سازی منابع و افزایش کارآیی مصارف تنظیم خواهد شد. در این چارچوب نقش وزرای بهداشت و درمان، آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری، کشور و دفاع در مدیریت هزینه‌ها و نوآوری در سازو کارهای مالی حوزه‌های تحت مدیریت خود بسیار تعیین کننده خواهد بود.

رئیس جمهوری با اشاره به این که از طرف دیگر، دولت در حوزه‌هایی با بنگاه‌های بزرگی سر و کار دارد که نقش مهمی برای ایجاد منابع برای بودجه عمومی دارند؛ وزارت نفت، فناوری اطلاعات و ارتباطات، صنعت، معدن و تجارت و نیرو در زمره این حوزه‌ها قرار دارند، اظهار داشت: یکی از معیارهای مهم در انتخاب وزرای این حوزه‌ها، قدرت مدیریت و برقراری ارتباط با این بنگاه‌های بزرگ بوده است.

سیاست خارجی دولت

رئیس جمهوری با بیان این که در زمینه سیاست خارجی باور این دولت برای تحقق اهداف، اتخاذ و بهره گیری از مشی اعتدال به معنی ایجاد توازن میان آرمان‌ها و واقعیت در مسیر جهت دادن واقعیات به سمت آرمان‌هاست، اظهار داشت: گفتمان سیاست خارجی در دولت حرکت واقع بینانه، خودباورانه، متوازن، هوشمندانه و تعامل سازنده و تفاهم برای ارتقای جایگاه و توسعه کشور است. در گفتمان اعتدال، افراط و تفریط جایی نخواهد داشت؛ فرصت سازی، تهدید زدایی و جلوگیری از تنش در حوزه منافع و در یک کلام، تعامل موثر و سازنده با دیگران و تعامل بر پایه احترام متقابل و از موضع برابر است.

دکتر روحانی تصریح کرد: توجه به دیپلماسی به ویژه دیپلماسی عمومی و استفاده از همه ظرفیت‌های کشور برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی، رویکرد دولت در سیاست خارجی خواهد بود.

رئیس‌جمهوری تاکید کرد: برای حصول به این مهم، ارائه چهره مطلوب از نظام جمهوری اسلامی در سطح بین المللی ضرورت دارد، از این رو دستگاه سیاست خارجی باید چنان توانا، مدیر و هوشیار باشد تا بتواند در تحولات لحظه‌ای غفلت نکند و تلاش بر این است که با بهره گیری از نیروهای توانمند دستگاه سیاست خارجی، این دستگاه توانمند و کارآمد شود و این شایسته سالاری است که بر آن پای فشرده‌ام.

دکتر روحانی با اشاره به این که سیاست خارجی عرصه جار و جنجال‌های حزبی، گروهی و رسانه ای نیست، اظهار داشت: چنین عرصه خطیری انضباط در کلام و گفتار، طراحی مواضع متعالی و سنجیده و اجرای دقیق و حرفه ای را می طلبد، زیرا سیاست خارجی عرصه تصمیم گیری، و تصمیم گیری در گرو دقت در فکر و عمل است؛ کوچکترین بی دقتی و بی انضباطی در سیاست خارجی، مخل امنیت ملی و در مواقعی در بر گیرنده آسیب‌های غیرقابل جبران است.

سیاست داخلی، امنیت و دفاع

حجت الاسلام والمسلمین روحانی با بیان این که در بخش سیاست داخلی، امنیت و دفاع هم باید بگوییم قانون اساسی و فصل حقوق ملت، منبعی است که ظرفیت‌های زیادی برای تحقق زندگی همراه با کرامت ایرانیان دارد، تصریح کرد: از آنجا که رئیس‌جمهوری مسئول اجرای قانون اساسی است و برنامه رئیس جمهوری که معطوف به همه اصول قانون اساسی بویژه فصل سوم خواهد بود، بر اجرای بخش سیاست داخلی و امنیت شهروندی اهتمام خواهیم داشت.

رئیس جمهوری در تشریح نارسایی‌هایی موجود در این بخش اضافه کرد: فقدان قانون مربوط به حقوق شهروندی، ناکافی بودن سطح آگاهی‌های عمومی، کوتاه بودن عمر احزاب و فقدان آموزش در این بخش جزو این نارسایی‌هاست.

رئیس‌جمهوری توسعه وفاق ملی و همبستگی اجتماعی، اهتمام اساسی به بازتولید سرمایه اجتماعی در جامعه، ایجاد زمینه‌های رشد در بخش‌های مختلف، تقویت مناسبات حاکمیت و ملت، ایجاد آرامش سیاسی برای فعالان همه بخش‌ها، همزیستی همه ادیان در گستره سرزمینی ایران، افزایش مشارکت مردم و اهتمام به همگرایی نخبگان و نهادینه کردن قانون مداری را جزو راه حل‌های این نارسایی‌ها دانست.

دکتر روحانی ۱. صیانت از فرهنگ و هویت دینی و ملی، ۲. تقویت توان و اقتدار فرهنگی، ۳. کمک به ارتقای سطح فرهنگ عمومی و تقویت نهادهای صنفی و تشکل های مدنی، فرهنگ و هنر، ٤. تضمین آزادی‌های قانونی، ۵. ارتقای منزلت اجتماعی نیروهای فرهنگی و هنری، ٦. صیانت از تنوع و تکثر فرهنگی، ۷. رونق اقتصاد فرهنگ و هنر، ۸. گسترش ارتباط و مبادلات جهانی فرهنگ و هنر و ۹. بهره گیری از ظرفیت های فناوری های اطلاعاتی و ارتباطاتی برای تحقق اهداف فرهنگی نظام را اهدافی برشمرد که با سیاست ها و برنامه‌هایی که تفصیل آن در اختیار نمایندگان قرار گرفته است، دنبال می‌شوند.

رییس جمهور با تأکید براین که در سالیان گذشته به طُرق مختلف از سختی‌هایی که جامعه تحمل می‌کرد و انتظارات و توقعاتی که مردم داشتند آگاه می‌شدم و از صمیم قلب باور داشتم که ایرانیان باید بهتر زندگی کنند، بر همین اساس احساس کردم وظیفه دارم آبروی خویش را که از سر همراهی با نظام و خدمت به مردم در سه دهه گذشته کسب کرده‌ام، بدون هیچ گونه محافظه‌کاری در میان بگذارم.

حجت الاسلام والمسلمین روحانی اظهار داشت: استوار و با عزمی جزم وارد میدان شدم و باور داشتم ورودم ادای تکلیف در برابر مردم شریف ایران است، احساس می‌کردم جامعه از افراط و تفریط به تنگ آمده و اعتدال راهی است که ملت به صورت گسترده به آن اقبال خواهد کرد.

دکتر روحانی گفت: در نهایت مجموع شرایط سیاسی، همراهی‌ها و تاکید بر اصول از سوی تمامی ارکان نظام سیاسی منجر به پیروزی در انتخابات شد، اکنون هم معتقدم می‌توان به مجموعه مطالبات مردم در چارچوب زمان بندی معقول و با همکاری و همدلی همه نیروهای دلسوز کشور پاسخ مناسب داد.

رئیس جمهوری با بیان این که کابینه پیشنهادی، حاصل خرد جمعی تعداد کثیری از نخبگان کشور است، تصریح کرد: باوزرای پیشنهادی شرط شده است که در انتخاب همکارانشان معیار حزبی و جناحی را بکار نگیرند و اصل بر شایسته‌سالاری، اعتدال و فراجناحی بودن باشد.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر روحانی تاکید کرد: اکنون با تدوین رئوس برنامه‌های دولت تدبیر و امید و تقدیم آن به مجلس و انتخاب کابینه، آمده ام تا به مطالبات مردم پاسخ دهم و خداوند را شاهد می‌گیرم، کوشیدم در این شرایط حساس از همه دقایق زمانی که در اختیار داشتم نهایت بهره را ببرم تا در کوتاه‌ترین زمان ممکن، مدون‌ترین برنامه و شایسته‌ترین افراد را برگزینم و در لحظه‌ای امور اجرایی کشور را بدون سکان‌دار باقی نگذارم.

تشکیل کارگروه بررسی وضع موجود

رئیس جمهوری با بیان این مطلب که از روز اول با پایبندی به قولی که به مردم داده بودم تا مشورت‌پذیر باشم و از توان نخبگی کشور برای انتخاب‌ها و تصمیم گیری‌ها بهره گیرم، کارگروه هایی را برای بررسی وضع موجود، انتخاب وزرا و تدوین برنامه‌ها تشکیل دادم، افزود: چهار کارگروه اصلی در عرصه‌های اقتصاد، سیاسی، امنیتی، سیاست خارجی و اجتماعی و فرهنگی تشکیل شد و در ذیل آن ۲۰ کارگروه فرعی با بیش از ۵۰۰ نفر از نخبگان علمی و سیاسی کشور بالغ بر شش هزار نفر ساعت کار فشرده صورت گرفت تا فهرست وزرای پیشنهادی و برنامه‌ها برای وزارتخانه‌ها تدوین شد.

دکتر روحانی اظهار داشت: با صراحت اعلام می‌کنم کابینه پیشنهادی حاصل خرد جمعی تعداد کثیری از نخبگان کشور است و در انتخاب وزرا به هیچ عنوان سهم خواهی جناح‌ها، احزاب و تشکل‌ها در کار نبوده و هیچ حزب و گروه و جناحی در تصمیم گیری نسبت به وزرا به من فشار نیاورده است و هیچ وزیری به عنوان سهم جناح یا گروه خاصی مدنظر نیست و با همه وزرای پیشنهادی شرط شده است، افکار و عقاید و وابستگی‌های گذشته‌شان محترم است اما آمدنشان در این دولت صرفا به خاطر دانش، تخصص، تجربه، تعهد و کارایی آنان در این مقطع زمانی ارائه کردم.

رئیس جمهوری خطاب به نمایندگان مجلس گفت: مبنای بنده در انتخاب وزرا و سپس معاونین خودم بر این بوده است، قطعاً شما هم در بحثتان و در نهایت در رأیتان معیارهای اصلی، انقلابی، دینی، اخلاقی و کارآمدی و نجات کشور را بدون در نظر گرفتن وابستگی های سیاسی و جناحی مدنظر قرار خواهید داد.

دکتر روحانی با بیان این که تمامی وزرایی که انتخاب شده اند از دلسوزان نظام، مطیعان رهبری و افرادی هستند که آماده فداکاری برای این کشور هستند، خاطرنشان کرد: از تک تک آنها برای این همکاری، شخصاً تقاضا و دعوت کردم و آنها برای خدمت به کشور این وظیفه را بر دوش گرفتند و پذیرفتند، البته مجلس شورای اسلامی و نمایندگان محترم طبق قانون اساسی دستشان برای هر گونه بحث و بررسی و هر گونه رأی باز است؛ همه ما هم به رأی مجلس احترام خواهیم گذاشت.

رئیس جمهوری با بیان این که برای انتخاب وزرای پیشنهادی ۲۸ معیار مدنظر بود که همگی افراد با آن معیارها سنجیده می‌شدند، تصریح کرد: مدعی نیستم که آنچه انجام شده کامل و بدون نقص است و باور ندارم که در تصمیم‌گیری‌ها کاملاً درست و بدون هیچ خطایی بودم، اما تمامی تلاش خود را به خرج دادم، تا انتخاب های درست و شایسته داشته باشم. به شایستگی آنهایی که برگزیده‌ام ایمان دارم و معتقدم هم‌نوا با اهداف و سیاست های کلی دولت در آینده خواهند بود.

دکتر روحانی اظهار داشت: همکارانی را که در روز تحلیف به مجلس شورای اسلامی معرفی کردم از آن جهت برگزیدم که در پی تحقق اهدافی هستند که در برنامه‌های مدون تقدیم شده است و کسانی را انتخاب کردم که به خوبی از پس تحقق اهداف و برنامه‌ها برآیند.

رئیس جمهوری افزود: نمایندگان عزیز و محترم؛ دولت تدبیر و امید مجموعه ای واحد است، مجموعه رایزنی‌ها و بررسی‌ها موجب شکل گیری فهرست پیشنهادی به شکل کنونی شد، در ارائه این فهرست مشکلات واقعی کشور و توانمندی‌های بالفعل افراد را در نظر گرفتم و تلاش کردم در سه بخش زیرساختی-اقتصادی، سیاسی-امنیتی و فرهنگی-اجتماعی وزیرانی را کنار هم گرد آورم که توان کار جمعی در کنار دولت داشته باشد و شرایط کشور را پیچیده تر از آن دیدم که به خود اجازه آزمون و خطا دهم.

دکتر روحانی با اشاره به این که با همه وزیران شرط کردم مدیریت استعدادهای جوان و پرورش نیروهای نخبه را در اولویت کاری خود قرار دهند، اظهار داشت: با این که وقوفم به مشکلات پیش رو بسیار عمیق است ولی هنوز هم بسیار خوش بین هستم، به اراده خداوند ایمان دارم و به هدایت‌ها و ارشادهای مقام معظم رهبری امید دارم که همواره همراه و یار دیرینه خود را مورد تفقد قرار داده اند.

رئیس جمهوری در ادامه با بیان این مطلب که به حمایت همکاران عزیز در مجلس امید دارم که فرزند مجلس را تنها نخواهند گذاشت، تصریح کرد: به این ملت بزرگ و بزرگوار هم امید دارم که منتخب خود را با صبر یاری خواهند کرد.

معرفی وزرای پیشنهادی

دکتر روحانی سپس در معرفی وزرای پیشنهادی اظهار داشت: دکتر عباس آخوندی که از بیت علم و علما هستند، دارای مدرک فوق لیسانس راه و ساختمان از دانشکده فنی دانشگاه تهران است و دکترای اقتصاد سیاسی از دانشگاه لندن است و شما ایشان را می شناسید.

رئیس جمهوری گفت: دکتر آخوندی جزء افرادی بود که در تشکیلات جهاد سازندگی فعال بوده و در دولت‌های مختلف فعالیت داشته است. ایشان قبلا به عنوان وزیر مسکن و شهرسازی مسئولیت داشته و طرح آمایش سرزمینی را در دوران مسئولیت خود تهیه کرده است. دکتر آخوندی اکنون عضو هیات علمی دانشگاه تهران و همچنین عضو شورای مرکزی نظام مهندسی ساختمان است.

دکتر روحانی ادامه داد: در مجموع با شناختی که من از ایشان و سوابق ایشان داشتم و مشورت‌هایی که با انجمن های حرفه ای صورت گرفت، دکتر آخوندی را به عنوان بهترین فرد برای تصدی این مسئولیت یافتم و به مجلس شورای اسلامی معرفی کردم.

رئیس جمهوری در مورد وزیر پیشنهادی دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، تصریح کرد: دکتر حسین دهقان را اغلب می‌شناسید وی از فعالان دفاع مقدس در سپاه تهران و یگان های رزمی در دفاع مقدس، همچنین فرمانده نیروی هوایی سپاه بوده و مسئولیت‌های متعددی بعد از دفاع مقدس داشته‌اند.

دکتر روحانی ادامه داد: دکتر حسین دهقان در دولت‌های هفتم و هشتم مسئولیت جانشینی وزیر دفاع را برعهده داشته و در زمینه‌های حساس تولید اقلام دفاعی نقش مؤثری داشتند. ایشان همچنین در بنیاد شهید و امور ایثارگران خدمت کرده و امروز هم استاد دانشگاه تهران است. با توجه به سوابق ایشان در دوران دفاع مقدس، وزارت دفاع و شناخت وی از صنایع دفاعی و چارچوب‌های وزارت دفاع و صنایع، وی به عنوان گزینه مناسب این عرصه انتخاب شده است.

رئیس جمهوری در ادامه در باره وزیر پیشنهادی علوم گفت: دکتر جعفر میلی‌منفرد از شخصیت های علمی و دانشگاهی و از افراد ممتاز علمی و استاد تمام مهندسی برق دانشگاه امیرکبیر است و تجربیات فراوانی در زمینه‌های مدیریت و اجرایی دارد و جزو افراد مؤثر در تأسیس پارک های علمی ـ فناوری در کشور بودند.

دکتر روحانی اظهار داشت: دکتر جعفر میلی منفرد در زمان دفاع مقدس در سمت معاونت دفاعی وزارت علوم خدمت کردند و در بررسی‌های انجام شده، وی را فردی مستقل دانستیم و با توجه به این که وی با همه جناح ها ارتباط دارد، به صورت مستقل عمل خواهد کرد. قول وی به جمع ما و من این بوده که مشی ایشان در دانشگاه صد درصد اعتدالی خواهد بود و برنامه‌های دولت را در دانشگاه دنبال خواهد کرد.

رئیس جمهوری در ادامه سخنانش در باره وزیر پیشنهادی جهادکشاورزی گفت: مهندس حجتی در ابتدا از پذیرش این مسئولیت امتناع می‌کرد و یکی از افراد مفید و ارزشمند این بخش را برای این وزارتخانه معرفی کرد و بعد از مشورت‌های زیاد با گروه های تخصصی و فعالان بخش کشاورزی و جهاد، در مجموع نظر همه بر این بود که مهندس حجتی مسئولیت وزارت جهاد کشاورزی را بپذیرد.

دکتر روحانی خاطر نشان کرد: مهندس حجتی دارای تجربه بسیار موفقی در این باره است. واقعا واردات امسال بنده را خیلی نگران کرد، وقتی دیدم که باید هفت و نیم میلیون تن گندم وارد کنیم، احساس کردم ما نیاز به تحول جدی در بخش کشاورزی داریم. انشاالله به حول قوه الهی این تحول با کمک همه افراد در وزارت جهادکشاورزی، نمایندگان مردم، همه کشاورزان در سراسر کشور و البته سیاست‌هایی که دولت باید درباره محصولات کشاورزی و واردات اتخاذ کند، رخ می‌دهد و امیدواریم سال آتی شاهد شرایط بسیار مطلوب تری نسبت به امسال باشیم.

دکتر روحانی با اشاره به انتخاب دکتر واعظی به عنوان وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات گفت: چهره آقای دکتر واعظی در سال های اخیر بیشتر سیاست خارجی بوده است تا ارتباطات و فناوری اطلاعات، ولی می‌دانید که تحصیلات وی در رشته ارتباطات است. نخستین آشنایی بنده بعد از انقلاب با وی این بود که آقای واعظی مسئول مخابرات کشور در زمان مرحوم شهید قندی بود و وی سال ها در آنجا فعال بود و البته بعدا فعالیت‌های زیادی هم در وزارت امورخارجه داشت.

رئیس جمهوری خاطر نشان کرد: در باره ارتباطات و فناوری اطلاعات علاوه بر تخصص در زمینه مسائل الکترونیک، مخابرات، آی‌تی و آی‌سی‌تی ما نیاز به یک ارتباطات فعال خارجی داریم برای این که شرکت‌ها، بخش‌ها و بنگاه‌های مختلف را برای دریافت تکنولوژی به بخش‌های بیرونی متصل کنیم، همچنین برای فعال شدن در بخش‌های مختلف که می‌تواند برای ما بسیار مهم و با برنامه ریزی درست کارآفرین باشد.

دکتر روحانی افزود: دکتر واعظی یکی از مدیران بسیار ارزشمند و فعال کشور است و در هر کجا که بودند حسن مدیریت وی را در آن بخش شاهد بوده ایم.

رئیس جمهوری در ادامه سخنان خود در باره وزیر پیشنهادی نیرو گفت: نخستین آشنایی بنده با مهندس چیت‌چیان در مجلس شورای اسلامی بود که جزو نمایندگان بودند، ایشان از خانواده روحانی و خانواده شهید هستند.

دکتر روحانی اظهار داشت: تحصیلات مهندس چیت‌چیان هم در همین زمینه و دارای کارشناسی مهندسی مکانیک، کارشناسی ارشد مهندسی صنایع و کارشناسی ارشد مدیریت و دانشوری است. رتبه‌های دانشگاهی وی در دانشگاه صنعتی امیرکبیر و دانشگاه تربیت مدرس ممتاز بوده است. ایشان دارای سوابق معین اجرایی و قانونگذاری است و در اوایل انقلاب مدت‌ها در سپاه فعالیت داشته است.

رئیس جمهوری گفت: حضور کسانی که در اوایل انقلاب و دفاع به دلیل دفاع از کشور در نهادهای مقدسی مثل سپاه بودند، موجب افتخار است. برخی می گویند کابینه فلانی امنیتی است که اگر به معنی فهم امنیت است، این هم افتخار است البته آنها هدف دیگری دارند.

دکتر روحانی تصریح کرد: مهندس چیت‌چیان در شرکت توانیر و برق فعال بودند، ۱۲ سال معاون انرژی، شش سال قائم مقام نیرو و همچنین معاون برنامه‌ریزی بوده‌اند و هم‌اکنون هم عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی سهند هستند. ایشان فردی خدوم، مومن، فعال، ارزشمند، صاحب نظر و متخصص است که برای وی آرزوی موفقیت دارم.

رئیس جمهوری در ادامه به معرفی علی جنتی، وزیر پیشنهادی فرهنگ و ارشاد اسلامی پرداخت و با بیان این مطلب که ایشان از چهره‌های علمی و انقلابی است و در دوران انقلاب و قبل از آن بسیار فعال بود، گفت: علی جنتی از فضلای بنام درحوزه علمیه بوده و کاملاً با فقه، اقتصاد و فلسفه اسلامی آشناست و بنده از همان سال‌های اولیه که او طلبه بود با ایشان دوست و آشنا بودم. وی در دوران قبل از انقلاب هم اینچنین بود و بعد از انقلاب هم در صدا و سیما عضو شورای سرپرستی بود و همچنین در سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، معاونت بین‌الملل و در زمانی قائم مقامی این سازمان فعالیت داشت.

دکتر روحانی افزود: علی جنتی در سیاست خارجی هم عنصر فعال و همواره دارای تفکری اعتدالی و میانه رویی بوده است.

رئیس جمهوری در ادامه به معرفی مسعود سلطانی‌فر، وزیر پیشنهادی ورزش و جوانان پرداخت و با بیان این که سلطانی‌فر از چهره‌های خدوم و فعال است که نمایندگان استان‌های مختلف از سوابق کاری ایشان مطلعند، افزود: سلطانی‌فر در شش استان فعالیت و دو سال تجربه مدیریتی در سمت قائم‌مقامی سازمان تربیت بدنی داشته و در زمینه مدیریت امور جوانان هم بسیار فعال بوده است.

دکتر روحانی با اشاره به این که سلطانی‌فر در برهه‌هایی، مسئولیت شورای جوانان استان‌ها را بر عهده داشت، خاطر نشان کرد: بینش آقای سلطانی‌فر، بینش توسعه‌ای است و با بحث‌هایی که با خود ایشان داشتم متوجه شدم صاحب فکر و علاقه‌مند به فعالیت هایی در حوزه ورزش و جوانان است و در این صحبت ها دریافتم که سلطانی‌فر تاریخچه خوبی هم در ذهن خود از ورزش و ورزشکاران دارد و در این زمینه یک کامپیوتر متحرک است و من خود از این موضوع متعجب شدم.

رئیس جمهوری با بیان این که آقای سلطانی‌فر از ظرفیت ها و مسائل ورزش کشور کاملاً مطلع است، افزود: وی در بسیاری از این زمینه‌ها سابقه مدیریتی دارد و کارنامه وی هم در استانداری و هم در ورزش درخشان بوده است.

دکتر روحانی در معرفی رحمانی فضلی به عنوان وزیر کشور با بیان این مطلب که ایشان خیلی نیاز به معرفی ندارد و آخرین مسئولیت وی با خود شما در دیوان محاسبات بوده است، تصریح کرد: آشنایی من با وی از دوره چهارم مجلس است که جزو نمایندگان معقول، صاحب‌نظر و با شخصیت بوده و همین بس که جزو عقلا بود و این دلیل بر اعتدال و میانه روی و اعتقاد به مشورت و صاحب‌نظریشان است.

رئیس جمهوری گفت: رحمانی فضلی در صدا و سیما و در شورای امنیت ملی و همچنین در وزارت کشور تجارب ارزشمندی دارد و تحصیلات رحمانی فضلی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی و دکترای جغرافیا با گرایش برنامه ریزی است و خود وی هم فردی برنامه ریز و صاحب نظر است.

دکتر روحانی با اشاره به این که علت دعوت از رحمانی فضلی برای وزارت کشور این است که خواستم استان‌های ما از نظر توسعه‌ای و اقتصادی تحرک بیشتری داشته باشد و البته مسئولیت‌های دیگری هم در وزارت کشور از جمله سیاسی و امنیتی وجود دارد، گفت: آمدن رحمانی فضلی در این سمت آرامشی را به کشور می‌دهد و به کشور اعلام می‌کند که می‌خواهیم فضایی را حاکم کنیم که عمدتا اقتصادی و فرهنگی خواهد بود و در کنارش البته جایی که لازم باشد اقدامات سیاسی و امنیتی هم انجام خواهد شد.

رئیس جمهوری درباره وزیر پیشنهادی وزارتخانه نفت با بیان این که مهندس زنگنه قادر است مسئولیت وزارت نفت را در شرایط حساس کنونی بپذیرد، خاطرنشان کرد: برای انتخاب وزیر نفت با بسیاری از افراد از جمله صاحبان و فعالان صنعت نفت با واسطه مشورت کردم. در مشورت با مهندس زنگنه، وی دو نفر را برای تصدی این وزارتخانه معرفی کرد، اما هم افراد پیشنهاد شده و هم دیگران بهترین فرد را برای وزارت نفت، مهندس زنگنه معرفی کردند.

دکتر روحانی افزود: از آقای زنگنه تجربه زیادی در دوران حضور در شورای امنیت ملی سراغ دارم و آنچه در برخی رسانه‌ها درباره وی نقل می‌شود اگر لازم باشد بنده خودم درباره آنها توضیح خواهم داد. البته این سخنان ارتباطی با صلاحیت‌های وی ندارد و اگر اشکالی وجود داشته است و اگر در مجلس دراین باره صحبت شود آن را مبرهن می کنم.

رئیس جمهوری گفت: در شرایط کنونی وزارت نفت از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است و نباید به آن به عنوان منبع درآمدی با معضلاتی که با آن مواجه است، نگریست؛ بلکه این صنعت نیازمند دیپلماسی و تلاش گسترده است و بی تردید مهندس زنگنه جزو بهترین افراد برای تصدی این وزارتخانه است.

دکتر روحانی با اشاره به آشنایی‌اش با مهندس زنگنه در دوران دفاع مقدس و تلاش وی در جهاد سازندگی و مسئولیت‌ها و فعالیت‌هایش در وزارتخانه‌های نیرو و نفت، افزود: مهندس زنگنه قادر است مسئولیت این وزارتخانه را در شرایط حساس کنونی بپذیرد.

رئیس‌جمهوری در ادامه سخنانش در معرفی وزرای پیشنهادی خود (وزیر پیشنهادی صنعت، معدن و تجارت) به مجلس شورای اسلامی گفت: مهندس نعمت‌زاده نیازی به معرفی ندارد، تا اسم صنعت را ببرید به طور طبیعی نام مهندس نعمت‌زاده در کنار آن حضور پیدا می کند. از نخستین دولت‌ها یادم هست ایشان وزیر بود و با هم برای بازدید از یک پروژه سفر استانی رفتیم، اگر ایشان را پدر صنعت و پدر پتروشیمی می گویند به درستی می گویند.

دکتر روحانی گفت: تجارب ایشان در بخش صنعت و معدن بسیار گسترده است و از همه دوستانی که غیر ایشان خواستیم دعوت کنیم همه گفتند مهندس نعمت‌زاده بیاید ما به عنوان معاون ایشان را همراهی می‌کنیم، حتی کسانی که خود مهندس نعمت زاده معرفی کرده بودند گفتند خود مهندس نعمت‌زاده بیاید.

رئیس‌جمهوری افزود: برخی گفتند سن مهندس نعمت‌زاده بالاست ولی دوستان گفتند قلب ایشان جوان است و تلاشش هم تلاش جوانان است و دو سه مشکلی که هفته‌های اخیر داشتیم ایشان با همان تلاش جوانی برطرف کرد. همه صاحبنظران صنعت کشور وی را بی تردید به عنوان پدر صنعت می‌شناسند و می تواند تجارت، صنعت و معدن را از سایه در آورد و در جایگاه خود قرار دهد چرا که در کوتاه مدت نیاز به تجارت و در دراز مدت نیاز به صنعت و معدن داریم.

حجت الاسلام والمسلمین روحانی درادامه درباره وزیرپیشنهادی امورخارجه گفت: شناخت من از دکتر ظریف به دوران دفاع مقدس، به زمانی که ایشان در بخش سازمان ملل و سیاست خارجی، قطعنامه ۵۹۸ و در مذاکرات قطعنامه ۵۹۸ فعالیت می‌کرد، برمی‌گردد. ایشان مسئولیت‌های مختلفی در وزارت خارجه به عنوان معاون وزیر یا در سازمان ملل متحد به عنوان سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران داشتند.

دکتر روحانی با اشاره به‌این که دکتر ظریف از چهره‌های ممتاز در فهم سیاست خارجی و دارای دانش و تخصص مورد نیاز و همچنین یکی از چهره های بنام در مذاکرات سیاست خارجی است، گفت: وی از افراد صاحب‌نظر و دانشمند در فهم و درک مسائل سیاست خارجی است و جزو بهترین گزینه ها برای سمت وزارت خارجه در شرایط امروز است، در شرایطی که ما به یک وزیر خارجه کاملاً آگاه، هوشمند و کارآمد برای رفع معضلات نیاز داریم.

رئیس جمهوری در معرفی دکتر علی ربیعی برای وزارت کار و رفاه اجتماعی گفت: بنده بیش از ۲۰ سال با ایشان کار کردم و حدود ۲۸ سال با هم آشناییم، دکتر علی ربیعی فردی صاحب نظر است و اگر بگوییم فکر استراتژیک دارد، سخن ناروایی نگفتم.

دکتر روحانی افزود: اکنون دکتر علی ربیعی به عنوان استاد دانشگاه و یک پژوهشگر فعالیت می کند. بحث وزارت کار و رفاه اجتماعی به غیر از بعد اقتصادی از بعد اجتماعی و کارگری هم بسیار برای ما مهم است، ایشان در زمینه مسائل اجتماعی صاحب‌نظر بوده و تحقیقات فراوان دارند، در زمینه کارگری هم به هر حال درست است که‌ایشان تحصیل کرده و صاحب نظرند اما باز هم کارگر را می شناسند. به هر حال از اول در جمع کارگری در صنوف کارگری بوده و همه کارگران کشور ایشان را از جنس خودشان می‌دانند و آشنا به درد و مشکلات آنهاست و در این مقطع بسیار مهم لازم بود که‌ایشان این مسئولیت را بپذیرند.

رئیس جمهوری در معرفی دکتر طیب‌نیا برای وزارت امور اقتصادی و دارایی با بیان این مطلب که‌ایشان فردی صاحب نظر و متخصص و از استادان دانشگاه در حوزه مسائل اقتصادی و به عنوان یکی از صاحبنظران است که دارای تجربه عملی زیادی است، افزود: وی در کمیسیون‌های مختلف دولت و نهاد ریاست جمهوری، در شورای پول و اعتبار و ستاد تنظیم بازار، سازمان مدیریت و برنامه ریزی فعال بوده و در امور اقتصادی هم سمت معاونت داشته است.

دکتر روحانی با تاکید بر این که دکتر طیب‌نیا چهره‌ای است که به دلیل دانش و تجربه‌اش مورد پذیرش صاحبنظران بوده و با بسیاری از استادان و صاحبنظران اقتصادی و گروه اقتصادی که مشورت کرده‌ایم دکتر طیب‌نیا جزو بهترین‌ها معرفی شدند، گفت: در مذاکراتی که با وی داشته و توضیحی که از سوابقشان شنیدم همین را به دست آوردیم و ان شاءالله قادر خواهند بود این وزارتخانه را در شرایطی که ما در معضل اقتصادی هستیم، متحول کند.

بقیه در صفحه ٤

پیام رهبر معظم انقلاب به همایش نکوداشت استاد مشفق کاشانی

بقیه از صفحه اول

در دیدار دست اندرکاران همایش نکوداشت استاد مشفق کاشانی در تاریخ دهم تیر ماه است و عصر دیروز از سوی آقای حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی قرائت شد، حضرت آیت الله خامنه ای با تاکید بر آراستگی اخلاقی آقای مشفق کاشانی افزودند:شعر ایشان، چه اشعار مذهبی و آئینی و چه شعرهایی که درباره مسائل انقلاب گفته اند، همه از جمله شعرهای مفید و اثر گذار است. آئین تجلیل و نکوداشت استاد مشفق کاشانی دیروز در تالار وحدت با حضور دکتر سید محمد حسینی ، چهره‌های فرهنگی و خانواده این شاعر برگزار شد.

در این مراسم از کتاب استاد مشفق کاشانی با عنوان «به رنگ آینه» رونمایی شد.، عنوان این کتاب از یکی از غزل‌های مشفق کاشانی انتخاب شده است.این کتاب در قطع وزیری و حدود ۸٦٤ صفحه بود که در بردارنده گفت‌وگو با استاد مشفق کاشانی، سالشمار زندگی، آثار مشفق در آینه نقد و نظر، سخنرانی‌ها، مقالات و دیدگاه‌ها و همچنین گزیده اشعار و نو سروده‌ها و آثار چاپ نشده این شاعر کاشانی است.مجموعه اسناد و تصاویری در کتاب «به رنگ آینه» گرد آمده که پس از رونمایی به حاضران اهدا شد.

این مراسم با پخش کلیپی از سخنان مقام معظم رهبری آغاز شد و در ادامه، علاوه بر وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، شعرایی چون موسوی گرمارودی، علیرضا قزوه، محمدعلی بهمنی و چهره‌های فرهنگی چون محسن مومنی شریف رئیس حوزه هنری و امیر خوراکیان رئیس سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران به ایراد سخنانی درباره این شاعر غزل‌سرا پرداختند.

در این مراسم علاوه بر رونمایی از کتاب به رنگ آیینه (مجموعه دست‌نوشته‌ها و خاطره‌های مشفق کاشانی) هدایایی از سوی چهره‌های فرهنگی به این استاد تقدیم شد.

استاد مشفق کاشانی نیز در مراسم بزرگداشت خود علاوه بر تشکر از سیدمحمد حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، چند غزل خواند.

در پایان نیز عبدالحسین مختاباد اشعاری از این شاعر را که پیش‌تر به آواز خوانده بود، مجددا اجرا کرد.

در این مراسم نمایشگاهی از عکس‌ها و آثار این شاعر نیز برپا شد. همچنین با توجه به این‌که برخی از شعرهای مشفق کاشانی را خوانندگانی چون مختاباد، افتخاری، اصفهانی، گلریز و مهرداد کاظمی اجرا کرده‌اند، این مراسم با حضور برخی از خوانندگان همراه بود. سی‌دی این شعرها هم با صدای این خوانندگان به حاضران تقدیم شد.

" عباس کی منش " مشهور و متخلص به مشفق کاشانی ، شاعر ، ادیب و فارسی پژوه در سال ۱۳۰٤ در شهر کاشان چشم به جهان گشود . پس از گذراندن دوره های ابتدایی و متوسطه ، در اداره فرهنگ (آموزش و پرورش) کاشان شروع به کار کرد . سپس ، تحصیلات خود را تا اخذ دانشنامه کارشناسی ارشد و در رشته حسابداری و بودجه از دانشگاه تهران ادامه داد .

از سال سوم ابتدایی اولین شعر را سرود و به محافل ادبی کاشان و در محضر شادروان حسینعلی منشی کاشانی راه یافت تا اینکه در آذر ماه ۱۳۳۳ به تهران آمد و تا سال ۱۳۵۸ در آموزش و پرورش با عناوین آموزگاری ، دبیری و امور اداری خدمت کرد و در این سال به کسوت بازنشستگی در آمد .

مشفق کاشانی در سالهای پس از انقلاب به عضویت شورای شعر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، شورای شعر و ادب اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی تهران ، شورای عالی شعر صدا و سیما ، شورای شعر سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران ، عضو شورای شعر در ستاد نماز و رئیس انجمن شاعران ایران در آمد .

مشفق کاشانی از غزل سرایان انقلاب اسلامی است که غزل های او سرشار از تصویرهای تازه با زبانی روان و در آوردن معانی دلپذیر و اندیشه های نو دارای لحنی بس دلکش می باشد .

از آثار او :

« صدای غم » / ۱۳۲۳

« خاطرات » (مجموعه شعر) / ۱۳۲٦

« سرود زندگی » (مجموعه شعر » / ۱۳٤۱

« شراب آفتاب » (مجموعه شعر) /۱۳٤۲

« آذرخش (گزیده اشعار)» /۱۳٦۵

« مجموعه آینه خیال » /۱۳۷۳

« بهار سرخ سرود »

« هفت بند التهاب » شعر /۱۳۷٦

« نقشبندان غزل» /۱۳٦۵

« خلوت انس » (در شرح احوال و مکاتبه های شاعران معاصر) /۱۳٦۸

« آینه بردباری » : سروده هایی از شاعران گذشته و معاصر در مناقب و مصایب /۱۳۷۸

« پرتو عرفان» : شرح اصطلاحات عرفانی کلیات شمس / ۱۳٦٦

« اسرار عشق و مستی » / ۱۳۷٤

« جمعه خونین مکه به روایت شاعران امروز » / ۱۳٦۷

« چهر های ماندگار » : استاد عباس کی منش (مشفق کاشانی) /۱۳۸۲

« دیوان صباحی بیدگلی » / ۱۳۳۸

« رندان سلوک در شبه قاره هند » /۱۳۸۱

« سرود سرخ بهار » : مجموعه شعر جنگ / ۱۳۷۳

« سوگنامه امام » : مجموعه شعر / ۱۳٦۹

« سیمای محمد (ص) در آینه شعر فارسی » / ۱۳۷۰

« شاعران ایران » /۱۳۸۰

« شب ، همه شب » / ۱۳۸۱

« گزیده ادبیات معاصر » مجموعه شعر / ۱۳۷۸

تجلیل از دکتر سیدمحمد حسینی

دکتر سیدمحمد حسینی ، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در دیدار با کارکنان این وزارتخانه و در مراسم تجلیل از وی که دیروز برگزار شد، در سخنانی گفت: به آقای روحانی و جناب آقای جنتی تبریک می‌گویم که در روزهای آینده سکان‌دار وزارت ارشاد می‌شوند و بر همکاری معاونان و کارکنان با ایشان تا زمانی که لازم است، تاکید می‌کنم.

او افزود: خود من هم با ایشان جلسه‌ای داشتم و اعلام کردم در آینده هر مشورت و اطلاعاتی را که آقای جنتی لازم داشته باشند، در اختیارشان قرار خواهیم داد. امیدوارم در دولت بعدی گام‌های بلندتری در عرصه فرهنگ برداشته شود.حسینی همچنین عنوان کرد: امیدوارم همه کارهایی که دوستان ما انجام دادند رنگ الهی داشته باشد و تلاش‌مان ذخیره آخرت‌مان شود. در روایت داریم که در روز حساب اعضای بدن ما، ملائک و اولیای الهی، پیامبران و حتی مکان‌هایی که در آن‌ها قدم برداشته‌ایم، درباره اعمال‌مان گواهی می‌دهند. اگر سفرهای مختلف استانی ما برای خدا باشد، وجب به وجب خاک مکان‌هایی که به آن‌ها سفر کرده‌ایم، نزد خداوند شهادت خواهند داد.

او ادامه داد: تک تک روزهای چهار سالی که بر ما گذشت، شاهد اعمال ما هستند، پس اگر گاهی سخت‌گیری می‌کردیم، به این دلیل بوده است. در این چهار سال خیلی‌ها خواستند ما را سرگرم قیل و قال بی‌حاصل کنند، اما ما فکر کردیم اگر اقدامات ایجابی انجام دهیم، خیلی بهتر است. تا حدودی هم در این امر موفق بوده‌ایم.

او سپس با خواندن یکی از رباعی‌های خیام گفت: فکر می‌کنم باید تغییر را به فال نیک گرفت. ما به جای دیگران آمده‌ایم و دیگران هم به جای ما می‌آیند و این حرکت ادامه دارد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی سپس درباره قرآنی که در لبنان به چاپ رسیده است، گفت: ما نیاز داشتیم در خارج از ایران مصحف واحدی به چاپ برسانیم. پس از صحبت با دوستانی که در فعالیت‌های قرآنی شرکت می‌کنند، تصمیم به چاپ یک میلیون نسخه از این قرآن گرفتیم تا در کشورهای اسلامی توزیع شود.او ادامه داد: این قرآن چهار رنگ دارد و با آرم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جمهوری اسلامی ایران به چاپ رسیده است. هر دستگاه دیگری هم می‌تواند آن را به نام خود چاپ و در سراسر کشورهای اسلامی توزیع کند.

حسینی عنوان کرد: این قرآن به عنوان نماد جمهوری اسلامی ایران انتخاب شده است، چون درباره ایران می‌گویند این‌ها قرآن را تحریف کرده‌اند و قرآن دیگری دارند، ما نیاز داریم این قرآن را با آرم جمهوری اسلامی ایران در سراسر دنیا عرضه کنیم. خط این قرآن عثمان طاهاست و آقایان فداکار و محمدی برای آن زحمت بسیاری کشیده‌اند.در بخش دیگری از این نشست، سیدمحمود دعایی، مدیرمسؤول روزنامه اطلاعات، با تمجید از دکتر سیدمحمد حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، گفت: چون این دوره از فعالیت آقای حسینی به پایان رسیده و ایشان دیگر در این مسؤولیت حضور ندارند که من بخواهم مجیز بگویم و چیزی از ایشان بخواهم، می‌خواهم چند جمله از سجایای خانوادگی ایشان بگویم. خانواده‌ای که ایشان در آن رشد کرده‌اند، یک خانواده آزاد اندیش ، دموکرات و آزاد است.او افزود: در این خانواده سه برادر هستند که سه جور فکر می‌کنند و خانواده هر سه را تحمل کرده است. این نشانه آزادگی آن خانواده است که طوری بچه‌های‌شان را تربیت کرده‌اند که آزادانه فکر و خود مسیرشان را انتخاب کنند.دعایی همچنین عنوان کرد: در طول سالیان مسؤولیت ایشان اگر معاونی به ایشان تحمیل شد، ایشان تبعاتش را پذیرفت و نهایت سازگاری را در همکاری داشت. اگر هم مسؤولی را خود انتخاب کرد ، نشان داد چقدر سنجیده و دقیق این کار را انجام داده است. ما از انتشارات اطلاعات یک دوره مجموعه انتشارات خود را به جای گل به آقای دکتر حسینی تقدیم می‌کنیم.چون گل همین پنج روز و شش باشد وین گلستان همیشه خوش باشد.

در ادامه این نشست، پیامی از طرف سردار محمدرضا نقدی، رییس سازمان بسیج مستضعفین، خطاب به سیدمحمد حسینی خوانده و هدیه‌ای از طرف این سازمان به او تقدیم شد.

در این نشست همچنین حمید محمدی، از دست‌اندرکاران چاپ قرآن با آرم ایران، گفت: از آرزوهای دیرینه ما بود که قرآنی منتشر کنیم که در جهان بفهمند مختصات هنر ایرانی در آن دیده می‌شود.او ادامه داد: در همین راستا جلسات مختلفی در دفتر مقام معظم رهبری تشکیل شد و پس از مذاکرات طولانی شرایط تدوین این قرآن مشخص و قرار شد با چهار خط برای مشارقه، مغاربه، شبه قاره و منطقه بیداری اسلامی منتشر شوند. قرآنی که هم‌اکنون چاپ شده است، ویژه منطقه بیداری اسلامی است. این قرآن به ٤٠ زبان و در هر زبان ۵٠ هزار نسخه ترجمه و منتشر خواهد شد. تمام نهادهای جمهوری اسلامی ایران اگر بخواهند در سطح بین‌المللی قرآنی منتشر کنند، طبق ضوابط شورای بین‌المللی بیت، موظف هستند این قرآن را منتشر کنند.

علی اسماعیلی ، سرپرست معاونت فرهنگی وزارت ارشاد، نیز با تقدیم هدیه‌ای به وزیر، گفت: این مجلس برای تجلیل از استاد و محققی برگزار می‌شود که چهار سال مسؤولیت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را برعهده داشته است. تواضع ایشان بخصوص در قبال اصحاب فرهنگ و اندیشه از ویژگی های‌شان است.او افزود: امروز از وزیری اخلاق‌مدار و مردم‌مدار تقدیر می‌کنیم که چهار سال سکان‌داری فرهنگ این مرز و بوم را برعهده داشته است. این مجلس قدردانی را برای جمهوری اسلامی مبارک می‌دانیم. نام حسینی یادآور ارزش‌مداری، آرمان‌گرایی ، تعهد و آزاداندیشی است. در این نشست همچنین هدایایی از طرف معاونت هنری وزارت ارشاد، کمیسیون اقتصادی مجلس، معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد، سازمان سینمایی، معاونت ستاد دفاع مقدس، دبیر ستاد عالی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد، مؤسسه هنرمندان پیشکسوت، سازمان اوقاف و امور خیریه، مشاور امور بانوان وزیر، معاون ستاد دفاع مقدس، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، مرکز هنرهای تجسمی، مرکز آموزش و توسعه فعالیت‌های فرهنگی و هنری، مرکز توسعه هنرهای معاصر، حراست وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، خبرگزاری‌های ایرنا و شبستان، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، رییس مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت ارشاد، بنیاد آفرینش‌های نیاوران و معاونت قرآن و عترت وزارت ارشاد، به سیدمحمد حسینی تقدیم شد.

یازدهمین جشنواره شعر و داستان سوره در سنندج برگزار می‌شود

سرویس فرهنگی ـ هنری: یازدهمین جشنواره شعر و داستان جوان سوره در شش بخش سعر کلاسیک، شعر نیمایی و آزاد، شعر کودک، ترانه، داستان کوتاه و داستان کودک ۲٦ و ۲۷ مرداد در سنندج برگزار می‌شود.

به گزارش خبرنگار ما، در نشست خبری که به همین منظور در حوزه هنری تهران برگزار شده بود، علیرضا قزوه مدیر جدید مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری که پس از درگذشت امیرحسین فردی مدیر پیشین این مرکز به این سمت منصوب شده است، ضمن یاد کردن از امیرحسین فردی گفت: شاید درخشان‌ترین نام‌ها از میان شاعران معاصر نظیر قیصر امین‌پور، حسن حسینی و سلمان هراتی از حوزه هنری سر برآورده و اولین کتابهایشان را نیز اینجا به چاپ رسانده‌اند.

قزوه افزود: همواره سنگینی کفهٔ ادبیات انقلاب اسلامی در حوزهٔ هنری بوده است و جشنواره شعر و داستان جوان سوره به عنوان برجسته‌ترین حادثه ادبی کشور مربوط به ادبیات پس از انقلاب است و امسال این جشنواره در استان کردستان که مردمانش به شجاعت و آداب دانی شهره هستند و در شهر سنندج برگزار می‌شود.

او سپس به تأسیس دفتر فارسی زبانان حوزه هنری اشاره کرد و فعالیت این دفتر را مربوط به کشورهایی برشمرد که زبان فارسی هنوز در آنها جریان دارد و گفت که حوزه هنری در تلاش است تا فعالیت این دفتر را در سطح کشورهای فارسی‌زبان نیز گسترش دهد.مدیر مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری از یادبود یکی از شاعران بزرگ کردستان به نام «شیرکو بی‌کس» در یازدهمین جشنواره شعر و داستان سوره خبر داد و از او به عنوان یکی از شاعران بزرگ بین‌المللی که در کردستان عراق نیز متولد شده است، یاد کرد.قزوه همچنین خبر داد که چندی پیش در حوزهٔ ادبیات فارسی زبانان خارج از کشور «جایزه شهریار» با یاد استاد شهریار تشکیل داده است و در ادامه افزود: در مراسم افتتاح این بنیاد نمایندگانی از ۳۵ دانشگاه و مؤسسات فرهنگی معتبر حضور داشتند که علاوه بر پشتیبانی این مؤسسات و دانشگاه‌ها از این بنیاد، چند بانک نیز آن را حمایت مالی می‌کنند و در جلسات علمی این بنیاد تصمیم گرفته شد که این بنیاد ادبی را در کشورهای دیگر هم تشکیل دهیم و در این راستا در دانشگاه «جامعهٔ ملیه الاسلامیه» دهلی هندوستان انجمن ادبی شهریار را بنیانگذاری کردیم و چهار استاد دانشگاه به ریاست عراق رضازبدی، دکتر کلیم اصغر، عبدالحلیم اخگر و سیدعباس نقوی در جلسات آن که به صورت ماهانه برگزار می‌شود، حضور خواهند داشت.

محمدعلی قاسمی، رئیس حوزه هنری ایلام و دبیر هنری جشنوراه در ادمهٔ این نشست به ارائه گزارشی مختصر از یازدهمین جشنواره شعر و داستان سوره پرداخت و گفت: ۱۲٦۱ اثر در تمامی بخش‌ها به دبیرخانه رسید که البته تعداد آثار بیشتر از این تعداد بود ولی به دلیل محدودیتی که جشنواره برای آثار جوانان تا سی سالگی داشت، آثاری که از افراد بالای ۳٠ سال سن ارسال شده بود، کنار گذاشته شد و به این ترتیب از میان آثار حائز شرایط شرکت در جشنواره ۳۱٦ اثر در بخش داستان کوتاه، ٦٠ اثر در بخش ترانه، ٦۹ اثر در بخش داستان کودک، ۳۲۹اثر در بخش شعر کلاسیک، ۲۷٠ اثر در بخش شعر نیمایی و ٦۲ اثر در بخش شعر کودک به دبیرخانه ارسال شده است.علاوه بر این بخش‌ها، بخش ویژه‌ای هم برای جشنوارهٔ امسال طراحی کردیم که اختصاص به شعر و داستان کردی دارد.قاسمی، زمان برگزاری اختتامیه را ساعت ۱۷ و ۳٠ دقیقه روز ۲۷ مرداد اعلام کرد و ضمن آن گفت که در این جشنوارهٔ به یاد امیرحسین فردی، برنامه‌ای برگزار خواهد شد که ریز برنامه‌های آن اعلام می‌شود.وی همچنین به کارگاه‌هایی که به عنوان بخش جنبی جشنواره برگزار خواهد شد اشاره کرد و گفت: کارگاه شعر کودک و نوجوان، کارگاه داستان کودک و نوجوان، کارگاه شعر کلاسیک و نیمایی، کارگاه داستان بزرگسال، کارگاه شعر ترانه و کارگاه ترجمه و شعر کردی کارگاه‌های آموزشی جشنواره یازدهم شعر و داستان سوره را تشکیل می‌دهند.امین مرادی رئیس حوزه هنری استان کردستان و دبیر اجرایی جشنواره هم در این نشست از تجلیل از سه ادیب و نویسنده در یازدهمین جشنواره شعر و داستان سوره خبر داد وگفت: عبدالرحمان شرفکندی که کتاب قانون ابن‌سینا را به کُردی ترجمه کرده است، عمر صالحی صاحب که دیوان شعر حافظ را به کردی ترجمه کرده و مرحوم شاهرخ اورامی در این جشنواره مورد تجلیل قرار می‌گیرند.

این جشنواره از ۲٦ تا ۲۷ مرداد در پردیس سینمایی بهمن سنندج برگزار می‌شود.

کسب رتبه هفتم ریاضی جهان توسط دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف

تیم ریاضی دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف در بیستمین مسابقات بین‌المللی دانشجویی ریاضی که در کشور بلغارستان برگزار شد، رتبه هفتم را کسب کرد.

به گزارش ایرنا تیم ریاضی دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف با کسب ٦ مدال عنوان هفتم بیستمین دوره مسابقات بین المللی دانشجویی ریاضی را به خود اختصاص دادند.دانشگاه صنعتی شریف در این مسابقات که با سرپرستی دکتر میر امید حاجی صادقی به کشور بلغارستان اعزام شده بودند، توانستند با کسب سه مدال طلا، دو مدال نقره و یک برنز رتبه هفتم این مسابقات بین المللی را به خود اختصاص دهند.بنا براین گزارش آیدین یوسف زاده، سهند سیف نشری، مجتبی شکریان زینی مدال طلای این دوره از مسابقات را کسب کردند و همچنین حسام رجب زاده اصطهباناتی، امیر حسین گرزی مدال نقره و امیرمسعود گیوه چی مدال برنز این دوره از مسابقات را به خود اختصاص دادند.

دستاورد دانشمند ایرانی در فشرده‌سازی نور

دانشمند ایرانی موسسه فناوری کالیفرنیا با همکاری گروهی از محققان موفق به ساخت سیستم سیلیکونی مینیاتوری شده‌اند که در فرکانس‌های خاص، نور ساکت‌تری تولید کرده و از نوسانات کوانتومی کمتر از نوع موجود در خلأ برخوردار است.

به گزارش ایسنا، یکی از دیدگاه‌های غیرمنطقی و عجیب مکانیک کوانتومی این است که حتی در خلأ نیز همه چیز بی حرکت نبوده و سطوح پایین اختلال موسوم به نوسانات کوانتومی همیشه وجود دارند.سیستم جدید امیر صفوی نائینی، فارغ‌التحصیل موسسه فناوری کالیفرنیا و همکارانش نوع خاصی از نور با نوسانات کمتر موسوم به نور فشرده تولید کرده که برای اندازه‌گیری‌های دقیق در سطوح پایین‌تر نیرو نسبت به میزان مورد نیاز در زمان کار با نور عادی کاربرد دارد.

کوتاه آموزشی

محدودیت خوابگاهی در ۸۲ دانشگاه برای سال تحصیلی جدید

۸۲دانشگاه اعلام کردند که تعهدی در تامین خوابگاه ندارند و در صورت تامین خوابگاه، با شرایط خاصی آن را واگذار می کنند.

به گزارش مهر،براساس اعلام سازمان سنجش از ظرفیت ۷۱۲ هزار و ۳٦۷ نفری پذیرش در کنکور ۹۲، حدود ۱٠۲ هزار و ٦۳٠ نفر امسال در دوره روزانه دانشگاه‌ها در پنج گروه علوم ریاضی، علوم تجربی، علوم انسانی، هنر و زبان‌های خارجی پذیرفته می شوند که ظرفیت خوابگاهی برای این گروه محدود است.همچنین حدود ۲۸ هزار و ۲٤٤ نفر در دوره شبانه دانشگاه ها پذیرفته خواهند شد این در حالی است که دانشگاه ها تاکید کرده اند هیچ تعهدی در برابر تامین خوابگاه برای دانشجویان دوره شبانه ندارند.براساس وضعیت خوابگاهی دانشگاه ها در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ بیشتر دانشگاه ها از خوابگاه های خودگردان استفاده کرده و دانشجویان را به استفاده از خوابگاه‌های خودگردان سوق داده اند. به عنوان مثال دانشگاه ارومیه امسال تمام ورودی های جدید کارشناسی خود را در خوابگاه های خودگردان پذیرش می کند .

زمان توزیع کارت و برگزاری آزمون کاردانی

مشاور عالی سازمان سنجش از آغاز توزیع کارت آزمون دوره‌های کاردانی نظام جدید دانشگاه فنی حرفه‌ای و موسسات آموزش عالی غیرانتفاعی و غیردولتی ازدیروز خبر داد.

دکتر حسین توکلی در گفت‌وگو با ایسنا، افزود: این آزمون در ٤۱ کد رشته امتحانی در صبح و بعد ازظهر روز جمعه ۲۵ مردادماه در ۱٤۳ شهرستان کشور برگزار می‌شود. وی درباره زمان توزیع کارت شرکت در آزمون نیز، گفت: کارت شرکت در آزمون داوطلبان دوره‌های کاردانی نظام جدید دانشگاه فنی و حرفه‌ای و موسسات آموزش عالی غیرانتفاعی و غیردولتی در روزهای ۲۱ تا ۲٤ مرداد ماه برای مشاهده و پرینت بر روی سایت سازمان سنجش به نشانیwww.sanjesh.org قرار می گیرد.

مدت زمان تحصیل دانشجویان پیام نور یک ترم کاهش یافت

مدیرکل برنامه ریزی تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور از کاهش یک ترم تحصیل دانشجویان کارشناسی این دانشگاه خبر داد. محمد هادی امین ناجی در گفتگو با مهر، گفت: سقف ترمی تحصیل دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه پیام نور از ۹ به ۸ ترم در سال تحصیلی جدید کاهش می یابد.

وی در این باره با ارائه توضیحاتی، اظهار داشت: از ابتدای سال تحصیلی جدید، دانشجویان می توانند مدت زمان تحصیلشان را از ۹ ترم به ۸ ترم با دریافت واحدهای بیشتر، کاهش دهند.وی ادامه داد: هر دانشجوی کارشناسی به طور معمول ملزم به گذراندن ۱۳۵ تا ۱٤٠ واحد درسی در طول ۹ ترم است، تا پیش از این دانشجویان با توجه به شرایطی که داشتند، می توانستند حداکثر تا ۱۵ واحد درسی را در هر ترم بگذرانند اما از ترم جدید دانشجویان این امکان را دارند که حداکثر تا ۲٠ واحد اخذ کنند.

تدوین دستورالعمل چگونگی تأمین یارانه دولت برای کالاهای اساسی

وزارت صنعت در حال تدوین دستورالعملی برای مشخص شدن منابع تأمین مابه‌التفاوت ارز مرجع و مبادله‌ای برای بانک مرکزی است.

رضا باکری دبیر انجمن فرآورده های لبنی در گفتگو با تسنیم گفت: همان طور که پیش از این گفته شد بود، بانک مرکزی اعلام کرده بود که نرخ ۲۴۷۷ تومان مصوب بودجه را قبول دارد که در مقابل، وزارت صنعت اعلام کرده هنوز ۷ قلم کالای اساسی ارز ۱۲۲۶ تومان باید دریافت کنند، بر این اساس واحدهای تولیدی و شرکتها منتظر تصمیم نهایی برای پرداخت مابه التفاوت این دو نرخ هستند. دبیر انجمن صنایع لبنی کشور با اشاره به اینکه از ابتدای مرداد هیچ فردی نتوانسته از ارز ۱۲۲۶ تومانی استفاده کند، زیرا هنوز بانک‌ها مطالبه ۲۴۷۷ تومانی را دارند، خاطر نشان کرد: تا زمانی که وزارت صنعت چگونگی پرداخت مابه‌التفاوت و منابع یارانه‌ای آن را ابلاغ نکند، وضع به همین روال خواهد بود.

وی با بیان اینکه نهاده‌ها جزء کالاهایی هستند که از نظر وزارت صنعت با ارز ۱۲۲۶ تومان دریافت کنند، تصریح کرد: ظاهراً بعد از تصمیم دولت یازدهم مبنی بر تأمین ارز کالاهای اساسی و اجازه ترخیص این کالاها با ارز مرجع، وزارت صنعت در حال تدوین دستورالعملی است که منابع تخصیص مابه التفاوت ارز ۱۲۲۶ و ۲۴۷۷ تومان مشخص شود.

اختصاص ارز ۱۲۲۶تومانی به واردات گندم و نهاده های دامی

از سوی دیگر همچنین‌معاون بازرگانی داخلی شرکت پشتیبانی امور دام گفت: براساس تصمیم ستاد تدابیر ویژه از این پس به نهاده‌های دامی و گندم ارز ۱۲۲۶ تومانی تعلق می‌گیرد. عباس پشم‌فروش در گفتگو با ایسنا درباره کشتی‌های حامل نهاده‌های دامی با بیان این‌که از مجموع شش کشتی حامل نهاده‌های دامی، چهار کشتی در حال ترخیص بار هستند، بیان کرد: مجموعا شش کشتی نهاده دامی به مقصد ایران در حال حرکت بود که از این تعداد چهار کشتی در حال ترخیص هستند. ولی بار این کشتی‌ها به دلیل مسائل ارزی اجازه خروج از بندر را ندارد.وی با اعلام این که براساس تصمیم ستاد تدابیر ویژه از این پس به نهاده‌های دامی و گندم ارز ۱۲۲۶ تومانی تعلق می‌گیرد، خاطر نشان کرد: هرچند بانک مرکزی اعلام کرده است که ارز ۱۲۲۶ حذف شده، ولی ستاد تدابیر ویژه قول داده که بحث ارز را حل کند.نامبرده در ادامه از کاهش قیمت سویا، ذرت و جو در بازار طی روزهای اخیر خبر داد و تصریح کرد: از این پس نهاده‌های دامی و گندم با ارز ۱۲۲۶ تومانی وارد می‌شود.

طرح تحول صنعت خودرو تدوین می‌شود

دو خودروساز بزرگ کشور کمیته ای ویژه تشکیل دادند تا استراتژی‌ها و برنامه های جدید خود را با هدف ایجاد تحول در صنعت خودرو تدوین و به دولت ارایه کنند.

به گزارش مهر، در جلسه ای که هفته گذشته دو خودروساز بزرگ کشور با انجمن های خودروسازان و قطعه سازان برای چاره جویی در جهت خروج از بن بست پیش روی این صنعت تشکیل داده بودند، قرار شد کمیته ای ویژه با عضویت ایران خودرو، سایپا و انجمن قطعه سازان و خودروسازان برنامه های پیشنهادی برای خروج صنعت خودرو از شرایط بغرنج فعلی را تدوین و به عنوان پیشنهاد به دولت ارایه کند.

در این جلسه مطرح شد با توجه به تمام مشکلات موجود و وضع شکننده این صنعت ، پتانسیل‌های آن به قدری بالا هست که اگر نگاه کلان مدیریتی و حاکمیتی به این صنعت اصلاح‌شود، صنعت خودرو کشور می تواند با همین امکانات و شرایط تحریمی موجود، تحولی مثبت در جهت رشد این صنعت ایجاد کند.

این کمیته آماده همکاری با دولت منتخب است و معتقد است اگر نگاه کلان حاکمیتی نسبت به این صنعت اصلاح شود، خودروسازان می توانند در جهت ارتقای کیفیت و استانداردهای خودرویی جلوتر از تکالیف و الزامات دولتی عمل کنند.

در جلسه مذکور مقرر شد برنامه تحول صنعت خودرو توسط کمیته ویژه حول چهار محور اصلی شامل توسعه محصول، صادرات، تعیین تکلیف قیمت و افزایش تولید تدوین شود.

هم اکنون بیش از یک ماه از شروع نخستین تحریم های صنعت خودرو کشور می گذرد و به گفته دست اندرکاران صنعت خودرو، حتی در صورت غلبه بر این تحریم ها، ۴۰تا ۵۰ درصد به هزینه تامین قطعات وارداتی خودرو افزوده خواهد شد. همین مساله موجب شده آنها برای ادامه حیات خود از رئیس جمهوری جدید درخواست کمک عاجل کنند.

براساس این تحریم های بی‌سابقه در صنعت خودرو که از ابتدای ماه جولای به مورد اجرا گذاشته شده و شرکتهای کره‌ای پیشتاز آن هستند، کشورها و شرکتهای طرف فعالیت با خودروسازان ایرانی در صورت هرگونه خرید، تامین یا انتقال کالا و خدمات مورد استفاده در صنعت خودروسازی ایران، با برخورد شدید دولت امریکا مواجه خواهند شد.

به گفته کارشناسان صنعت خودرو ، دولت آمریکا به این دلیل برای نخستین بار صنعت خودرو ایران را هدف تحریم های مستقیم خود قرار داده که این صنعت به خصوص طی ماههای گذشته در شرایط شکننده ای قرار گرفته است و از این رو آنها تصور می کنند می توانند با اعمال فشار بیرونی، ضربه آخر را به صنعت خودروسازی ایران وارد کنند.

در این زمینه داوود میرخانی رشتی مشاور انجمن خودروسازان ایران گفت: هم‌اکنون وضع صنعت خودرو خاکستری است و در صورت بهبود وضعیت می‌توان به عادی شدن شرایط این صنعت امیدوار بود.

به گزارش ایسنا،وی با بیان این‌که باید از نظر مالی نقدینگی سنگینی به خودروسازان تزریق شود، اظهار داشت: خودروسازان هم‌اکنون حداقل به ۲۰۰۰ میلیارد تومان نقدینگی نیاز دارند تا بتوانند مطالبات قطعه‌سازان را پرداخت کرده و با دریافت قطعات جدید، تیراژ تولید خودرو را افزایش دهند.

مشاور انجمن خودروسازان ایران ادامه داد: مصوبه دولت قبلی در اردیبهشت سال ۹۱ مبنی بر پرداخت دو هزار میلیارد تومان به این صنعت محقق نشد با این حال امیدواریم با روی کار آمدن دولت جدید این مصوبه اجرایی شود.

وی اضافه می‌کند: به هرحال خودروسازی در وضعی قرار گرفته که تحت فشارهای متعدد داخلی و خارجی مجبور به کاهش تولید، قطع همکاری با شرکت‌های معتبر جهانی و رویکرد به شرکت‌های چینی شده است.

نفت، طلا، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۱۰۵/۴۳ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۱۰۷/۸۱ دلار
هر بشکه نفت اوپک	۱۰۴/۴۷ دلار
هر اونس (۳۱/۱گرم) طلا	۱۳۴۱/۵۰ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳گرم)	۱۰۵۰۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۱۰۸۵۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶گرم)	۵۸۰۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۳۸۰۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۲۴۰۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۱۰۵۴۰۰ تومان
هر گرم نقره خام (عیار ۹۹۹)	۲۲۳۵ تومان
دلار آمریکا(نرخ بانکی)	۲۴۷۹ تومان
دلار آمریکا(نرخ غیر بانکی)	۳۲۲۵ تومان
یورو(نرخ بانکی)	۳۳۰۳/۳ تومان
یورو(نرخ غیر بانکی)	۴۲۸۰ تومان
پوند انگلستان(نرخ بانکی)	۳۸۴۱ تومان
پوند انگلستان(نرخ غیر بانکی)	۴۹۸۰ تومان
درهم امارات (نرخ بانکی)	۶۷۵ تومان
درهم امارات (نرخ غیر بانکی)	۸۸۰ تومان

اخبار کوتاه اقتصادی

یارانه نقدی امشب واریز می شود

یارانه نقدی مرحله سی‌ام مربوط به مرداد ساعت۱۲ امشب به ازای هر نفر ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومان به حساب سرپرستان خانوار واریز و قابل برداشت می‌شود.سازمان هدفمند سازی یارانه‌ها در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: یارانه نقدی مرحله سی‌ام مربوط به مرداد ۹۲ ساعت ۲۴ روز سه‌شنبه ۲۲ مرداد به ازای هر نفر ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومان به حساب سرپرستان خانوار واریز می‌شود.یارانه نقدی این مرحله ، از بامداد چهارشنبه قابل برداشت خواهد بود.

واریز نخستین مرحله یارانه دارو

اولین مرحله واریز یارانه دارو از طریق بانک صادرات ایران انجام شد.بانک صادرات ایران اعلام کرد: یارانه مذکور در تاریخ چهاردهم مرداد طی فایل ارسالی از سوی وزارت بهداشت و درمان در همان روز واریز شد.این بانک کمک به اقشار مختلف جامعه، همچنین پرداخت تسهیلات خرد را در اولویت قرار داده است و در این راه به عنوان بانک پیشقدم در شبکه بانکی پرداخت وام قرض الحسنه درمان بیماری را در سطحی فراگیر عملیاتی کرده است که در این زمینه در سه ماهه اول سال ۹۲ مبلغ ۱۲ میلیارد ریال تسهیلات قرض الحسنه به بیماران پرداخت کرد و حدود هزار نفر از بیماران نیازمند کشور توانسته‌اند از این تسهیلات بهره‌مند شوند.

بیماران نیازمند می‌توانند با ارایه مدارک بیمارستانی تا سقف مبلغ ۲۰میلیون ریال از تسهیلات قرض‌الحسنه درمان بهره‌مند شوند.

مردم همچنان منتظر کاهش قیمت لوازم خانگی هستند

جو روانی مناسبی در بازار لوازم خانگی بعد از تغییر دولت ایجاد شده است، اما همچنان مردم منتظر کاهش قیمت‌ها هستند.

محمد طحان پور رئیس اتحادیه لوازم خانگی در گفتگو با ایسنا اظهار کرد: در چند هفته گذشته خبری از سوی رئیس اتحادیه لوازم صوتی و تصویری و تلفن همراه مبنی بر کاهش ۲۰ درصدی قیمت موبایل منتشر شد که با انتشار این خبر مردم انتظار داشتند قیمت لوازم خانگی هم مانند تلفن همراه کاهش یابد.وی با اشاره به اینکه انتظار مردم برای کاهش قیمت‌ها به حق است،گفت: بازار در رکود به سر می برد و یکی از دلایل آن ماه رمضان است.البته واردات محصولات خانگی همچنان متوقف است.

اعلام جزئیات نرخ بیکاری در ۳۹۷ شهر کشور

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با اشاره به نرخ بیکاری در ۳۹۷ شهر کشوراعلام کرد:فاصله بیکاری در بین شهرهای کشور به ۴۸,۸ درصد رسید.

به گزارش مهر، بررسی آمارهای مربوط به این شهرستان‌ها براساس آخرین سر شماری کشوردر سال ۹۰ نشان می دهد: نرخ بیکاری در شهرستان بشاگرد به میزان ۵۳,۲ درصد، بالاترین نرخ بیکاری کشور است. همچنین شهر جوانرود با ۴۶,۹ درصد و سراوان در استان سیستان و بلوچستان با ۴۴,۸ درصد به ترتیب دومین و سومین شهر با نرخ بیکاری بالا در کشور است.

مسجد سلیمان با ۴۳,۴ درصد، ایرانشهر ۴۳,۲، زابل ۴۳ درصد، سیب و سوران با ۳۸,۸ درصد، باوی با ۳۷,۷ درصد، هیرمند با ۳۷,۳، دشت آزادگان با ۳۶، زهک با ۳۵,۹ درصد، شادگان با ۳۵,۹ درصد، اندیمشک با ۳۴,۲، خرامه با ۳۱,۸ درصد،مریوان با ۳۰,۶ درصد، سرپل ذهاب با ۳۰,۴، اندیکا با ۳۰,۳، پاوه با ۳۰,۲ درصد، خرمشهر با ۳۰,۲ و سرباز با ۳۰ درصد جزو ۲۰ شهربا نرخ بیکاری بالا محسوب می شوند.

در بین این شهرها، بر اساس آمار ارائه شده،همچنین مه ولات با۴,۸۱ درصد، بستان آبادبا ۴,۸، ایجرود، شبستر و خنداب با ۴,۷ درصد، بشرویه با۴,۶ درصد ، تیران و کرون با ۴,۵ درصد،شهر انار با ۴,۵ درصد، خداآفرین با۴,۳۱ درصد، آران و بیدگل و ماهنشان با ۴,۲ درصد، طارم با ۴، جوین و سربیشه با۳,۹ درصد، کنگان با ۳,۸، بجستان با ۳,۶ درصد، خوشاب با۳درصد، خور و بیابانک با ۲,۷ درصد، خلیل آباد با ۲,۵ درصد، سرایان با ۲,۲ و ابوموسی با۱,۲ درصد جزو ۲۰ شهری هستند که دارای کمترین میزان نرخ بیکاری هستند.در میان شهرستان های کشور، نرخ بیکاری در برخی از مراکز استان ها هم جالب توجه است. به طوری که نرخ بیکاری در خرم آباد ۲۹ درصد، زاهدان ۲۵,۵ درصد، رشت ۱۶,۶، کرج ۱۷,۱ درصد، شیراز ۱۷,۹، بندرعباس ۱۵,۵ شهرکرد ۱۵,۴ درصد، اصفهان ۱۴، کرمان ۱۴,۳، اراک ۱۵,۴، تهران ۱۳,۵ و زنجان ۱۳,۲ درصد است.

بر پایه این گزارش، همچنین نرخ بیکاری در قزوین ۱۳,۲ درصد، ساری ۱۲,۸، مشهد ۱۰,۸، کرمانشاه ۲۳,۸ درصد و در شهر اردبیل ۱۴,۷ درصد اعلام شد.

به صورت کلی، بررسی ها نشان می دهد در حال حاضر فاصله نرخ بیکاری میان بشاگرد به عنوان شهری با بالاترین نرخ به میزان ۵۳,۲ درصد با ابوموسی با نرخ بیکاری ۱,۲ درصد به میزان ۴۸,۸ درصد است.

فاصله حدود ۴۹ درصدی نرخ بیکاری در شهرهای کشور نشان دهنده توزیع نامتوازن فرصت ها در کشور از سویی و توسعه نیافتگی مناطقی از کشور به لحاظ بهره مندی از صنعت، کارخانجات و تولید است.۲۸۱ شهر از مجموع ۳۹۷ شهر کشور دارای نرخ بیکاری دو رقمی و بالای ۱۰ درصد است و تعداد شهرهای با نرخ بیکاری تک رقمی ۱۱۶ شهر است. همچنین تعداد شهرهای دارای نرخ بیکاری زیر ۵ درصد که نشان دهنده وضع مناسب آن شهرها به لحاظ وجود فرصت‌های شغلی برای کارجویان است، تنها ۲۵ شهر کشور اعلام شد.

استان تهران از حیث منابع آب ظرفیت رشد جمعیت را ندارد

استان تهران با دارا بودن حدود یک پنجم جمعیت کشور از بعد منابع آب دیگر توان رشد جمعیت را ندارد و صلاح نیست با اجرای طرح‌های مختلف آب را از دیگر استان‌ها گرفته و به پایتخت انتقال دهیم.

به گزارش خبرنگار ما، این مطلب در نشست ویژه مدیران آبفای استان تهران به مناسبت گرامیداشت روز خبرنگار بیان شد.

در این نشست مهمترین انتقاد مدیران آبفا، بالا بودن سرانه مصرف در تهران نسبت سرانه مصرف به جهان بود.

مهندس پرورش مدیرعامل آبفای استان تهران در همین رابطه گفت: همه اقدامات انجام شده توسط این شرکت در سالهای گذشته در یک کفته ترازوست و کفه دیگر، نحوه مصرف مردم است و تا زمانی که مدیریت مصرف صورت نگیرد، مشکل تأمین و توزیع آب پابرجاست.

وی گفت: سرانه مصرف آب در تهران به ۴۰۰ لیتر در شبانه‌روز رسیده است که با هیچ کجای دنیا قابل قیاس نیست. وی با اشاره به اینکه سرانه آب‌های تجدیدپذیر استان به شکل نگران‌کننده‌ای منفی شده است، خاطرنشان کرد: تاکنون برای تأمین آب استان و شهر تهران آب را از مناطق و استان‌های دیگر انتقال داده‌ایم، اما سؤال اینجاست که تا به کی باید این روال ادامه پیدا کند. آیا باید حقابه تمام کشور را به پایتخت انتقال دهیم که اصلاً کار منطقی نیست.

پرورش در ادامه گفت: برای تصفیه ۶۰ مترمکعب آب بر ثانیه برای شهر تهران سرمایه‌گذاری باورنکردنی انجام شده است، اما تا چه زمانی باید برای افزایش مصرف جامعه سرمایه‌گذاری‌ها را افزایش داد.

وی تصریح کرد: در پی رشد روزافزون جمعیت، سرانه آب استان از ۱۵۰۰ مترمکعب به ۳۵۰ مترمکعب کاهش پیدا کرده است و این روند همچنان ادامه دارد.

نامبرده با بیان اینکه دخل و خرج شرکت‌های آبفا با هم تناسب ندارد، ابراز امیدواری کرد: با تعیین قیمت جدید و معقول برای آب، زیان انباشته در این حوزه که در آبفای استان تهران به ۷۵۰ میلیارد تومان بالغ شده است، کاهش می‌یابد.وی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: پوشش شبکه فاضلاب تهران از ۱۸ درصد به ۵۱ درصد جمعیت افزایش یافته و ۵۶۰۰ کیلومتر شبکه فاضلاب در تهران اجرا شده است.

مدیرعامل آبفای استان با یادآوری اینکه پارسال ۷۰۰ کیلومتر شبکه فاضلاب اجرا شد، از ایجاد مشکل در بازپرداخت وام‌های خارجی خبر داد و اضافه کرد: قرار بود بازپرداخت وامها با ارز ۱۲۲۶ تومانی انجام شود، اما ناگهان این رقم در حالی به ۲۵۰۰ تومان افزایش یافت که منابع جدید درآمدی هم نداشته‌ایم. وی پرت آب را ۲۴ درصد اعلام کرد که ۱۱ درصد آن ظاهری و ۱۳ درصد واقعی است.

در ادامه مهندس نوذری‌پور در پاسخ به برخی انتقادات خبرنگاران در مورد نقش ناچیز فرهنگ در افزایش مصرف آب گفت: در برخی از شهرهای کشور که شش برابر تهران بارندگی دارند، چگونه سرانه مصرف بسیار پایین‌تر است.

معاون نظارت بر بهره‌برداری آبفای استان تهران، تصریح کرد: تصفیه خانه‌های ما با ظرفیت کامل در حال کار کردن هستند و از جمله تصفیه خانه کن به جای ۸ مترمکعب ظرفیت نهایی خود ۹ مترمکعب آب در ثانیه تصفیه می‌کند همچنین تمام چاه‌ها برای بهره‌برداری روشن هستند و از حداکثر ظرفیت‌ها در حال استفاده هستیم که در بلندمدت این سطح بالای مصرف نگران‌کننده است زیرا منابع آب تهران و استان‌های اطراف با سرعت هرچه تمام مورد بهره‌برداری قرار گرفته و به فاضلاب تبدیل می‌شود.

یکی از مدیران مناطق آب تهران هم خاطرنشان کرد: برخلاف برق که ۷۰ درصد دستگاه‌های کاهنده، مصرف را کاهش می‌دهند و ۳۰ درصد مدیریت مصرف تأثیرگذار است، در مورد آب ۷۰ درصد کاهش مصرف به نحوه و فرهنگ مصرف توسط مردم بستگی داشته و مابقی به دستگاه و ابزارهای کاهنده مربوط است.

دکتر روحانی : کابینه‌ام عصاره خرد جمعی نخبگان است

بقیه از صفحه۲

رئیس جمهوری در مورد پورمحمدی برای تصدی وزارت دادگستری هم با بیان این مطلب که پورمحمدی سال‌ها وزیر کشور بوده و مسئولیت‌های دیگری هم داشته و در این سال‌ها هم رئیس سازمان بازرسی کل کشور بوده و با چهره ایشان همه آشنا هستند، تصریح کرد: پورمحمدی از فضلای حوزه علمیه قم و دارای تحصیلات حوزوی در سطح اجتهاد است و هر کجا بوده، چهره‌ای موفق بوده و هم بخش اجرا را تجربه کرده و هم قضا و هم بخش‌های دیگر را.

دکتر روحانی افزود: هم اکنون هم پورمحمدی به عنوان استاد حوزه و دانشگاه فعال است و وی تنها وزیر دادگستری و رابط قوه قضاییه و مجریه نخواهد بود و به خاطر تجربیات فراوان از او در هیأت دولت هم استفاده خواهیم کرد.

دکتر روحانی در ادامه سخنان خود با اشاره به معرفی دکتر علوی، برای تصدی وزارت اطلاعات گفت: دکتر علوی از چهره های شناخته شده و معتدل است و آشنایی ما با ایشان در مجلس بوده است. دکتر علوی در تدوین قانون وزارت اطلاعات در مجلس شورای اسلامی دوره اول حضور داشتند و عضو کمیسیون مربوطه بودند؛ بنابراین ایشان در تدوین این قانون نقش مهمی داشتند. ایشان به عنوان رئیس کمیسیون امنیت داخلی و شوراها در مجلس خدمت کرده است و به قوانین و مقررات داخلی کشور آشنا بوده و جزو مجمع عقلا هم بوده اند و به میانه روی و دقت نظر شهره هستند .

حجت الاسلام والمسلمین روحانی افزود: با آقای علوی در مجلس خبرگان رهبری دوره سوم و چهارم همکار بودیم، وی فردی است که به حساسیت های امنیتی کاملا اشراف دارد و می تواند مسئولیت های خود را به خوبی انجام دهد.رئیس جمهوری با اشاره به معرفی دکتر سیدحسن هاشمی برای تصدی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی خاطرنشان کرد: دکتر سیدحسن هاشمی عنصری جهادی است که ابتدای آشنایی ما هم با ایشان به عنوان یک چهره جهادی در میدان رزم بود. ایشان ۳۳ ماه حضور در دفاع مقدس داشته است و دو بار هم مجروح شده اند، همچنین استاد تمام دانشگاه علوم پزشکی تهران و از افتخارات علمی کشور هستند.

دکتر روحانی افزود: دکتر هاشمی جز افراد نمونه در کشور هستندو همچنین جایگاه جهانی دارد، بطوری که در بسیاری از سمینارهای بین المللی و مراکز جهانی دعوت می شود و هم اکنون دبیرکل انجمن چشم پزشکی ایران بوده و فرد خدومی برای مردم هستند. خدمت رسانی ایشان فقط به مردم تهران محدود نمی شود، بلکه با طرحی که به عنوان نوآوران سلامت اجرا کرده اند با اعزام جراحان و امکانات جراحی به استان های محروم تاکنون توانسته اند ۵۰ هزار نفر از محرومین را به صورت رایگان جراحی و درمان کنند؛ این کار ارزشمندی است و در امور پزشکی و بهداشتی بایستی اینگونه عمل شود.

رئیس جمهوری تاکید کرد: ایشان جزو افرادی بود که با اصرار دعوت بنده را پذیرفت و هرچند صاحبنظران دیگری هم بودند که برای خدمت رسانی مناسب بودند، اما همان افراد هم دکتر هاشمی را موثرتر معرفی می کردند. ایشان با برنامه های دولت همفکر و هماهنگ هستند و در برنامه هایش هم این همفکری و هماهنگی مشخص است.

رئیس جمهوری در ادامه سخنانش در معرفی وزرای پیشنهادی خود به مجلس شورای اسلامی گفت: آقای دکتر محمدعلی نجفی برای وزارت آموزش و پرورش انتخاب شد، چهره معروفی که مجلس و کشور با وی آشناست.

دکتر روحانی، آقای نجفی را از چهره های علمی بنام و از دانشجویان با استعداد رشته ریاضی در دانشگاه"ام آی تی"معرفی کرد که مدت ها ریاست یک دانشگاه در ایران را برعهده داشته است.

رئیس جمهوری تصریح کرد: دکتر نجفی مسئولیت های مختلفی در دولت برعهده داشته است و مدتی هم وزیر آموزش و پرورش بود که انصافا وزیر مورد احترام و محبوب همه بود. آقای نجفی فردی صاحب نظرو باتجربه در آموزش و پرورش است و برنامه های خوبی هم برای آموزش و پرورش داشته و سابقه طولانی در این وزارتخانه دارد.

دکتر روحانی در پایان گفت: امیدوارم همه وزرایی که به مجلس شورای اسلامی معرفی شدند بتوانند از اعتماد نمایندگان برخوردار باشند و دولت یازدهم بتواند پس از رای اعتماد هرچه سریع تر کار خود را آغاز کند و وعده هایی را که به مردم داده است یکی بعد از دیگری عملیاتی کند.

حماسه اقتصادی چگونه تحقق می یابد؟

در پی سخنان دکتر روحانی، مخالفان و موافقان برنامه رئیس‌جمهوری سخن گفتند. نخست، حسینعلی حاجی‌دلیگانی نماینده اصفهان اظهار داشت: در برنامه شما به خلق حماسه اقتصادی توجه نشده است و برخی از وزرای پیشنهادی توان اجرای این برنامه‌ها را ندارند.

وی سپس گفت: نحوه ادامه برنامه هدفمند کردن یارانه‌ها در این برنامه مشخص نیست. در حال حاضر دولت ۴۲هزار میلیارد تومان یارانه نقدی می‌پردازد، در حالی که ۲۸هزار میلیارد تومان آن از محل گران شدن حامل‌های انرژی است، حال، برای مابقی این مبلغ چه برنامه‌ای دارید؟ آیا قرار است حامل‌های انرژی گران شود؟ اگر قرار است حامل‌ها گران شود، نحوه تأمین زندگی مردم چگونه است؟ کسری پرداخت به مردم از کجا باید تأمین شود؟ سهم بهداشت و درمان به چه صورت باید تأمین شود؟ همچنین است کمک به بخش تولید.

حاجی‌دلیگانی در ادامه سخنانش، پرسید: مردمی که به دولت تدبیر و امید چشم امید دارند، برای بهبود معیشت آنان چه تدبیری اندیشیده شده است؟

برای ۴۰ هزار طرح نیمه تمام در برنامه پیش‌بینی خاصی نشده است. در زمینه «مسکن مهر»، در سیاست‌ها و خط‌مشی‌های ارائه چه تدبیری اتخاذ شده است؟ تدبیر دولت برای تأمین مسکن و مقابله با رشد قیمت‌های فزاینده و افزایش نرخ رهن و اجاره چیست؟ با طرح مسکن مهر نیمه‌کاره و نیمه‌تمام قرار است چه برخوردی صورت گیرد؟ آیا قرار است رها شود یا استمرار یابد و تکمیل شود؟ موضوع ۳۰ میلیون تومان وام مسکن مهر مبهم است.وی ادامه داد: دهه چهارم، دهه پیشرفت و عدالت است. دولت نگفته است که برای افزایش درآمد اقشار کم‌درآمد چه خواهد کرد؟ آیا با روزی ۱۰هزار تومان می‌توان زندگی کرد؟ می‌توان خانه خرید، پسر زن داد و دختر شوهر داد؟

چگونه جلو ویژه‌خواری افراد خاص را در بخشهای دولتی، عمومی و خصوصی می‌خواهید بگیرید؛ افرادی که بدون کار و زحمت زندگی خود و نسل‌های آینده‌شان را از نظر مالی تأمین می‌کنند؟

برای کنترل آمار طلاق و فرزندان زیر پوشش کمیته امداد امام خمینی(ره) و بهزیستی که با ماهانه ۳۰ تا ۴۰هزار تومان باید زندگی کنند، چه تدبیری اندیشیده شده است؟

برای بیمارانی که بیمه نیستند و آنانی که بیمه هستند، ولی هزینه درمان خود را ندارند و به همین دلیل انتظار رفتن از دنیا را دارند، چه تدبیری اندیشیده‌اید؟

تدبیر شما برای رفع تبعیض‌های ناروا در پرداخت حقوق میان بازنشستگان و حقوق‌بگیران چیست؟

برنامه شما برای رفع تبعیض در ورزش چیست؟ چرا بعضی افراد میلیاردی پول می گیرند، در حالی که فدراسیون‌های ورزشی شهرستان‌ها آن همه مشکل دارند؟

تدبیر شما برای آن که هم رشد اقتصادی داشته باشیم و هم شاهد رکود تورمی چهار نعل نباشیم، چیست؟

فرمول شما برای خروج از تورم چیست؟

نماینده اصفهان سپس یادآور شد: سال گذشته ۵۰هزار میلیارد تومان کسری بودجه داشتیم، برنامه شما برای جلوگیری از تکرار این مسأله در سال ۹۲ چیست؟

همه می‌دانند که سهم بودجه دولت در بخش هزینه‌ای و جاری بسیار زیاد است، به طوری که در قانون بودجه سال ۹۱ از ۱۴۴ هزار میلیارد تومان ۱۰۱ هزار میلیارد تومان به بخش هزینه‌ای و جاری اختصاص یافت و در لایحه دولت در سال ۹۲ از ۱۶۶ هزار میلیارد تومان ۱۲۱ هزار میلیارد تومان به عنوان هزینه‌های جاری درنظر گرفته شد و در نهایت مجلس ۷هزار میلیارد تومان دیگر به این رقم اضافه کرد.

تعریف شما از اعتدال، حرکت بین حق و باطل نیست، بلکه حرکت بین افراط و تفریط است، حال چرا افرادی را انتخاب کرده‌اید که اگر رأی بیاورند، حرکتهای افراطی انجام خواهند داد و به دنبال بسترسازی برای رسیدن به اهداف افراطی خواهند بود؟

کسانی که در آزمون حوادث ۸۸ رد شدند و سکوت کردند و نمره قبولی نگرفتند و از نظام دفاع نکردند آیا مشمول تعریف اعتدال‌گرایی می‌شوند؟

با توجه به آن که در «دفاع مقدس» سرمایه جانی برای حفظ انقلاب و نظام صورت گرفته، برنامه‌ای برای آنان پیش‌بینی نشده است.

برنامه دولت شما برای تأمین انضباط در بازار پولی، سرمایه و کار چیست؟ برای ایمن و شفاف‌سازی مبادلات اقتصادی چه برنامه‌ای دارید؟

برای تعادل‌بخشی بین درآمد و هزینه وزارتخانه‌های غنی و فقیر می‌خواهید چه کار کنید؟

تشبیه کابینه به شرکت سهامی عام

احمد بخشایش اردستانی، نماینده اردستان هم در مخالفت با برنامه دولت، نظام حاکم بر ایران را نظام نیمه‌ریاستی ـ نیمه‌پارلمانی توصیف کرد و نتیجه گرفت: دولتی که باید شفاف و شیشه‌ای باشد، دولت کارگزاران شماره ۲ است، همان دولتی که نتیجه و حاصل جمع آن منتج به دولت آقای احمدی‌نژاد شد و شما بالاترین نقد را به دولت او وارد کردید. آیا دولت شما همان مسیر را طی نخواهد کرد؟

نماینده اردستان سپس یادآور شد: در دولت‌های هاشمی و خاتمی ۵۰۰نخبه داشتیم و چرخش نخبگان را ندیدیم، حال شما از همان ۵۰۰ نخبه می‌خواهید استفاده کنید. نسل سوم و چهارم در کجای دولت شما هستند؟ سهم جوانگرایی در دولت شما کجاست؟

طبق ضرب‌المثل‌های موجود، جهان با تجربه پیران و همت جوانان مدیریت می‌شود، در حالی که سن متوسط مدیران این دولت ۶۲ سال است و به دولت سالمندان شبیه است.

وی آنگاه اظهار داشت: شما در برنامه اقتصادی خود فقط بر اجرای اصل ۴۴ تأکید کرده‌اید و بخش تعاون را نادیده گرفته‌اید و در واقع، آمال و آرزوهای خود را به جای مجلس می‌گذارید.

حمایت از توان تخصصی و تجربی کابینه

احمد شوهانی، نماینده ایلام به عنوان موافق برنامه دولت، گفت: از ۱۸ نفر اعضای کابینه ۶ نفر سابقه وزارت، ۳ نفر معاون و مشاور رئیس‌جمهوری، ۳ نفر سابقه نمایندگی مجلس و ۹ نفر قائم‌مقام وزیر بوده‌اند، به طوری که به معدل خدمتی و تجربی این کابینه عالی است و نمره قبولی می‌گیرد.

وی افزود: معدل سنی کابینه، نقطه قوت آن است، نه نقطه ضعفش.

علم و تجربه در این کابینه جمع شده است. افراد معرفی شده پس از کسب رأی اعتماد نیاز به تجربه ندارند و کار را به کمک افراد متخصص و باتجربه فوری شروع می‌کنند.

شوهانی پرسید: در کجای دنیا فرد ۲۰ ساله را وزیر می‌کنند؟

وی اضافه کرد: افراد معرفی شده از شخصیت‌های سیاسی معتدلند و از همه سلایق و جناح‌های موجود کشور تشکیل شده‌اند و در راستای مشی اعتدالی رئیس جمهوری همکاری خواهند کرد.

نماینده ایلام سپس تأکید کرد: همه باید به دولت جدید کمک کنند و انتظار می‌رود که مجلس در راستای فرمایشات مقام معظم رهبری از دولت حمایت کند.

وی همچنین گفت: باید به کابینه پیشنهادی رأی دهیم تا از مردمی که این دولت را سر کار آوردند، عقب نمانیم.

ضرورت به کارگیری مدیران کارآزموده

کاظم جلالی نماینده شاهرود، در موافقت با برنامه دولت سخن گفت و با استناد به حساسیت شرایط داخلی و خارجی در این مقطع تاریخی، اعلام کرد: در سال ۹۱ با کسری بودجه شدید مواجه بودیم، به طوری که از ۱۴۲ هزار میلیارد تومان بودجه ۹۴/۵ هزار میلیارد تومان آن محقق شد. در سال ۹۲ به طور قطع بودجه تصویب شده محقق نخواهد شد. بدهکاری دولت بالای ۲۰۰ هزار میلیارد تومان تخمین زده می‌شود. میزان تورم در بخش خوراکی‌ها، حدود ۶۲ درصد است و به شکل میانگین حدود ۴۲ درصد تورم داریم. نقدینگی شدید، تعطیلی یا استفاده نکردن کامل از ظرفیت واحدهای صنعتی و مشکل شدید اشتغال، به ویژه بیکاری تحصیل کردگان، شرایطی است که دولت جدید آن را تحویل می‌گیرد.

وی سپس پرسید: در این شرایط چه مدیرانی باید کشور را اداره کنند؟ آیا ما، فرصت آزمون و خطاداریم؟ آیامی توانیم کلاس اکابر تشکیل دهیم؟ آیا می توانیم دوران «طرح کاد» را دوباره سپری کنیم. یا باید شخصیت‌های کارآزموده‌ای که توان اداره کشور در شرایط سخت را داشته باشند، مسئولیت بپذیرند؟

بسیاری از وزرای پیشنهادی اصرار داشتند که وزیر نشوند، آن هم به دلیل درک درستی که از مشکلات کشور دارند، حال با این شرایط نباید سن اعضای کابینه را مسأله کنیم؟ آیا معدل سنی ۶۲ سال، علامت پیری افراد کابینه است؟ این غیرمنصفانه است. وارد کردن اتهاماتی مانند شرکت سهامی هم از این دست اتهامات است.

جلالی آنگاه گفت: ترکیب کابینه از افراد مجرب و متخصص است و وضعیت فعلی کشور اقتضا می‌کرد که همین افراد زمام امور را در دست بگیرند.

وی افزود: برخی افراد در مجلس فضاسازی‌های غیرحرفه‌ای انجام داده‌اند که به نفع کشور نیست. معیار و ملاک ما بیانات مقام معظم رهبری است و ما، باید به مرّ فرمایشات مقام معظم رهبری عمل کنیم و به درک واحدی از فتنه بپردازیم. آیا اگر کسانی در ستاد انتخاباتی افرادی بودند که شورای نگهبان آنان را تأئید کرده است، فتنه‌گر محسوب می‌شوند؟ آیا آنانی که به کاندیداهای دیگر رأی دادند، فتنه‌گرند؟ بالاخره ۱۴ تا ۱۵ میلیون نفر به گرایش سیاسی دیگری رأی دادند. آیا کسانی که در چارچوب قانون اعتراض کردند، فتنه‌گرند؟

جلالی سپس نتیجه گرفت: فتنه‌گر، کسانی هستند که بعد از ۲۹ خرداد که مقام معظم رهبری بیانات صریح و شفاف داشتند، نقض قانون کردند و پس از تأیید شورای نگهبان، نتیجه انتخابات را زیر سؤال بردند یا مردم را به تظاهرات دعوت کردند، می‌توانند جزو فتنه‌گران باشند.

جلالی سپس تأکید کرد: دفاع ما، مشروط به اعتدال، پیروی از خط امام(ره)، اطاعت، پیروی و دلبستگی تام به مقام معظم رهبری و ادامه راه شهدا خواهد بود.

نفوذ جریان خاص

عطاءالله حکیمی، نماینده رودبار، به عنوان مخالف، گفت: در ستاد شما به روی افراد اصولگرا بسته شد. بعد از انتخابات افرادی از اصحاب فتنه و تئوریسین‌های جریان انتخابات ۸۸ دور شما جمع شدند. یک مرحله‌ای شدن انتخابات را مدیون رهبری، شورای نگهبان و شهدا هستید. با یک ارفاق.

اکثریت اعضای کابینه یا فتنه‌گرند یا تحصیلکردگان خارج از کشورند.

ترکیب کابینه شامل اصلاح‌طلبان و کارگزاران و حزب اعتدال و توسعه‌اند.

حسین دهقان، پورمحمدی و رحمانی فضلی جزو اصولگرایانند. امیدوارم در مسیر ولایت حرکت کنید. به زودی این ۴ سال تمام خواهد شد.

شما در سفرهای استانی از لزوم استفاده از نخبگان و دانشگاهیان گفته‌اید، اما همه یاران شما از تحصیلکردگان خارج از کشورند.

تا زمانی که مقام معظم رهبری هستند، اجازه نخواهند داد که جریان فتنه حاکم شود.

تعامل با جهان و توسعه متوازن

جلیل جعفری‌بنه نماینده خلخال، با تشریح برنامه کاری دولت، تأکید کرد: اجازه دهید دولت مستقر شود، بعد انتقاد کنید.

وی سپس سیاست خارجی دولت جدید در زمینه تعامل با جهان را از جمله نقاط مثبت این دولت توصیف کرد و تأکید بر توسعه متوازن و توجه به روستاها را در شمار برتری‌های این دولت دانست.

یونس اسدی، نماینده مشکین‌شهر، به عنوان موافق، گفت: مخالفان، به جای فحش دادن، باید برنامه دولت را به شیوه منطقی نقد کنند.

وی برنامه دکتر روحانی را در راستای توسعه کشور ارزیابی کرد و افزود: ۱۴۸ نماینده موافق و ۲۰ نفر مخالف بودند و نمایندگان با رأی مثبت به کابینه نشان خواهند داد که معیشت مردم و مشکلات مردم در اولویت برنامه‌های مجلس است.

استفاده از مدیران دولتهای گذشته

سیدعلی محمد بزرگواری، نماینده کهگیلویه، بهمئی و چرام، به عنوان مخالف، اعلام کرد: به ۶۵ تا ۷۰ درصد این کابینه رأی مثبت می‌دهم، ولی هرکس که به منطقه محروم من توجه نکند، با چماق لری با وی برخورد می‌کنم.

وی افزود: آقای روحانی! اعتدال در قاموس ما طلبه‌ها چیست؟

بنده خودم اولین کسی بودم که نوار سخنرانی شما را که در آن آیت‌الله خمینی را «امام» خواندید، تکثیر کردم.روحانی، اولین کسی بود که به عنوان اصولگرا در دانشگاه سخن گفت.

مصلحت‌اندیشی در گزینش کابینه

مهرداد بذرپاش، نماینده تهران، دیگر مخالف برنامه‌های دولت بود که تأکید کرد: مخالفت با کابینه، به معنای آسیب زدن به قوای مقننه و مجریه نیست.

وی افزود: مهم‌ترین کمکی که می‌توانیم به روحانی بکنیم، این است که ملاحظات و مصلحت‌اندیشی‌هایش را کم کند و کابینه حرفه‌ای تشکیل دهد. ما می‌دانیم که حضور این افراد به دلیل برخی فشارهاست، آیا شعار نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران، سوءتفاهم نیست؟

بقیه در صفحه۱۳

سیدمحمدخاتمی: جامعه آگاه آسیب پذیری کمتری دارد

رئیس جمهوری اسبق کشورمان با تاکید بر این که همه باید برای ادامه مسیر و امیدی که ایجاد شده است کمک کنند، گفت:«ما بد کسانی را که سعی کردند صحنه را بر ما تنگ کنند نمی‌خواهیم؛ آنها هم باید زندگی خوبی داشته باشند. باید دل‌ها به هم نزدیکتر شود.»

حجت الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی، براساس سنت هر ساله به مناسبت روز خبرنگار با جمعی از خبرنگاران دیدار کرد.

وی در این دیدار سخنان خود را این گونه آغاز کرد: «گرچه از روز خبرنگار چند روزی گذشته است؛ اما همیشه روز خبرنگار است، چرا که خبرنگار همه جا هست، همیشه هست ،در همه حوادث پیشاپیش همه است، در خوشی‌ها و در مصیبت‌ها و مشکلاتی که برای افراد پیش می آید، خبرنگار در خط مقدم است.»

خاتمی تصریح کرد:« بسیاری از سختی ها که در جهان و زندگی انسان می گذرد، خبرنگار تحمل می کند و در صحنه حضور زنده دارد ،بنابر این همیشه باید به یاد خبرنگاران بود و آرمان های خبرنگاران اصیل را گرامی داشت.»

رئیس دولت اصلاحات با بیان این که «اگر بخواهیم جامعه را به بدن تشبیه کنیم خبرنگار و در سطح وسیع تر رسانه، نقش عصب دارد»، افزود:«در واقع خبرنگاران و اصحاب رسانه کار عمده ای را انجام می دهند خصوصا در جوامع پیچیده امروز.خبرنگار ارتباط افراد با یکدیگر برقرار می کند و نیز ارتباط مردم و حکومت ؛ارتباط نهادهای مدنی با مردم و حکومت. در جوامع پیشرفته تر یکی از کارهای رسانه ارتباط نهادها با مردم و نهادها با حکومت است.»

وی ادامه داد:«نقش دیگر رسانه هشدار دهندگی است. یعنی اصحاب رسانه و خبرنگار است که درد ها و اشکالات را می بینند و جامعه را آگاه می کنند. از دردها و اشکالات می گویند و می نویسند. درد نعمت بزرگ خداوند وهشدار دهنده است تا انسان بداند عیب و علتی در وجود او هست. خبرنگار این هشدار دهندگی را دارد، گزارش می‌دهد و آگاه می‌کند.»

خاتمی سومین نقش ذاتی رسانه را افزایش آگاهی جامعه با تحلیل ها و انتقال مطالب خواند و گفت:«هرچه جامعه آگاه باشد آسیب پذیری آن کمتر است.»

وی این سه نقش را از بارزترین نقش‌هایی دانست که رسانه و خبرنگار می تواند داشته باشد و اظهار داشت:« این نقش‌ها در صورتی امکان پذیر است که رسانه آزاد و مستقل داشته باشیم. ارتباط صحیح ،اطلاع رسانی و هشداردهی توسط رسانه های مستقل و آزاد صورت می گیرد و خبرنگارانی که در بیان تحلیل و خبر آزادی داشته باشند. خود خبرنگار آگاهی و شخصیت و تعهدش مهم است .خبرنگار بی تعهد هم می تواند مشکل ساز باشد.هرچه خبرنگار و صاحب رسانه خوب باشد، وقتی امنیت و آزادی و استقلال نباشد،نمی تواند رسالتش را انجام دهد. بنابراین شرط تحقق این سه امر داشتن رسانه مستقل و آزاد و امنیت اصحاب رسانه و خبرنگاران در تحلیل و خبر و بیان و نظر است.»

رئیس جمهوری اسبق کشورمان تاکید کرد:«البته این که می گوییم مرادم ولنگاری نیست. همه درون جامعه با عقاید و گرایش هایمان زندگی می کنیم و محدودیم. باید رعایت مصالح ملی و امنیت ملی را بکنیم به شرطی که مصالح ملی را تنگ نبینیم و بتوانیم بر سر مصالح ملی بین نخبگان و مسئولان به اجماع برسیم تا هرکس تمایلات و خواست خود را مصالح نبیند. امنیت ملی را امنیت ملی در نظر بگیریم. امنیت حکومت مهم است و حکومت باید اقتدار داشته باشد، اما امنیت جامعه هم که صاحب حکومت است، بسیار مهم است. رعایت حد و حدود و مصالح و امنیت ملی باید از سوی اصحاب رسانه صورت بگیرد، اما این امنیت ملی و مصالح ملی سلیقه‌ای نباشد.»رئیس بنیاد باران با بیان این که «حکومت که قدرت مستقر و متمرکز است، باید اعمال قدرت کند و باید صاحب رسانه باشد»، گفت:« آنچه که مهم است اینکه آیا همه رسانه ها باید در انحصار حکومت باشند؟ این خطرناک است. در کنار رسانه های دولتی باید صاحب رسانه های مستقل و آزاد داشته باشیم. جامعه باید رسانه داشته باشد، نهادها، تشکل ها و در راس آنها احزاب که مراکز حیاتی یک جامعه مردم سالار هستند و نیز نخبگان باید صاحب رسانه باشند.»

وی ادامه داد:«انقلاب ما شعارش استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی است که در قانون اساسی هم بر اسلامی تاکید شده که اگر درست انجام شود، پاسخگوی نیازهای این برهه تاریخی ما هست. حاشیه امنی که رسانه ها دارند و آزادی که دارند و مسئولیتی که رسانه ها دارند در قانون اساسی ما در حد قابل قبولی آمده است. اگر همین قانون مبنای عمل باشد، می توانیم در عرصه اطلاع رسانی و خبر کارایی داشته باشیم.»

خاتمی یادآور شد:«فصل حقوق ملت و آزادی مطبوعات و رسانه و حرمت افراد و نهادها که در حد قابل قبولی از نظر تئوریک در قانون اساسی ما تحقق پیدا کرده است.»

رئیس دولت اصلاحات با اشاره به وضع سال‌های اخیر گفت:«با کمال تاسف در تمام سال های گذشته مشکلات فراوانی در عرصه خبر داشته ایم، اما در چند سال اخیر مشکلات بیشتر بوده است. در دوره ما نسبت به خبرنگاران و روزنامه ها و آثار و انتشارات سختی هایی بود، اما دولت سعی می کرد مدافع حق و جایگاه و حرمت و موقعیتی که طبق قانون اساسی رسانه ها و خبرنگاران دارند، باشد. همه کار در دست دولت نبود کتاب اجازه پیدا می کرد جای دیگر جلوانتشار گرفته می شد. نشریه منتشر می شد به عنوان ضدیت باامنیت با آن برخورد می شد.»

وی تاکید کرد:« خبرنگار و رسانه اگر مرتکب جرمی شد، باید با آن برخورد شود، اما اهمیت خبرنگار آنقدر هست که رسیدگی به جرم او باید به صورت ویژه باشد آن هم با حضور هیات منصفه مانند متهمان جرائم سیاسی. چون طرف رسانه و فعالیت سیاسی قدرت است برای همین، اعمال قدرت یک طرفه نباید شود. اما به هر حال مشکلاتی زمان ما وجود داشت اما دولت سعی می کرد مدافع این بخش باشد و رونقی که در این عرصه بود از جمله آزادی مطبوعات مهم است و می توانست و می تواند از میل قدرت به سمت دیکتاتوری جلو گیری کند.»

خاتمی تصریح کرد:«در سالهای اخیر منتهی به حال این مشکلات بیشترشده است. دروغ و تهمت تخریب رواج پیدا کرده است و دروغ پردازان غوغاسالاران تحریفگران از امنیت و مصونیت برخوردار شده اند اما در مقابلش نقد و اظهار نظر عناوین مجرمانه پیدا می کند جامعه ما مشکل دارد و باید برطرف شود.» وی با اشاره به این که «امروز در دنیا تعداد زیادی از زندانی ها از اصحاب رسانه و خبرنگاران هستند و این امر در کشورهایی که به اصطلاح جهان سوم یا دوم که می خوانند بیشتر است»، ادامه داد:« باعث تاسف است که در جمهوری اسلامی کسانی به دلیل نویسندگی و خبرنگاری در زندان باشند؛ زندانی های اهل قلم و خبر.»

رئیس جمهوری اسبق کشورمان یادآور شد:«خوشبختانه دولت تدبیر و امید با شعارهای روشن سر کار آمده است که باید از آقای رئیس جمهوری تشکر کنیم که از قبل انتخابات تا امروز روی این شعارها تاکید کردند. حقوق ملت و رسیدگی به وضع مردم، اصلاح امورمورد عنایت ایشان بوده است. آن طرف قضیه هم رئیس جمهوری باید همکارانش با سلیقه خودش انتخاب کند. نباید توقع زیادی داشت. مهم این است که پایبند به این شعارها باشند و هرکس با دولت همکاری می کند این شعارها را تا آخر رعایت کند.»

خاتمی با اشاره به وجود برخی مشکلات در جامعه ابراز امیدواری کرد که شاهد بازشدن جامعه باشیم و رئیس جمهوری موفق تر باشد.وی با تاکید بر این که«رئیس جمهوری همه کاره نیست و توقعات را با امکانات و اختیاراتی که دارد تنظیم کنیم»، گفت:«البته آنچه جامعه می خواهد فزون خواهی نیست، خواست مردم در زمینه های اقتصادی و فرهنگی و سیاسی معقول است و خواست انقلاب بوده است ،اما مشکلات زیاد است و باید واقع بین بود، فرصت داد بدون شتاب و با تشخیص اولویت ها مسائل را پیش ببرند. همه باید کمک کنیم که به این نتایج برسیم و فضای مناسب تری فراهم آید.»رئیس بنیاد باران افزود:«اکنون وضع اقتصادی جامعه فوق العاده بد است . از اولویت های آقای رئیس جمهوری رسیدگی و اصلاح آن است . تعدیل و اصلاح روابط خارجی با حفظ اصول و معیارها مهم است. ما می توانستیم بهتر از این باشیم. نباید بهبود روابط خارجی را با معیارهای انقلابی در تعارض بدانیم که یا باید با دنیا دعوا کنیم یا اصول را از دست بدهیم .خیر؛این طور نیست. با اصلاح و ایجاد رابطه حکیمانه و عزیزانه و مدبرانه می توان مشکلات را با دنیا حل کرد یا آنها را کم کرد و اینها از اولویت های آقای رئیس جمهوری است .»وی با اشاره به تنگنای معیشتی مردم، اظهار داشت:«انشاءالله شاهد تحقق حقوق ملت، آزاد بودن رسانه‌ها در چارچوب قانون، امنیت داشتن رسانه‌ها و خبرنگاران و برطرف شدن نارواهایی که در حق خبرنگاران و رسانه‌ها صورت گرفته باشیم.»

سید محمد خاتمی با بیان این که«همه باید کمک کنیم مسیر و امیدی که ایجاد شده است به گونه‌ای پیش رود که همه راضی باشند ،چراکه ناراضی نمی خواهیم»، خاطر نشان کرد:« ما بد کسانی را که سعی کردند صحنه را بر ما تنگ کنند نمی خواهیم؛آنها هم باید زندگی خوبی داشته باشند.باید دل‌ها به هم نزدیک تر شود. رئیس جمهوری را کمک کنیم که در حد توان خودش به سوی بهبود امور پیش برود.»

وداع با جنگل‌نشینی!

کسی که حیاط خانه‌اش پر از درختان ستبر است، در سایه آن‌ها دیگر نهالی نمی‌کارد. بنابراین اگر راست باشد که سرو کاشمر را زرتشت با دست خود کاشته، کارش جنبه نمادین داشته است، زیرا ایران ۲۵۰۰ سال پیش، پوشیده از درخت بود و مردم برای رفتن از جایی به جای دیگر باید از میان جنگل‌ها گذر می‌کردند، از این‌رو نیازی به کاشت نهال نبود و زرتشت شاید می‌خواست به زبان نماد به آیندگان بگوید که هرگز درختی نبرند و به جایش همیشه درخت بکارند.

اما امروز به جای کاشت درخت، عده‌ای درخت می‌بُرند و آنان که یک نهال می‌کارند، به جایش دو درخت برداشت می‌کنند!

جنگل، طلای سبز است و یک ثروت ملی، ولی مانند طلا همیشه نخواهد درخشید و این که ویران شود و سرانجام روزی از میان برود، احتمالش هست؛ در حالی که همه می‌دانیم هیچ یک از پدیده‌های طبیعی به اندازه جنگل در زندگی انسان‌ها و دیگر موجودات زمین، نقش پایه و سازنده ندارد، ولی باز هم نامهربانانه کمر به قتل آن بسته‌ایم.

واقعیت این است که انسان در رشد جنگل، نقش نداشته است و ندارد و جنگل در رشد و نموش در درازنای تاریخ، تنها بوده است؛ تا این که انسان پیدایش شد و مالک آن شد و رشدش را متوقف کرد. اینک نیز انسان به جنگ هواخواه خود، جنگل رفته است و از آن به شکلی بی‌رویه بهره‌برداری می‌کند.

برخی افراد شاید از واقعیت به دورند که می‌گویند خیلی آرمانی خواهد بود اگر گفته شود که جنگل مطلقاً نه! و باید به‌جایش واقعیت‌ها را پذیرفت و بررسی‌اش کرد و برنامه ریخت که چه باید کرد تا در تعداد درختانی که ۱۰۰سال به درازا می‌کشد تا جنگلی پدید آورند، کاهشی پیش نیاید. این سخن در حالی گفته می‌شود که جنگل‌های کشور در حالت بحران قرار دارد.

چندی پیش میان یک سازنده صنایع چوبی که برای قطع یک درخت به جنگل رفته بود و یک جنگل‌نشین، درگیری شدید پیش می‌آید. در بررسی پرونده آنان، تصمیم گرفته می‌شود که برای تشویق دیگر جنگل‌نشینان به این جنگل‌نشین پاداش داده شود، ولی بعد جنگلبانی وی را می‌شناسد و پرونده‌اش رو می‌شود که سال پیش به جرم قطع شبانه چندین درخت بزرگ برای ساخت خانه برای پسرش، بازداشت شده بود.

بی‌گمان نه آن صنعتگر قدیمی که اینک با کمبود و کمیاب‌شدن چوب، کار و بارش خوابیده، مقصر است و نه آن جنگل‌نشین بی‌چیز که برای نیازش درخت می‌برد. حقیقت این است که جامعه، باید برایشان امکان فراهم‌آوری نان شرافتمندانه را در محیطی غیر از جنگل مهیا سازد، تا به کلی از جنگل قطع امید کنند.

در برخی از روستاهای کشور پیش از اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها، جنگلی‌ها برای تامین انرژی گرمایی خود از نفت و گاز استفاده می‌کردند. ولی پس از اجرای هدفمندی، روستاییان نیز به جمع جنگل‌نشینان پیوسته‌اند و از راه‌های دور و نزدیک به استفاده از هیزم جنگل روی آورده‌اند، زیرا به نسبت گران‌شدن نرخ حامل‌های انرژی در شهر، گرانی‌های سه تا چهاربرابری گریبان روستاییان را نیز گرفته است؛ در این مورد نیز بر مسئولان است که سوخت آنان را تامین کنند.

همه کارشناسان بر این باورند که پیامد قطع بوته‌های بیابانی و درختچه‌های کویری برای تهیه سوخت و زغال در این سال‌ها، سبب پیدایش نوبیابان‌ها و گسترش هرچه بیشتر کویر و پیشروی آن به سوی شهرها شده است و استفاده بی رویه از منابع طبیعی، بسیاری از کشتزارهای سرسبز را از آب و روستاهای پرتکاپو را از انسان تولیدگر، تهی کرده است.

بلوط‌های شرق مازندران

به گفته دکتر پیمان سعدی_مدرس دانشگاه، زمینه و بستر خودبازسازی در جنگل‌های شمال ایران از میان رفته است و دیگر نمی‌توان از کمربند سبز با شکوه، سخن گفت زیرا چندان جنگلی در شمال نمانده است که با دیگر قلمروهای کشور مقایسه شود.

وی با ناامیدی می‌افزاید: آن‌چه اینک سبب سرپا ماندن چند درخت لاغر در شمال شده، رطوبت اندک و باران‌های موسمی است؛ ولی حتی در چنین شرایط تقریبا امیدوارکننده، دیگر امیدی به بلوط‌های شرق مازندران نیست.

جنگلی‌های بی‌جنگل!

«با این رویه، دیری نمی‌پاید که جنگل از بین برود و همسایگان جنگل، دیگر سایه همسایگی دیرین خود را بر سر خویش نبینند.»

دکتر پیمان سعدی با بیان بند بالا می‌افزاید: زندگی جنگل‌نشینان و روستاهای کناره‌ای جنگل به جنگل وابسته است. از زمان‌های گذشته تاکنون آنان برای نیازهای خود از رویشگاه‌های جنگلی بهره برده‌اند و درختان جنگلی را قطع کرده‌اند. در گذشته این کار با دست انجام می‌شد، ولی اینک به کمک اره موتوری، قطع درختان شتاب بیش‌تری گرفته و شنیدن غرش اره‌ها در کنار جنگل‌ها روزمره و عادی شده است؛ اما می‌تواند دیگر عادی نباشد. باید از نقطه‌ای آغاز کرد و فردا می‌تواند آغازی باشد برای کوچیدن همه جنگل‌نشینان به نقطه‌ای دیگر؛ که تازه آن‌وقت این پایانی بر یک سر آغاز خواهد بود؛ البته اگر اراده‌ای برای حفظ آن‌چه که از جنگل‌های ایران باقی مانده است، وجود داشته باشد.

دست درازی انسان به جنگل‌ها

مهندس بهروز علی‌پور درباره پیامدهای دست‌درازی انسان به سوی جنگل‌ها می‌گوید: پیشتر هنگامی که بخشی از جنگل به سبب آتش‌سوزی یا سیل از میان می‌رفت، می‌گفتند طبیعت خود را بازسازی خواهد کرد؛ ولی اینک این سخن بسی بی‌پایه و اساس می‌نماید. زیرا همه دریافته‌اند که مثلا رفت‌و آمد مدام دام و انسان در جنگل، سبب فشردگی بافت خاک و دگردیسی فیزیکی زمین می‌شود. در چنین جایی افزون بر سیل، رویش دانه‌ها از زمین نیز متوقف می‌شود و و رویشگاه‌ها از میان می‌روند. چرای دام سبب می‌شود که سوخت وساز(متابولیزم) قلمروهای جنگلی از کار بیفتد، و پوشش گیاهی از میان برود و خاک رو به فرسایش نهد.

این کارشناس کشاورزی می‌افزاید: زمین جنگل در وضعیت طبیعی خود، ماهیتی اسفنجی و منفذدار دارد و آب‌های سیلابی را پیش از سیل شدن، در خود فرو می‌کشد و از سیل ویرانگر جلوگیری می‌کند. پاکوفتن گوسفندان و دام و شکارچیان و جنگل‌بانان و گردشگران و جنگل‌نشینان و جنگل‌گردان، بافت طبیعی خاک جنگل را به هم می‌ریزد و سفت و نفوذناپذیر می‌کند و آب‌های موسمی در سطح زمین به راه می‌افتد و سبب سیل می‌شود و افزون بر آسیب به جنگل‌های پایین‌دست، از آدم‌هایی که درختانش را بریده‌اند، کینه‌کشی می‌کند.

«بنابراین از دیدگاه شما تا زمانی که حتی یک گوسفند در جنگل است، باید چشمداشت‌مان این باشد که اکولوژی جنگل بر هم بخورد؟»

«همین طور است. در واقع استفاده از جنگل‌ها و رویشگاه‌ها برای چریدن دام، گونه‌ای تغییر کاربری جنگل است. افزون بر کوفته شدن زمین، دام‌ها سر راه خود در جست‌جوی گیاه، شاخه‌های جوان را رد نمی‌دهند و موجب نابودی درختان می‌شوند. دام‌ها با جویدن پوست و ساقه‌ها، درختان را زخمی می‌کنند و بستری برای خوش‌نشینی آفات و انگل‌ها فراهم می‌آورند. در دامنه‌های کوهستان‌ها که خاک، ریزشی مدام و پیوسته دارد، چرای دام سبب تشدید ریزش خاک می‌شود و درختچه‌های مفید قلمروهای شیب‌دار را از میان می‌برد.»

علی‌پور ادامه می‌دهد: از سال ۱۳۸۳ طرح خروج دام مطرح شد، چون آثار ویرانگر چرای دام بر زمین و نیز همه رویشگاه‌ها و درخت‌زارهای جنگلی از نهال تا درختان ستبر هویدا است. تبدیل دام‌های سبک به دام‌های سنگین نیز هیچ فایده‌ای به حال جنگل ندارد و از فشار وارده بر آن نمی‌کاهد. زیرا اگر چه دامدار نمی‌تواند دام سنگین خود را به درون جنگل ببرد. ولی علوفه مورد نیاز دامش را از درون جنگل تامین می‌کند؛ در حالی که واداشتن وی به ایجاد دامداری صنعتی، امکان هرگونه بهره‌برداری از جنگل را از وی می‌گیرد.

شمایی از جنگل، نه خود آن!

«آن چه اینک در کشور وجود دارد نه جنگل، بلکه تنها شمایی از جنگل است.»

دکتر پیمان سعدی -مدرس دانشگاه با بیان بند بالا می‌افزاید: بخش بزرگی از رویشگاه‌های جنگلی زاگرس دچار پدیده خشکیدگی شده است و بخشی از جنگل‌های شمال کشور نیز دچار بیماری است. با این وجود هنوز تصمیمی بر توقف برداشت از جنگل گرفته نشده است تا برای درمان و مرمت آن، چاره‌ای اندیشیده شود.

وی ادامه می‌دهد: تا جنگلی‌ها در جایی دور از جنگل و با معیشتی غیر از جنگل، سازماندهی نشوند، از نیاز آنان به جنگل گریزی نیست و همچنان باید گواه نابودی رویشگاه‌های جنگلی باشیم که در راه کسب روزی انسان، رو به ویرانی بیشتر می‌رود.

سعدی معتقد است: ما که همچون روسیه ۷۰۰ میلیون هکتار جنگل نداریم تا با خیال آسوده باز هم درخت ببریم. دو میلیون هکتار جنگل شمال چیزی نیست که بتوان باز هم از آن چوب برداشت کرد.

واقعیت این است که کاهش چشمگیری در ۳ دهه گذشته در جنگل‌های کشور رخ داده است.

هر سال ۵میلیون مترمکعب هیزم و ۵۰۰ هزار تن بوته از سوی بخشی از کناره‌نشینان جنگل به مصرف سوخت می‌رسد. بلوط‌زارهای زاگرسی نیز از نگاه کناره‌نشیان آن، چشم‌انداز ادامه زندگی است.

البته این وابستگی تازه و نو نیست، بلکه ریشه تاریخی دارد، غافل از آن که رشد این دو(جنگل و جنگل‌نشین) نسبت به هم معکوس است و به میزان رشد جمعیت جنگل‌نشینان، از بلوط‌زارها کاسته می‌شود و این غفلت نه برآمده از «فرهنگ ناآگاهی» مردم کم‌سواد بومی، بلکه از کم‌کاری مسولان است.

البته بهره‌برداری، منحصر و محدود به جنگل نشینان نیست. بلکه نابودی بسیاری از گونه‌های گیاهی، آسیب‌های برآمده از سیل در استان‌های شمالی و خشکیدگی، پیامد بهره‌برداری و دست‌اندازی بی‌سامان و به ظاهر قانونی است.

چون در حالی مسولان از برداشت ۷۵ صدم در برابر تولید ۳ متر مکعب چوب

*دکتر پیمان سعدی_مدرس دانشگاه: زمینه و بستر خودبازسازی در جنگل‌های شمال کشورمان از میان رفته است و دیگر نمی‌توان از کمربند سبز باشکوه سخن گفت، زیرا چندان جنگلی در شمال ایران باقی نمانده است که با دیگر قلمروهای کشور، مقایسه شود

*آن‌چه اینک سبب سرپا ماندن درختان لاغر در شمال شده، رطوبت اندک و باران‌های موسمی است؛ ولی حتی در چنین شرایط تقریبا امیدوارکننده، دیگر امیدی به بلوط‌های شرق مازندران نیست

*زندگی جنگل‌نشینان و روستاهای کناره‌ای جنگل، به آن وابسته است. آنان از زمان‌های گذشته تاکنون برای تامین نیازهای خود از رویشگاه‌های جنگلی بهره برده‌اند و درختان جنگلی را قطع کرده‌اند

*مهندس بهروز علی‌پور-کارشناس کشاورزی: پیشتر، هنگامی که بخشی از جنگل به سبب آتش‌سوزی یا سیل از میان می‌رفت، می‌گفتند طبیعت خود را بازسازی خواهد کرد؛ ولی اینک این سخن بسی بی‌پایه و اساس می‌نماید

سخن می‌گویند که همچنان دلسوزان طبیعت، گواه کاهش فاجعه‌بار مساحت رویشگاه‌ها و دشت‌ها و جنگل‌ها در کشور هستند و بقیه نیز- نزدیک به ۹ میلیون هکتار -افزون بر همه آسیب‌های دیگر، در حال آسیب‌دیدن از اکتشاف‌ها و نیز بهره‌برداری از کانی‌ها نیز هست.

جنگل‌های پست‌ساز

این مدرس دانشگاه گوشزد می‌کند: البته قرار نیست که دامداران از جنگل خارج شوند و شرکت‌های بهره‌بردار فعال در صنعت چوب، جایشان را بگیرند، بلکه باید در ایجاد جنگل‌های دست‌ساز با درختان زودرشد در بیرون از جنگل‌های طبیعی کوشید، تا صنعت چوب نیز آسیب نبیند.

سعدی یادآور می‌شود: کشور ما، گستردگی محدودی به لحاظ جنگل دارد، در حالی که در بسیاری از قلمروها می‌توان برای ایجاد جنگل و تولید چوب‌های صنعتی، جنگل‌کاری کرد و با استفاده از درختان مناسب، جنگل‌های دست‌ساز برای بهره‌برداری‌های دوره‌ای به وجود آورد.

دیدگاه مهندس علی‌پور-کارشناس کشاورزی نیز چنین است: استفاده از چوب جنگل‌ها برای سوخت، به فقیرشدن آن‌ها و در نهایت سبب فقیر شدن منابع طبیعی کشور می‌شود.

البته در تخریب جنگل، هریک نقشی به عهده دارند و هیزم‌شکن‌ها نیز برای پیشبرد برنامه از پیش اعلام نشده ویرانی جنگل، سهمی به عهده گرفته‌اند.

وی همچنین بر این باور است: با دوبرابر شدن جمعیت در سه دهه گذشته و نبود برنامه‌های جدی برای اسکان جنگل‌نشینان در بیرون از جنگل‌ها، بر شمار روستاهای کناره‌ای و درونی جنگل افزوده شده است. با توجه به این که آنان با بینش فرهنگی خود از دیرباز جنگل را پاداشی از طبیعت برای خود می‌پندارند.

وی معتقد است: دامداران جنگلی افزون بر این که به بریدن سرشاخه‌های درختان برای دام‌های خود مبادرت می‌کنند، هرسال برای تهیه علوفه، شمار زیادی از درختان را نیز می‌بُرند تا نور خورشید بیش‌تری به خاک جنگل برسد و سپس پوست درختان را حلقه‌ای جدا می‌کنند تا خشک شود. این در حالی است که ۱۵۰ سال زمان نیاز است تا بدون هرگونه برداشت و بهره‌برداری، جنگل‌ها بتوانند به وضع گذشته برگردند.

علی‌پور در ادامه گفت و شنود با روزنامه اطلاعات می‌افزاید: هم‌اکنون به اندازه ۱۰۰ سال آینده از جنگل‌های کشور چوب برداشت شده است و دیگر از ۵ سال توقف برداشت چوب از جنگل‌ها کاری ساخته نیست.

وی یادآور می‌شود: طرح ممنوعیت برداشت چوب از جنگل‌ها که در سال ۱۳۹۱ به مجلس شورای اسلامی رفته بود، تنها برای ٤٧ هزار شغل وابسته به تولید وسایل چوبی رد شد، در حالی که جایگزینی شغل‌های غیروابسته به چوب برای ٤٧ هزار نفر صنعتگر، هزینه‌ای به مراتب پایین‌تر از نابودی جنگل‌های کشور دارد. تازه با روند نابودی جنگل‌ها خودبه‌خود شغل‌های وابسته به آن نیز هرچند تدریجی از میان می‌رود.

افزون بر آن، هم‌اکنون کشور برای وقوع سیلاب‌ها، برداشت بی‌رویه درختان جنگلی و گسترش آلودگی هوا هزینه‌ای بسیار بیش‌تر از ایجاد شغل برای ٤٧ هزار نفر می‌پردازد. اگر طرح ممنوعیت ۵ ساله برداشت چوب از جنگل‌ها تصویب می‌شد، فرجه‌ای پیش می‌آمد تا وضع جنگل‌ها مورد بررسی دقیق قرار گیرد و عمق فاجعه بیش‌تر شکافته شود. زیرا در همه جای دنیا پس از برداشت چوب از قلمروهایی مشخص، هرگونه بهره‌برداری از آن‌ها تا ۱۰ سال متوقف می‌شود.

کمربندهای حفاظتی

اینک سخن از راه‌اندازی هزاران کیلومتر کمربندهای حفاظتی در قلمروهای بحرانی جنگل‌های کشور است و نیز فرهنگ‌سازی و آموزش؛ در حالی که شتاب ویرانی به اندازه‌ای است که چه بسا پس از فرهنگ‌سازی، یک درخت هم برجای نماند!

مهندس علی‌پور در این مورد می‌گوید: چالشی میان رشد طبیعی درختان و وجود عوامل مخرب وجود دارد که باید نخست حل شود. ایجاد کمربندهای حفاظتی، هنگامی که عوامل ویرانگر در درون جنگل هستند، چه فایده‌ای دارد؟

هنگامی که روستاییان، سوخت کافی ندارند، با وجود کمربندهای حفاظتی نیز به‌چاره یا بناچار به سوی مصرف چوب‌های جنگلی می‌روند و گروه دیگر از جنگل‌نشینان نیز که درآمد کافی ندارند، از جنگل‌ها، زمین می‌سازند برای ساخت وساز و یا تبدیل آن‌ها به کشتزار؛ بنابراین نخست باید نیازهای جنگل‌نشینان شناسایی و از راه ایجاد تسهیلات، رفع شود.

ع. درویشی

جدول

۲۲۰۵۵

طراح: غلامحسین باغبان

افقی:

۱ـ نگهبان سرحدات ـ فرصت‌طلب!
۲ـ غیر مناسب ـ دودلی
۳ـ یگان نظامی برابر سه‌جوخه ـ اجرام کیهانی ـ نیایش ـ جوی خون
٤ـ ضمیر غایب ـ الهه جنگجو ـ از کوه‌های کردستان
٥ـ گلی خوشبو ـ کناره‌ها و اطراف ـ پودری که در دستگاه‌های زیراکس و پرینتر به کار می‌رود
٦ـ روستایی ـ اکسید سرب سرخ ـ بازگو مکن
٧ـ نوعی نان فرانسوی ـ محصل ـ نوعی کاغذ
٨ـ حشره‌ای که ایده ساخت «هلی کوپتر» شد ـ همکاسه، هم‌سفره
٩ـ عدد سالهای زندگی ـ نقاش فرانسوی تابلوی «دسته گل بهاری» ـ عصای معلولین و سالخوردگان
١٠ـ مخفف نگاه ـ گاز موجود در سطح خورشید ـ نوعی کفش
١١ـ جای کم‌ژرف رودخانه ـ زاویه ۹۰درجه ـ جانوری که زود رم می‌کند
١٢ـ از جنگ‌های تاریخی ـ کتابی از فرانسوا ماری ولتر ـ پسوند شباهت
١٣ـ حرف دوم انگلیسی ـ واحدی در مساحت ـ نان کاغذی ـ از اعیاد اسلامی
١٤ـ انجام‌نشدن کاری یا بلاتکلیف‌ماندن امری ـ خوراکی از تخم‌مرغ
١٥ـ مرکز کشور ایسلند ـ تا این حد، این اندازه

عمودی:

۱ـ از اقمار پنج گانه اورانوس ـ اثری از صادق چوبک
۲ـ قسمتی از قرآن مجید ـ قساوت و شقاوت
۳ـ سلسله کریم‌خان ـ از کشورهای آفریقایی با مرکز «لیبرویل» ـ در جواب «هوی» ـ تنها
٤ـ حرف همراهی ـ اجاره‌نشین ـ قالب شعر خیام
٥ـ رقیق ـ بی‌همتا ـ پارچه کم‌عرض
٦ـ از مرکبات ـ بی‌رونق و بی‌مشتری ـ کامیون ارتشی
٧ـ گلزن تیم‌ملی فوتبال جمهوری چک ـ قایق مسابقه‌ای ـ تهوع
٨ـ دانش ناخودآگاه اهل یک زبان درباره آواها، معانی و نحو آن زبان ـ سلطنتی
٩ـ صنم ـ در آن هنگام ـ متشکر
١٠ـ تنه درخت ـ نوعی دلمه ـ تحفه‌ها
١١ـ دعوی کردن ـ شهری در تبت و نیز بت‌خانه ـ رنگی از خانواده سبز
١٢ـ شایستگی ـ قیچی پشم‌زنی ـ رود اروپائی
١٣ـ دوستی ـ ثانی ـ مهربان‌تر ـ بالا
١٤ـ نام پیشین یانگون پایتخت میانمار ـ به وسیله، با
١٥ـ نزدیک غروب آفتاب ـ جنگجو و مبارز

حل جدول ۲۲۰۵۴

دین و فلسفه: تفکیک یا تعامل



دکتر همایون همتی ٤

متفکران فرزانه و دلسوزی را نیز می‌شناسم که در رشته‌هایی دیگر سختکوشی و تلاش عالمانه داشته و نسبت به دین و اسلام غیرت می‌ورزند و اندیشناک مهجور ماندن تفکر دینی و فاصله گرفتن جامعه از تعلیمات صحیح اسلامی هستند و مخالفت آنها لون دیگری دارد و حکمی دیگر! هر چند که آثار و پیامدهای زیانبار این گونه مخالفتها یا ستیزه‌ها در این فرض هم باز گریبان جامعه را رها نخواهد کرد و در هر حال تأثیر ویرانگرش را بر «عقلانیت باورهای دینی» به جا خواهد نهاد. اما نمی‌توان انکار کرد که عزیز اندیشمندی بر اثر شیوه غلط آموزش فلسفه، از فلسفه گریخته باشد، یا نوع خاصی از فلسفه را برای تفکر دینی ما یا برای جامعه و نسل جوان ما تجویز نکند و آن را مخرب بداند؛ چنان که فلسفه‌های الحادی، پوچ گرا، فلسفه مارکسیستی و ماتریالیستی و برخی دیگر فلسفه ها مثل پوزیتیویسم (چه کلاسیک و چه جدید و چه شکل منطقی آن) تهدیدی برای تفکر دینی و حتی اخلاق و عرفان محسوب می‌شوند و این سخن واقعیت دارد. حساب این نوع مخالفتها جداست، گرچه باز هم در واپسین تحلیل خطا غیرقابل دفاع باشد.

من ضمن آنکه به همه متفکران چه مخالفان فلسفه و چه مدافعان و طرفداران آن احترام می‌نهم و به خصوص برای آنان که با قلم و طی سالیان به جامعه و دین و نسل جوان خدمت کرده‌اند ارج بسیار قائلم، اما معتقدم باید انگیزه‌های افراد را در طرد فلسفه و مخالفت با آن در نظر گرفت. برخی افراد پس از مدتها مطالعه به دلایل متعدد از فلسفه سرخورده و دلزده می‌شوند، یا کشش ذهنی کافی برای ادامه تحقیقات فلسفی در خود نمی‌بینند و یا روحیه اشراقی و تمایلات عرفانی پیدا می‌کنند و به وادی دیگری گام می‌نهند و احساس بی‌نیازی از فلسفه می‌کنند. اینها هم درست است و واقعیت دارد و من خود شخصاً چنین افرادی را می‌شناسم؛ اما چنین کسانی حق دارند که با توجه به وضع روحی خود گریز از فلسفه و ترک فلسفه را برای دیگران هم تجویز کنند یا آن را تعمیم دهند یا فرافکنی کنند؟

اگر کسی مثل غزالی پیدا شد که بر اثر تحول حال به «طوری وراء طور عقل» رسید و حالی پیدا کرد که دیگر مشغول شدن به فلسفه و حتی کار علمی و نظر ورزی را شغل و حجاب دید و خود را غنی از اوراق کتب و صحیفه و دفتر یافت، بله او شخصاً دیگر نیازی به فلسفه، تحلیل، استدلال و تحقیقات علمی برای خودش ندارد؛ زیرا به حقیقت رسیده است و واصل شده است و طبق فرض به مقام کشف و یافت بلاواسطه و درک شهودی و علم حضوری نایل شده است؛ اما آیا در مقام ابلاغ و انتقال پیام دین به دیگران و تعلیم به دیگران و دعوت دیگران به دینمان و به خصوص احتجاج با مخالفان دین، منافقان زیرک و پرفریب، التقاط گرایان، دین ستیزان، دین فروشان و ملحدان و یا در عرصه رقابت با دیگر ادیان و یا رویارویی با چالشهایی فکری جدید به فلسفه، آموختن روشهای استدلال، یادگیری آداب بحث و مناظره، دیالوگ و گفتگو، «جدال احسن»، دفع شبهات، پاسخگویی به پرسشهای نوبه نو شوندهٔ هر لحظه و هر ساعت، نیاز به یک نظام فکری استدلالی تحلیلی متقن و استوار نداریم؟

نامش را هر چه می‌خواهید بگذارید؛ نزاعی در نامگذاری نیست. آیا از آموختن و آموزش فلسفه‌های مضاف و انواع تئوریهای معرفت‌شناختی هم بی نیازیم؟ آیا دانش فلسفه دین (Philosophy of Religion) و رشته‌ای مانند کلام فلسفی یا بهتر بگوییم الهیات فلسفی (Philosophical Theology) که خود رشته‌ای علمی و مستقل است[8] و صدها متفکر و متألّه نامدار در جهان معاصر به کاوش در این حوزه مشغولند نیز مشمول حکم عام «تفکیک» و مباینت معرفت فلسفی با معرفت دینی است؟ اگر خود به فلسفه نیاز نداریم، با خیل ره گم کردگان و در راه ماندگان، پندارپرستان و غفلت گرفتگان چه کنیم و چگونه بیدارشان سازیم؟ نه مگر این است که آن روح رنجور کوهستان سرود: غم این خفته چند خواب در چشم ترَم می شکند!

می دانم که متفکران ارجمندی در میان مخالفان فلسفه و فراریان از آن وجود دارند که خود اهل فلسفه‌اند، دارای آثار قلمی، ترجمه های شیوا و تحصیلات فلسفی هستند. من آنان را اصلاً ضدّ فلسفه نمی‌دانم؛ زیرا آگاهم که نیک آگاهند که اهمیت فلسفه‌های مضاف در دوران ما تا چه پایه است و باز می‌دانم که می‌دانند دوری از عقلانیت و زبان فرهنگی جهان معاصر چه آسیبهایی بر پیکر جامعه اسلامی ما زده است و چه پیامدهای ناگواری به همراه داشته است. این متفکران به نظر من یا وصف حال خود را بیان می کنند که دیگر نیازی به فلسفه ندارند و به ساحتی از معرفت و یافت حقیقت رسیده‌اند که محتاج فلسفه‌ورزی نیستند که در این مورد بر آنان حرجی نیست، بلکه باید گفت گوارایتان باد این وصال شکوهمند و «طوبی لکم و حسن مآب» و یا از وضع اسفبار و نابهنجار کنونی تدریس و آموزش فلسفه در کشور ما به ستوه آمده‌اند و یا اینکه مقصودشان از فلسفه، همان «فلسفه اولی» سنتی و رایجی است که معرفت‌شناسان و فیلسوفانی مانند هیوم، کانت و پوپر به نقادی آن و مسائل مورد کاوش آن پرداخته‌اند و البته به نظر من برخی اشکالهای این منتقدان بر فلسفه سنتی رایج کاملاً وارد است و ما باید با انصاف، واقع‌بینی و به دور از لجبازی و تعصب و عناد، کاستیها و کژیهای فلسفه سنتی را بپذیریم و به فکر رخنه‌پوشی خلأها و در افکندن طرحی نو برآییم.

ضرورت نقد فلسفه

پیداست که چنین گرایشی و چنین نقد علمی و تحلیلی از ناراستیها و کاستیهای یک نوع نظام فلسفی خاص، هرگز به معنای ضدیت با هر نوع فلسفه یا نفی و طرد فلسفه‌ورزی و اندیشه فلسفی نیست و نمی‌تواند بود. تنها نقدی است بر بخشی از مسائل یا روش پژوهش یک نوع فلسفه خاص که تعمیم آن کاملاً خطا و سخن نارواست. این گونه مخالفتهای نقادانه نسبت به فلسفه چه فلسفه سنتی رایج و چه فلسفه‌های جدید می‌تواند موجب رشد و شکوفایی اندیشه فلسفی و بالیدن این رشته در میان ما بشود و نه تنها ایرادی ندارد، که باید از آن استقبال کرد. آنچه خطر دارد، ترویج قشری گری و ظاهربینی و سطحی‌نگری تحت پوشش مخالفت با فلسفه است. نقد فلسفه نه تنها امری نیکو و پسندیده است، بلکه ضرورتی است تردیدناپذیر و کاری است که تعطیل آن خود مخالف و مغایر با روح فلسفه و نظرورزی فیلسوفانه است!

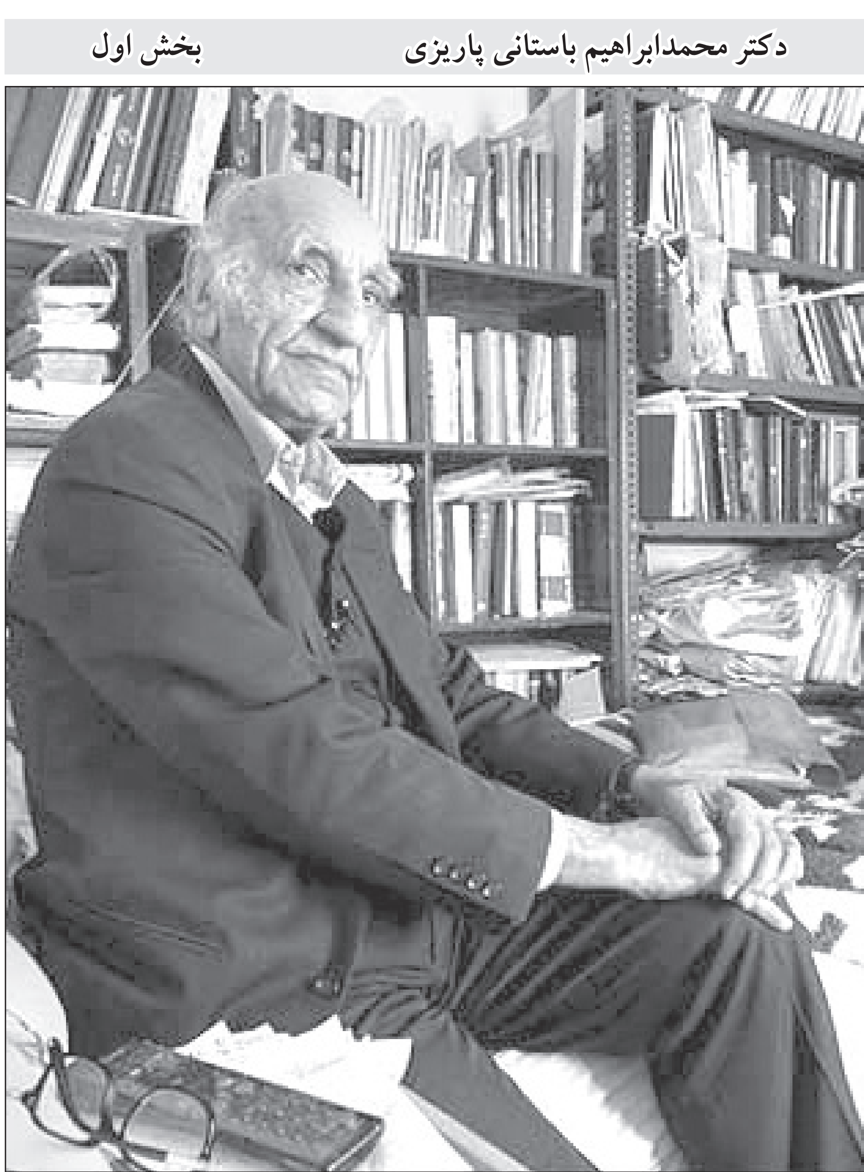
ادامه دارد

پی‌نوشتها:

۸ـ در اینجا صرفاً برای نمونه به تانت (Tennant) اشاره می کنم و کتاب معروف دوجلدی او تحت عنوان «الهیات فلسفی». او که یک متأله و فیلسوف انگلیکن است، سالها در دانشگاه کمبریج به تدریس اشتغال داشته و از پیشگامان رشته کلام فلسفی است که متأسفانه هنوز به جامعه ما معرفی نشده است.

مودونم و نموگوم!

دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی — بخش اول



پریروز پسرم حمید، از تهران تلفن زد که از طرف مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر، مبالغ معتنابهی گمانم حدود پانصد ششصد تا از آن اسکناسهای هزار تومانی پشت سبز به حساب مخلص و همچنین حمیده دخترم ریخته شده است و از طرف مؤسسه تلفنی توضیح داده‌اند که: «سازمان امیرکبیر در تجدید سازمانی که کرده، بسیاری از حسابهای گذشته را رسیدگی کرده و بدهیهای معوقه بعضی را پرداخته است...»

ضمناً توضیح داد همان مؤسسه از پدر که روزگاری طولانی استاد فول‌تایم، البته بازنشسته دانشگاه تهران بوده از وراث چند تن از مؤلفان سابق ما که استاد دانشگاه بوده‌اند، از جمله ناظم‌الاسلام کرمانی و علی‌اصغر حکمت و دکتر سیاسی و دکتر خانلری و چند تن دیگر اگر خبری دارد، به ما بدهد که بتوانیم با آنان تصفیه‌حساب کنیم.

البته ریختن پولی از طرف یک مؤسسه انتشاراتی بعد از سالها که از تفریغ محاسبات گذشته، در واقع نعمت غیرمترقبه و سفره انتظار و در حکم مائده آسمانی من حیث لایحتسب است.

دولت آن است که بی‌خون دل آید به کنار
ورنه با سعی و عمل، باغ جنان این همه نیست

خصوصاً که این روزها که حساب بانکی ما شده همان حوض و فواره با دو سه زیرآب قدیم که از یک طرف دو فواره آب می‌آید و از طرف دیگر از سه سوراخ آب می‌رود! و در کتاب «هزار مسأله» مرحوم ابوالقاسم نراقی که متخصص مسائل ریاضی عجیب و غریب بود، ما همیشه در عالم بچگی در دبیرستان تصور می‌کردیم که این چه کاری است که آدم دو فواره را روشن بگذارد و سه سوراخ را باز کند و آن وقت با حسابهای عجیب و غریب دو سه صفحه سیاه کند در جواب این سؤال که: «معلوم کنید اگر هر دو فواره کار کند و دو سوراخ باز باشد، این حوض در چند ساعت پر خواهد شد؟» این سؤال همچنان در ذهن ما بود تا پس از ۸۸ سال عمر، از حساب جاری بانکی خودم دریافتم که معنی حوض دوفواره چیست!

باری، این یادداشت را من به خاطر حسابدانی یک مؤسسه نوشته‌ام که روزگاری است که ملک ایمان رفته به باد؛ زمانی که عبدالرحیم جعفری مدیر آن بود، با چاپ چندین کتاب من، از جمله «حماسه کویر» که در همان چاپ دوم تیراژش به بیست‌هزار رسید، قسمت عمدهٔ پول ساختمان خانه خود را پرداختم، و کلی مخارج آن خانه در سال ۱۹۷۷/۱۳۵٦ بر یک میلیون و صدهزار تومان بالغ شد از هفتصد متر زمین در شهرک غرب و ٤٠٠ متر بنا و در و پنجره و آب و برق و همه آنها، و بنابراین از آن روز من خود را می‌توانستم جزء میلیونرها حساب کنم به اضافه صدهزار تومان. و داستان آن را در یکی از مقالاتم نوشته‌ام: «بورس بازیهای من» هفتصد سال پیش زمان اولجایتو اگر کسی ده‌هزار سکه طلا داشت، آن را در یک کیسه چرمی می گذاشت و مردم می‌گفتند: فلانی یک تومان (= ده هزار دینار) ذخیره دارد. ببین کار میلیون به کجا رسیده که ما هم میلیونر شدیم، به اضافه صدهزار تومان. **الدهر انزلنی ثم انزلنی حتی یقول الناس معاویه و علیٍ!**

پدر جعفری اصلاً کرمانی است، هر چند در مشهد بود و اینک مدیریت جدید مؤسسه به اسم ساروخانی این پول را به حساب من ریخته است (نکند همان دکتر ساروخانی خودمان استاد جامعه‌شناسی بوده باشد؟!) اینک بدین‌وسیله تشکرات خود را تقدیم می‌دارم، هر چند سهم من از این پول «دختربخش» است و سهم دخترم حمیده «پسربخش»؛ زیرا کتاب من لابد تألیفی بوده و کتاب دخترم (توربین‌های گازی) ترجمه، و در حکم کتاب درسی دانشکده فنی و بنابراین هر سال تیراژش افزایش می‌یافته و البته تیراژ کتاب مخلص هر روز کم و کمتر و به صفر نزدیکتر می‌شود.

مرحوم حبیب یغمایی تک‌بیتهای قشنگی دارد که یکی از آنها در مورد امروز مخلص صادق است هم مادةً و هم معناً:

جز وجود من که گردد قیمتش هر روز کم
قیمت هر چیز در هر روز، بالا می‌رود!



حالا برویم سر سؤال و جوابی که شاید هم چندان وافی به مقصود نباشد عرض کنم که گفته‌اند: «کمال الجود بذل الموجود».

ناظم‌الاسلام کرمانی

اول از پدر پیر شروع کنیم که ناظم‌الاسلام کرمانی باشد، مردی روشن‌بین، روشن‌نگر که صاحب «تاریخ بیداری ایرانیان» است، در تاریخ مشروطیت ایران و همچنین صاحب «اخبار المتنبّئین» است در احوال آنها که ادعای پیامبری کرده‌اند که این کتاب از اولی هم شاید قدرش کمتر نباشد؛ ولی به هر حال گمنام مانده است. لابد امیرکبیر درباره چاپ کتاب تاریخ بیداری ایرانیان به ذی‌دخل چون «روزنامه کوکب درّی» او را دیگری چاپ کرده است.

تا آنجا که مخلص پاریزی اطلاع دارم، نوه‌های دختری ناظم‌الاسلام به نام ناظم‌زاده شعاعی، دو تن از آنها در لغت‌نامه دهخدا کار می‌کردند؛ بدین معنی که مرحوم سیدمحمد هاشمی کرمانی ـ مدیر روزنامه بیداری ـ که بیش از نود سال است در کرمان چاپ می‌شود، خود یک بار قسمتی از تاریخ بیداری ایرانیان را چاپ کرده. او نماینده مجلس شورای ملی بود از کرمان، و هم مدیر روزنامه داخلی مذاکرات مجلس مذاکرات مجلسی‌ها بود، و هم مدیر چاپخانه مجلس که در ساختمان ضلع غربی مجلس کمی بالاتر از بهارستان، برابر کافه قنادی یاس قرار داشت.

او به سابقه ارادتی که نسبت به ناظم‌الاسلام داشت، این دو نوه او را اول به عنوان غلط‌گیری در چاپخانه مجلس به کار گماشت و پس از آنکه مسأله چاپ لغت‌نامه دهخدا به مجلس شورای ملی احاله شد، به همت سیدمحمد هاشمی و سیدمحمد صادق طباطبایی و سالها در آنجا چاپ می‌شد، این دو نفر جزء غلط‌گیران لغت‌نامه شدند، بعدها چاپ لغت‌نامه به دانشگاه سپرده شد و در ایامی که مخلص پاریزی نیز بود، لغت‌نامه به تدوین حرف «ب» پرداختم (حدود ۱۳۳۹ش/۱۹٦٠م به بعد) این دو همشهری در کتابخانه لغت‌نامه کار می‌کردند.

یک روز ناظم‌زاده شعاعی کوچک با مقداری بیش از یک کیلو کاغذ که زیر بغل داشت، آمد سر میز من و گفت: اینها بقیه یادداشتهای جدم ناظم‌الاسلام است که از طرف آن مرحوم در اختیار آقای سیدمحمد هاشمی کرمانی بوده. پریروز پیرمرد هاشمی مرا خواست و گفت: «من پیر شده‌ام و دیگر قدرت کار چاپ کردن کتاب را ندارم.» (او یک بار هم کتاب را توسط آقای ابراهیم رمضانی مدیر انتشارات ابن‌سینا چاپ کرد و مقدمه‌ای هم در احوال ناظم‌الاسلام بر آن نوشته بود خود ناظم‌الاسلام هم یک بار قسمتی از یادداشتهای خود را به صورت چاپ سنگی انتشار داده بود.) به هر حال مرحوم‌هاشمی می‌گوید: «این یادداشتها امانت جد شماست نزد من، حالا دیگر خودتان بزرگ شده‌اید و با چاپ آشنا شده‌اید. ببرید هر جور خواستید، چاپ کنید.»

مخلص پاریزی وقتی آن یادداشتها را دیدم، متوجه شدم که ناظم‌زاده شعاعی با من مشورت می‌کند که آنها را چگونه چاپ کنم. به او گفتم: «رمضانی این روزها به خاطر چاپ کتابهای مذهبی مسأله دارد. (او به همین دلیل بساط خود را فروخت و به آمریکا رفت و در همان جا درگذشت) بهتر است آن را ببری نزد همشهری خودمان سعیدی سیرجانی که مسئول چاپ کتابهای بنیاد فرهنگ و در واقع معاون آقای دکتر ناتل خانلری ـ رئیس بنیاد ـ است. آنها البته چاپ می‌کنند.» او این حرف را قبول کرد و رفت بقیه یادداشتها را داد به بنیاد و بنیاد هم تمام کتاب را چاپ کرد و خوب هم چاپ کرد؛ ولی طبق گلایه‌ای که ناظم‌زاده بعداً کرد، حق‌التألیف مناسبی نیافت، هر چند غلط‌گیری را هم خودش کرده بود.

بنابراین گمان کنم تنها وارثی که از ناظم‌الاسلام باقی مانده باشد، همین ناظم‌زاده‌ها و اولاد آنها بوده باشند؛ ولی در کرمان از اولاد برادر ناظم‌الاسلام که شمس‌الاطبا باشد و در دوره اول هم وکیل مجلس شورای ملی بود، خبری ندارم.

جمال‌زاده

یک وقت خدمت مرحوم جمال‌زاده در سوئیس بودم. از او درباره سن و طول عمرش پرسیدم. جمال‌زاده گفت: باستانی، یک تردید باطنی سالهاست که در مورد سنم در من هست، هرچند به کسی نگفته‌ام؛ اما اینک به تو می‌گویم. من (جمال‌زاده) برادری بزرگتر از خود داشته‌ام به اسم سید محمدعلی که سه چهار سالی عمر کرده و در کودکی درگذشته بوده. پدرم (سید جمال اصفهانی) که از این واقعه سخت متأثر شده بود، طبق معمول خانواده‌های ایرانی برای اینکه یاد بچه اول در خانواده همیشه باقی باشد، اسم او را گذاشته بود روی من. یک قرآن خانوادگی داریم که پشت آن نوشته شده: «تولد فرزندی محمدعلی به تاریخ فلان و فلان...»

پدرم چنان که می‌دانید، بعد از توپ بستن مجلس توسط محمدعلی شاه، ناچار از تهران گریخت که به عتبات یا لبنان پیش قوم و خویشهایش برود؛ اما در همدان گیر افتاد و در بروجرد به وصفی که می‌دانید، کشته شد و ما بی‌سرپرست ماندیم. من حالا در تردید هستم که این تاریخی که پشت قرآن نوشته شده، تاریخ تولد برادر بزرگتر من است، یا تاریخ تولد من. این تردید سالهاست که در دل من خار خار می‌کند...

مخلص پاریزی، ضمن تطبیق آن سال با تاریخ توپ بستن مجلس، به آقای جمال‌زاده گفتم: «مطمئناً همین تاریخ، تاریخ تولد شماست؛ زیرا در یادداشتهای خطی ناظم‌الاسلام که تازه به دست آمده و پیش ناظم‌زاده شعاعی است، نوشته شده که در تاریخ فلان مجلس به توپ بسته شد، و پریروز عیال سیدجمال آمد پیش مادر بچه‌ها (یعنی زن ناظم‌الاسلام) و ضمن گریه و زاری گفت: شوهرم فرار کرده و ما بی‌سرپرست مانده‌ایم. رفته‌ام پیش کمیسری و داستان را گفته‌ام. کمیسر گفت: باجی، برو عده نگهدار و بعد شوهر کن؛ زیرا شوهرت دیگر حیات ندارد و...»

ناظم‌الاسلام بعد اضافه می‌کند که: «سیدجمال چند تا بچه دارد، پسر بزرگش که ۱٦ یا ۱۸ سال دارد در بیروت در خانه قوم و خویشهایش زندگی می‌کند و مشغول تحصیل در مدارس بیروت است...»

من با تطبیق نوشته ناظم‌الاسلام با تاریخ به توپ بستن مجلس یا به قول خود ناظم‌الاسلام «یوم‌التوپ» و یادداشت پشت قرآن و اینکه ناظم‌الاسلام می‌گوید این پسر حالا ۱٦ یا ۱۸ سال دارد، اطمینان پیدا کردم که سال تولد جمال‌زاده همین تاریخ پشت قرآن است و ربطی به پسر اولی ندارد. مطلب را که به جمال‌زاده گفتم، گفت: «خدا خیرت دهد که مرا از یک تردید ۷۸ ساله نجات دادی!» و بعد هر دو فاتحه‌ای به روح ناظم‌الاسلام فرستادیم.

اتفاقاً «چاه گمانه»ای که این مؤسسه انتشاراتی زده پُر بی‌راه هم نبوده؛ منتهی مخلص پاریزی همت آن را نداشت که از این سه چهار نفری که اسم برده، و همه از اولیا و اکابر فرهنگ ایرانی هستند، آن بهره‌ای که باید ببرد، ببرد و ضمناً در زندگی خصوصی آنان نیز اطلاعاتش خیلی کم و محدود است. حالا چون صحبت جمال‌زاده آن هم از جانب ناظم‌الاسلام پیش آمد، بهتر است از سیدمحمدعلی جمال‌زاده شروع کنم.

قلبی با عشق به ایران

این مرد را من از مقالهٔ پلنگ در مجله‌ای که در آلمان چاپ می‌شد (۱۳۰۸ش/۱۹۳۹م) اسماً می‌شناختم و از ۱۳٤۸ش/۱۹٦۹م حضوراً او را دیدم و قریب پنجاه سال، سالی نبود که سری به ژنو نزنم و ملاقاتی نکنم. و آخرین ملاقاتم در روزهای آخر عمر این مرد در ۱۰۵ سالگی او بود در یک بیمارستان در ژنو که لگن خاصره، یا به قول پاریزی‌ها «سه بند» او شکسته بود یا دررفته بود و پیرمرد ناتوان بدون زن و فرزند را روی تخت با یک پا به سقف تخت بسته و در واقع به دار زده بودند: بیماریی که معمولاً پایان آن مرگ است؛ یعنی شکستن استخوان ران. این مرد حدود پنجاه جلد کتاب نوشته، یکی از یکی بهتر، و نمونه آن «سر و ته یک کرباس» و «فارسی شکر است» که دهها بار به چاپ رسیده. وی قسمت عمده عمر خود را در اروپا آلمان و سوئیس گذرانده و زن سوئیسی از نژاد آلمانی داشته؛ اما یک لحظه از یاد ایران غافل نبود.

به خاطر دارم همان‌روزها در ایران یک ماشین کوچک کامپیوتر در دست یکی از اطبا دیدم که گرما و فشار خون و سایر مختصات بدن آدمی را آناً جواب می‌داد. به آن دکتر گفتم: «می‌شود حساب کنی که اگر یک آدم ۱۰۵ سال عمر کند، چند بار قلبش می‌زند؟» او بلافاصله متوسط یک قلب عادی را که گمان می‌کنم حدود شصت هفتاد بار در دقیقه باشد، به کامپیوتر داد و کامپیوتر بلافاصله یک رقم چند میلیونی پس داد (رقم را فعلاً فراموش کرده‌ام خودتان حساب کنید). دکتر گفت: «این آخرین رقمی است که این کامپیوتر کوچک برای صد سال می‌تواند حساب کند، و برای بیش از آن باید دستگاه مجهزتری داشت!»

به هر حال از این سؤال منظوری داشتم. روزی که در سوئیس به دیدار جمال‌زاده در بیمارستان رفتم، اتفاقاً ساعتی بود که دکتر متخصص او نیز آمده بود و من برای اظهار حیات و اینکه زبان خارجی نیز می‌دانم، به سه چهار کلمه شکسته فرانسوی با دکتر صحبت کردم (من با همان هفت هشت کلمه بن‌ژور و کمان تادو فرانسه‌ای که شصت هفتاد سال قبل،

> **ناظم‌الاسلام کرمانی مردی روشن‌بین و روشن‌نگر صاحب «تاریخ بیداری ایرانیان» است، در تاریخ مشروطیت ایران و کتابی دارد در احوال آنها که ادعای پیامبری کرده‌اند که این کتاب از اولی هم شاید قدرش کمتر نباشد؛ ولی به هر حال گمنام مانده است**

یعنی پیش از جنگ بین‌الملل دوم آن هم در پاریز و نه در پاریس یاد گرفته‌ام، تا امروز سه چهار بار دور دنیا را گشته‌ام؛ چنان که این جواب را هم امروز از تورنتو شهر بزرگ کانادا می‌نویسم که تا تهران و پاریز هشت ساعت اختلاف زمانی فاصله دارد و چون معمولاً هر ساعت فاصله زمانی را حدود نهصد کیلومتر فاصله مکانی تخمین می‌زنند، بیش از نصف نصف‌النهار زمین و خط استوا با هم فاصله داریم.)

علاوه بر آن با همین هفت هشت کلمه فرانسه که پیش از جنگ بین‌الملل دوم یاد گرفته‌ام، کتاب «اصول حکومت آتن» ارسطو را از ترجمه فرانسوی‌اش به فارسی ترجمه کرده‌ام که تاکنون بارها تجدید چاپ شده، و گمان دارم این پولی را که من‌حیث لایحتسب مؤسسه انتشاراتی به حساب من ریخته، حق‌التألیف و در واقع حق‌الترجمه کتاب معلم اول باشد که توسط این شاگرد کم‌دان پراداعا صورت گرفته است.

باری به آن دکتر مختصص معالج جمال‌زاده گفتم: «می‌دانید دکتر که قلب این بیمار شما فلان قدر ۲۷۵ میلیون بار دفعه به یاد ایران تپید و ۵۰ کتاب و هزاران مقاله به زبان فارسی نوشته است؟» وقتی آن دکتر سوئیسی این محاسبه مخلص را شنید، گفت: «رقم جالبی است و محاسبه خوبی کرده‌اید. حالا که شما این کار را کردید، من هم یک مژده به شما بدهم. این عضلات قلب، غیر از عضلات کبد و کلیه و غیره و غیره است؛ یعنی عضله‌ای است که اگر سایر اعضا با او همکاری کنند، می‌تواند تا سیصد سال تجدید سلول کند و برای زنده ماندن مقاومت کند.»

من از دکتر تشکر کردم و گفتم: «حالا برای من روشن شد که چطور شد که نوح هزار سال و یک روز کم عمر کرد، و رستم هزار سال گرز زد و آخر کار به تیر برادرش کشته شد و از آن مهمتر این جناب خضر به چه دلیل زندگی جاوید یافته، هرچند به عقیده خودم که در وصف هشتاد سالگی خود، ده سال پیش گفته‌ام:

هشتاد گذشت و می‌رسد دور نود
دور نود است و سنگ بارانِ لحد
وای ار برسد بدین نمط عمر به صد
ای خضر، چه می‌کنی تو با عمر ابد؟

ادامه دارد

نگرش سیستمی به قضایا



دکتر زاهد شیخ‌الاسلامی ۲

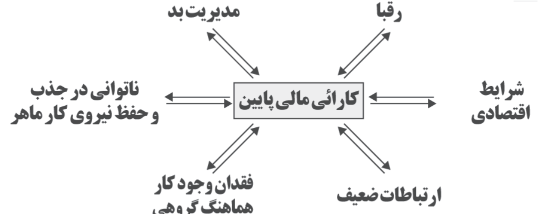
تفکر سیستمی عامل‌جوست: تفکر سیستمی همواره به دنبال این است که عامل و عوامل اصلی ایجاد یک رفتار به خصوص را پیدا کند. در مقابل این نوع تفکر، تفکر تأثیری قرار دارد. تفکر تأثیری معمولاً روی عوامل خارج از سیستم متمرکز است و رفتار سیستم را به صورت مجموعه‌ای از آثار عوامل خارجی ارزیابی می‌نماید. برای درک نظارت این دو، به مثال زیر توجه کنید:

در یک مجله علمی اقتصادی مقاله‌ای در مورد تولید شیر درج شده بود که نویسنده میزان تولید سالیانه گاو را با روشهای آماری به یک رشته متغیرهای اقتصادی از قبیل تولید خالص ملی، نرخ بهره، قیمت محصولات کشاورزی و تورم مربوط کرده بود. حاصل این کار یک معادله بود که می‌توانست تولید شیر را برحسب متغیرهای مزبور محاسبه کند. این مدل تولید شیر در سالهای گذشته را به خوبی «پیش‌بینی» می‌کرد. اگر سال آینده اتفاق مهمی که خارج از پارامترهای معادله مزبور بود اتفاق نیفتد، این معادله می‌تواند تولید سال آینده را با تقریب خوب پیش‌بینی کند.

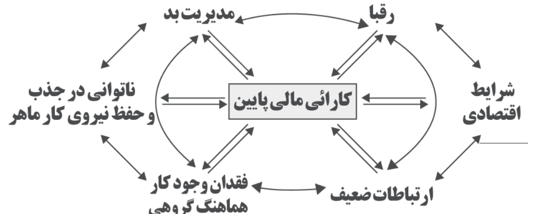
با وجود این اگر هدف، این است که دریابیم تولید شیر در سالهای آینده را چگونه افزایش دهیم، این معادله کمکی به ما نخواهد کرد. جالب است که در این معادله خود گاو را نمی‌توان پیدا کرد. برخورد با مسائل از طریق معادلات این چنینی ناشی از تفکر تأثیری و یا فاکتوری است. واقعیت این است که هیچ‌کدام از تفسیرهایی که در بالا ذکر کردیم، ربطی به مکانیزم تولید شیر ندارند. گاو مهمترین عامل تولید شیر است. تفکر سیستمی روی پروسه اصلی ایجاد شیر تمرکز بیشتری دارد. از این‌روست که تفکر سیستمی را عامل‌جو می‌خوانیم.

از آنجا که این جنبه از تفکر سیستمی اهمیت بسیاری دارد، مثال دیگری ذکر می‌کنیم. فرض کنید که شما مشاور مدیریت هستید و یک شرکت تجاری شما را استخدام کرده تا مسئله افت فروش و منافع را بررسی کنید و راه‌حل خود را ارائه بدهید. شما بر مبنای تجربه خود می‌دانید که پایین بودن کارایی شرکت ممکن است متأثر از عوامل بسیاری باشد؛ مثلاً مدیریت بد، ناتوانی در جذب و حفظ نیروی کار ماهر، رقبا، شرایط اقتصادی، ارتباطات ضعیف، فقدان کار هماهنگ و گروهی...

تا این نقطه، یک مشاهده عمومی کرده‌ایم که کمتر کسی می‌تواند با آن مخالفت کند. مدل ذهنی ما این است که مدیریت کارآمد کارایی شرکت را بالا می‌برد؛ بنابراین اگر کارایی مالی شرکت پایین باشد، یکی از دلایل آن مدیریت بد است. این دیدگاه گرچه به طور عمومی می‌تواند صادق باشد، ولی یک‌طرفه است. آیا نمی‌توان ادعا کرد که کارایی مالی پایین فقدان منابع کافی به مدیریت اجازه نمی‌دهد که برنامه‌هایی را برای حل مسأله پیاده کند؟ اگر این ادعا را بپذیریم، می‌توانیم نمودار را به‌صورت زیر رسم کنیم:



[illegible]



[illegible]

الگوهای عمومی

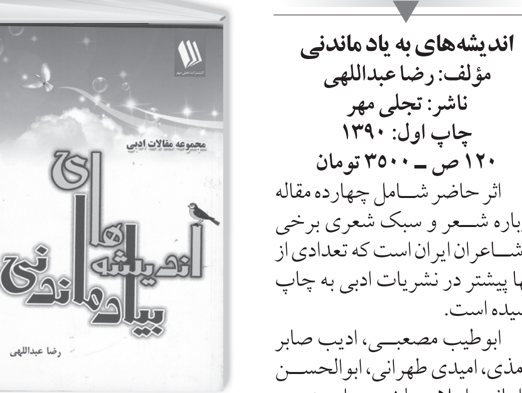
[illegible]

متغیر اول — متغیر دوم

[illegible]

ادامه دارد

معرفی کتاب

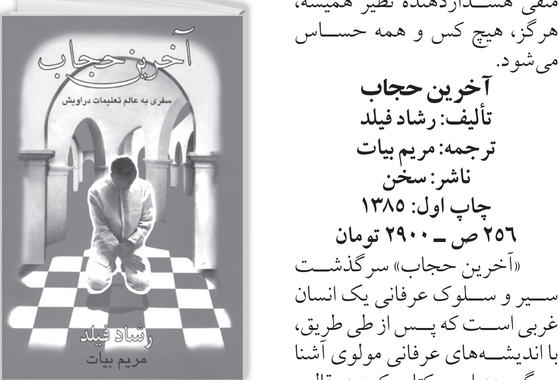


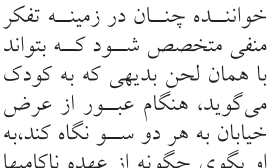
اندیشه‌های به یاد ماندنی
مؤلف: رضا عبداللهی
ناشر: تجلی مهر
چاپ اول: ۱۳۹۰
۱۲۰ ص ـ ۳۵۰۰ تومان

[illegible]

بازیهای جشن تولد از ۶ تا ۱۰ سالگی
مؤلف: لورلیش اشتن
مترجم: لیلا لفظی
ناشر: صابرین، کتابهای دانه
چاپ اول: ۱۳۹۱
۱۲۸ ص ـ ۴۰۰۰ تومان

[illegible]





نجات فرزند از تفکر منفی
تألیف: دکتر تامار چنسکی
ترجمه: فرناز فرود
ناشر: صابرین
چاپ اول: ۱۳۹۲
۳۱۲ ص ـ ۱۲۰۰۰ تومان

[illegible]

آخرین حجاب
تألیف: رشاد فیلد
ترجمه: مریم بیات
ناشر: سخن
چاپ اول: ۱۳۸۵
۲۵۶ ص ـ ۲۹۰۰ تومان

[illegible]



نویسنده: هنری هزلیت ■ مترجم: محمد حسین وقار ■ ۳۵

این گونه تغییرات ناگهانی حتی ممکن است موجب رکود شود.) اما تعرفه در مسأله دستمزد فاقد موضوعیت نیست. تعرفه در درازمدت همیشه دستمزد واقعی را کاهش می‌دهد؛ زیرا کارآیی، تولید و ثروت را کاهش می‌دهد.

بدین ترتیب همه خطاهای اصلی تعرفه از آن خطای اصلی نشأت می‌گیرد که دل‌مشغولی کتاب حاضر است. این خطاها نتیجه نگریستن تنها به تأثیرات فوری یک نرخ تعرفه بر یک گروه از تولیدکنندگان و فراموش کردن تأثیرات درازمدت بر همه مصرف‌کنندگان و بر همه دیگر تولیدکنندگان است. (من می‌شنوم که برخی از خوانندگان می‌پرسند: «چرا این مشکل را با برخوردار ساختن همه تولیدکنندگان از حمایت تعرفه‌ای حل نمی‌کنند؟» اما اینجا خطا آن است که تعرفه نمی‌تواند به یک شکل به تولیدکنندگان کمک کند، و اساساً نمی‌تواند به همه تولیدکنندگان داخلی که پیشتر بر تولیدکنندگان خارجی «در فروش پیشی گرفته‌اند» کمک کند: این تولیدکنندگان کارآمد به‌ناچار از انحراف قدرت خرید ناشی از تعرفه آسیب می‌بینند.)

در موضوع تعرفه باید این نکته آخر را بادقت در ذهن داشته باشیم. این همان دقتی است که در بررسی تأثیر ماشینها ضروری یافتیم. انکار اینکه تعرفه برای صاحبان منافع خاص نفع دارد، یا دست کم می‌تواند نفع داشته باشد، بی‌فایده است. درست است، تعرفه به قیمت ضرر همه دیگران، برای آنان نفع دارد. به‌راستی برای آنها نفع دارد. اگر تنها یک صنعت بتواند از حمایت برخوردار شود، در حالی که مالکان و کارگران آن در همه چیزهای دیگری که می‌خرند از منافع تجارت آزاد برخوردار می‌شوند، آن صنعت منتفع می‌گردد، حتی در جمع نهایی؛ اما وقتی برای شمول دیگران در برکات تعرفه تلاش می‌شود، حتی اشخاص شاغل در صنایع مورد حمایت هم به عنوان تولیدکننده و هم مصرف‌کننده، در نتیجه حمایت از اشخاص دیگر صدمه می‌بینند و در نهایت ممکن است حتی در نتیجه نهایی، نسبت به وقتی که نه آنها و نه هیچ کس دیگر از حمایت برخوردار نبود، نادارتر باشند.

اما نباید امکان آن را که این تعرفه‌ها گروههای خاصی را منتفع سازد، انکار کنیم؛ همان طور که حامیان مشتاق تجارت آزاد اغلب چنین کرده‌اند؛ مثلاً نباید تظاهر کنیم که کاهش تعرفه‌ها به همه کمک کرده و به هیچ کس صدمه نمی‌زند. درست است که نتیجه نهایی کاهش تعرفه‌ها کمک به کشور است، اما در این میان اشخاصی هم صدمه می‌بینند. گروههایی که پیشتر از حمایت بسیار برخوردار بوده‌اند، آسیب می‌بینند. در حقیقت، این یکی از دلایل آن است که ایجاد این گونه صاحبان منافع حمایتی در اصل خوب نیست. اما وضوح و صداقتِ فکر ما را بر آن می‌دارد که ببینیم و اعتراف کنیم که برخی صنایع حقّ دارند بگویند که رفع تعرفه از محصولاتشان آنها را از کسب‌وکار بیرون انداخته و کارگرانشان را (حداقل موقتا) به بیکاری کشانده است. و اگر کارگرانشان تخصصی کسب کرده باشند، حتی ممکن است برای همیشه یا تا وقتی که در نهایت مهارتی برابر را فراگیرند، صدمه ببینند. در تشریح تأثیرات تعرفه‌ها، همانند تشریح تأثیرات ماشینها، باید بکوشیم که همه تأثیرات اصلی را بر همه گروهها هم در کوتاه‌مدت و هم در درازمدت مد نظر قرار دهیم.

به عنوان تکمله‌ای بر این فصل، باید اضافه کنم که این استدلال علیه همه تعرفه‌ها نیست، از جمله عوارضی که اساساً برای کسب درآمد یا برای بقای صنایع ضروری برای جنگ وصول می‌شود؛ همچنین علیه همه مباحثات مدافع تعرفه نیست. این استدلال فقط متوجه این خطاست که تعرفه در نتیجه نهایی «ایجاد اشتغال می‌کند»، «دستمزدها را افزایش می‌دهد» یا «سطح زندگی آمریکاییان را حفظ می‌کند.» تعرفه هیچ کدام از این کارها را نمی‌کند و در حدی که به دستمزدها و سطح زندگی مربوط است، در جهت مخالف عمل می‌کند؛ اما بررسی وضع عوارض برای سایر مقاصد ما را از موضوع فعلی‌مان دور می‌سازد.

ادامه دارد

آبزی پروری؛ فرصت ها و چشم اندازهای آینده

آنچه در پی آمده است نگاهی دارد به موضوع آبزی پروری در ایران و جهان که بخش اول آن را در شماره دیروز خواندید و اینک بخش دوم و پایانی این گزارش را ملاحظه می کنید

***



پرورش میگوی آب شور که با موانع و مشکلات زیادی روبرو بوده، توانسته است در سطح ۸۰۲۶ تن تولید در سال ۱۳۹۰ برسد.همچنین تکثیر ماهیان برای فعالیت‌های تولیدی و رها سازی در دریا به منظور بهبود شرایط صید و صیادی در کشور با روند مناسبی روبرو بوده است. به طوری که میزان تکثیر بچه ماهی در کشور برای رها سازی از ۳۳۷ میلیون قطعه در سال ۱۳۹۰ به ۴۴۷ میلیون قطعه رسیده که با رشد مناسبی روبرو بود و فقط گونه ماهیان خاویاری با کاهش روبرو بوده است که نیازمند برنامه ریزی دقیق‌تری در این خصوص هستیم. تکثیر ماهی قزل الای رنگین کمان در سال ۱۳۸۰ از ۹۴ میلیون قطعه به ۳۵۰ میلیون قطعه در سال ۱۳۹۰ رسیده است که با رشد زیادی روبرو بوده است.

همانطوریکه اشاره شد میزان مصرف سرانه آبزیان در کشوربا افزایش روبرو بوده است.براساس آمارنامه رسمی سازمان شیلات ایران میزان مصرف سرانه آبزیان در سال ۱۳۸۰ بر اساس هر نفر ۵ کیلوگرم در سال بوده است که این میزان در سال ۱۳۹۰ به ۹/۱ کیلوگرم رسیده است.یکی دیگر از موفقیت‌های آبزی پروری در کشور افزایش تعداد مزارع آبزی پروری و افزایش اشتغال زایی است. چنانکه بر اساس آمار رسمی سازمان شیلات ایران، تعداد مزارع آبزیان در کشور در سال ۱۳۸۰ شامل ۴۳۹۷ مزرعه بوده که این تعداد مزرعه در سال ۱۳۹۰ به ۱۴۰۸۰ مزرعه رسیده است. همچنین تعداد شاغلان آبزی پروری که در سال ۱۳۸۰ شامل ۲۰۱۵۰ نفر بوده ، در سال ۱۳۹۰ به ۴۸هزار نفر رسیده است.

بر اساس پیش بینی ها و ظرفیت سنجی های به عمل آمده آبزی پروری در ایران در ابتدای راه قرار دارد و در صورت کسب اطلاعات و فناوری های جدید جهانی و به روز رسانی اطلاعات تولیدی و همچنین تامین منابع مالی مورد نیاز، امکان رسیدن تولید به پنج برابر میزان تولید موجود امکان پذیر است. این موضوع نیازمند افزایش تولید در واحد سطح تولید یا به عبارت دیگر بهبود بهره‌وری در مزارع پرورشی و همچنین کسب دانش جدید و شناسایی و مکان یابی های جدید خواهد بود. لذا امکان افزایش اشتغال و جذب تمامی دانش آموختگان این رشته در فعالیت های تولیدی و بخش‌های پشتیبانی از فرآیند توسعه آبزی‌پروری از قبیل صنایع جانبی شامل صنایع پیشین و پسین وجود دارد.

باید اشاره داشت:توسعه پایدار آبزی پروری پدیده ای نیست که خود بخود اتفاق بیفتد یا بتوان با سرمایه گذاری و ایجاد مزارع، آبزی پروری پایدار را فراهم کرد. در واقع بسیاری از مسائل زیر بنایی بتدریج و بصورت مرتبط باید با برنامه ریزی دقیق و کاربردی در کنار هم قرار گیرد تا بتوان با تکمیل نیازمندی ها به توسعه پایدار آبزی‌پروری رسید.

توسعه آبزی پروری در کشور در دو دهه گذشته بسوی تکامل در حرکت بوده و در این مدت بیشتر پدیده رشد در تعداد و ظرفیت مزارع مشاهده شده و این رشد ثمرات و فوائد بسیاری داشته است. لذا در حال حاضر بایستی تلاش شود تا با برنامه های متعدد کوتاه و میان مدت بتوان همه جوانب توسعه را بررسی و سپس آنرا به نتیجه رساند. در این خصوص می‌توان آبزی پروری پایدار در کشور را نیازمند موارد ذیل دانست و آنها را به این شکل دسته بندی کرد:

۱ـ کسب دانش و فناوری کاربردی روزجهان و بومی سازی دانش و فناوری در زمینه آبزی‌پروری در داخل کشور

۲ـ انتخاب افراد مستعد و علاقه‌مند به کسب آموزش و توانایی آموزش پذیری برای تحقق بخشی از توسعه پایدار آبزی پروری

۳ـ سرمایه گذاری و تامین منابع مالی مورد نیاز برای توسعه آبزی‌پروری شامل سرمایه گذاری دولتی در زیر بناهای توسعه آبزی‌پروری و سرمایه گذاری بانکی و مجموعه های سرمایه گذاری خصوصی

۴ـ توسعه کافی صنایع پیشین و پسین آبزی پروری بر اساس دانش روز

۵ ـ نظارت و کنترل کافی بر روند توسعه و همچنین تولید آبزیان

۶ ـ بهبود ساختار وضع تشکل‌های تولیدی آبزیان و بکارگیری تجارب حرفه ای مدیران با سابقه در این بخش ها

با توجه به اینکه همه فعالیت‌های آبزی پروری در سطح جهان جوان است، فقط آبزی‌پروری مدرن به دو دهه گذشته بازمی گردد، اما این حرفه با سرعت بسیار زیادی در حال تغییر و تحول است. بطوریکه بسیاری از روش‌های تولیدی قدیمی امروزه مورد استفاده قرار نمی گیرد یا به عبارت دیگر اگر از روش های قدیمی برای تولید آبزی پروری استفاده شود، تولید بسیار پر هزینه بوده و قابلیت رقابت با سایر کشورهای جهان را نخواهد داشت.

فراموش نکنیم که امروزه ما در جهانی زندگی می کنیم که ارتباطات با سرعت زیادی در حال پیشرفت بوده و لذا در صورتی که از لحاظ اقتصادی نتوانیم با سایر کشورهای دیگر جهان در تولید آبزیان رقابت کنیم، تجارت آزاد بوده و واردات آبزیان انجام خواهد شدو حتی با گذاشتن تعرفه ها و عوارض سنگین هم نمی توان جلوی واردات را گرفت. لذا باید بجای عقب نشینی تلاش کرد تا با کسب دانش روز و بومی سازی آن عملا بتوان نه فقط در داخل کشور موفق به ارائه تولیدی با قیمت رقابتی شد، بلکه بتوان تولید را به کشورهای همسایه و سایر کشورهای دیگر صادر کرد. لذا دستیابی به دانش جدید از مهمترین موضوعات آبزی پروری است.

همچنین مراکز تحقیقاتی و پژوهشی و سرمایه گذاری بخش دولتی و خصوصی در این خصوص باید مورد توجه قرار گیرد. هر چه در این بخش سرمایه‌گذاری بیشتری انجام شود، نتایج آن موفقیت های بیشتری در زمینه تولید ، ایجاد اشتغال، صادرات و کسب درآمدهای ارزی برای کشور خواهد بود. در زمینه مراکز آموزشی و دانشگاهی باید تلاش بیشتری صورت گیرد تا دانش جدید به دانش آموختگان منتقل شود.

در اینجا باید اشاره داشت:تامین منابع مالی یکی از مشکلات اساسی در این زمینه است. آبزی پروری بدلیل جوان بودن کمتر در جامعه شناخته شده و بدلیل اینکه بسیاری فعالیت های تجاری در کشور مورد علاقه سرمایه گذاران است، لذا سرمایه گذاری در آبزی پروری نسبت به فرصت های بخش صنعت و تجارت کمتر مشاهده می‌شود. این در حالی است که فقط تولید می تواند ضامن بقای اقتصادی توسعه پایدار یک کشور باشد.

کشور تولید کننده و صادر کننده در بحران های اقتصادی با کمترین ریسک از مشکلات اقتصادی عبور می کنند. با توجه به پتانسیل های با ارزش در آبزی پروری می بایستی این فعالیت مورد توجه بیشتر قرار گرفته و در حد مناسب و مورد نیاز در این حرفه سرمایه گذاری شود. سرمایه گذاری دولتی برای پشتیبانی تولید و سرمایه گذاری بانکی به همراه تشویق بخش خصوصی به سرمایه گذاری در آبزی پروری می تواند کشور را بسوی بکارگیری از فرصت هایی کند که همه علائق کشور همانند ایجاد اشتغال در مناطق دورافتاده کشور و بهبود و رونق مناطق محروم و همچنین بهبود شرایط اقتصادی این مناطق بشود. در صورتی که بخواهیم آبزی پروری توسعه یابد می بایستی صنایع قبل از تولید یا صنایع پیشین و همچنین صنایع پسین یا صنایع پس از تولید را مطابق با پیشرفت دانش روز تجهیز کنیم تا کل حلقه آبزی پروری کشور بدون نیاز به واردات به فعالیت خود ادامه دهد.در این خصوص این حلقه در گذشته ایجاد شده و خوشبختانه آبزی پروری نیاز به واردات زیادی ندارد. به شرط اینکه مجددا تلاش بیشتری برای ارتقاء سطح فناوری جدید این حلقه ها انجام شود. لذا با توجه به توسعه آبزی پروری در آینده، توجه به تاسیس مراکز مورد نیاز در این بخش از اهمیت ویژه ای برخوردار است. ایجاد کارخانجات مجهز و مدرن تولید غذا و همچنین ایجاد مراکز تکثیر با فناوری مهندسی ژنتیک و اصلاح نژاد آبزیان و رعایت حفاظت بهداشتی، همچنین توجه به تاسیسات صنایع پسین همانند مراکز عمل آوری و سردخانه می‌تواند با ایجاد شبکه عرضه داخلی و صادرات همه حلقه های آبزی پروری را فعال نگاه داشت. در آن صورت می توان با حمایت و پشتیبانی از زیربنای توسعه آبزی پروری به موفقیت های بزرگی برای کشور رسید. هر چند که شیلات و آبزی پروری با امکانات محدود فعلی هم توانسته است طی یک دهه بیش از یک میلیارد دلار برای کشور ارز آوری داشته باشد.

تهیه و تدوین : دکتر رضا فیض بخش– مهندس علیرضا کیهان پور

پست الکترونیک، موفقیت یا ناکامی؟

چندی پیش بود که ایمیل شرکت پست بعد از فراز و نشیب‌هایی که پست الکترونیک در عرصه فناوری اطلاعات گذراند، افتتاح شد. اما میزان موفقیت و امنیت پست الکترونیک یا ایمیل داخلی همواره مورد سوال بوده است.

به گزارش ایسنا، شاید بتوان ایجاد یک موج جدیددر این عرصه را زمانی دانست که دولت به زیرمجموعه‌های خود دستور داد تا تمام میل‌های خود را به سرورهای ایرانی منتقل کنند.از این کار دولت اینگونه برداشت می‌شدکه برای بالا بردن امنیت و دسترسی به اطلاعات در درون کشور این اقدام صورت گرفته است.

در هر حال چالش‌هایی که در این بین بر سرتوانایی وزارت ارتباطات برای اجرای چنین بخشنامه‌ای که به تمام دستگاه‌ها وسازمان‌های اجرایی کشور برای دعوت به استفاده از نام دامنه‌های ایرانی ومیزبانی‌های داخلی کشور ارسال کرد، مورد توجه بود.

در این بین بود که وظیفه سازمان فناوری اطلاعات ایران پررنگتر شد و علی حکیم جوادی به عنوان رئیس این سازمان در رابطه با استقبال مردم از ایمیل‌هایی ایرانی معتقد بود: استقبال خوب بوده ولی بیشتر باید برروی آموزش و فرهنگ سازی کار کرد و با توجه به اینکه کشورهای پیشرفته بسیاری در بخش‌های مرتبط با فن‌آوری اطلاعات موضوعاتی را به صورت اجبار درآورده‌اند، ما هم باید به سمتی برویم که خدمات الکترونیک دولت را از طریق ای‌میل داخلی انجام دهیم که این کار باحمایت و تقویت بخش خصوصی و تشویق مردم صورت خواهد گرفت و امیدواریم که با این رویکرد استقبال برای امسال بیشتر شود.

بعد از بررسی‌هایی که توسط این سازمان صورت گرفت، مشخص شد که ایمیل‌های دولتی به کاربران ایرانی هم اختصاص داده می‌شوند. البته علی اصغر انصاری معاون توسعه شبکه سازمان فن‌آوری اطلاعات در این رابطه پاسخ داد: ایمیل‌های دولتی قرار نبود از ابتدا به کاربران عادی اختصاص داده شوند. اما براساس شرایط قرار بر این شد که تا مدتی این ایمیل‌ها از کاربران عادی هم حمایت کنند.



در آن زمان لازم بود برای ثبت‌نام پست الکترونیک که توسط دولت ارائه می‌شد، ۲۴ ساعت صبر کرد که انصاری در این رابطه گفته بود: این ۲۴ ساعت زمان برای کاربران عادی است. چراکه ممکن است افراد دامنه‌های مختلفی را برای آدرس ایمیل خود استفاده کنند و در این میان گاه از سر کنجکاوی ازعباراتی نامفهوم بهره بگیرند. در این مدت ما جست‌وجو می‌کنیم تا اگر آدرس انتخاب شده مطابق عرف بود، آن را راه اندازی کنیم.

وی درباره ایمیل‌های شرکت پست هم گفته بود: این ایمیل‌ها به گونه‌ای هستند که باید فرد حقیقی پیش از راه اندازی آدرس ایمیل شناخته شود. چرا که شرکت پست سرویس‌های واقعی ارائه می‌کند و لازم است همان طور که دردنیای حقیقی کاربر این شرکت با اطلاعات مختلف شناخته می‌شود، در سیستم پست الکترونیک هم اطلاعات لازم از او وجود داشته باشد. در واقع ماموریت‌های ایمیل شرکت پست همانند ماموریت‌های این سازمان متفاوت است.

وی در ارتباط با هزینه‌ای که بابت راه‌اندازی این ایمیل‌ها دریافت می‌شود، توضیح داد: در دنیا بسیار رایج است که سرویس‌دهندگان اینترنتی هزینه‌ای را بابت خدمات خود دریافت می‌کنند.

انصاری در ادامه صحبت‌های خود با اشاره به ایمیل ایرانی چاپار عنوان کرد: در میان ایمیل‌های ایرانی ایجاد شده، ماموریت چاپار به آن چه که کاربران عادی نیاز دارند، تا حدی نزدیک‌تر است البته این پست هم دولتی است و زیر نظر شورای عالی اطلاع رسانی و با همکاری سازمان فن‌آوری اطلاعات راه اندازی شده است.

وی همچنین اظهار امیدواری کرد که در آینده نزدیک اپراتورهای ایمیل داخلی را داشته باشیم که این اپراتورها قادرند بلافاصله آدرس الکترونیک جدید را ایجاد کرده و خدمات مختلف را ارائه دهند.

اما چندی بعد از گذشت این صحبت‌ها و چند روز پساز آن که وزیر ارتباطات از افتتاح پروژه ایمیل ملی در آینده‌ای نزدیک خبر داده بود، به یک باره فیلتر شدن جی‌میل به خبری پر سر و صدا در این حوزه تبدیل شد و این در حالی بود که از مدت‌ها قبل متصدیان اینترنت کشور تاکید کرده بودند روی کار آمدن شبکه ملی اطلاعات به معنی قطع اینترنت یا دسترسی نداشتن به ایمیل‌های خارجی نیست.

البته با گذشت زمان این وضع مقداری بهبود پیداکرد، سیستم پست الکترونیک چاپار از درگاه امن بهره برد و از پست الکترونیک شرکت پست یا همان ایمیل ملی رونمایی شد. این سرویس ماهیانه به کاربران ۵۰ مگابایت فضا اختصاص می‌دهد و در هنگام ثبت‌نام تمام اطلاعات کاربر اعم از آدرس و کد پستی را دریافت می‌کند.

وزیر ارتباطات در مراسم افتتاح این سرویس گفت: پست در اکثر کشورهای جهان به صورت دولتی به مردم ارائه می‌شود و با توسعه زیرساخت‌های کشور شاهد ایجاد پست الکترونیک توسط ارگان‌های بومی هستیم.

همچنین رئیس مرکز توسعه مدیریت الکترونیک از افزایش حجم ماهیانه برای کاربران تا سقف دوگیگابایت در ماه خبر داد.

اگرچه پست الکترونیک در ایران پستی و بلندی‌هایبسیاری را طی کرده، اما به نظر می‌رسد روند رو به رشدی را در پیش گرفته است. اماسوالی که همچنان بی‌جواب مانده این است که آیا پست‌های الکترونیک ایرانی توانایی رقابت با نمونه‌های خارجی را دارند؟

آمادگی فرابورس برای عرضه جدید

مدیرعامل فرابورس ایران با اشاره به اینکه در صورت نهایی شدن گزارش‌های پتروشیمی جم، عرضه‌ها انجام خواهد شد، گفت: در صورت انتشار اطلاعات این شرکت بر روی سامانه کدال طی روزهای ابتدایی، آمادگی کامل برای عرضه را داریم.

امیر هامونی در گفتگو با فارس در پاسخ به این سؤال که عرضه اولیه ۵ درصد از سهام شرکت پتروشیمی جم چه زمانی نهایی می‌شود، اظهار داشت: عرضه اولیه این شرکت منوط به ارائه دو گزارش از طریق سامانه کدال است.

وی ادامه داد: ابتدا باید این شرکت گزارش عملکرد سه ماهه خود را بر مبنای بودجه سال ۹۲ ارائه کند تا امکان عرضه سهام این شرکت فراهم شود.

مدیرعامل فرابورس ایران همچنین درباره زمان عرضه اولیه ۵ درصد از سهام شرکت پتروشیمی جم گفت: در صورت انتشار اطلاعات این شرکت بر روی سامانه کدال طی روزهای آتی، آمادگی برای عرضه آن در آخر هفته وجود دارد.

هامونی با اشاره به عرضه پالایش نفت کرمانشاه تاکید کرد: در صورت ارائه اطلاعات کامل از سوی این پالایشگاه ۵ درصد از سهام آن در بازار دوم فرابورس عرضه خواهد شد.

مدیرعامل فرابورس ایران با بیان اینکه پذیره‌نویسی ETF هم در روزهای پایانی مرداد انجام خواهد شد، گفت: امید داریم تا دو هفته آینده افتتاحیه صندوق‌های قابل معامله انجام شود.

همچنین دبیرکل سابق بورس اوراق بهادار، بومی‌سازی ابزارهای موجود در بازارهای جهانی را در ایران مثبت ارزیابی کرد و پیدایش یک ابزار سرمایه‌گذاری غیرمستقیم تحت عنوان صندوق‌های ETFرا مفید دانست.حسین عبده تبریزی در نشستی با مدیران سازمان بورس گفت: همان طور که می‌دانید هر کشوری بازار سرمایه خود را دارد و ما با ویژگی‌های بازار خودمان ETF ایجاد می‌کنیم که تحول بسیار مثبتی است.وی افزود: این صندوق‌ها محدودیت‌هایی از قبیل بسته بودن سهام، زمان‌بر بودن فرآیند فروش و تأخیر در تقسیم سود سهام را برطرف خواهد کرد.

وی گفت: صندوق‌های تازه متولد ETFدر ایران هم شامل سهام و هم ابزارهای ثابت می‌شود که البته وجه غالب دنیا نیست؛ بلکه وجه غالب در دنیا سهام است در حالی که در ایران بازارگردانی برای آن‌ها تعریف شده است که البته این شرایط باز می‌گردد به وضع بومی ما که برای آن بازارگردان تعریف شده است.

وی افزود: البته می‌توان بازارگردان را بیشتر از این دخالت داد و دست آن را باز گذاشت.عبده تبریزی همچنین به ضرورت تشکیل ETFهایی کالایی اشاره کرد و گفت: بعد از این می‌توان برای ایجاد ETFهای کالایی اقدام کرد.

بازار در یک نگاه

جدول شاخص‌های بورس

عنوان شاخص	مقدار	بیشترین	کمترین	تغییر	درصد
شاخص کل	۵۹۶۰۸/۵	۵۹۶۲۲/۵	۵۹۱۳۱/۷	۷۱۸/۶	۱/۲۲
شاخص ۳۰شرکت بزرگ	۳۰۲۷/۲	۳۰۲۸/۸	۳۰۰۵/۸	۲۹/۲	۰/۹۷
شاخص آزادشناور	۷۰۸۱۴/۷	۷۰۸۲۶	۷۰۱۸۳/۸	۱۰۰۶/۳	۱/۴۴
شاخص بازاراول	۴۷۷۴۴	۴۷۷۵۷/۶	۴۷۳۷۱/۸	۶۱۹/۸	۱/۳۲
شاخص بازاردوم	۹۶۲۶۴/۶	۹۶۳۱۰	۹۵۴۳۳/۴	۹۰۱/۶	۰/۹۵
شاخص صنعت	۴۹۷۵۱/۲	۴۹۷۷۳/۷	۴۹۶۳۳/۳	۲۵۷/۳	۰/۵۲

آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (دوشنبه ۹۲/۵/۲۱)

مجموع حجم معاملات	۷۱۸/۰۱۵/۷۲۵ میلیون سهم
مجموع ارزش معاملات	۲/۵۰۵/۲۱۳ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۶۸۵۷۷ معامله
ارزش بازار	۲/۸۵۴/۱۷۴ میلیارد ریال

معامله متانول در بورس انرژی

در معاملات بازار فیزیکی بورس انرژی از مجموع ۳ هزار تن عرضه متانول، برای اولین بار ۲ هزار و ۴۲۵ تن معامله شد؛ همچنین ۴۹۷ قرارداد معاملات سلف موازی استاندارد در نماد بار پایه روزانه مورد داد و ستد قرار گرفت.

به گزارش روابط عمومی و امور بین الملل بورس انرژی ایران، در معاملات فوق ۴۹۷ قرارداد سلف موازی استاندارد در نماد بار پایه روزانه برای تحویل در روزهای پایانی مرداد و هفته اول شهریور ۹۲ معامله شد.همچنین، در جریان معاملات بورس انرژی ۳۰۰۰ تن متانول تولیدی پتروشیمی زاگرس در بازار فیزیکی بورس انرژی به قیمت هر کیلوگرم ۷۸۳۲ ریال عرضه شد که ۲ هزار و ۴۲۵ تن از آن مورد معامله قرار گرفت.مجموع ارزش متانول خرید و فروش شده به ۱۸ هزار و ۹۹۳ میلیون ریال بالغ شد.

سازوکار قیمت‌سازی جهانی محصولات پتروشیمی از مسیر بورس کالا

عضو هیات رئیسه انجمن صادرکنندگان فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی، گفت: ایران برای تبدیل شدن به یکی از مراجع قیمت‌گذاری محصولات پتروشیمی کار دشوارتری به نسبت قیر پیش رو دارد که در صورت همکاری تولیدکنندگان و بورس کالا این مسیر هموارتر می‌شود.

سید حمید حسینی در گفتگو با فارس گفت: قیر یکی از اولین محصولاتی بود که در رینگ فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی بورس کالا عرضه شد و به نوعی رونق دهنده بورس کالا در ابتدای فعالیتش بود.

حسینی افزود: کشور ما در تولید قیر از پتانسیل بالایی برخوردار است و با توجه به عرضه کنندگان و خریداران بالای این محصول، به جرات می‌توان گفت که ایران ما در منطقه بی‌رقیب است.

وی ادامه داد: نکته‌ای که در معاملات قیر وجود دارد، این است که ما فرمول جهانی و مشخصی برای این محصول نداریم که مراجع معتبر بین المللی از طریق آن فرمول به قیمتی واحد برسند.

وی گفت: بر این اساس در سال‌های اخیر فرصتی مناسب برای ما وجود داشت تا بتوانیم در قیمت‌های بین‌المللی این محصول اثر گذار باشیم، در این بین تولید کنندگان قیر با انتخاب بورس کالا به عنوان مکانی برای صادرات محصولاتشان، بهترین مسیر را انتخاب کردند.

وی افزود: در طول یکی دوسال اخیر با صادرات قابل قبول قیر از طریق بورس کالای ایران به بازارهای جهانی، قیمت قیر ایران توانسته جای خود را در میان مراجع اصلی قیمت باز کند و این موضوع خبری خوش برای کشور است.

حسینی تأکید کرد: به این ترتیب در مبادلات بین‌المللی به نرخ‌های قیر ایران هم استناد می‌شود و هر چه به جلو می رویم جای پای نرخ های قیر ایران در مراجع معتبر محکم تر می‌شود.

عضو انجمن صادرکنندگان فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی در پاسخ به این پرسش که آیا اکنون نوبت آن نرسیده که در قیمت‌های بین‌المللی محصولات پتروشیمی هم تاثیر گذار باشیم؟ گفت: کشور ما در تولید محصولات مختلف پتروشیمی مزیت بالایی دارد و اگر بتوانیم همانند قیر مسیر درست و شفافی را انتخاب کنیم، می‌توانیم با صادرات محصولات پتروشیمی از بورس کالا به تاثیر گذاری در قیمت های جهانی پتروشیمی هم امیدوار باشیم.

به گفته حسینی، نکته‌ای که در قیمت‌های بین المللی کالاهای پتروشیمی وجود دارد، این است که در حال حاضر نرخ‌های مبنا مرجع برای این محصولات وجود دارد به طور مثال نرخ‌های سنگاپور و خلیج فارس در برخی محصولات به عنوان مرجع به شمار می‌روند، به این ترتیب کشور ما برای تبدیل شدن به یکی از مراجع قیمت‌گذاری محصولات پتروشیمی کار دشوار تری به نسبت قیر پیش رو دارد که در صورت همکاری تولید کنندگان و بورس کالا این مسیر هموارتر می‌شود.

وی در پایان اظهار داشت: به هر حال آنچه مشخص است، اینکه می توان با اعتماد به بورس کالا و صادرات محصولات پتروشیمی از طریق این بورس، در قیمت‌های پایه بین المللی تاثیر گذار بود تا رفته رفته در این بازار بتوانیم از مرحله تابعیت قیمت به یک قیمت‌ساز تبدیل شویم.

گزارش دیگر اینکه در حالی ۱۶ هزار تن کالا به ارزش ۱۸۵ میلیارد ریال در تالارهای فرآورده نفت و پتروشیمی و کشاورزی بورس کالای ایران دادوستد شد که آمونیاک مایع با کاهش قیمت ۹ درصدی روبه رو شد.

به گزارش شرکت بورس کالای ایران ۲۲۰ تن آمونیاک مایع مجتمع پتروشیمی خراسان به قیمت ۱۰ هزار و ۷۰۹ ریال در تالار فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی به فروش رسید و کاهش قیمت ۹ درصدی قیمت را تجربه کرد. در این تالار همچنین ۱۰ هزار تن وکیوم باتوم، ۲۱۲۴ تن انواع قیر، ۶۰ تن آرگون و ۲۱ تن پلی بوتادین رابر ۱۲۲۰ معامله شد.

تالار محصولات کشاورزی شاهد معامله ۶۳۰ تن ذرت دانه‌ای دزفول به قیمت ۱۱ هزار ریال بود. این گزارش حاکی است، در تالار صادراتی ۲۰۰۰ تن قیر ۶۰۷۰ شرکت کیهان توسعه البرز به قیمت ۶۱۰ دلار در هر تن معامله شد.

علاوه بر این، ۵۰۰ تن قیر ۶۰۷۰ شرکت بام گام عایق ارومیه و ۳۰۰ تن قیر ۶۰۷۰ شرکت نگین گام پارس به ترتیب به قیمت‌های ۵۸۰ و ۵۶۰ دلار توسط مشتریان خریداری شد.

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
کنتورسازی‌ایران	۷,۰۶۹	(۲۹۴)	کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۴,۱۱۰	۱۵۸	نوردوقطعات فولادی	۳,۱۵۸	۱۲۱
مخابرات ایران	۳,۰۱۹	۱۱۶	مدیریت‌پروژه‌های‌نیروگاهی	۶,۱۹۰	۲۳۸	فولاد مبارکه اصفهان	۳,۸۲۰	(۴۶)
بیمه البرز	۶,۴۵۵	۲۴۷	کارت اعتباری ایران کیش	۹,۲۵۳	(۲۸۳)	ح . فولاد مبارکه اصفهان	۲,۷۵۲	(۸)
کابل البرز	۲,۷۳۱	۱۰۵	کشاورزی ودامپروی مگسال	۲۲,۷۰۰	(۴۹۳)	فولاد آلیاژی ایران	۴,۶۵۶	(۸۶)
ایران ترانسفو	۴,۱۰۰	۱۵۷	سیمان داراب	۶,۱۹۲	۲۳۸	فولادکاویان	۲,۱۳۵	۸۲
پارس‌سویچ	۴,۳۷۱	(۶۱)	سیمان آرتا اردبیل	۲۰,۸۶۳	۷۶۲	فرآورده‌های‌غدایی‌وقندپیرانشهر	۱۶,۴۷۰	(۱۷۳)
موتوژن	۹,۷۹۵	۳۷۶	سیمان‌ارومیه	۹,۰۰۳	۳۴۶	قند ثابت خراسان	۵,۴۳۱	(۷۳)
صنایع‌جوشکاب‌یزد	۶,۰۰۷	(۲۵۰)	سیمان بجنورد	۵,۴۳۸	۲۰۹	کارخانجات قند قزوین	۵,۱۰۷	۱۹۶
کارخانجات تولیدی شهید قندی	۳,۶۶۶	۱۴۱	سیمان بهبهان	۵۱,۵۰۱	۱,۹۸۰	شهد	۲۲,۶۵۶	۸۷۱
بیمه پارسیان	۲,۱۱۵	۲۸	سیمان‌سپاهان	۲,۴۱۶	۹۲	شکرشاهرود	۸,۸۹۰	۱۷۱
ایران‌یاساتایرورابر	۱۷,۹۹۰	(۴۲۳)	سیمان تهران	۵,۳۱۵	۲۰۴	قنداصفهان	۱۱,۴۵۰	۴۴۰
ایران تایر	۵,۷۹۹	۲۲۳	سیمان‌خاش	۸,۶۵۱	۳۳۲	قند لرستان	۵۰,۲۵۰	۱,۹۱۵
سرمایه گذاری پردیس	۱,۶۰۰	(۱۱)	سیمان خزر	۶,۰۸۸	۲۳۴	قند مرودشت	۳۰,۳۵۴	۱,۱۶۷
صنایع لاستیکی سهند	۸,۶۶۰	۱۸	سیمان دورود	۱۴,۲۶۳	۵۴۸	قندنقش‌جهان	۱۰,۶۲۹	(۶۱)
پلاسکوکار	۱,۵۶۵	۶۰	سیمان‌شاهرود	۵,۹۶۶	۲۲۹	قند نیشابور	۶,۴۰۲	(۱۸۶)
گروه صنعتی بارز	۷,۲۸۷	۲۸۰	سیمان شرق	۲,۸۶۳	۱۱۰	قندهکمتان	۳۶,۵۸۵	۱,۴۰۷
س. نفت و گاز و پتروشیمی تأمین	۳,۶۷۰	۵۹	سیمان شمال	۳,۱۲۳	۱۲۰	آبسال	۳,۶۴۸	۱۴۰
تراکتورسازی‌ایران	۳,۵۶۳	(۳۶)	سیمان‌اصفهان	۳۶,۰۸۴	۱,۳۸۷	سرما آفرین	۲,۸۰۴	۱۰۷
پمپ سازی ایران	۳,۱۸۱	۱۲۲	سیمان صوفیان	۵,۰۵۰	۱۹۴	داده‌پردازی‌ایران	۵,۳۸۷	(۲۲۴)
ماشین‌سازی‌نیرومحرکه	۱,۳۲۷	۵۱	سیمان‌غرب	۸,۸۵۱	۳۴۰	ایران‌ارقام	۳,۴۹۹	۹۷
گسترش‌صنایع‌وخدمات‌کشاورزی	۴,۱۹۵	۱۶۱	سیمان فارس و خوزستان	۳,۲۹۹	۱۲۶	بیمه ملت	۱,۵۸۳	(۳۱)
تکنوتار	۲,۴۷۵	۴۲	سیمان فارس نو	۵,۶۹۶	۲۱۹	ایران مرینوس	۹,۴۰۸	۳۶۱
ح . تکنوتار	۱,۴۸۱	۱۰۹	سیمان قائن	۷۸,۹۴۸	۳,۰۳۶	سرمایه‌گذاری‌توسعه‌آذربایجان	۱,۳۴۲	(۲۰)
توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۱,۷۴۹	۲۲	سیمان‌مازندران	۱۸,۷۴۹	۷۲۱	سرمایه گذاری آتیه دماوند	۸,۰۶۰	۰
بین‌المللی‌توسعه‌ساختمان	۲,۰۵۱	(۲۶)	سیمان سفیدنی‌ریز	۱۹,۸۷۰	۷۶۴	سرمایه گذاری البرز(هلدینگ	۴,۴۲۲	۱۷۰
سخت آژند	۱,۷۵۴	۲۱	سیمان‌هرمزگان	۱۶,۰۱۵	۳۱۴	گروه مدیریت سرمایه گذاری امید	۷,۰۹۴	۲۴۵
سامان گستراصفهان	۱,۷۶۸	۶۸	سیمان‌هگمتان	۶,۹۴۰	۲۶۶	بانک انصار	۳,۰۱۶	۱۱۶
سرمایه گذاری شاهد	۱,۶۶۰	(۵)	سیمان ایلام	۶,۰۰۴	۲۳۰	سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۵,۱۷۹	(۱۱۶)
سرمایه‌گذاری مسکن	۱,۹۹۹	(۸)	سیمان کردستان	۱۶,۴۸۶	۶۳۴	بانک صادرات ایران	۲,۲۲۸	۸۵
نوسازی‌وساختمان‌تهران	۵,۲۲۴	۲۰۰	سیمان کرمان	۹,۳۷۵	۳۶۰	بانک ملت	۲,۵۶۴	۹۸
افست	۶,۹۱۴	۲۶۵	پتروشیمی شازند	۱۶,۵۵۰	۲۳۷	سرمایه‌گذاری‌بهمن	۱,۵۱۰	(۸)
فیبر ایران	۴,۳۴۴	(۱۸۱)	معدنی املاح ایران	۲۱,۰۴۳	۸۰۹	سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۱,۴۶۵	۸
کارتن ایران	۴,۲۶۰	(۱۴۱)	نفت بهران	۲۶,۲۵۳	۲۳۹	سرمایه گذاری صنعت بیمه	۱,۷۵۶	۶۷
صنایع کاغذسازی‌کاوه	۱۸,۷۶۷	۷۲۱	بین المللی محصولات پارس	۱۰,۷۳۹	۴۱۳	بانک‌پارسیان	۲,۸۸۸	۱۱۱
حمل و نقل پتروشیمی(سهامی عام	۱,۸۴۰	۷۰	پتروشیمی آبادان	۱۲,۹۰۱	(۳۷۷)	بانک پاسارگاد	۱,۹۵۲	۷۵
تایدواترخاورمیانه	۴,۲۳۰	۹۲	پتروشیمی پردیس	۱۷,۹۸۳	(۸۰)	سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۲,۱۲۰	(۵۱)
حمل‌ونقل‌توکا	۴,۴۹۹	۱۷۳	پلی‌اکریل	۱,۳۸۶	۵۳	داروپخش (هلدینگ	۱۳,۶۰۵	۵۲۳
حمل و نقل بین المللی خلیج فارس	۱,۳۸۵	۴۵	پارس پامچال	۱۴,۱۵۱	۵۴۴	پست بانک ایران	۹,۲۹۹	۳۵۷
حفاری شمال	۵,۷۳۰	(۱۴۱)	تهران شیمی	۷,۰۷۶	۲۷۲	بانک تجارت	۲,۱۸۶	۸۴
سایپاآذین	۱,۲۸۸	۴۹	پتروشیمی خارک	۲۴,۳۸۰	۱۹۵	توسعه‌شهری‌توس‌گستر	۳,۴۲۰	۸۱
ایران خودرودیزل	۱,۰۸۱	۴۱	دوده صنعتی پارس	۱۱,۰۰۰	(۲۶۴)	سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۲,۰۴۱	(۴۴)
گروه‌بهمن	۲,۰۰۵	۷۷	صنایع‌شیمیایی‌سینا	۷,۱۸۳	(۲۹۹)	سرمایه گذاری پارس توشه	۲,۷۸۷	۱۰۷
پارس خودرو	۱,۲۷۵	۴۹	پتروشیمی‌فارابی	۱۹,۱۴۹	۷۳۶	توسعه‌صنعتی‌ایران	۲,۳۷۵	۹۱
سازه پویش	۱۴,۳۴۵	۵۵۱	صنایع شیمیایی فارس	۷,۶۳۶	۲۹۳	سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ	۲,۸۷۰	(۱۲)
ریخته‌گری تراکتورسازی ایران	۱,۳۸۵	(۵۷)	پتروشیمی فناوران	۲۱,۳۶۷	(۵۴۶)	سرمایه‌گذاری رنا(هلدینگ	۱,۴۳۷	۵۵
قطعات اتومبیل ایران	۱,۴۹۳	۵۷	گلتاش	۲۱,۲۰۰	۲۲۴	سرمایه‌گذاری سایپا	۱,۳۰۸	۵۰
رینگ‌سازی‌مشهد	۱,۳۵۵	۵۲	لعابیران	۸,۶۳۵	۳۳۲	سرمایه گذاری ساختمان‌ایران	۳,۷۵۵	۱۴۴
زامیاد	۱,۲۲۶	۴۷	تولیدموادا‌ولیه‌والیاف‌مصنوعی	۳,۴۴۱	۱۳۲	سرمایه‌گذاری سپه	۲,۳۰۰	(۲۳)
فنرسازی‌زر	۱,۲۸۷	۴۹	نفت پارس	۱۸,۵۳۹	۷۱۳	بانک سینا	۲,۱۷۲	۸۳
سایپا	۱,۴۹۰	۵۷	پتروشیمی‌شیراز	۹,۱۵۲	۱۶۹	گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۲,۹۷۸	۱۱۴
الکتریک خودرو شرق	۱,۰۵۰	۴۰	صنایع‌شیمیایی‌ایران	۳۲,۸۱۰	۵۹۰	سرمایه گذاری صنعت ومعدن	۲,۶۳۲	۱۰۱
سرمایه گذاری اعتبار ایران	۱,۵۷۶	۶۰	کربن ایران	۴,۴۹۸	(۸۱)	سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ	۴,۵۱۰	(۱۴۱)
گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۲,۴۲۵	۹۳	نیروکلر	۱۰,۲۴۴	(۱۴۸)	لیزینگ رایان سایپا	۱,۶۰۶	۶۱
لنت ترمزایران	۲,۷۴۰	۱۰۵	کشت‌وصنعت‌پیاذر	۴,۶۸۹	۴۶	لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۲,۵۱۲	۹۶
ح . لنت ترمزایران	۱,۷۶۳	۱۳۰	لبنیات‌کالبر	۷,۹۰۸	۳۰۴	لیزینگ‌خودروغدیر	۱,۱۶۵	۰
نیرو محرکه	۱,۲۱۹	۴۶	صنعتی بهشهر	۴۳,۶۵۸	۱,۶۷۹	لیزینگ‌ایران	۲,۳۷۹	۹۱
تولیدمحورخودرو	۱,۵۳۷	۵۹	بهنوش ایران	۹,۷۰۳	۳۷۳	توسعه‌معادن‌وفلزات	۷,۰۰۰	(۱۰۵)
مهرکام‌پارس	۹۹۲	۳۸	لبنیات پاک	۶,۹۵۴	۲۶۷	سرمایه‌گذاری‌ملت	۸۴۰	۳۲
موتورسازان‌تراکتورسازی‌ایران	۱,۲۹۰	۴۹	پارس مینو	۵,۸۰۸	۲۲۳	سرمایه‌گذاری صنعت نفت	۱,۶۱۲	۶۲
محورسازان‌ایران‌خودرو	۱,۰۹۹	۴۲	کشت و صنعت چین چین	۱۲,۶۵۶	۴۸۶	بانک‌اقتصادنوین	۴,۲۵۰	۱,۰۹۷
ایرکا پارت صنعت	۱,۷۷۰	۶۸	سالمین	۲,۸۹۵	۱۱۱	سرمایه‌گذاری‌نیرو	۲,۰۴۶	(۲۱)
ح.ایرکا پارت صنعت	۷۲۶	۵۳	پگاه‌آذربایجان‌غربی	۲,۲۸۰	۴۳	سرمایه‌گذاری ملی‌ایران	۳,۳۳۴	۹۹
سایپا دیزل	۹۹۷	۳۸	شیرپاستوریزه‌پگاه‌خراسان	۷,۵۰۲	۲۸۸	بانک کارآفرین	۲,۵۰۰	۹۶
کمک‌فنرایندامین	۱,۲۲۱	(۴۹)	شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	۹,۱۲۰	۱۴	کاشی اصفهان	۲,۴۷۴	۹۵
داروسازی ابوریحان	۱۳,۹۰۰	۵۳۴	شهد ایران	۴,۲۰۰	(۲۸)	باما	۱۱,۰۰۰	۱۲۳
کارخانجات‌داروپخش	۱۴,۹۲۹	۵۷۴	بیسکویت گرجی	۶,۶۸۸	۲۵۷	معادن بافق	۲۲,۰۰۰	۳۹۶
داروسازی اسوه	۱۸,۱۸۸	۶۹۹	گلوکوزان	۲۵,۲۲۶	۹۷۰	کاشی پارس	۴,۰۵۶	۱۵۶
البرزدارو	۱۰,۵۵۷	۴۰۶	مارگارین	۱۰,۸۰۰	۴۱۵	پشم‌شیشه‌ایران	۶,۴۶۶	(۲۶۹)
بیمه دانا	۱,۸۹۶	۷۲	تولیدی‌مهرام	۷,۵۰۸	۲۸۸	تولیدی کاشی تکسرام	۲,۵۰۹	۵۴
پارس دارو	۲۴,۴۶۲	۹۴۰	صنایع آذرآب	۶,۷۱۸	۲۵۸	معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۷,۴۳۶	(۲۲۵)
تولیدموادا‌ولیه‌داروپخش	۱۶,۸۰۰	(۵۱۳)	ماشین سازی اراک	۵,۴۲۶	۲۰۸	ح . معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۶,۳۶۹	(۱۶۴)
داروسازی جابرابن‌حیان	۵,۹۵۵	۲۲۹	صنایع پتروشیمی خلیج فارس	۹,۳۵۰	۲۹	چینی ایران	۶,۱۳۸	۲۳۶
داملران	۱۶,۰۱۷	(۶۶۶)	کالسیمین	۷,۸۵۰	۱۸۰	صنایع‌خاک‌چینی‌ایران	۲۲,۶۵۲	۸۷۱
دارویی رازک	۱۵,۰۰۰	(۲۵۴)	آلومینیوم‌ایران	۸,۸۶۸	۳۴۱	کارخانجات‌تولیدی‌شیشه‌رازی	۳,۴۹۳	(۱۴۵)
داروسازی‌زهراوی	۲۵,۷۳۴	۹۸۹	مس شهیدباهنر	۳,۰۷۵	۶۰	صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۸,۴۹۰	(۴۴)
گروه دارویی سبحان	۶,۰۲۸	۲۳۱	سینتا	۴,۲۳۳	۱۶۲	توسعه معادن روی ایران	۳,۱۲۳	۱۶
داروسازی سینا	۱۲,۱۸۰	(۲۹)	جام‌دارو	۵,۱۹۴	۱۹۹	ساپیاشیشه	۱,۱۷۵	۴۵
ح . داروسازی سینا	۱۰,۱۸۷	۷۳۸	فولاد امیرکبیرکاشان	۶,۰۰۳	(۱۷۷)	صنایع کاشی و سرامیک سینا	۱۰,۴۳۴	۴۰۱
شیمی داروئی داروپخش	۶,۷۹۰	۲۶۱	فولاد خراسان	۸,۵۷۵	۳۲۹	سرامیک‌های‌صنعتی‌اردکان	۲۹,۲۷۹	(۵۶۷)
لابراتوارداروسازی دکترعبیدی	۷,۳۵۶	۲۸۲	فولاد خوزستان	۳۸,۱۹۸	(۳۸۹)	پارس سرام	۵,۰۹۹	۱۹۶
داروسازی فارابی	۱۵,۵۵۹	۵۹۸	فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	۷,۰۶۰	۲۷۰	کاشی سعدی	۴,۵۸۰	۱۷۰
فرآورده‌های تزریقی ایران	۷,۰۰۸	۲۶۹	فروسیلیس ایران	۷,۵۲۶	۲۸۹	ذغال‌سنگ نگین طبس	۵,۶۰۰	(۱۵۵)
داروسازی اکسیر	۱۷,۵۸۳	۶۷۶	گروه‌صنعتی‌سپاهان	۶,۸۱۵	۲۶۲	فراورده های نسوزایران	۲۹,۸۸۷	۱,۱۴۹
دارویی لقمان	۴,۸۹۷	۱۵۶	ملی سرب‌وروی ایران	۲,۹۲۵	(۱۲۱)	شیشه و گاز	۶,۵۱۲	(۱۹۹)
ایران‌دارو	۶,۸۴۵	(۱۹۲)	لامیران	۳,۴۹۹	۱۳۴	معدنی و صنعتی گل گهر	۹,۷۷۰	(۲۱۵)
داروسازی کوثر	۳,۲۱۰	۱۰۸	لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۲,۵۲۰	(۳۶)	معادن‌منگنزایران	۸,۸۱۶	۳۳۹
کیمیدارو	۳,۷۹۱	(۱۵۷)	آلومراد	۳,۸۱۷	۱۴۶	تولیدی‌گرانیت‌بهسرام	۲,۴۳۵	۹۳
خدمات‌انفورماتیک	۱۵,۰۵۰	(۸۴)	ملی صنایع مس ایران	۳,۷۹۱	۱۴۵			
تجارت الکترونیک پارسیان	۷,۴۰۰	۱۵۸	نورد آلومینیوم	۸,۲۲۰	(۳۴۲)			

نیازمندیهای اطلاعات

نیازمندیها تلفنی آگهی می‌پذیرد ۲۲۲۲۵۳۳۳-۰۲۱

شماره فاکس نیازمندیها ۲۲۲۲۴۸۸۶-۲۲۲۲۴۹۶۳

حمل ونقل
کد ۹۰۰

حمل و نقل ۱۰
اتوبار

ارزان بار
با انواع کامیون و وانت شبانه روز
۶۶۴۱۳۳۳۳-۸۸۸۷۷۶۸۸-۹

خدمات اداری
کد ۱۲۰۰

خدمات اداری ۳۰
ثبت شرکت

ثبت شرکت
تغییرات، علائم تجاری، جواز تاسیس، کارت بازرگانی
۶۶۹۰۴۵۶۸-۶۶۹۱۴۴۹۷-۰۹۱۲۴۴۹۴۲۰۲

ثبت شرکت
نقل و انتقال سهام، اخذ کارت بازرگانی علائم تجاری، انحلال و تنظیم صورت جلسات
۶۶۵۵۹۲۳۲ - ۰۹۱۲۵۰۳۴۷۲۷

خدمات اداری ۷۰
کارت بازرگانی

پویان
پرداخت سرمایه فوری
در تهران نیم ساعته به کارمندان دولت
تا ۱۸۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
شغل آزاد ۵۰میلیون ریال با چک
۸۸۳۲۵۸۴۳
۸۸۳۲۳۰۵۰
۸۸۳۲۳۸۷۸

پویان
سرمایه‌گذار
جهت پرداخت سرمایه
به‌کارکنان دولت
و فروش اقساطی کالا
۸۸۳۲۳۸۷۸
۸۸۳۲۳۰۵۰
۸۸۳۲۵۸۴۳

املاک شهرستانها
کد ۱۴۷۰

املاک شهرستانها ۷۰
رهن اجاره

نزدیک نمک آبرود
واحدهای آپارتمانی، مبله شده و شیک با امکانات کامل اجاره به صورت روزانه
niloofarvila.ir ۶۶۰۸۵۱۲۹

خدمات املاک
کد ۱۵۰۰

خدمات املاک ۱۰
آژانس های املاک

پرساله
الهیه
شمیران
معاوضه – مشارکت
ویلا – کلنگی
آپارتمان
تجاری، اداری و مسکونی
اجاره مبله و غیر مبله
۲۲۰۵۱۹۱۹

خدمات ساختمانی
کد ۱۵۵۰

خدمات ساختمانی ۵۰
تاسیسات فنی

تعمیرات لوله‌کشی ساختمان
شیرآلات و کولر آبی
۰۹۳۵۶۶۹۶۷۳۸ پیروی

متفرقه
کد ۱۸۰۰

متفرقه ۱۰
متفرقه

اعطای نمایندگی
۲۰محصول پرفروش در زمینه خودرو
بدون نیاز به تخصص
۰۲۱-۸۸۷۰۸۲۴۷-۹
۰۹۱۹۷۲۳۲۳۰۷

پیامهای شخصی
کد ۱۷۰۰

پیامهای شخصی ۲۰
گمشده

پروانه نظام مهندسی به شماره پروانه ۱۲۸-۰۰۰۰-۱۴-۵۰۰ و شماره عضویت ۲۶۱-۰۰۰۰-۱۴-۵۰۰ به نام مرتضی تیموری عربلوی یگان فرزند اسد به ش‌ش ۳۲ صادره از ارومیه و شماره ملی ۲۷۵۴۲۶۳۴۹۷ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
ارومیه- مرتضی تیموری عربلوی یگان

سند و برگ سبز اتومبیل سمند L.X مدل ۱۳۸۸ به شماره شهربانی ۱۳۷ س ۳۶ ایران ۵۵ به شماره موتور ۱۲۴۸۷۲۷۲۸۶۳ شاسی N.A.A.C91CC29F187228 مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

کارت سبز سمند خاکستری به مالکیت نادر عابدینی به شماره شهربانی ۵۳ی۹۴۲ ایران ۷۸ شماره موتور ۱۲۴۸۶۱۲۴۴۲۸ و شماره شاسی ۷۳۲۸۹۶۷۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز پژو ۲۰۶ نقره‌ای رنگ مدل ۸۷ به شماره پلاک ۴۵-۷۲۴د۷۴ شماره موتور ۱۴۱۸۷۰۳۵۱۳۰ شماره شاسی NAAP03ED99J030949 مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است. شهر بابک

سند کمپانی (برگ فروش وسیله نقلیه) سواری ام‌وی‌ام تیپ X33 مدل ۱۳۹۱ رنگ سفید روغنی شماره شهربانی ۴۱۱و۷۶-ایران ۶۸ شماره موتور MVM484FAFA008174 شماره شاسی NATGBAXK101008566 به نام آقای فرهاد بختیاری مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

پروانه مسئولیت فنی آزمایشگاه بیمارستان به شماره ۳/۱۴۵/۱۵/۲۱۰۱۲ پ به نام دکتر مسعود مدنی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است از یابنده محترم درخواست می‌شود که به آزمایشگاه بیمارستان آریا رشت تحویل فرمایند.

سند کمپانی وانت نیسان مدل ۱۳۶۴ به شماره انتظامی ۹۲۷ج۴۸ ایران ۷۱ و شماره موتور ۱۵۰۷۳۳ و شماره شاسی ۰۲۰۰۵۰ مفقود گردیده اعتبار ندارد. (شهرکرد)

سند کمپانی سواری پیکان ۷۴ پلاک ۴۷-۲۳۴ج۲۲ موتور ۱۱۲۷۳۱۸۶۰۳ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. اراک

کارت موتور هوندا ۱۲۵ مدل ۷۷ به ش شهربانی ۷۲۵۸۴ ایران ۱۱۲ و ش شاسی ۷۷۰۴۹۲۰ به نام محمد جعفربیک مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد.

شناسنامه مالکیت BMW 740 Li به شماره پلاک ۲۴۱ س ۴۵ ایران ۷۷ و به شماره موتور N54BCA0424015 و به شماره شاسی WBAKB41029CY46230 به نام علی ابراهیم خلیلی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند خودرو سواری پژو ۲۰۶ به شماره پلاک ۶۶-۷۶۱ق۲۶ به شماره موتور ۱۳۳۹۰۰۰۵۱۴۷ و شماره شاسی NAAP13SE0BJ456182 به نام میرعلی اکبر علیانسب شرجیانی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

دوبرگ سند موتور سیکلت پرند ۱۲۵ رنگ سفید مدل ۸۷ شماره انتظامی ۵۷۶۲-کرمان ۳۸ شماره بدنه ۸۷۸۶۳۷۶ شماره موتور ۳۲۶۱۷۲۰۷ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

کلیه اسناد موتورسیکلت رادیسون مدل ۱۳۸۹ 200CC انتظامی ۶۲۶۴۱ ایران ۵۷۸ موتور ۱۳۴-۸۹۰۰ شاسی 200R9002208900220 مفقود از درجه اعتبار ساقط است.

گواهی میشود کارت بازرگانی به شماره ۱۳۶۹۶۳ به نام نجم‌الدین زرزا مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد. اشنویه: محمدنژاد

برگ سبز (شناسنامه) و سند کمپانی خودرو پژو ۲۰۶۹ مدل ۱۳۸۹ به شماره انتظامی ۷۳۱و۹۲ ایران ۵۵ به شماره موتور ۱۴۱۸۹۰۰۳۰۰۲ به شماره شاسی NAAP03ED8AJ109727 به نام مرضیه علیزاده مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی مفقودی
برگ سبز اتومبیل پراید مدل ۱۳۹۲ – پلاک ۶۴– ۳۹۵ص۳۶ شماره موتور ۴۸۵۱۸۵۸ شماره شاسی ۱۲۴۸۱۸۲ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. مهریز

سند و شناسنامه مالکیت پراید مدل ۱۳۸۵ به شماره پلاک ۴۵-۱۸۷ب۹۵ و شماره موتور ۱۶۲۴۹۰۷ و شماره شاسی S1482285168366 به‌نام آقای یداله قدیمی پور ماهانی‌پور مفقود گردیده و از درجهٔ اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز، سند کمپانی و فاکتور فروش وسیله نقلیه خودرو سواری سمند سورن مدل ۱۳۸۷ رنگ سفید روغنی شماره پلاک ۱۴-۷۸۳د۹۲۶ شماره موتور ۱۲۴۸۷۰۳۶۶۹۵ شماره شاسی NAACC1CF28F401849 بنام ابراهیم بهبهانیان فرزند حبیب مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

شناسنامه مالکیت و کلیه تسلسل اسناد پراید ۸۶ پلاک ۴۷-۵۸۳س۳۷ موتور ۱۹۹۱۰۹۸ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. اراک

سند کمپانی و شناسنامه مالکیت وانت نیسان مدل ۷۱ به ش‌ش ۵۳۱ق۳۷ ایران ۷۲ و شماره موتور ۴۲۳۲۱۶ و شماره شاسی ۰۷۲۱۰۰ مفقود فاقد اعتبار است.

شناسنامه مالکیت وانت پیکان مدل ۱۳۹۰ به شماره انتظامی ۴۷۱ج۴۷ ایران ۷۱ شماره موتور ۱۱۴۹۰۰۸۲۹۸۱ و شماره شاسی NAAA36AA4CG272521 مفقود گردیده اعتبار ندارد. (شهرکرد)

آگهی مفقودی
دفترچه کار راننده به‌نام محمدرضا زارع خورمیزی ش‌ش ۵۹۸ به‌شماره دفترچه ۹۳۰۷۸۳۷۳۷ مفقود گردیده و از درجه اعتبار می‌باشد. مهریز

کارت هوشمند
ایویکو ۷۲۰ به‌شماره پلاک ۴۵-۴۷۸ع۲۳ به‌نام امید ملکی کوهپایه مفقود از اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو وانت مزدا مدل ۱۳۹۰ به شماره پلاک ۱۷-۱۴۱ب۸۹ و شماره موتور FE146177 مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. ارومیه- مهدی خوش‌بخت تیزخراب

سند کمپانی پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۹ و شماره پلاک ۴۵-۱۳۴ س ۴۷ و شماره موتور ۱۲۴۸۹۰۶۴۱۵۹ و شماره شاسی NAAM11CA2AK620233 به نام آقای امید نیکان مفقود گردیده و از درجهٔ اعتبار ساقط است.

شناسنامه و سند کمپانی وانت پیکان رنگ سفید مدل ۸۸ شماره انتظامی ۶۵-۱۳۸د۹۳ شماره موتور ۱۱۴۸۸۰۸۳۴۸۴ شماره شاسی NAAA36AA6AG889559 مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

کارت هوشمند
اینجانب حسین ساوسی به شماره کارت ۱۲۷۴۳۱۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اصلاحیه برگ سبز و کارت خودرو سمند X7 شماره پلاک ۹۶ ایران ۲۱۶ ب ۳۶ به نام محمدرضا ملائی صحیح می‌باشد.

کارت هوشمند ناوگان به شماره انتظامی ۹۴۸ع۱۴ ایران ۷۹ به شماره کارت ۴۲۷۰۶۶۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارتکس موتورسیکلت ۱۲۵ تندتاز مدل ۸۹ به شماره شاسی NIg-Z8970238 و شماره موتور A891982 مفقود شده اعتبار ندارد. زرین‌شهر

سند کمپانی سمند ۸۱ پلاک ۷۷-۸۲۳ل۶۵ موتور ۱۰۲۰۳۵۸ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. اراک

برگ سبز (شناسنامه) خودرو پراید GTXI مدل ۱۳۸۴ به شماره انتظامی ۳۵۳ج۴۳ ایران ۶۳ و شماره موتور ۰۱۲۰۲۲۱۷ و به شماره شاسی S1412284645768 به نام مریم صبحدم مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و سند برگ سبز موتور سیکلت بهران ۱۲۵ به شماره پلاک ۳۷۱۱۱ ایران ۱۱۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند موتورسیکلت هوندا تیپ CG125 مدل ۱۳۸۳ ش بدنه ۰۵۳۱۰ ش موتور ۲۹۸۸۹۵۲ شهربانی ۷۶۶۱-کرمان ۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

جواز حمل اسلحه شکاری دولول ساچمه‌زنی ته‌پر ساخت ترکیه به شماره سریال ۱۹۱۱۷۱ به نام رحیم مصطفوی تیله‌نوئی مفقود فاقد اعتبار است.

کارت هوشمند راننده به شماره ۲۳۲۹۰۹۲ به نام فریدون حسن شیخی مفقود گردیده اعتبار ندارد. (شهرکرد)

سند کمپانی پژو پارس رنگ مشکی مدل ۸۱ شماره انتظامی ۶۴-۹۴۶س۲۴ شماره موتور ۸۱۸۰۱۲۸۶ شماره شاسی ۲۲۸۲۸۱۰۱۰۱۱ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

کارت هوشمند مینی‌بوس به شماره ۷۱۰۴۸۶۵ و شماره انتظامی ۹۱۶ع۲۳ ایران ۷۱ مفقود گردیده اعتبار ندارد. (شهرکرد)

اعلام سرقت
سند سبز (مالک خودرو) و برگه پنجاق خودرو ۲۰۶ رنگ نقره‌ای به شماره شاسی ۸۲۶۰۹۶۵۸ و شماره موتور 10FSF94289212 به شماره شهربانی ۵۶۲ب۶۸ ایران ۷۷ به نام اینجانب جهانگیر راه‌نورد مفقود گردید و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی وانت نیسان پاترول مدل ۷۰ به شماره پلاک ۷۹-۷۱۶ب۹۷ موتور ۶۱۵۲ و شاسی ۵۷۵۰ به نام ولی‌اللّه خندان مفقود و از اعتبار ساقط است. سنندج

برگ سبز وانت نیسان مدل ۱۳۹۰، شماره انتظامی ۳۷۳ق۲۷ ایران ۶۶ دارای موتور شماره ۵۸۴۵۶۱ و شماره شاسی NAZPL140TBN290484 مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی پراید مدل ۱۳۸۳ رنگ یشمی به شماره انتظامی ۴۵-۱۷۲ ص ۶۱ شماره موتور ۰۰۷۰۹۰۴۳ شماره شاسی S1412283239071 مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی مفقودی کلیه مدارک خودرو به غیر از شناسنامه مالکیت و کارت خودرو

اصل کلیه مدارک خودرو به غیر از شناسنامه مالکیت و کارت خودرو مربوط به یک دستگاه خودرو سواری پژو پارس سال به رنگ سفید به شماره انتظامی ۸۳ـ۹۴۶ج۱۹ مدل ۱۳۹۲ و به شماره شاسی DK824110 متعلق به اینجانب کرامت عسکری‌زاده فرزند محمدرضا به ش‌ش ۷۹۷۰ متولد ۱۳۴۸ زرین‌دشت و به شماره ملی ۰ـ۹۴۷۹۷۷ـ۶۵۴ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی مفقودی کلیه مدارک خودرو به غیر از کارت و شناسنامه مالکیت خودرو

اصل کلیه مدارک خودرو به غیر از شناسنامه مالکیت و کارت خودرو مربوط به یک دستگاه خودرو سواری پژو پارس سال به رنگ سفید به شماره انتظامی ۸۳ ـ ۸۹۳م۳۴ مدل ۱۳۹۲ و به شماره شاسی DH672441 متعلق به اینجانب صالح رحمتی فرزند اکبر به ش‌ش و کدملی ۲۵۰۰۱۰۳۲۸۵ متولد ۱۳۶۸ لارستان ـ بیرم مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

چون خانم پریوش یاراحمدی مالک کامیونت باری چوبی هیوندای کروس مدل ۸۲ به شماره انتظامی ۳۱ـ۶۹۷ع۱۴ به شماره شاسی ۰۰۰۷۴۲ـ۸۱ ـ۳۷۹۱۱۷ و شماره موتور ۱۰۵۳۶۹ـ۰۱ـ۳۷۹۱۳۰ به علت فقدان اسناد تقاضای صدور سند المثنی نموده است. لذا چنانچه هرگونه ادعایی در مورد خودروی مذکور وجود دارد، ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ نشر آگهی با در دست داشتن مدارک کافی به دفتر فروش شرکت ایران‌خودرو دیزل واقع در تهران ـ خیابان آزادی ـ کوچه شهید حبیب‌زادگان پلاک ۱ مراجعه نمایند.

اینجانب اصغر حیدری میرحسینی مالک خودرو پیکان ساده‌کار شماره انتظامی ۹۳۵ص۲۹ایران۶۸ مدل ۱۳۶۳ شماره بدنه ۱۶۲۰۱۰۲۲ شماره موتور ۱۴۱۶۳۰۷۰۹۱ به علت فقدان اسناد فروش سند کمپانی تقاضای رونوشت (المثنی) اسناد مذکور را نموده است. لذا چنانچه هر کس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران‌خودرو واقع در پیکان‌شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مذکور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

بناب

اینجانب حسن پوریان مالک خودرو پژو ۴۰۵ مدل ۸۴ به شماره شهربانی ۶۱*۸۷۶د۳۸ و شماره شاسی ۱۴۲۳۸۳۶۳ و شماره موتور ۱۲۴۸۴۱۰۴۸۴۰ به‌علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده‌ام. لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ده روز به‌دفتر حقوقی شرکت ایران خودرو واقع در کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص تهران کرج شهرک پیکانشهر، ساختمان سمند، طبقه ۱ مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

آگهی مفقودی کلیه مدارک خودرو به غیر از شناسنامه مالکیت و کارت خودرو

اصل کلیه مدارک خودرو به غیر از شناسنامه مالکیت و کارت خودرو مربوط به یک دستگاه خودرو سواری پژو پارس سال به رنگ سفید به شماره انتظامی ۷۳ـ۵۹۲د۴۴ مدل ۱۳۹۲ به شماره شاسی DK824262 متعلق به اینجانب خلیل نظری فرزند محمد به ش‌ش ۲۶ متولد ۱۳۶۲ داراب و به شماره ملی ۶۵۴۹۸۷۷۱۵۶ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی مفقودی شناسنامه مالکیت خودرو سواری پژو۴۰۵

اصل شناسنامه مالکیت خودرو سواری سیستم پژو تیپ ۴۰۵ جی‌ال‌ایکس آی ۸/۱ به رنگ نقره‌ای ـ متالیک به شماره انتظامی ۷۳ـ۱۹۸ج۷۴ مدل ۱۳۸۷ به شماره موتور ۱۲۴۸۷۱۵۰۹۵۸ و به شماره شاسی NAAM01CA19R283298 متعلق به اینجانب جاسم سلمانی فرزند محمدرسول به ش‌ش ۱۲۷ متولد ۱۳۶۱ لارستان و به شماره ملی ۲۵۱۱۴۳۸۸۰۱ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی مفقودی سند کمپانی خودرو سواری پژو ROA

اصل سند کمپانی خودرو سواری سیستم پژو تیپ ROA به رنگ نوک مدادی متالیک به شماره انتظامی ۷۳ـ۴۵۷س۲۷ مدل ۱۳۸۸ به شماره موتور ۱۱۶۸۷۰۶۰۴۷۰ و به شماره شاسی NAAB31AA79H075806 متعلق به اینجانب ابراهیم بیگ‌عینالویی فرزند مختار به ش‌ش ۱۰۹ متولد ۱۳۶۳/۹/۱۰ فسا به شماره ملی ۲۵۷۲۲۲۷۴۷۹ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اینجانب سیدعرفان عالی قلندری مالک خودروی پژو ۴۰۵ به شماره شهربانی ایران۱۹ ـ ۵۶۲ج۷۳ و شماره بدنه ۲۴۲۴۸۰۱۴ شماره موتور ۱۲۴۸۵۱۶۶۳۳۸ به علت مفقودشدن شناسنامه خودرو (برگ سبز) تقاضای رونوشت المثنی آن را خواستار هستم. لذا چنانچه هر کس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ده روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکان‌شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد. صحنه سمیعیان

اینجانب مژده کاظمی دوبخشری فرزند احمد به شماره شناسنامه ۶۳۴۵ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته مدیریت بیمه صادره از واحد دانشگاهی تهران جنوب به شماره ۰۵/۱۰۲۵ ـ ۰۸/م مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران به نشانی: تهران ـ خیابان کریمخان زند ـ خ ایرانشهر شمالی نبش آذرشهر ـ پلاک ۲۰۹ و یا کدپستی ۱۵۸۴۷۱۵۴۱۴ ارسال نماید.

اصل سند و برگ سبز وانت تویوتا تیپ لندکروز مدل ۱۹۸۳ رنگ سفید روغنی به شماره انتظامی ۲۳ ـ ۱۷۶ و ۱۲ به شماره موتور 2F765252 و شماره شاسی FJ45382578 بنام اشرف بخشانی فرزند علی‌اکبر به شماره شناسنامه ۳۴۷۳ متولد ۱۳۳۳ صادره از فریدونشهر مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اینجانب محمدرضا دارایی‌زاده مالک خودرو سمند ایکس ۷ شماره انتظامی ۱۹۳هـ۵۳ ایران ۲۲ مدل ۱۳۸۲ شماره بدنه ۸۲۲۰۹۳۴۱ شماره موتور ۳۲۹۰۸۲۰۴۸۲۳ به علت فقدان اسناد فروش سند کمپانی تقاضای رونوشت (المثنی) اسناد مذکور را نموده است. لذا چنانچه هر کس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران‌خودرو، واقع در پیکان‌شهر، ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مذکور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

اینجانب محمد زارع احمدآبادی مالک خودرو سواری پژو ۲۰۶ به شماره شاسی ۲۱۵۲۲۷۱۸ و شماره موتور ۱۴۱۸۶۰۲۷۳۴۲ و شماره پلاک ۴۳۳د۲۹ایران۵۴ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است، لذا چنانچه هر کس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف مدت ده روز به دفتر منطقه‌ای شرکت ایران‌خودرو واقع در خیابان ارتش، کوچه آرش مراجعت نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

کوتاه از چهار گوشه کشور

۲۴ مرداد از خبرنگاران گیلان قدردانی می‌شود

رشت ـ خبرنگار اطلاعات: مراسم قدردانی از خبرنگاران گیلان امسال ۲۴ مرداد برگزار می‌شود.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان در جمع مدیران نشریات و خبرگزاری‌های استان؛ با اعلام این خبر افزود: امسال ۱۷ مرداد و روز خبرنگار مصادف با عید فطر بود و این امر موجب شده تا نتوانیم در این روز از خبرنگاران تجلیل کنیم. به همین دلیل مراسم روز خبرنگار با یک هفته تاخیر ۲۴ مرداد در گیلان برگزار می‌شود. علی اسماعیل پور افزود: ۹ خبرگزاری و ۱۵۰ نشریه در گیلان فعالیت دارند و این نشان‌دهنده سطح بالای فرهنگ در گیلان است. وی ادامه داد: ۵۰۰ کانون فعال در استان داریم که نوجوانان و جوانان در این کانون‌ها فعالیت دارند. وی همچنین گفت: ۴۰ هزار دانش آموز در ۲۰۰۰ کلاس درس و در چهار رشته قرآن، احکام، ورزشی و هنرهای تجسمی ساماندهی شدند و به آموزشی و تربیت مسئولند.

وی سپس با اشاره به شکل گیری ستادکانون‌های فرهنگی ـ هنری مساجد از سال ۷۱ تا سال ۸۴ گفت: ۲۴۰۰ کانون فعال داشتیم که در ۸ سال گذشته این رقم به ۱۶ هزار کانون فرهنگی هنری افزایش یافت.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان آنگاه خطاب به مدیران نشریات و خبرگزاری‌های استان گفت: فرهنگ عمومی جامعه از اصحاب رسانه انتظار ویژه‌ای دارد.

انجام عمل جراحی تعویض مفاصل لگن در مراغه

تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: عمل جراحی تعویض مفاصل لگن برای نخستین بار در مراغه با موفقیت انجام شد.

رامین مومن، جراح و متخصص ارتوپدی بیمارستان امیرالمومنین(ع) مراغه گفت: این جراحی در دو مرحله و با فاصله ۲۵ روز بر روی یک بیمار چهل ساله انجام شد.

وی افزود: مفاصل هر دو پا و لگن این بیمار بر اثر تصادف و استفاده زیاد از داروهای کورتونی به شدت آسیب دیده و قدرت راه رفتن را از وی گرفته بود.

او وضع عمومی بیمار را خوب توصیف کرد و افزود: بیمار یک هفته پس از جراحی به راحتی قادر به راه رفتن خواهد بود.

وی سن بالا، کم تحرکی و مصرف خودسرانه دارو را عامل پوکی استخوان و آسیب دیدن مفاصل لگن اعلام کرد و افزود: بیمارانی که بر اثر درد شدید مفاصل و استخوان داروهای کورتونی مصرف می‌کنند بیشتر در معرض آسیب مفاصل لگن هستند.

اجرای طرح ویژه نظارت بر بازار دامغان

دامغان ـ خبرنگار اطلاعات: طرح نظارتی ویژه بازرسی و نظارت بر بازار دامغان اجرا شد. رئیس اداره تعزیرات حکومتی دامغان با اعلام این مطلب افزود: این طرح با هدف جلوگیری از گرانفروشی و تنظیم بازار انجام شد و ادامه خواهد داشت. حسین سعدالدین گفت این طرح با همکاری مجمع امور صنفی شهرستان و با حضور قاضی سیار اداره تعزیرات حکومتی با بازرسی شبانه از صنوف به مرحله اجرا در آمده است.

وی یادآور شد: نظارت و بازرسی دقیق بر کالاها، برخورد شدید با متخلفان، صدور حکم بدون وقفه در محل بازرسی پس از مشاهدهٔ تخلف صنفی از امتیازات ویژه این طرح است.

مبارزه بیولوژیک در مزارع پنبه

خواف ـ خبرنگار اطلاعات: مبارزه بیولوژیک در مزارع پنبه شهرستان خواف آغاز شد. این طرح در سال زراعی جاری برای کنترل کرم غوزه پنبه، با رها سازی زنبور براکون و نصب تریکوکارت در دو بخش سنگان و جلگه زوزن اجرا می‌شود. مدیر ادارهٔ جهادکشاورزی خواف در این باره گفت: ۱۰۰ هکتار از مزارع پنبه زیر پوشش طرح کنترل بیولوژیک این آفت قرار گرفته است.

مهندس زنگنه افزود: با برنامه ریزی‌های انجام شده در سال آینده با تشویق و ترغیب کشاورزان پنبه‌کار انتظار می‌رود این سطح افزایش چشمگیر داشته باشد. وی گفت: آفت کرم غوزه هرسال خسارت قابل ملاحظه‌ای به مزارع پنبه وارد می‌کند و کشاورزان برای کنترل آن به‌طور معمول اقدام به مبارزه شیمیایی می‌کنند.

سقوط جوان رفسنجانی در سد رسوب گیر سرچشمه

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: جوان ۲۴ ساله‌ای به داخل سد رسوب گیر مجتمع مس سرچشمه سقوط کرد و جان خود را از دست داد.

محمد مهدوی فرمانده انتظامی رفسنجان گفت: این جوان با نام «ح ـ حیدری» در حال تخلیه ضایعات صنعتی سد رسوب گیر بود که به داخل سد سقوط کرد و جان سپرد.

سد رسوب گیر برای گرفتن رسوبات آب مصرفی در صنعت و برگشت دوبارهٔ آن به چرخهٔ مصرف در مراکز صنعتی ساخته می‌شود.

نمایش نگارنامه تاریخی مشاهیر نجوم و ریاضیات در مشهد

مشهد ـ خبرنگار اطلاعات: نگارنامه تاریخی مشاهیر نجوم و ریاضیات در گنجینه نجوم موزه مرکزی آستان قدس رضوی به نمایش در آمد. موزه آستان قدس رضوی از مجموعه‌هایی است که در مسیر خود فعالیت‌های آگاهی دهی و اطلاع‌رسانی فراوانی را به بازدیدکنندگان خود ارائه می‌دهد که نمایش نگارنامه تاریخی مشاهیر نجوم و ریاضیات در گنجینه نجوم و در کنار ده‌ها شیء نجومی از خدمات اخیر این مجموعه است.

در نگارنامه تاریخی مذکور، سعی شده است که برخی از مشاهیر علم نجوم و ریاضیات در دوره‌های اسلامی و پس از آن در گذر زمان به تصویر کشیده شود.

مشاهیر بزرگ ادوار اسلامی همچون ابراهیم فزاری در قرن دوم، خوارزمی در قرن سوم، اخوان‌الصفا در قرن چهارم، ابن‌هیثم و ابوریحان بیرونی و همچنین ابن‌سینا در قرن پنجم، خیام در قرن ششم، خواجه نصیرالدین طوسی در قرن هفتم و شیخ بهایی در قرن دهم هجری به همراه کتب برجسته، رصدخانه‌های تأسیس شده و اختراع‌های نجومی در این نگارنامه مشاهده می‌شود.

در طراحی این نگارنامه از مشاهیر بزرگ خارجی غفلت نشده است و به معرفی اشخاصی چون گالیله، نیوتن و همچنین کوپرنیک پرداخته شده است.

در حاشیه پایینی طرح نگارنامه نیز تصاویر مربوط به نسخه خطی کتاب «فی هیئت‌العالم» متعلق به ابن‌هیثم، دانشمند قرن پنجم هجری درج شده است. ضمناً بروج دوازده‌گانه آسمان از نسخه خطی کتاب «صورالکواکب» نوشته عبدالرحمان صوفی استخراج و در حواشی دیگر این نگارنامه شده است.

تکمیل سد عمارت گرمی با ۱۰۰ میلیارد تومان اعتبار

اردبیل ـ خبرنگار اطلاعات: ۱۰۰ میلیارد تومان اعتبار برای تکمیل سد عمارت گرمی از محل فروش هتل و آب‌درمانی سبلان سرعین اختصاص می‌یابد.

اکبر نیکزاد استاندار اردبیل با اعلام این مطلب افزود: زمینه‌سازی برای تأمین حداقل ۱۰۰ میلیارد تومان از محل فروش املاک شرکت توسعه گردشگری ایران از جمله مجتمع آب‌درمانی سبلان و هتل سرعین جهت تکمیل سد عمارت اجرایی شده است.

استاندار اردبیل ادامه داد: برای مدیریت بهینه منابع آب و تقویت زیرساخت‌های بخش کشاورزی، تسریع در مراحل اجرایی سدهای در دست ساخت استان ضروری به نظر می‌رسد که در همین راستا و با فروش دو مجموعه موصوف، زمینه اختصاص حدود ۱۰۰ میلیارد تومان اعتبار به سد مرزی و استراتژیک عمارت در شهرستان گرمی فراهم خواهد شد.

نیکزاد با اشاره به این که با تکمیل سد عمارت، امکان ذخیره کردن ۲۳۰ میلیون مترمکعب آب و آبی کردن ۲۰ هزار هکتار از زمین‌های کشاورزی دیم فراهم می‌شود، اضافه کرد: حدود ۲۰ میلیون مترمکعب از ذخایر این سد به مصارف آشامیدنی تخصیص یافته است که مشکلات فعلی موجود در تأمین آب آشامیدنی بیشتر روستاهای شهرستان را نیز رفع خواهد کرد.

وی گفت: در سال‌های گذشته با غفلت مسئولان استان، نیروگاه اردبیل به فروش رسید اما متأسفانه درآمد حاصل از آن عموماً در پروژه‌های سایر استان‌ها صرف شد که برای جبران آن نیز به عنوان یک وظیفه مهم تلاش خواهیم کرد.

برگزاری یادواره شهدای روستای «بشکان» بافق

بافق ـ خبرنگار اطلاعات: یادواره ۱۰ شهید روستای بشکان بافق در مسجدجامع این روستا برگزار شد.

در این مراسم که جمع کثیری از مردم، خانواده معظم شاهد و تنی چند از مسئولان محلی حضور داشتند، حجت‌الاسلام محمدحسین حاج‌حسینی از روحانیون حوزه علمیه قم، جایگاه و منزلت شهید و شهادت را یادآور شد و افزود: خون پاک شهیدان از صدر تاکنون، اسلام و انقلاب اسلامی ایران را بیمه کرده است.

وی اضافه کرد: دلاورمردان میادین عشق و حماسه و شرف با شجاعت هر چه تمام جلو زیاده‌خواهی‌های جنگ‌طلبانه رژیم بعث عراق ایستادند و با حفظ تمامیت ارضی میهن اسلامی نقشه صدامیان را نقش بر آب کردند.

او گفت: اگر ازخودگذشتگی رزمندگان دلاور اسلام و خون مطهر شهدا نبود امروز کشورمان در آرامش و امنیت کامل در همه عرصه‌ها به موفقیت‌های خیره‌کننده نایل نمی‌آمد.

وی برگزاری هر چه بیشتر و باشکوه‌تر یادواره شهدا در سطح کشور را مورد تأکید قرار داد و گفت: یادمان شهدا و بازگو کردن شهامت رزمندگان و گرامیداشت یاد و خاطره شهدا، بهترین وسیله انتقال ارزش‌های دوران دفاع مقدس به نسل جوان و نوجوان امروز است.

روستای بشکان در فاصله ۱۰۰ کیلومتری شهر بافق قرار دارد و در دوران دفاع مقدس ۱۰ شهید تقدیم انقلاب اسلامی کرده است که چهار نفر از آنها در عملیات رمضان به شهادت رسیدند.

قدردانی نیروی انتظامی استان قزوین از خبرنگاران

قزوین ـ خبرنگار اطلاعات: فرمانده نیروی انتظامی استان قزوین از خبرنگاران به عنوان موثرترین گروه در روشنگری مردم در مقابله با جنگ نرم دشمنان نام برد.

سرهنگ محمدرضا میرحیدری در آیین قدردانی از خبرنگاران گفت: خبرنگاران در بدترین شرایط نیز به رسالت خود عمل می‌کنند و در موفقیت‌ها و پیشرفت نظام نقش مهمی دارند.

وی افزود: رسانه‌ها در برجسته‌سازی نقاط قوت نظام و اعتمادسازی در افکار عمومی و نیز جلوگیری از آسیب‌ها و ناملایمات اجتماعی از دیگر دستگاه‌های اجرایی و امنیتی موثرتر بوده‌اند.

فرمانده نیروی انتظامی قزوین موفقیت‌های گذشته ناجا را مرهون همکاری خبرنگاران و مردم دانست و گفت: از خبرنگاران انتظار داریم همکاری خود با پلیس را بیش از پیش ادامه دهند تا شاهد تحقق امنیت پایدار در جامعه باشیم.

سرهنگ میرحیدری ارتقای رفتار سازمانی، توجه به پلیس تخصصی و تعالی رفتاری، رعایت حقوق شهروندی، خوشایندسازی و بهسازی محیط کار و تعهدمداری را از مهمترین برنامه‌های امسال پلیس اعلام کرد و افزود: تعامل پلیس با دیگر نهادها و دستگاه‌ها و ارتباط بیشتر با مردم از دیگر برنامه‌هایی است که امسال پیگیری خواهد شد.

او در ادامه از اجرای طرح‌های مبازه با اراذل و اوباش، توزیع‌کنندگان مواد مخدر و مظاهر فساد برای برقراری آرامش و امنیت در استان خبر داد و افزود: اجرای این طرح‌ها با قاطعیت در استان دنبال خواهد شد.

سرهنگ میرحیدری قزوین را از استان‌های موفق در زمینه مقابله با جرائم ویژه اعلام کرد و افزود: در سرقت‌های خرد که معمولاً توسط معتادان انجام می‌گیرد نیازمند کار بیشتری هستیم و تلاش می‌شود با راه‌اندازی مرکز بازپروری رایگان در استان افراد گرفتار را زیرپوشش قرار دهیم. وی با اشاره به نمره عالی ناجای قزوین از نظر عملکرد بویژه پلیس‌های تخصصی، یادآور شد: این موفقیت بیانگر تعامل منطقی پلیس با مردم و رسانه‌ها، فرهنگ بالای مردم و تلاش ماموران است که امیدواریم امسال نیز این موفقیت‌ها تداوم یابد.

گاز جایگاه‌های سوخت و واحدهای بدهکار اصفهان قطع می‌شود

اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرعامل شرکت گاز استان اصفهان بدهی نیروگاه‌ها، صنایع و برخی مشترکان خانگی استان اصفهان را به این شرکت ۵۲۰۰ میلیارد ریال اعلام کرد و گفت: با هماهنگی‌های انجام شده، گاز واحدهای بدهکار براساس مقررات قطع می‌شود.

سعید مومنی با بیان این که این میزان مطالبه شرکت گاز حداقل با ۳ سال بودجه این شرکت برابری می‌کند، افزود: اگر چه بدهی نیروگاهها در دولت تهاتر می‌شود ولی مسئولان برخی صنایع و بخصوص جایگاه‌های سوخت گاز CNG هیچ همتی برای پرداخت بدهی خود ندارند در حالیکه جایگاه‌های سوخت CNG در قبال عرضه سوخت، پول آنرا به صورت نقد دریافت می‌کنند.

او گفت: با هماهنگی انجام شده با استانداری اصفهان، گاز جایگاه‌های سوخت CNG و همچنین واحدهای صنعتی بدهکار که از لحاظ تولید مشکلی ندارند برابر مقررات قطع می‌شود.

وی در ادامه با بیان این که ۱۰۲ شهر از مجموع ۱۰۶ شهر استان اصفهان از گاز طبیعی بهره‌مند هستند، افزود: به دلیل فاصله ۲۸۰ تا ۳۰۰ کیلومتری چهار شهر فرخی، انارک، خور و جندق از مرکز گازرسانی استان، گازرسانی به این شهرها، توجیه فنی و اقتصادی ندارد که در آینده با عبور خط یازدهم گاز سراسری از نزدیکی این شهرها، عملیات گازرسانی به این چهار شهر نیز انجام خواهد شد.

مومنی یادآور شد: از ۱۲۵۵ روستای استان که مشمول گازرسانی می‌شوند ۱۱۳۴ روستا از نعمت گاز طبیعی بهره‌مند هستند. او با بیان این که عملیات گازرسانی به ۱۶۵ روستای استان در حال انجام است، افزود: گازرسانی به شماری از روستاهای استان به دلیل بعد زیاد مسافت، توجیه فنی و اقتصادی ندارد و مشمول گازرسانی نمی‌شوند.

مدیرعامل شرکت گاز استان اصفهان با اشاره به این که پارسال بیش از ۸۸ هزار مشترک خانگی و ۱۳۴ واحد صنعتی به شمار مشترکان گاز استان اصفهان افزوده شد، افزود: به‌رغم افزایش مشترکان گاز، مصرف گاز استان اصفهان در چهار ماهه امسال با مدیریت بهینه در مصرف نسبت به مدت مشابه پارسال ۷ درصد نیز کاهش داشته است.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

بقیه از صفحه ۱۳

تخلف مدارس دولتی در دریافت شهریه ثبت‌نام

دبستان شهید میدانی واقع در منطقه۲، مانند بسیاری از دیگر مدارس دولتی والدین را در پرداخت شهریه ثبت‌نام اجبار می‌کند و مسئولان اداره رسیدگی به شکایات مردمی نیز همچنان به این موضوع بی‌توجهند و والدینی که در شرایط نامساعد مالی به سر می‌برند، درمانده‌اند که برای ثبت نام فرزندان خود در سال جدید تحصیلی، باید چه کنند؟

از والدین دانش‌آموزان

از خرید اینترنتی متضرر شدم

یک ساعت چینی را به مبلغ ۱۳۵ هزار تومان از طریق اینترنت خریداری کردم و پس از تحویل گرفتن آن متوجه شدم که خراب است. پس از ۲ بار تعویض، این ساعت همچنان خراب است و شرکت مربوطه نیز نه ساعت سالم به من تحویل و نه پولم را پس می‌دهد و حالا مانده‌ام چه کنم؟

خریدار اینترنتی ساعت

تعریف زندگی از دیدگاه کریم فیضی!

سال‌ها است که آقای فیضی در روزنامه اطلاعات از آدم‌های مختلف «تعریف زندگی» را جویا می‌شود. پیشنهاد می‌شود ایشان خود نیز تعریفی از زندگی ارائه دهند تا ضمن آنکه مورد استفاده خوانندگان روزنامه قرار می‌گیرد امکان جمع‌بندی کلی نیز در این زمینه به دست آید.

ساری ـ خواننده روزنامه اطلاعات

خط ارتباطی: با سپاس از این خواننده گرامی و دیگر خوانندگانی که در این زمینه ابراز نظر کرده‌اند کریم فیضی خود را شاگرد استادانی می‌داند که افتخار هم سخنی با آنها را دارد و طبیعتاً نظر آنها را ارجح و اولی می‌داند.

برخورد نامناسب در اداره ثبت احوال

برخورد نامناسب برخی از کارکنان اداره ثبت احوال شهر میمه (اصفهان) با ارباب رجوع، آزاردهنده است چرا مسئولان رسیدگی به شکایات مردم در سازمان‌های دولتی با تعهد بیشتری به شکایات مردم رسیدگی نمی‌کنند تا کسی با اتکاء به موقعیت و منصب خود، اجازه نداشته باشد به ارباب رجوع توهین کند؟

میمه ـ از مراجعان به اداره ثبت احوال

مزد زحمات یک پزشک متخصص این است؟

پزشک متخصص بیهوشی هستم که سال‌ها در ٤ بیمارستان به طور مداوم کار کرده‌ام و هرگز به دنبال منفعت خود نبوده‌ام. اکنون ۱۰ سال است که فلج شده‌ام و از طریق بیمه کارگری که بیمارستان شهید مدنی برایم مهیا کرده است، ماهیانه ٤٨٠ هزار تومان دریافت می‌کنم. از مسئولان ذی‌ربط در وزارت بهداشت و درمان سؤال می‌کنم که آیا مزد سال‌ها زحمت و تلاش من، این است؟

پزشک بازنشسته ـ متخصص بیهوشی

پاسخ مسئولان

پاسخ شهرداری منطقه ۷ در مورد تعمیر پله برقی ایستگاه پیچ شمیران

با سلام و احترام: به استحضار شهروند محترم در خصوص پیام با موضوع خرابی پله برقی واقع در ایستگاه پیچ‌شمیران، در روزنامه اطلاعات به تاریخ ۹۲/۵/۱۰ می‌رساند تعمیرات پله‌برقی فوق‌الذکر در دست اقدام است.

در مورد اتلاف موش‌ها در خیابان سبلان

به استحضار شهروند محترم درخصوص پیام با موضوع تقاضای اتلاف موش‌ها واقع در خیابان سبلان درج شده در روزنامه اطلاعات به تاریخ ۹۲/۵/۱۲ می‌رساند: طعمه‌گذاری و انسداد کلونی‌های موش در سه مرحله در خیابان مذکور انجام شد. ضمناً فرعی‌های ضلع شرق مربوط به شهرداری منطقه ۸ است.

خواهشمند است نقطه دقیق عامل آلودگی اعلام تا اقدامات بعدی صورت گیرد.

زهرا نعمتی ـ مدیر روابط عمومی

قدردانی از فعالان عرصه خبر و اطلاع‌رسانی لرستان

خرم‌آباد ـ خبرنگار اطلاعات: نماینده ولی‌فقیه در لرستان و امام جمعه خرم‌آباد در مراسم قدردانی از فعالان عرصه خبر و اطلاع‌رسانی لرستان که به مناسبت ۱۷ مرداد روز خبرنگار در بیت ایشان برگزار شد، با اشاره به این که ۱۷ مرداد روز تجلی خون و قلم است، گفت: ۱۷ مرداد روزی است که مرکب سرخ با مرکب سیاه آمیخته شده است و جلوه‌ای از حق‌گویی و حق‌جویی را در تاریخ مملکت اسلامی ما رقم زده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین سیداحمد میرعمادی افزود: ۱۷ مرداد یادآور یکی از حماسه‌های بزرگ در عرصه اطلاع‌رسانی است که این حماسه به وسیله خون شهید محمود صارمی خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی به وجود آمد. وی با بیان این که شهادت مظلومانه شهید صارمی اعتبار خاصی به حرفه خبرنگاری بخشیده است، افزود: او یک انسان متعهد، شجاع، حق‌گو، خدوم و مدافع حقوق مظلومان بود که در سرزمین غربت مظلومانه به شهادت رسید تا مقام خبرنگار برای همیشه مظلوم بماند.

امام جمعه خرم‌آباد خبرنگاری را کاری عاقلانه ذکر کرد و افزود: کار عاقلانه دارای رنج و زحمت است و طرفداران کمی هم دارد.

نماینده ولی فقیه در لرستان با تأکید بر این که خبرنگار هم رسالت الهی و هم رسالت مردمی دارد، گفت: خبرنگاری ادامه سیره و روش و کار پیامبران الهی است چرا که اطلاع‌رسانی، بیان حقیقت و بیان واقعیت رسالت الهی است و از طرفی خبرنگار به مردم خدمت می‌کند، به جامعه آگاهی می‌دهد و با جهل، نادانی، تزویر، دروغ و تبعیض مبارزه می‌کند و این بزرگ‌ترین خدمت به جامعه است.

وی خواستار آغاز به کار مجلات و نشریات تخصصی در استان لرستان شد و گفت: ایجاد شبکه خبر در استان می‌تواند در این زمینه بسیار مؤثر و تاثیرگذار باشد. در پایان این مراسم با اهدای لوح تقدیر از خانواده‌های شهید خبرنگار و اصحاب رسانه استان قدردانی به عمل آمد.

سخنان استاندار لرستان

اصحاب رسانه لرستان نقش برجسته‌ای در رشد و تعالی استان ایفا می‌کنند. استاندار لرستان نیز در آیین گرامیداشت روز خبرنگار گفت: رسانه‌های لرستان در فرهنگ‌سازی و انتقال مطالب، و ایجاد فضای تعامل و همدلی نیز در رشد و تعالی استان نقش مؤثر و برجسته‌ای ایفا کرده و می‌کنند.

حبیب‌الله دهمرده با اشاره به این که خبرنگاران در خط مقدم جنگ نرم با دشمنان نظام مقدس جمهوری اسلامی قرار دارند، افزود: خبرنگار شهید محمود صارمی افتخاری برای لرستان محسوب می‌شود و نامگذاری روز خبرنگار با یاد ایشان اعتبار خاصی به این حرفه داده است و این نشاندهنده این است که لرستان در همه رکوردها دارای مقام است. وی افزود: جایگاه اصحاب رسانه در دنیا بر کسی پوشیده نیست و کشورهای غربی با سرمایه‌گذاری سنگین در این زمینه سعی می‌کنند دنیا و افکار عمومی را در مسیر افکار خودشان هدایت کنند.

استاندار لرستان گفت: آگاهی‌بخشی و افشاکردن اهداف پلید دشمنان یکی از وظیفه‌های رسانه‌های داخلی است.

بزرگداشت خبرنگاران آبادان و خرمشهر

خرمشهر ـ خبرنگار اطلاعات: به گزارش روابط عمومی و امور بین‌الملل منطقه آزاد اروند، مهدی نیک‌پی در این مراسم گفت: خبرنگاران از مهره‌های اساسی اطلاع‌رسانی به‌شمار می‌روند و یک خبرنگار باید به واقعیت یک رویداد دست یابد و همواره گام به گام در حوزه کاری خود حرکت کند تا تحلیل‌های خود را به صورت کامل و رسا ارائه دهد.

او با گرامیداشت یاد و خاطره شهید غلامرضا رهبر اولین خبرنگار شهید ۸ سال دفاع مقدس و شهید صارمی خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران در افغانستان گفت: در ایران اسلامی چه در دوه ۸ سال دفاع مقدس و چه پس از آن به دفعات شاهد از جان گذشتگی خبرنگاران رشید میهن عزیزمان در امر تهیه واقعیات و دفاع از آزادگی و اسلام بودیم.

وی در بخش دیگری از سخنان خود به ارائه بخشی از عملکرد سازمان منطقه آزاد اروند در چهار ماه اخیر پرداخت و گفت: تمام همت این سازمان در راستای پیشرفت و توسعه شهرهای آبادان و خرمشهر است.

ساخت کانال انتقال آب در مازندران

ساری ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس سازمان جهاد کشاورزی مازندران از ساخت ۳۵۰ هزار متر کانال انتقال آب در استان با صرف بیش از ۱۲۲ میلیارد ریال اعتبار خبر داد.

رضا عظیمی افزود: کانال بتنی راندمان آبیاری را تا ۸۰ درصد افزایش می‌دهد. وی گفت: این طرح از سوی شرکت آب و خاک کشور و از محل اعتبارات استانی و بانک جهانی به صورت پیمانی در مازندران اجرایی شد. وی جلوگیری از هدررفتن آب، مصرف بهینه، جریان یا بی‌آب با سرعت بیشتر و ایجاد مقاومت نسبی بالاتر را از مزیت‌های پوشش بتنی کانال انتقال آب زراعی برشمرد.

اصفهان کنگره علمی امداد و نجات در حوادث هسته‌ای برگزار می‌کند

اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: از آغاز سال تاکنون ۴۹ مورد حادثه ساحلی در استان اصفهان اتفاق افتاده که بیش از نیمی از این حوادث، در حاشیه زاینده‌رود رخ داده است.

دکتر مؤمنی رئیس جمعیت هلال‌احمر استان اصفهان با اعلام این مطلب، گفت: این جمعیت در ماه مبارک رمضان طرح‌های بشردوستانه و عام‌المنفعه همچون همای رحمت، قرار مهربانی، اهدای خون و شناسایی روستاهای محروم با هدف برگزاری طرح‌های فرهنگی با عنوان جهاد رمضان را در رأس فعالیت‌های خود قرار داد. به گفته او، امسال شمار پایگاه‌های امداد و نجات ثابت بین شهری از ۱۴ به ۴۳ پایگاه افزایش یافته است.

وی به برگزاری مانور در هفت منطقه استان مقارن با سالگرد زلزله بم اشاره کرد و افزود: هر خانواده یک امدادگر شعار جمعیت هلال‌احمر است که باید آن را تحقق بخشیم.

خانبازی معاون امداد و نجات جمعیت هلال‌احمر استان اصفهان هم با تأکید بر اینکه هنوز اجرای طرح امداد و نجات تابستانی در استان ادامه دارد، اضافه کرد: امسال ۸۸۳ مورد حادثه به ثبت رسیده است که سهم جاده‌ها از این تعداد ۱۸۰۰ حادثه است.

او از طرح درجه‌بندی امدادگران در استان خبر داد و یادآور شد: با اجرای این طرح تحرک، پویایی و نشاط در فعالیت‌ها بیشتر می‌شود و حضور امدادگران در حوادث معنادار می‌شود.

به گفته وی از این پس به جای خط ۱۴۷ برای امدادرسانی خط ۱۱۲ که بین‌المللی است، جایگزین آن خواهد شد. متقی معاون امور جوانان جمعیت هلال‌احمر استان اصفهان نیز از اجرای طرح دادرس ویژه دانش‌آموزان ناحیه ۶ شهر اصفهان خبر داد و گفت: کنگره علمی امداد و نجات در حوادث هسته‌ای شهریور در اصفهان برگزار می‌شود و تاکنون ۱۰۰ مقاله به دبیرخانه ارسال شده است.

او برگزاری برنامه‌های آموزشی امدادی برای ۱۰ هزار نفر، برگزاری دوره آموزشی تخصصی غواصی، اجرای طرح خورشید مهر ویژه کانون‌های استان، آموزش به ۲۰۰ نفر از جوانان زیر ۱۸ سال کانون‌های اصلاح و تربیت کشور و مربیان آنها در اصفهان را از دیگر برنامه‌های جمعیت هلال‌احمر استان برشمرد و اضافه کرد: طرح قرار مهربانی با هدف توسعه و ترویج فرهنگ اهدای عضو و خون ویژه داوطلبان و اعضا برگزار می‌شود. سلیمی معاون داوطلبان جمعیت هلال‌احمر استان اصفهان نیز به طرح التیام اشاره کرد و گفت: در این طرح خیرین به عنوان حامی، بیماران نیازمند را زیر پوشش قرار می‌دهند و جمعیت هلال‌احمر آمادگی دارد تا با معرفی نیازمندان بیمار به ویژه سرطانی‌ها در این طرح بشردوستانه همیار خیرین باشد.

شیراز؛ میزبان برگزاری روز یوزپلنگ ایرانی

شیراز – خبرنگار اطلاعات: روز یوزپلنگ ایرانی ۸ شهریور باعنون روز یوز در شیراز برگزار می‌شود. امیرحسین حکمت نیا، معاون گردشگری میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری فارس گفت: روز یوز پلنگ ایرانی به‌عنوان یک جاذبه گردشگری و شاخه‌ای از گردشگری طبیعت و باغ وحش ایران است که می‌تواند به‌عنوان یک شاخه مهم و جدید گردشگری معرفی شود.

او با اشاره به این مطلب که در حاشیه ویژه برنامه روز یوزپلنگ ایرانی، نشست‌هایی با موضوع تبیین جاذبه گردشگری و استفاده از این روز در قالب جاذبه گردشگری در شیراز برگزار خواهد شد، افزود باید جاذبه‌های گردشگری منحصر به فرد ایران و فارس در سایر بخش‌ها، احیا و حفظ و در کنار آنها جاذبه‌های جدیدی ایجاد شود چرا که جاذبه‌های اصلی گردشگری فارس با یادمان‌های فاخری مانند تخت جمشید، حافظیه، سعدیه و مجموعه زندیه شناخته شده است و به همین سبب بیشتر فعالیت‌ها باید معطوف به بخش جاذبه‌های مکمل باشد.

حکمت‌نیا در ادامه گفت: جاذبه‌های مکمل گردشگری در فارس اندک است و افزایش این جاذبه‌ها، نیازمند مشارکت بخش خصوصی با حمایت بخش دولتی است زیرا برای تکرار شدن سفرها و جذب و ماندگاری مسافر در فارس، باید جاذبه‌های جدید تعریف شود.

او یادآور شد: فعالیت و توسعه صنعت گردشگری، همکاری بیش از پیش اداره‌ها و نهادهای فارس را طلب می‌کند و برای توسعه این صنعت نباید فقط از میراث فرهنگی انتظار داشت.

حکمت‌نیا اضافه کرد: صنعت گردشگری یک صنعت فراگیر است که همگان باید در توسعه آن همکاری و مشارکت داشته باشند.

خسارات ناشی از سیل در سیستان و بلوچستان ۲۰۰ میلیارد تومان اعلام شد

زاهدان ـ خبرنگار اطلاعات: استاندار سیستان‌وبلوچستان به تشریح وضع مناطق سیلزده این استان پرداخت.

حاتم نارویی گفت: بیشترین میزان بارش‌ها در مناطق رحمان‌آباد کاروندر در شهرستان خاش، اسیکه در شهرستان نیکشهر، ابتر در شهرستان ایرانشهر، پسکوه در شهرستان سراوان و کهیر در شهرستان چابهار اتفاق افتاد که اغلب این بارش‌ها به صورت رگباری و در زمان کم باعث طغیان رودخانه‌های فصلی و وقوع سیل در این مناطق شد.

وی افزود: از نخستین ساعات وقوع سیل در این مناطق کار امدادرسانی به روستاها و بازگشایی جاده‌های روستایی آغاز شد و در حال حاضر تمام راه‌های استان وضع عادی دارد.

استاندار سیستان و بلوچستان از برآورد خسارات ناشی از سیل توسط بنیاد مسکن استان خبر داد و افزود: به واحدهای مسکونی ۲۰۰ روستا از ۳۰ تا صد درصد خسارت وارد آمده که در شهرستان خاش شامل ۲۵۰ واحد، نیکشهر ۱۵۰ واحد، سیب و سوران ۱۲۲ واحد، زاهدان ۱۰۰ واحد، قصرقند ۸۰ واحد و شهرستان سراوان ۷۰ واحد می‌شود.

به گفته نارویی ۵۰ اکیپ کاری شرکت توزیع برق استان سیستان و بلوچستان با امکانات و تجهیزات کامل مشغول بازسازی و رفع قطعی برق در مناطق خسارت‌دیده هستند.

وی با اشاره به ذخیره آب، ناشی از بارندگی‌های اخیر در سدهای استان یادآور شد: ظرفیت ذخیره آب در سد پیشین ۱۷۵ میلیون متر مکعب است که اکنون ۱۰۰ میلیون متر مکعب ذخیره آب دارد، سد زبردان نیز با ۲۰۷ میلیون متر مکعب ظرفیت، ۷۸ میلیون متر مکعب ذخیره آب دارد.

او در پایان گفت: سد خیرآباد با ظرفیت ۲۷ میلیون متر مکعب آب، ۱۳ میلیون متر مکعب ذخیره آب و سد ماشکید با ظرفیت ۶۷ میلیون متر مکعب ۲۷ میلیون متر مکعب ذخیره آب دارد. نماینده مردم سراوان، مهرستان و سیب سوران در مجلس شورای اسلامی نیز گفت: بارندگی‌های اخیر به نخلستان‌ها خسارت وارد کرد و بطور حتم امسال با کاهش میزان برداشت خرما در جنوب سیستان و بلوچستان روبه‌رو خواهیم بود.

هدایت‌الله میرمرادزهی افزود: بر اثر شدت بارش باران خسارات بسیاری به بخش‌های مختلف شهرستان سراوان، سیب، سوران و مهرستان شامل تأسیسات، مسکن، راه، برق، آب، قنوات و کشاورزی و محصولات خرما وارد آمد.

او با اشاره به این که هم‌اکنون فصل رسیدن نخل‌های خرما است، افزود: بارندگی‌های اخیر سبب مرطوب و ترش‌شدن محصولات خرما در این منطقه شده است.

به گفته سالانه ۶۰ تن خرما از نخلستان‌های این منطقه برداشت می‌شود که باتوجه به خسارات ناشی از بارندگی‌های اخیر امسال میزان برداشت این محصول کاهش خواهد یافت.

او با اشاره به این که دو روستا به صورت صد در صد تخریب شده است، افزود: هم‌اکنون ساکنان این دو روستا در روستای شکبند در چادرهای هلال‌احمر اسکان یافته‌اند و مواد غذایی بین آنها توزیع شده است.

وی در ادامه خواستار تسریع در تخصیص اعتبارات، تسهیلات ساخت مسکن و کمک بلاعوض به شهرستان‌های سیل‌زده جنوب سیستان و بلوچستان شد.

همچنین سرپرست دفتر مدیریت بحران استانداری سیستان و بلوچستان گفت: براساس بررسی کارشناسان این دفتر ۲۰۰ میلیارد تومان خسارت بر اثر سیل و شدت بارندگی‌ها به جنوب سیستان و بلوچستان وارد شده است.

رضا اربابی گفت: این خسارات بیشتر به بخش کشاورزی، برق و راه وارد شده است.

به گفته وی شرایط عادی در شهرستان‌های جنوبی سیستان و بلوچستان برقرار است.

مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای سیستان و بلوچستان نیز اعلام کرد: بر اثر بارندگی‌های اخیر بیش از ۸۰ میلیون متر مکعب آب به حجم مخازن سدهای استان اضافه شده است.

احمد عاقبت بخیر با اشاره به وجود ۲۵ سد مخزنی، تغذیه‌ای و انحرافی در این استان گفت: حجم آب مخازن سدهای استان ۲ میلیارد و ۱۰۰ میلیون متر مکعب است.

وی اعلام کرد: ساخت سه سد کهیر، شهرکوه و گوهرکوه در سیستان و بلوچستان در دست اجرا است که با بهره‌برداری از آنها ۴۳۴ میلیون متر مکعب آب به حجم مخازن آبی استان اضافه می‌شود.

به گفته وی سالانه ۱/۵ میلیارد متر مکعب آب در این استان در بخش‌های کشاورزی، آشامیدنی و صنعت مصرف می‌شود که ۹۴ درصد از این میزان در بخش کشاورزی، ۵ درصد در بخش خانگی و یک درصد در بخش صنعت به مصرف می‌رسد.

مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای سیستان و بلوچستان یادآور شد: سیل اخیر به شبکه‌های آبیاری و زهکشی بمپور خسارت‌زده است.

مدیرکل راه و شهرسازی جنوب سیستان و بلوچستان اعلام کرد: بارندگی‌های اخیر ۴۰۰ میلیارد ریال خسارت به راه‌های مواصلاتی جنوب استان وارد آورد.

مهندس ایوب کرد گفت: جریان شدید آب به بخش‌های زیادی از ابنیه پل‌ها و علائم ایمنی و جاده‌های فرعی و اصلی خسارت زد به‌طوری‌که برخی از راه‌های فرعی و مراکز بخش‌ها در شهرستان‌های فتوح، قصرقند و نیکشهر مسدود شد که با تلاش اکیپ‌های راهداری تعدادی از این مسیرها بازگشایی شده است.

وی با اشاره به این که در حال حاضر محور ایرانشهر ـ خیرآباد مسدود است، افزود: علاوه بر این محور تردد در مسیرهای ایرانشهر ـ مهرستان، دلگان ـ ده کلوت و اسپکه ـ قنوج نیز امکان‌پذیر نیست و تا اطلاع ثانوی بر روی خودروهای عبوری بسته است.

گرامیداشت یاد و خاطره شهید محمود صارمی در اهواز

اهواز ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی خوزستان در آیین قدردانی از خبرنگاران که در گیت بوستان اهواز برگزار شد، گفت: استان خوزستان با داشتن ۷۴ نشریه فعال بعد از استان تهران در جایگاه اول کشور قرار دارد.

حجت‌الاسلام سید لطف‌الله سپهر با اشاره به خدمات دولت افزود: ۱۳ مجتمع فرهنگی در خوزستان ایجاد شد و در بسیاری از شهرستان‌ها بنای فرهنگی و کتابخانه مورد بهره‌برداری قرار گرفت و زیربنای فرهنگی شهرستان ماهشهر در این مدت به ۲۱۵۰ مترمربع افزایش یافت.

سپهر به فعالیت‌های مختلف در حوزه‌های ادبی، فرهنگ و دفاع مقدس اشاره کرد و گفت: برای نخستین‌بار در تاریخ جمهوری اسلامی سه فیلم بلند ۱۰۸ دقیقه‌ای با عنوان سردار هور به یاد شهید علی هاشمی، سردار کوچک به یاد شهید بهنام محمدی و شهید رهبر تولید شد که به زودی شاهد اجرای آن خواهیم بود.

محمدرضا ایزدی مدیر سرای روزنامه‌نگاران استان خوزستان نیز گفت: با ایجاد این سرا در این استان تاکنون ۲۰۰ خبرنگار به عضویت سرای روزنامه‌نگاران استان در آمده‌اند.

او افزود: با ایجاد سرای روزنامه‌نگاران در استان سایر مسائل مرتبط با خبرنگاران نیز پیگیری خواهد شد.

وی اضافه کرد: تمام کارکنان شرکت‌های استان از امکانات رفاهی برخوردار هستند در صورتی که درباره خبرنگاران اینگونه نیست و ما در تلاش هستیم تا این امکانات را در اختیار خبرنگاران استان قرار دهیم.

ایزدی همچنین از برگزاری چهار دوره تخصصی برای خبرنگاران استان در این سرا خبر داد و درباره فعالیت‌های صورت گرفته در سرای روزنامه‌نگاران استان، گفت: گرفتن مجوز برای عضویت رایگان در کتابخانه‌های استان و بازدید رایگان از اماکن میراث فرهنگی از جمله فعالیت‌های صورت گرفته در این ۵ ماه راه‌اندازی سرای روزنامه‌نگاران است.

سید جعفر حجازی استاندار خوزستان نیز گفت: خبرنگاران در استان با حداقل امکانات، رسانه‌های خود را حفظ کرده‌اند در حالی که باید کاری کرد که دغدغه خبرنگاران و رسانه‌ها صرفاً تولید اخبار و گزارش‌های پرمحتوا باشد.

او با بیان اینکه امیدوارم با راه‌اندازی سرای روزنامه‌نگاران و تعاملی که وجود دارد، نیازهای اصحاب رسانه را حل کنیم، افزود: امروز امکانات و دسترسی به منابع بین خبرنگاران زیاد است به همین دلیل جای رشد زیادی برای این قشر وجود دارد. وی گفت: ایجاد امیدواری بین مردم، یکی از رسالت‌های رسانه‌ها است.

در این مراسم به ۵۰ خبرنگار که از سوی مطبوعات سراسری، استانی، هفته‌نامه‌ها و خبرگزاری‌های فعال در استان به اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی شده بودند، یک سفر زیارتی مشهد مقدس اهدا شد.

قدردانی از خبرنگاران استان گلستان

گرگان – خبرنگار اطلاعات: مشکلات خبرنگاران باید با جدیت و تلاش متولیان امر پیگیری شود تا به نقطه‌ای مطلوب برسد.

جواد قناعت، استاندار گلستان با بیان این مطلب در مراسم نکوداشت روز خبرنگار افزود: تشکیل اتاق فکر برای رفع دغدغه‌های خبرنگاران موضوع مهمی است. وی ادامه داد: نوع گفتمان و درخواست خبرنگاران نسبت به سال‌های گذشته فنی‌تر و تخصصی‌تر شده است که این مهم نشان از حرکت رو به جلو اصحاب رسانه دارد.

او با انتقاد از نگاه نادرست برخی دستگاه‌ها به تلاش و جایگاه خبرنگاران گفت: گاهی دیده شده تعدادی از دستگاه‌های اجرایی استان نگاه زیربنایی و اساسی نسبت به شان و جایگاه خبرنگاران ندارند که باید رویکرد مسئولان در این زمینه تغییر پیدا کند تا شاهد اتفاقات خوبی در این حوزه باشیم.

غلامرضا منتظری، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گلستان نیز در این مراسم گفت: پیشنهادهای سازنده اهالی رسانه با تشکیل اتاق فکر و پیگیری خانه مطبوعات استان باید از حرف به عمل تبدیل شود.

وی ادامه داد: برای من بسیار سخت است که یک خبرنگار خود را بشکند و برای رفع مشکلات، تقاضا کند.

وی با بیان اینکه حمایت‌های ارشاد استان برای اصحاب رسانه اگر چه تا حد مطلوب فاصله زیادی دارد، افزود: بی‌انصافی است اگر از کنار کارهایی عبور کنیم و عظمت آن را نادیده بگیریم. منتظری یاد آور شد: بعد از پایان مرداد نخستین جلسه را برای شکل‌گیری اتحادیه حمایت از تعاونی خبرنگاران به طور رسمی در تالار فخرالدین اسعد گرگانی برگزار خواهیم کرد و با تکیه بر پیشنهادها و نقدها می‌توان پله‌های بعدی را مستحکم‌تر بنا کرد.

در این مراسم جمعی از خبرنگاران نیز با ارائه دیدگاه‌های خود و بیان مشکلات، خواستار رفع آنها شدند.

کعبه، رمز وحدت و استقلال مسلمانان است

جلال‌الدین محمد بلخی (مولوی) در قرن هفتم هجری قمری درباره نماز سروده است:

اگر نه روی دل اندر برابرت دارم
من این نماز حساب نماز نگذارم
مرا غرض ز نماز این بود که پنهانی
حدیث درد فراق تو با تو بگذارم
وگرنه این چه نمازی بود که من بی تو
نشسته روی به محراب و دل به بازارم
از این نماز ریائی چنان خجل شده‌ام
که در برابر رویت نظر نمی‌آرم

همچنین جابرابن حیان از حضرت امام صادق(ع) پرسید: آیا مرکزیت کعبه برای نماز اهمیتش بیشتر است یا مرکزیت آن برای حج؟

امام صادق(ع) فرمودند: مرکزیت آن برای نماز. زیرا بسیاری از مسلمانان نمی‌توانند در تمامی عمر حتی یکبار هم به مکه بروند، ولی هر مسلمان در هر نقطه از جهان که هست، حداقل روزی ۵ بار به سوی کعبه نماز می‌خواند و می‌توان گفت در هر شبانه‌روز حداقل ۵ بار نگاه تمامی مسلمانان جهان در کعبه به هم می‌رسند و گویا تمامی مسلمانان جهان شبانه‌روز ۵ بار در چشمان یکدیگر می‌نگرند و سخن آنان در آنجا به هم می‌رسد و تکبیر میلیون‌ها مسلمان که در شرق و غرب و شمال و جنوب دنیا زندگی می‌کنند، در کعبه شنیده می‌شود. این مرکزیت در هیچیک از ادیان گذشته وجود نداشته است و در آینده هم نخواهد بود.

آری، کعبه مغناطیس دل‌های اهل ایمان و رمز وحدت و استقلال مسلمانان است و ارتباط کعبه و نماز ارتباطی دائمی است: نماز منهای کعبه و قبله بی‌ارزش است و حج و کعبه بدون نماز معنا ندارد. نماز و کعبه هر دو وسیله‌ای هستند برای ارتباط با حضرت خالق هستی، یعنی رسیدن به توحید و یکتا پرستی. اگر کسی که از فراز آسمان‌ها به صفوف نمازگزاران در سطح کره زمین بنگرد، دایره‌های متعددی را می‌بیند که مرکزیت همه آنها کعبه است و توحید نقطه تمرکز فکر و دل و جان مسلمانان است.

حکیم و محدث بزرگ ملامحسن فیض کاشانی (۱۰۹۱ـ۱۰۰۷ هجری قمری) نیز می‌فرماید: چون به نماز آماده شدی می‌بایست قلبت نزد نماز بوده و از هروسوسه‌ای فارغ باشد و ببین که در پیشگاه چه کسی ایستاده‌ای و با چه کسی سخن می گویی و شرم دار از این‌که با مولایت با دلی غافل و قلبی مملو از وسوسه‌های دنیائی سخن بگوئی و بدان که او بر باطن تو مطلع و به قلبت ناظر است و نمازت به اندازه خشوع و تواضع و تضرع و زاری تو پذیرفته می‌شود. در نماز چنان به عبادت حق روی‌آور که گویا پروردگارت را می‌بینی.

رضا جدیدی ـ دبیر ستاد اقامه نماز استان اصفهان

مسئولان اجرایی شأن میهمانان خانه خدا را رعایت کنند

عده قابل توجهی نیروی انسانی با عنوان‌های مختلف مانند مدیر ثابت هتل، معاون و مدیر فرهنگی و مسئول پذیرایی در مراکز اقامت زائران فعالیت می‌کنند که به نظر می‌رسد هر کدام دارای وظایف تعریف شده‌ای هستند و باید ساعت‌ها آموزش مرتبط با نوع فعالیت‌های خود را دیده باشند. اما متاسفانه در سفر من تعدادی از این عزیزان آن‌قدر ناشیانه و نامناسب عمل کردند که این نوع عملکردشان سایه سنگینی بر سر افرادی انداخته بود که بسیار زیبا و شایسته عمل کردند.

اظهار نظرهای پرشتاب، بلند کردن صدای خود بر روی میهمانان خانه خدا، تعامل نامناسب در برخورد با انتقادهای بیان شده، عدم ارائه غذا به افرادی که فقط چند دقیقه دیرتر از زمان پایانی تعیین شده به سالن غذاخوری می‌آمدند، رفتار نامناسب و به دور از دستورات دینی با سالمندان حاضر در کاروان‌ها و موارد دیگری از این دست که زیبنده مسئولان اجرایی انتخاب شده از سوی سازمان حج و زیارت نبود و جالب‌تر اینکه این رفتار مسئولان هتلی در مکه بود که از نظر وضعیت و موقعیت و شرایط، امکانات و تسهیلات در رتبه برتر نسبت به دیگر مراکز قرار داشت.

اما از آنجا که باید از کارهای پسندیده و خوب هم تقدیر کرد، ضرورت دارد در این جا یادی کنم از گروه اداره کننده هتل محل اقامت‌مان در مدینه منوره که بزرگوارانی از خطه شمال کشورمان بودند.

این افراد از مدیر گرفته تا پایین‌ترین فرد گروه، از نظر شغلی همیشه با لبخند پذیرای میهمانان خود بودند و حتی اگر محدودیت امکانات به آنان اجازه نمی‌داد خواست‌های متعدد زوار را اجابت کنند، با خلق خوش به صورتی میهمانان خود را راضی می‌کردند.

نفیسه یزدانی – زائر خانه خدا و مدینه منوره

ضرورت توجه بیشتر به پژوهش در برخورد با تحریم‌ها

در روزگاری که ما در آن به سر می‌بریم و به عصر انفجار اطلاعات شهرت یافته است، به دنبال پیشرفت‌های عظیمی که در تمامی عرصه‌ها به وجود آمده، روش تحقیق و پژوهش نیز متحول و کامل شده است و حتی می‌توان گفت که روزگار فعلی، عصر ظهور و روش‌های نوین در عرصه تحقیق و پژوهش است.

ابزارها و وسایل پیشرفته به‌خصوص کامپیوترهای نوین پا به عرصه ظهور گذاشته‌اند و در نتیجه تغییراتی جدی و اساسی بسیاری از دانش‌ها و کیفیت مطالعه و تحقیق را در هر یک از آن‌ها پدید آورده و به این ترتیب متدها و روش‌های تحقیق دچار تحولات چشمگیری شده است.

برای انجام تحقیق و پژوهش در عصر انفجار اطلاعات به روش‌ها، ابزار و امکانات نوینی نیازمندیم و باید اعتراف کرد که یکی از عوامل پیشرفت کشورهای پیشرفته دنیا، بازنگری جدی در پیدایش و کاربرد ابزار و روش‌های تحقیقاتی است.

پژوهش، عامل مهمی در تولید دانش، دانایی و پیشرفت جوامع انسانی است و میزان پژوهش‌های انجام شده در هر جامعه، شاخص توسعه‌یافتگی آن جامعه به حساب می‌آید.

هدف تحقیق، کشف و گسترش دانش و در حقیقت راهی برای جستجوی آگاهی است، با تحقیق کردن است که به عرصه‌های جدید علم و دانش می‌توان پا نهاد و وارد عرصه‌های ناشناخته شد.

پژوهش و نقش آن در تعلیم و تربیت از دیرباز مورد توجه بوده است، اگر نگاهی به تاریخ قبل ایران داشته باشیم، به این نکته پی می‌بریم که تأسیس مدرسه نظامیه بغداد توسط خواجه نظام‌الملک و دارالفنون که در آنها به تربیت پژوهشگرانی می‌پرداختند و وجود دانشمندانی چون ملاصدرا و شیخ‌بهایی، گویای دیرینه بودن تاریخ پژوهش ایرانیان است.

امروز تمامی آنان که کم و بیش مطالعاتی در خصوص پژوهش دارند، معتقدند که «بدون تحقیقات هیچ کاری نباید صورت گیرد»، «بدون پژوهش تصمیم گیری نکنیم» و «پژوهش کلید تحرک، پویایی و توسعه است.» تحقیق و پژوهش، محقق و پژوهشگر را بر آن می‌دارد که به جستجوی حقیقت بپردازد و از تعصب، خودگرایی و مطلق‌گرایی بپرهیزد. بدین ترتیب تحقیق برای انسان کنجکاو و درگیر با مسائل زندگی یک رویکرد ضروری و در عین حال عادی است و اساس معرفت و شناخت علمی وی را تشکیل می‌دهد.

با این‌که در سال‌های اخیر جایگاه پژوهش و پژوهشگری در کشور ما نسبت به گذشته ارتقای چشمگیری یافته است، اما هنوز برای رسیدن به مرز استاندارد، فاصله‌های زیادی وجود دارد.

شناخت واقعیت‌ها و ارائه راه‌حل‌های منطقی و علمی در فرآیند پژوهش، امروزه دانشمندان را بر آن داشته است که برای فعالیت‌های پژوهشی و تحقیقی، سرمایه‌گذاری قابل توجهی کنند.

مهمترین وظیفه پژوهشگران ارائه راهکار و پاسخ دادن به سؤال‌های پایان‌ناپذیر است و هر چه دامنه شناخت آنان بیشتر شود، تعداد سؤال‌ها نیز به تناسب افزایش خواهد یافت.

پژوهشگر موفق کسی است که زوایای تاریک و مبهم زندگی را برای دسترسی آسان انسان و برخورداری از رشد و توسعه فراهم می‌کند.

ولی در حال حاضر به نظر می‌رسد که پژوهش نه فقط در تمامی مقاطع تحصیلی نادیده گرفته می‌شود، بلکه در دانشگاه‌ها و آموزش عالی هم نقش کمرنگی دارد و تحقیق به معنای واقعی کمتر صورت می گیرد. متأسفانه در ایران، فرهنگ پژوهش برخلاف فرهنگ آموزش، گسترش نیافته و نهادینه نشده است. اما فارغ از این نقاط ضعف در زمینه مسائل پژوهشی، آنچه حائز اهمیت است، استفاده مفید و مؤثر از ظرفیت‌های موجود تحقیقاتی کشور به منظور انجام اقدامات مدبرانه در خصوص بهبود تولید ملی در کشور است.

واقعیتی که متأسفانه فعالان حوزه پژوهش را همواره دلخور کرده است، عدم بهره‌مندی از ساز و کار و بودجه لازم و محروم بودن از امکانات پژوهشی در حد و اندازه استاندارد و در نهایت استفاده نکردن از یافته‌ها و تحقیقات پژوهشی است که ساعت‌ها و روزها صرف ارائه آن شده است و این یافته‌ها بدون استفاده در گوشه‌ای از کتابخانه‌ها خاک می‌خورند.

اما یک نکته مهم، فراهم بودن بسترهای پژوهش و تأمین ساز و کارها و ارائه امکانات و بودجه‌های لازم برای شکوفائی و تداوم راه آن هم در دوران تحریم‌های ناعادلانه است. واقعیتی که امروز پیش روی پژوهشگر قرار دارد این است که او این امکانات و بودجه را از کجا بیاورد و چگونه ساز و کارهای لازم را تأمین کند؟

امید است با تأمین، تعمیم و اختصاص بودجه های پژوهشی و ساز و کار و امکانات موردنیاز، بتوان خدمات بیشتر و ارزنده‌تری به مردم و انقلاب ارائه کرد. امروزه تربیت یک پژوهشگر به عنوان تأمین نیروی انسانی لازم در مقطع دکتری هزینه چند صد میلیونی را به خود اختصاص می‌دهد که پس از ورود به عرصه عمل برای ۵ میلیون تومان بودجه پژوهشی و پژوهش باید ماه‌ها دوندگی کرد. اگر امروز فرزندمان سؤال کند که از نظر شغلی بین استادی دانشگاه، فوتبال و وزارت کدام را انتخاب کنم، واقعاً پاسخ کدام گزینه است؟ البته شاید با تربیت پژوهشگر ۲ شغله یعنی پژوهشگر فوتبالیست یا وزیر بتوان پاسخی برای این سؤال ارائه داد!

محمدرضا نقی‌ئی ـ پژوهشگر

خودپرداز محله ما!

دستگاه خودپرداز محله ما نیز صدایش از بی‌پولی درآمده است، زیرا اهالی محل، کسبه و عابران، تمامی بعدازظهرها خدمت خودپرداز می‌رسند، اما دریغ از پرداخت یک ریال ناقابل! با عصبانیت مشتی بر آن می‌کوبند و صدای خودپرداز بی پول را در می‌آورند. در صورتی که این مشت را باید سر افراد بی‌تدبیری کوبید که موجب نارضایتی و ناراحتی مردم می‌شوند! به هر حال، جا دارد برای حفظ آرامش مردم یا به خودپردازها پول تزریق کنند و یا خودپردازی نباشد که موجب صف بستن و عصبانیت مردم شود. در ضمن برای جوابگوئی به ارباب رجوع مدیرانی نه چندان جوان، اما خوش برخورد را در مدیریت بانک‌ها بگمارند زیرا در شهر آمل ۴۷درصد صنایع مازندران مستقرند و از نظر اقتصادی نیز توسعه یافته‌ترین شهر مازندران به شمار می‌رود.

آمل ـ سیدحسین سمن آبادی

خودروهای قدیمی و پاهای بدون کفش!

در مورد اطلاعیه اسقاط ماشین‌های قدیمی و این‌که قیمت خرید را کمی (یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان) افزایش داده‌اند، استحضار دارند که این قبیل خودروها غالباً کار می‌کنند و وسیله امرار معاش و نان‌آور خانواده‌ها هستند و حوائج رفت و آمدی افراد کم توان مالی را مرتفع می‌سازند. از اینرو اسقاط جملگی خودروهای قدیمی تصور تبذیر دارد و در صورت تأکید و اجبار به فروش بدون جایگزینی مناسب حال این طبقه ضعیف، نظیر این است که فردی را مجبور به فروش کفش نیمدارش کنند و به واسطه گرانی نتواند کفش دیگری بخرد، که در این صورت بنده خدا بدون کفش و پا برهنه خواهد ماند!

تقی محتاط

مار سرخ را دریابیم!

دیوار دفاعی گرگان یا «مار سرخ» از آثار مهم و باستانی گرگان است که خبر در خطر نابودی قرار گرفتن بخشی از آن، به دلیل اتصال خط‌آهن گرگان به «اینچه برون» و ارتباط ریلی با ترکمنستان و سایر کشورهای آسیای مرکزی به گوش می‌رسد.

تاریخ ساخت «دیوار گرگان» را می‌توان تا زمان کوروش رساند چنانچه در تاریخ آمده است، کوروش دیواری برای مقابله با اقوام وحشی بنا کرده بود که حتی می‌توان آن را با دیواری که ذوالقرنین بنا کرده است، یکی دانست و مقایسه کرد.

در حالی که مسئولان کشور بر توسعه صنعت گردشگری با هدف شناساندن کشورمان به جهانیان و افزایش ارزآوری و اشتغالزایی تاکید مستمر دارند و تبلیغات و تسهیلات گوناگونی را به این امر اختصاص داده‌اند، شنیده شده است برخی از مسئولان محلی گفته‌اند نمی‌شود برای حفظ چهار تا آجرپاره، توسعه کشور را متوقف کرد! از جانب این مسئولان این گونه گفته شده است که پیش از تخریب، گروه‌های کاوش را برای بررسی مسیر اعزام خواهند داشت تا اگر چیزی آنجا بود، آن را شناسایی کنند.

خوشبختانه به نظر می‌رسد مسئولان به یک نظر عاقلانه رسیده‌اند و این که احداث پل بر فراز این دیوار، راهی مناسب برای توسعه کشور و حفظ میراث ملی باشد.

ضمن اینکه احداث پل می‌تواند باعث جلب گردشگر شود. گفتنی است که مسئولان استانی تلاش بیشتری را برای ثبت جهانی دیوار به کار گرفته‌اند و مقامات اجرایی کشور نیز در این راه گام‌های مهمی برداشته‌اند.

گرگان ـ سید محمد بنی کریمی

نکته ای درباره درآمد فوتبالیست‌ها

تا یک قرن پیش ورزش به عنوان پدیده‌ای نوظهور به تدریج در حال تکوین و رشد بود و با برگزاری اولین دوره «المپیک تابستانی» در یونان، کم‌کم مردم در اقصی‌نقاط عالم به ورزش گرایش پیدا کردند.

فوتبال امروزه فقط یک ورزش نیست، حامیان مالی و شرکت‌های تبلیغاتی در حال حاضر برای تیم‌های باشگاهی کشورهای صاحب‌فوتبال مثل ایتالیا، اسپانیا و آلمان درآمدهای نجومی و بعضاً سرسام‌آوری کسب می‌کنند که ذکر نمونه‌هایی از آن ضروری به نظر می‌رسد. شرکت هواپیمایی «امارات» سالانه به باشگاه‌های «آرسنال» و «آث‌میلان» ۵۰ تا ۶۰ میلیون یورو می‌پردازد تا آرم تبلیغاتی آن شرکت را بر روی پیراهن بازیکنان این دو تیم باشگاهی چاپ کنند.

نتیجه می گیریم که فوتبال و کلاً ورزش‌های پرطرفدار، دیگر صرفاً یک بازی ساده و چرخاندن توپ بر روی زمین‌های بازی نیست، بلکه وسیله مهم و ابزاری پیشرفته برای ایجاد درآمد و چرخش و نقل و انتقال‌های مالی در سرتاسر جهان است، که اگر به کل درآمدی که بین دست‌اندرکاران این ورزش توزیع می‌شود توجه کنیم، معلوم می‌شود که تعداد کثیری چگونه ثروتمند شده‌اند که این خود یک منبع سرمایه‌گذاری در سایر بخش‌های اقتصادی مانند صنعت گردشگری و عمدتاً توسعه بخش خدمات به حساب می‌آید و این نوع کسب درآمدها از بیکاری افراد زیادی جلوگیری می کند و علاوه بر آن، موجب توزیع مجدد درآمدها می‌شود که خود بحث تفصیلی بسیاری دارد که در این نوشته نمی گنجد. در ایران معمولاً از مافیای فوتبال صحبت می‌شود و برخی از فوتبالیست‌ها درآمدهای سرشاری به دست آورده‌اند، ولی معلوم نیست که این درآمدها در چه بخش‌های اقتصادی سرمایه‌گذاری شده است و آیا در چرخش اقتصادی، سهمی دارد و نیز چند درصد از افراد بیکار را می‌تواند جذب کند و آیا بیمه آنان را تامین می‌کند؟

کامیار کسمایی

در گذرگاه زندگی

تأثیر حرف‌های ناگفته در سلامت روان

گاهی حسرت برده‌ایم که چرا آنجا که باید، چیزی نگفته‌ایم و گاه تأسف خورده‌ایم که کاش چیزی نمی‌گفتیم!

به قول سعدی: «دو چیز طیره عقل است، دم فرو بستن به وقت گفتن و گفتن به وقت خاموشی.»

از آنجا که ماشین اندیشه‌نگاری وجود ندارد که پرده از مکنونات ذهن افراد بردارد، ما بر حسب گفته‌های دیگران دربارهٔ آنان داوری می‌کنیم. البته در دراز مدت اعمال افراد را نیز می‌توانیم بسنجیم، اما چه بسا که فرد با کلام، اعمال خود را نیز توجیه کند. گر چه برخی افراد از واژه‌ها برای پوشاندن حقیقت استفاده می‌کنند، اما واژه‌ها ارزشمندتر از آن هستند که جز برای بیان حقیقت به کار روند. ناروا و ناسزا گفتن و نا به جاگویی، از نشانه‌های اختلال روان است.

گاهی عصبی شده‌اید که چرا در پاسخ بدگویی، شما نیز بدگویی نکرده‌اید، اما چه بهتر که چنان نگفته‌اید. اگر او درباره شما دروغ گفته است، شما هم با تمجید از او دروغ وی را پاسخ دهید و به گفتهٔ شاعر:

گر خواجه ز بهر ما بدی گفت
ما چهره ز غم نمی‌خراشیم
ما نیکی او به خلق گوییم
تا هر دو دروغ گفته باشیم!

آنان که قادرند با کمترین واژه‌ها بیشترین حقایق را بیان کنند، از مقبولیت بیشتری برخوردارند و آن کس که برای بیان گفته‌ای به حواشی و زواید فراوان و نامربوط می‌پردازد، دچار نشانی روان‌پزشکی است که نیاز به بررسی و درمان دارد.

همیشه توجه کنیم که آنچه می‌گوییم چه عواقبی دارد. به گفته فردوسی:

نگر تا چه کاری همان بدروی
سخن هر چه گویی همان بشنوی

پس اگر قرار بوده است حرفی درشت به زبان آوریم، هر چه بهتر که ناگفته بماند.

از آنجا که فرصت‌ها چون ابرها می‌گذرند، باید مراقب بود که کلام را به موقع و به جا بگوییم تا به نتیجه برسد، در غیر این صورت افسردگی ناشی از ناکامی وجود ما را فرا می‌گیرد. اما گذشته از این گاهی بهتر است از گفتن خودداری کنیم، تا مبادا بی‌اطلاع کافی چیزی گفته باشیم، باید دانست که سکوت از اجزای مهم مکالمه است. آن کس که سکوت کرده است شاید در اندیشه آن است که کلامی شایسته‌تر را بیابد و به کار ببرد، و ختم سخن با این کلام از غنی کشمیری که می‌گوید:

تا بود گفتگو سخنم ناتمام بود
نازم به خامشی که سخن را تمام کرد!

دکتر فربد فدائی ـ روان پزشک

وادی طنز

نکته‌های بیکاری!

* در این دوره و زمانه آدم باید دلایلی داشته باشد که به بیکار جماعت پول قرض بدهد، چون برای پس گرفتن آن باید صبر ایوب داشته باشد و به عبارت دیگر پس از پیدا کردن کار طلبش را وصول کند!
* بعضی‌ها معتقدند مهم داشتن کار است، نه کارکردن!
* بعضی‌ها برای پیدا کردن کار از بام تا شام دوندگی می کنند و بعضی‌ها هم در خانه نشسته‌اند و به وسیله تماس تلفنی، دعوت به کار می‌شوند!
* فرق طبقه مرفه و طبقه فقیر در این است که مرفه نیاز به کار کردن ندارد و فقیر کار پیدا نمی کند!
* امروزه براثر تورم و گرانی هزینه‌های زندگی آنقدر زیاد شده است که یک مواجب‌بگیر با یک آدم بیکار، چندان تفاوتی ندارد، چون هر ۲ دخل‌شان به خرج‌شان نمی خورد!
* اگر بیکار باشی و وادارت کنند کار کنی، بهتر از آن است که کار کنی و وادارت کنند بیکارشوی!
* بعضی از بیکاران هیچ کاری بلد نیستند و حتی نمی‌دانند که چگونه باید کارگرفت و کارکرد!
* پس از ۳ سال بیکاری، سرانجام بازنشسته شد!

عباس وثوقی لاهیجانی

ایمیل گفته‌ها و نوشته‌ها (ویژه خوانندگان) neveshteh@ettelaat.com

جاسوسان در برابر نبرد بزرگ

SPIES AGAINST ARMAGEDDON

■ نوشته: دان راویو – یوسی ملمن ■ ترجمه: مرتضی میرمطهری | ۲۸۴

«شین‌بت» در تعقیب یکی از معروف‌ترین بمب‌سازان فلسطینی، «یحیی عیاش»[9] بود که مسئول مرگ خونین عده زیادی از افراد غیرنظامی اسرائیلی به دست بمب‌گذاران انتحاری بود. «عیاش» که در شاخه نظامی «حماس» از افراد بلندپایه بود، در طراحی وسایل انفجاری که پیدا کردن آنها دشوار بود، تخصص داشت. او که نام مستعارش «مهندس» بود از دست «شین‌بت» در ساحل غربی فرار کرد و در غزه سکنی گزید.

اسرائیلی‌ها برای دستگیریش روی طریقه‌ای بسیار ابتکاری و نوآورانه کار می‌کردند. آنها دستیاران اصلی «عیاش» را شناسایی کردند و توانستند یکی از آنها را به استخدام خود درآوردند. یک تلفن موبایل به دستیار مزبور دادند و از او خواستند که آن‌را به عنوان هدیه به «عیاش» بدهد.

کسب به «عیاش» تلفن کرد و به محض آنکه او به آن تماس تلفنی پاسخ داد سرش متلاشی شد. مهندس (عیاش) از یک طراح امنیتی اسرائیلی رو دست خورده بود.

مردم اسرائیل که بعد از قتل «رابین» بشدت افزوده شده بودند، از شنیدن و خواندن خبر ترور بمب‌ساز مخوف در غزه در ژانویه ۱۹۹۶ خرسند شده بودند، اما عمر این شادی آنها کوتاه بود و در هفته‌ها و ماه‌های بعد، اسرائیلی‌ها متحمل مشقاتی شدند.

در موج عظیمی از انتقام جویی، «حماس» متقابلاً ضرباتی وارد کرد. یک سلسله از بمب‌گذاران انتحاری به اسرائیل فرستاده شدند که خودشان را در اتوبوس و سایر هدف‌های پرجمعیت غیرنظامی منفجر می‌کردند. فقط ظرف مدت یک هفته در اواخر ماه مارس، ۵۷ نفر اسرائیلی به قتل رسیدند. نتایج سیاسی این حوادث روشن بود. نظرسنجی‌ها نشان می‌داد «پرز» با اختلاف اندک از «نتانیاهو» عقب افتاده است. «پرز» از بیم آنکه مبادا این‌طور تلقی شود که او در برخورد با موضوعات امنیتی نرمش نشان داده است، در ماه آوریل ۱۹۹۶ فرمان حمله به لبنان برای سرکوبی حزب‌الله و نیروهای فلسطینی را صادر کرد. وقتی عملیات ارتش و توپخانه اسرائیل، اشتباهاً اردوگاه پناهندگان سازمان ملل متحد را در «غانا»[10] در جنوب لبنان هدف قرارداد و ۱۰۰ نفر را کشت، از مسیرش منحرف شد.

هیچ چیز برای «پرز» به خوبی پیش نرفت. «نتانیاهو» در انتخابات ماه می با تفاوتی اندک پیروز شد و جناح راست به قدرت بازگشت.

«نتانیاهو» اشتیاقی به ادامه فرایند اسلو نداشت و تصمیم گرفت که روند گفتگوها را آهسته کند. واقعیت این بود که مذاکرات با «پی.ال.او» باسه گلوله‌ای که «ایگال امیر» به پشت «اسحاق رابین» زد، به مرگ مغزی محکوم شده بود.

کوشش‌های پراکنده‌ای برای احیای گفتگوهای صلح صورت می‌گرفت، اما «عرفات» نیز اهل کمک‌کردن نبود. رهبر فلسطینی‌ها همچنان درباره فرایند صلح تعریف و تمجید ظاهری می‌کرد، اما به‌نظر می‌رسید که او صرفاً می‌کوشد که جهان را درباره مقاصد واقعی‌اش فریب دهد.

نظام سیاسی زیگزاگی[11] اسرائیل بعد از سه‌سال که به طرف «نتانیاهو» پیچیده بود، باز هم با چرخشی دیگر، به طرف خزب کارگر برگشت.

اکنون «ایهود باراک»[12] فرمانده سابق «نتانیاهو» در واحد کوماندویی «سایرت ماتکال» رهبر حزب کارگر بود. در انتخابات سال ۱۹۹۹ «باراک» از جناح چپ، رهبر جناح دست راستی لیکود را شکست داد.

تحلیل گران «شین‌بست» و «امان» در این مورد که آیا «عرفات» هنوز طالب صلح است یا خیر، با یکدیگر اختلاف نظر داشتند.

ادامه دارد

9-YEHYAAYYASH
10-QANA
11-ZIGZAGGING
12-EHUD BARAK

سفر منطقه ای «جان کری» و کانالیزه کردن مساله فلسطین

سرویس خارجی: واشنگتن و تل آویو برای جلوگیری از خارج شدن ابتکارعمل از دست آنان در مساله فلسطین و به بن بست کشاندن طرح آینده مجمع عمومی سازمان ملل مبنی بر پذیرش غیررسمی دولت فلسطینی، تلاش پیش دستانه ای را آغاز کردند. ماه های متمادی است که مساله فلسطین، قلب تپنده تحولات جهان اسلام و خاورمیانه، در سایه تحولات سریع و فراگیر منطقه ای از جمله انقلاب های اخیر قرار گرفته است، اما جنگ اخیر اسراییل علیه غزه را می توان در کنار تلاش «نتانیاهو» برای کسب اعتبار بیشتر نزد صهیونیست ها و جریان های حاکمیتی این رژیم، به نوعی فریاد فلسطین در مشغولیت‌های چند ساله اخیر جهان اسلام و عرب خواند.

شاید فریاد غزه از قرائت آمریکایی ها در عصر احتضار رژیم های وابسته و بحبوحه انقلاب ها، هشداری درباره بی رنگ شدن حنای وقت کشی و طرح های بی حاصل در مساله فلسطین بود و کناره گیری ناگزیر «سلام فیاض» نخست وزیر تشکیلات خودگردان فلسطینی و عنصری که به اذعان خود آمریکایی‌ها و صهیونیست ها، بهترین گزینه ممکن و مورد اعتماد در اداره این تشکیلات بود، نشان داد که نه تنها مصالحه ای داخلی در فلسطین ممکن نیست، بلکه زخم کهنه سازش موسوم به صلح نیز عفونت خطرناکی را برای موجودیت تشکیلات خودگردان و متعاقب آن، امنیت رژیم صهیونیستی به دنبال دارد. با چنین درکی، جراحی دوباره جراحت مزمن فلسطین، نباید از دایره کارگردانی واشنگتن و تل آویو خارج شود و پیش از آنکه سایر کانال ها برای حل مساله فلسطین گشوده شوند، ابتکار عمل آمریکا در چارچوب همیشگی رفع نگرانی‌های اسراییل از نگاه غربی–صهیونیستی ضروری به نظر می رسد.

سفر اخیر وزیر خارجه آمریکا به خاورمیانه و تلاش های وی برای احیای مجددمذاکرات صلح نیزدرهمین چارچوب قابل ارزیابی است. جان کری به رفت و آمد دیپلماتیکش برای ترغیب اسراییل و فلسطین به احیای مذاکرات صلح بین طرفین، تسریع بخشید. پس از دیدار با «محمود عباس» در اردن، کری به بیت المقدس رفت تا با نتانیاهو ملاقات کند. جان کری مجددا از بیت المقدس به امان، پایتخت اردن باز گشت و دوباره با عباس به مذاکره پرداخت وبه دنبال آن در بیت المقدس با نتانیاهو مذاکرات تکمیلی داشت. این رفت و آمد شتابان، یادآوردیپلماسی رفت و برگشت «هنری کیسینجر» وزیر امورخارجه سابق آمریکااست که دردهه ۱۹۷۰ تلاش داشت منازعات خاورمیانه راحل وفصل کند.

در این رابطه، «شیمون پرز» رئیس رژیم صهیونیستی، تلاش های کری راقابل تحسین دانست. وی گفت: «من می دانم راه مشکل است ومسائل زیادی وجود دارد. تاآنجا که من می‌دانم، اکثرمردم به دنبال احیای گفتگوهای صلح واحیای طرح دودولت هستندوانتظارزیادی وجوداردکه کری ازعهده این مذاکرات برآید. سفرهای فشرده اخیر و مکرر جان کری در این برهه زمانی به خاورمیانه و تلاش برای احیای مذاکرات صلح، چند علامت سئوال را در اذهان ناظران، ترسیم کرده است: اینکه چه ملزوماتی باعث شده وزیر امورخارجه آمریکا با این عجله به دنبال از سرگیری مذاکرات بین دو طرف باشد؟ هدف آمریکا و اسراییل از طرح دوباره این موضوع چیست؟ تحلیل های بسیاری در این رابطه از سوی تحلیل گران مطرح شده است، از جمله اینکه ایالات متحده قصد دارد در محیط پر آشوب خاورمیانه، هر چه سریع تر قضیه فلسطین را به سرانجام برساند و از افراط گرایی بیشتر در منطقه و سرایت بحران سوریه به نوارغزه و کرانه باختری جلوگیری کند. عده ای دیگر نیز بحث تحولات اخیر جهان عرب و استفاده از موقعیت بدست آمده مبنی بر مغفول ماندن قضیه فلسطینیان از نظر ملل عرب و تلاش برای استفاده از این موقعیت به سود اسراییل و به ضرر فلسطینیان را مطرح می کنند.

اما مساله ای که به نظر می آید در تحلیل ها مغفول مانده، بحث تلاش آمریکا و رژیم صهیونیستی برای جلوگیری از خارج شدن ابتکار عمل مذاکرات صلح از دست آنها و به بن بست کشاندن طرح مجمع عمومی سازمان ملل – که در سپتامبر آینده تشکیل جلسه می دهد – یعنی پذیرش دوفاکتوی دولت خودگردان فلسطین است. در تاکید باید گفته شود که اسراییل و به ویژه حزب «لیکود» به رهبری نتانیاهو، همواره اعلام کرده که مخالف تشکیل دولت فلسطینی در کرانه باختری و بیت المقدس شرقی است و تاکنون از هیچ تلاشی برای ناکام گذاشتن تشکیل دولت فلسطینی فروگذار نکرده و طرح مجدد گفتگوهای صلح و استقبال ضمنی نتانیاهو از آن را می توان درراستای ناکام گذاشتن تلاش فلسطینیان درطرح پذیرش دوفاکتوی فلسطین درمجمع عمومی سازمان ملل متحددانست. جان کری درسخنانی گفت که مشتاق است مذاکرات صلح راقبل ازبرگزاری نشست مجمع عمومی سازمان ملل درماه سپتامبر، که بناست دولت فلسطین طی آن به صورت دوفاکتوبه رسمیت شناخته شود، شکل دهد. همچنین ازنتانیاهونقل می شود که وی نیزنگران است درغیاب یک گفتگوی صلح، فلسطینیان بتوانند از نشست مجمع عمومی سازمان ملل برای شناخته شدن به عنوان دولت استفاده کنند و به این طریق اسراییل را دور بزنند.

*** حفظ ابتکار عمل**

این موضع گیری ها به خوبی نشان می دهد که به ویژه تل آویو، به شدت نگران است با به رسمیت شناخته شدن دولت خودگردان فلسطین توسط مجمع عمومی سازمان ملل به عنوان یک دولت رسمی، ابتکار عمل خوددراربرخورد با فلسطینیان از دست بدهد. رژیم صهیونیستی که همواره نگران این مساله بوده، هرگز اجازه نداده است هیچ دولت یا گروهی وارد قضیه آنها با فلسطینیان شود و همواره سعی کرده از هرگونه دخالت توسط دیگران جلوگیری کند. آخرین تلاش آنهانیز حمله مستقیم نظامی به ناوگان «آزادی» بود که از جانب گروه‌های حامی فلسطین از ۳۷ کشور، کمک های انسان دوستانه به نوارغزه ارسال می کرد. به باور برخی کارشناسان سیاسی، اسراییل با این حرکت نشان داد که از هرگونه دخالت خارجی در مساله فلسطین جلوگیری می کند– حتی اگر به قیمت درگیری نظامی باشد –و به هیچ وجه نمی خواهداین مساله صورت بین المللی به خودبگیرد. آمریکانیزبارهاقطعنامه‌هایی راکه توسط شورای امنیت درمحکومیت اسراییل صادرشده، وتو کرده است. ازطرفی، ایالات متحده نیزنمی خواهدمساله فلسطین ازحیطه کارگردانی اش خارج شودواصراردارد که خودش مداواکننده نهایی این زخم کهنه در خاورمیانه باشند. همانگونه که نشریه «فارین پالیسی» درگزارشی دراین رابطه نوشت؛ گرچه در سیاست خارجی ایالات متحده، درگیری‌های سوریه ومشکلات آمریکا درعراق ومصرحائزاهمیت وبرای افکارعمومی مهم تلقی می شوند، اماهنوزهم منازعه خاورمیانه ونبود صلح، ازنظر تمامی روسای جمهوری آمریکا، مهمترین منبع عمده ضدآمریکایی گرایی درخاورمیانه محسوب می‌شود و وزیرامورخارجه آمریکانیزکه مردی جاه‌طلب است، ازجمله مقامات ارشدآمریکایی است که تلاش دارد حل این منازعه بلند مدت را به نام خود رقم بزند.

*** وحشت از نشست سپتامبر**

درحال حاضربه نظرمی رسدکه می توان تلاش های فشرده جان کری برای ازسرگیری مذاکرات بین طرف فلسطینی ورژیم صهیونیستی، قبل ازنشست سپتامبرمجمع عمومی رادراین راستادید. «گلوب اند میل» درگزارشی، به تلاش جان کری برای رسیدن به چارچوبی جهت احیای مذاکرات بین فلسطین واسراییل اشاره وازمذاکرات فشرده کری با محمود عباس ونتانیاهوصحبت کرد. برخی بر این باورند که مطرح شدن موضوع فلسطین در سازمان ملل و پذیرش دوفاکتوی آن به عنوان دولت رسمی فلسطینی، می تواند تمامی تلاش های اسراییل وآمریکادراین زمینه نقش برآب کندوقضیه رابه موضوعی بین‌المللی تبدیل سازدوابتکارعمل راازآنهابگیرد. درمقابل، برخی دیگرازناظران مسائل فلسطین براین باورندکه آمریکابه هر وسیله ممکن تلاش خواهد کرد از حصول چنین دستاوردی جلوگیری کند، لذا در پذیرش دوفاکتوی فلسطین نیزتردیدهابه قوت خودباقی است، اماآنچه شکی درآن نیست، این حقیقت است که حتی باعدم تحقق دستاورد سیاسی ملموس، چهره واقعی آمریکاورژیم صهیونیستی، بیش ازپیش برای افکارعمومی مردم جهان افشا خواهد شدوبه اعتبارواشنگتن، لطمه‌خواهدخورد.

دراین رابطه، آمریکابرای ازسرگیری دورجدیدمذاکرات بین طرفین فلسطینی واسراییلی وترغیب فلسطینیان برای بازگشت به میزمذاکره، بسته کمک های اقتصادی به فلسطینیان پیشنهاد داده و به نظر می رسد دست به پرداخت رشوه به طرفین زده است. به این ترتیب و همان گونه که «استفن والت» درنشریه «فارین پالیسی» نوشت، برنامه آمریکابرای اعطای ٤ میلیارددلاربه فلسطین برای تحرک اقتصادی این کشور، چیزی جزرشوه وکلاهبرداری نیست وبااین کارتلاش داردوجهه خوبی ازخودبه جای بگذارد.

*** سوء استفاده ازبحران**

دلیل دیگری در این زمینه برای مدیریت آمریکایی سازش قابل ذکر است. پیشتر وبسایت «گروه بین المللی بحران» در مقاله ای با عنوان «خرید زمان، پول، سلاح و سیاست درکرانه باختری» اشاره کرده بود که پیشنهاد کمک مالی که وزیر امور خارجه ایالات متحده به فلسطینی ها ارائه کرده است، در زمانی که «سلام فیاض» به دلایل متعدد از جمله مشکلات مالی، کمبودها و ناتوانی در پرداخت دستمزدها از نخست وزیری حکومت خودگردان فلسطین استعفا کرده بود، می توانست مرهمی بر مشکلات باشد، زیرا مشکلات اقتصادی همچون کمبود کالا، گرسنگی و دسترسی کم به منابع مالی در فلسطین، خود می تواند علاوه بر مشکلات امنیتی، دلیلی برای شروع اعتراضات، تظاهرات و در نهایت، انتفاضه ای جدید باشد. این فشار اقتصادی باعث می شود فلسطینیان راحت تر پای میز مذاکره حاضر شوند و امتیاز دهند. مهم ترین امتیاز هم به احتمال زیاد، چشم پوشی از مطرح شدن قضیه پذیرش دوفاکتوی فلسطین در نشست ماه سپتامبر مجمع عمومی سازمان ملل است.

***رخدادهایی چون استعفای «سلام فیاض» نخست‌وزیر تشکیلات خودگردان فلسطینی نشان داد که مصالحه داخلی در فلسطین ممکن نیست و زخم کهنه سازش می‌تواند عواقب خطرناکی برای امنیت رژیم صهیونیستی داشته باشد، پس با همین پیش‌فرضی است که واشنگتن و تل‌آویو تلاش می‌کنند قبل از گشوده شدن هر کانالی برای حل مسأله فلسطین، ابتکار عمل را برای رفع نگرانی‌های خود به دست بگیرند و سفرهای اخیر «جان کری» به خاورمیانه، در این چارچوب قابل بررسی است**

رویارویی و پنهانکاری

CONFRONT AND CONCEAL
DAVID E. SANGER

نوشته:
■ دیوید سَنگِر
مترجم:
■ منوچهر بیگدلی خمسه
۱۰۴

کاخ سفید محمد البرادعی رئیس وقت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را تحت فشار گذاشته بود تا مدارک دال بر کار ایران روی ساختن بمب را برای عموم افشا کند.

البرادعی بیم داشت که افشاگری، آژانس را جانبدار غرب نشان دهد. او مقاومت کرد، و بعداً به من گفت: «ما قرائن قوی داریم، اما دلیل قاطع نداریم. ما نمی‌خواستیم به ایران بهانه‌ای بدهیم که تمامی همکاری‌هایش را قطع کند.»

ولی مدرک مربوط به قم چیزی بود که اوباما خود می‌توانست علنی کند. او این راز را در دل نگهداشته بود، اما چون به اجلاس شورای امنیت سازمان ملل در اواخر سپتامبر ۲۰۰۹ وارد شد، ایران دست او را تقویت کرد.

سران دنیا در سازمان ملل گرد آمده بودند تا درباه خلأهای موجود در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای که به کشورها فرصت می‌داد تا برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای را به پروژه‌های نظامی مبدل گردانند، بحث کنند. در ذهن اوباما، ایران بارزترین نمونه از ضعف‌های این پیمان بود.

اوباما گام غیرعادی نشستن بر کرسی ریاست اجلاس شورای امنیت را برداشت ـ اولین رئیس جمهور ایالات‌متحده که چنین کاری می‌کرد. حضور اوباما در آنجا پیامی روشن می‌فرستاد: با رفتن دولت بوش، ایالات‌متحده در نظر داشت اقتدار ـ و خاصه اعتبار متزلزل ـ شورای امنیت را باز تثبیت کند. اوباما بیشتر مثل استاد حقوق دانشگاه، که زمانی بود، سخن گفت تا رئیس جمهوری که اکنون بود.

او گفت: «موضوع راجع به کشوری تنها نیست، حقوق بین الملل، قول میان تهی نیست، و پیمان‌ها باید به اجرا گذاشته شوند.» کلام او تغییر مسیری مهم در رویکرد عجزآمیزی بود که سازمان ملل دنبال کرده بود. کره‌شمالی از سال ١٩٩٤ پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را نقض کرده اما از عواقب آن در امان مانده بود. در ضمن پیامی حاوی چرخش در تناقض موجود بود: اوباما نتوانسته بود سنا را به تصویب پیمان جامعه منع آزمایش‌های هسته‌ای متقاعد کند. اوباما بدون توجه به این وضع بر خود واجب دانست که موضع گیری کند.

اوباما در ملاقات خصوصی با هوجینتائو، رئیس جمهوری وقت چین اطلاعات سری درباره تأسیسات قم را تشریح کرد و هشدار داد که به زودی آن را علناً اعلام خواهد کرد.

او گفت به نفع چین است که زودتر، قبل از روی دادن یک برخورد، برنامه هسته‌ای ایران را متوقف کند. یکی از دستیاران اوباما به من گفت: ما سعی داشتیم او را متقاعد سازیم که اگر این قضیه از کنترل خارج شود، منافع خود چین ـ بخصوص در مورد نفت ـ به خطر خواهد افتاد پس بهتر است که خودشان هم دست به کار شوند.

البته هیچ یک از همراهان اوباما چیزی در این باره نمی‌دانستند؛ اعلامیه‌های مطبوعاتی اطلاعاتی به دست نمی‌داد. اما درست در موقعی که اوباما با هو ملاقات می‌کرد، من از یک دیپلمات در اروپا تلفنی خبر غیرمنتظره غافلگیرکننده‌ای دریافت کردم: او گفت که ایرانی‌ها بو برده‌اند که پرده از تأسیسات سری جدیدی که می‌ساختند به زودی برگرفته خواهد شد. آنها نامه‌ای به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نوشتند و توضیح دادند که مشغول ساختن یک سایت زیرزمینی غنی‌سازی هستند و به موقع این تأسیسات آتی غنی‌سازی را برای بازرسی خواهند گشود.

نامه آن‌ها درست پیش از آنکه البرادعی عازم نیویورک شود، به آژانس رسید. تلفن کننده به من گفت: «ما نامه را توی جیب کت البرادعی گذاشتیم و به او گفتیم که آن را در هواپیما بخواند.»

ادامه دارد

پیکر ۲ شهید مرزبانی استان کرمانشاه تشییع شد

کرمانشاه ـ پیکر مطهر دو تن از شهدای فرماندهی مرزبانی استان کرمانشاه که یکشنبه (۲۰ مرداد) در شهرستان پاوه توسط گروهک ضدانقلاب (پژاک) به شهادت رسیدند، دیروز در میان حزن و اندوه همرزمان و خانواده‌های آنان از محل مسجد جامع تا میدان آزادی کرمانشاه تشییع شد.

فرمانده مرزبانی پاوه در این مورد به ایرنا، گفت: این دو شهید به نام‌های سروان فریبرز سهیلی و سرباز وظیفه‌هادی غلام اعتبار حدود ساعت یک بامداد هنگام انجام وظیفه در نوار مرزی و گشت‌زنی به کمین عناصر ضدانقلاب برخورد کردند و به درجه رفیع شهادت نایل آمدند. سرهنگ یحیی الهی افزود: شهید سروان سهیلی اهل و ساکن کرمانشاه بود و پیکر مطهر وی پس از تشییع در مزار شهدای این شهر به خاک سپرده شد. وی ادامه داد: شهید سرباز وظیفه غلام اعتبار نیز از اهالی شهرستان رزن در استان همدان بود که پیکر مطهرش به خانواده وی برای خاکسپاری در زادگاهش تحویل داده می‌شود.

در آیین تشییع پیکر این دو شهید، فرماندهان نظامی و انتظامی، روحانیون و مسئولین از جمله فرمانده ناجای استان کرمانشاه و فرمانده مرزبانی استان و نیز فرماندار پاوه همچنین اعضای داغدار خانواده این شهدا نیز حضور داشتند.

معلم کاشانی، به ۷ نفر زندگی بخشید

کاشان ـ یک معلم کاشانی که دچار مرگ مغزی شده بود، با اهدای اعضای خود به هفت بیمار زندگی دوباره بخشید. کبری زارع هفته گذشته بر اثر سکته مغزی و بی‌نتیجه ماندن تلاش پزشکان برای نجات او؛ دچار مرگ مغزی شده بود.

با اعلام مرگ مغزی این فرهنگی از سوی پزشکان؛ خانواده وی رضایت خود را برای اهدای اعضای بدنش به بیماران نیازمند پیوند؛ اعلام کردند.

تاکید دیوان عدالت اداری به تعامل با دولت

سرویس خبر: رئیس دیوان عدالت اداری با انتقاد از اقدام رسانه‌های معاند در القای رویارویی دیوان عدالت اداری با دولت جدید اعلام کرد ما از ابتدا تاکید کرده‌ایم که با دولت تعامل داریم نه تقابل.

حجت‌الاسلام و المسلمین محمد جعفر منتظری در جلسه هیات عمومی این دیوان، برخی مطالب رسانه‌های یاد شده را تکذیب کرد و گفت: این رسانه‌ها یا به دنبال شیطنت‌اند یا اغراض سیاسی خاصی را پیگیری می کنند.

وی گفت: ما در همکاری و تعامل با دولت، متناسب با شرایط و عملکرد دستگاه‌ها هر جا اشکالی مشاهده کنیم، تذکر خواهیم داد و همواره تلاش می کنیم که در این ارتباط حقوق شهروندان و مردم لحاظ شود.

وی افزود: تاکید می کنیم ما برای هر نوع تعامل سازنده با دولت آمادگی داریم و امیدواریم دولت جدید بخش‌های حقوقی تقویت شده و قدرتمندی داشته باشد تا این رابطه تسهیل شود.

۱۹ مجروح در حادثه پله برقی ایستگاه مترو جشنواره

سرویس حوادث: مدیر روابط عمومی مرکز فوریت‌های پزشکی اورژانس تهران گفت: حال عمومی ۱۹ مصدوم حادثه پله برقی ایستگاه مترو جشنواره در تهران روبه بهبود است.

حسن عباسی افزود: بر اثر تغییر مسیر ناگهانی پله برقی (برگشت ناگهانی به سمت پایین هنگام بالا رفتن پله برقی) ۱۹ نفر از شهروندان در ایستگاه جشنواره دچار مصدومیت شدند که پنج دستگاه آمبولانس به همراه نیروهای فوریت‌های پزشکی اورژانس تهران به محل حادثه اعزام شدند.

وکیل قلابی به دام افتاد



سرویس حوادث: وکیل قلابی که با فریب زنان به شیوه بیهوشی، طلاهای آنها را سرقت می کرد، به دام افتاد و پلیس از شکات دیگر او خواست برای اعلام شکایت به ماموران مراجعه کنند.

زن جوانی اواخر بهمن پارسال با مراجعه به کلانتری ۱۶۹ مشیریه از سرقت طلاهایش به شیوه بیهوشی توسط یک نفر خبر داد و به دستوردادیار شعبه دوازدهم دادسرای ناحیه ۱۴ تهران، این شکایت در اختیار پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت و شاکی به افسر پرونده‌اش گفت: ۲۶ بهمن برای انجام امور حقوقی و شکایت به دادسرا مراجعه کردم که جوانی پیش آمد و با معرفی خود به عنوان وکیل دادگستری و ارائه کارت وکالت، درباره علت مراجعه من به دادسرا سؤال کرد و بعد به بهانه ارائه اطلاعات حقوقی در داخل اتومبیل من نشست و در حال صحبت در باره پرونده، یک آبمیوه به من تعارف کرد که پس از نوشیدن آن بیهوش شدم و بعد از گذشت یک ساعت، وقتی به هوش آمدم متوجه سرقت ۲۴ النگوی طلا و ٤ حلقه انگشترم شدم.

کارآگاهان با بهره گیری از بانک اطلاعات مجرمان سابقه‌دار متهم به نام «حجت» را شناسایی کردند. سرهنگ اشراقی، رئیس پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران با اشاره به دستور انتشار تصویر متهم توسط قاضی پرونده از شکات دیگر خواست برای شکایت از این وکیل قلابی به پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران بزرگ واقع در میدان نبرد ـ انتهای خیابان شهید بیدی مراجعه کنند.

فرمانده ناجا: ایران از امنیت پایدار برخوردار است

سرویس خبر: فرمانده ناجا در مراسم قدردانی از خبرنگاران حوزه انتظامی درتهران به مناسبت روز خبرنگار با تأکید بر این‌که اصل امنیت در مردم و مقام معظم رهبری است، گفت: پلیس و سازمان اطلاعاتی قوی، از اصول امنیت هستند، اما مردم و مقام معظم رهبری پایه و اصل امنیت را تشکیل می دهند.

سردار اسماعیل احمدی‌مقدم با بیان این که امیدوارم خبرنگاران، نمایندگان شایسته‌ای برای نشر افکار انقلاب و کشور در داخل و خارج باشند، افزود: حوادثی که پیرامون کشور ما می گذرد، حیرت‌انگیز است، چرا که ما پیرامون خود کشورهایی همچون عراق، پاکستان، افغانستان و سوریه را داریم که هر کدام به نوعی با ناامنی و نداشتن استقلال روبرو هستند؛ اما ایران که دارای امنیت پایداری است، مورد هجوم رسانه‌ها است و دشمنان به شیوه‌های نشانه گرفتن افکار عمومی و تجهیز کردن گروه‌های تروریستی وارد عمل شده‌اند و این یک معجزه الهی است که ایران امنیت مثال‌زدنی درمنطقه و کل جهان دارد.

او یکی از اولویت‌های نامزدهای ریاست جمهوری را بحث امنیت اخلاقی دانست و گفت: این مقوله ماهیت فرهنگی و نه امنیتی دارد و این در حالی است که به غیر از این دو مقوله، هیچکدام از موارد دیگر همچون تروریست، قاچاق، آدم‌ربایی و گروگانگیری مورد اشاره قرار نگرفت، چرا که این مشکلات تقریباً از بین رفته است. وی با اشاره به گزارش خود به رئیس جمهوری گفت: در این دیدار بیان کردم که پس از گذشت ۳۵ سال از انقلاب اسلامی در هیچ کجای کشور، هیچ مقر و مخفیگاهی برای هیچیک از گروه‌های تروریستی وجود ندارد و این در حالیست که تا ۱۰ سال اخیر در استان‌های مختلف مقرها و مخفیگاه‌هایی برای اشرار وجود داشت و حتی در همین تهران محلاتی وجود داشت که تحت قرق اراذل و اوباش بود و پلیس نمی توانست وارد شود.

کاهش تلفات رانندگی

رئیس پلیس کشور با بیان این‌که مثبت‌گرایی زیاد رسانه‌ها دردی دوا نمی‌کند و باید ضعف‌ها نیز گفته شود، افزود: چندی پیش تقدیرنامه رسمی از سازمان جهانی بهداشت ارائه شد که درآن به دلیل در شتاب کاهش تلفات رانندگی، ایران صاحب رتبه اول شده بود. به گفته سردار احمدی مقدم، نیروی انتظامی در موضوع رسانه‌ها، واحد نوپایی است و در عرصه رسانه جوان است و دانش رسانه‌ای کافی ندارد اما با این حال ناجا همواره در معرض رسانه‌ها بوده و است و مهارت رسانه‌ای باید عمومی باشد و همه باید قدرت رسانه‌ای داشته باشند.



به گفته فرمانده ناجا نظرسنجی ها نشان می دهد که احساس امنیت بالاست و سیاه‌نمایی و دامن زدن درست نیست، اما برجسته‌سازی اخبار، تحلیل و تجزیه درست و کشف کاستی‌ها و مشکلات و تقاضای رسیدگی به آن از سوی مسئولان مربوطه، کشف نیازهای اجتماعی و اقناع مردم برای بکارگیری راهکار که به سلامت اجتماعی منجر می‌شود موثراست.

فضای مجازی

رئیس پلیس کشور اضافه کرد: فضای مجازی امروز واقعیت دارد و باید دقت شود خیلی اسیر فضاسازی این فضا نشویم و حقایق به حاشیه نرود. وی با انتقاد از این که برخی رسانه‌ها برای جریان سازی اقدام به ایجاد فضاسازی می کنند و بقیه نیز دنباله رو آنها هستند، گفت: باید دقت کنیم که دردسر درست نکنیم چرا که کشور نیاز به آرامش دارد.

راهبرد دانش افزایی

فرمانده ناجا با اشاره به بزرگداشت روز خبرنگار، گفت: ما از مرحله اطلاع‌رسانی باید به سمت اطلاع‌افزایی و دانش‌افزایی حرکت کنیم و با دانش‌افزایی، بصیرت، قدرت شناخت و فکر مردم را بالا ببریم. وی با بیان این‌که هدف نظام، بصیرت‌افزایی است، افزود: رسانه‌هایی که در یک جهت خاص حرکت می‌کنند، شاید در یک مدتی فعال باشند، اما با گذشت زمان پژمرده می‌شوند و می‌روند.

درابتدای این مراسم سردار منتظر المهدی معاون اجتماعی ناجا نیز با بیان این‌که رسانه‌ها ارکان جامعه برای آشنایی با بزهکاری و مشارکت بهتر برای برقراری و حفظ امنیت هستند، افزود: رسانه‌ها ویژگی گستردگی، سرعت انتقال، وسعت انتشار و هدایت افکار عمومی را دارند و کارکردهای آنها در نظارت برمحیط، آموزش، ترویج ارزش‌های فرهنگی و پیشگیری از جرم کاملاً مشهود است. شجاعیان مدیر مسئول خبرگزاری نسیم نیز گفت: پلیس با هوشمندی درعرصه رسانه می‌تواند هر اقدام مجرمانه‌ای را خنثی سازد. زجاجی مدیرمسئول خبرگزاری ایسنا نیز از آمادگی این رسانه برای تعامل دربحث آموزش‌های برخاسته از تحلیل و تجزیه و رصد مسائل توسط پلیس خبر داد.

مقدم مدیر مسئول روزنامه جام جم نیز با بیان این‌که نگاه پلیس عملی شده است افزود: باتوجه به این‌که بدون بسترسازی نمی‌توان از کاری نتیجه گرفت بنابراین رسانه‌ها می‌توانند برای پلیس بستر فعالیت درهمه پدیده‌های اجتماعی را فراهم سازند.

مردوخی یکی از پیشکسوتان عرصه رسانه نیز با تقدیر از عملکرد ناجا شعری درخصوص خبرنگار خواند.

سیدمحمود دعایی مدیرمسئول روزنامه اطلاعات نیز با قدردانی از نگاه جامع نگر و پویا، پنددهنده و آموزشی فرمانده نیروی انتظامی افزود: برخودم و جامعه‌فرهیخته‌ودلسوزوکوشای‌رسانه به دلیل وجود نیروی پلیسی فعال وعالم تبریک می گویم و به دلیل وجود فرماندهی شجاع، حکیم، تحصیلکرده وهوشمند دراین نیرو شکرگزارم.

وی با بیان این‌که اظهارات فرمانده پلیس کشور همه درس و پند است افزود: موفقیت شمادر عرصه تامین امنیت مثبت بوده است و رسانه‌ها نیز درحد مسئولیت خود درانعکاس آن فعال بوده‌اند و ثمر آن رضایت جامعه را به دنبال داشته است.

سندجدیدفرهنگ‌عفاف‌وحجاب

رئیس پلیس کشور درحاشیه این نشست نیز با بیان این‌که سند فرهنگ عفاف و حجاب در سال آخر دولت خاتمی به تصویب رسید، اما دو دولت قبلی آن را اجرا نکردند افزود: سند جدید فرهنگ عفاف و حجاب تا ۳ ماه آینده به تصویب می رسد. امیدواریم با نوسازی سند این قانون اجرایی شود. هر وظیفه ای که بر عهده نیروی انتظامی قرار داده شود به آن عمل می کنیم.

وی درباره انتقادات دکتر روحانی در مورد برخی طرح‌های امنیت اخلاقی، گفت: نظر نیروی انتظامی را در خصوص طرح‌های امنیت اخلاقی و عفاف و حجاب به رئیس جمهوری منتقل کرده ایم، ضمن این‌که طرح فرهنگ عفاف و حجاب در حال نوسازی است که فکر می کنیم ظرف ۳ ماه آینده سند فرهنگ عفاف و حجاب به روز شود.

پلیس اقتصادی

رئیس پلیس کشور با اشاره به این‌که تا کنون پلیس اقتصادی به نتیجه نرسیده است، افزود: امیدواریم با استقرار دولت جدید این اتفاق رخ دهد و باید ببینیم رویکرد آنها در این حوزه چگونه است. ما برای فعالیت‌های پیشگیرانه و تعامل با دستگاه‌ها آماده همکاری هستیم و می توانیم به عنوان بازوی کارآمد و نه دستگاه مزاحم در این حوزه وارد و برای جلوگیری از فساد اقتصادی فعالیت کنیم.

تشییع پیکر ۱۲ قربانی سانحه سقوط خودرو به کانال آب در دزفول

دزفول ـ پیکر ۱۲ قربانی حادثه سقوط خودرو به کانال آب در دزفول، امروز (سه‌شنبه) در این شهر تشییع و به خاک سپرده می‌شود.

دهیار روستای سنجر از توابع دزفول گفت: اجساد قربانیان این حادثه از روستای قلعه طوق سنجری زادگاه آنان تا بهشت‌علی دزفول تشییع و در این محل به خاک سپرده می‌شود.

محسن خیارکش افزود: تاکنون اجساد یازده تن از قربانیان این حادثه از کانال‌آب‌بیرون‌کشیده‌شده‌وتلاش‌برای یافتن جسد آخرین قربانی ادامه دارد.

در حادثه سقوط یک دستگاه خودرو وانت‌بار با سیزده نفر سرنشین به کانال بزرگ شبکه آبیاری دز در جاده روستای سنجر دزفول در ساعت ۲۳ شامگاه شنبه ۱۲ نفر غرق شدند.

خسارت ۱۴۰۰ میلیارد ریالی سیل در استان کرمان

کرمان ـ استاندار کرمان گفت: بارندگی‌های چند روز گذشته و جاری شدن سیل در این استان بیش از ۱۴۰۰ میلیارد ریال به بخش‌های مختلف کشاورزی، ابنیه فنی، راه، مسکن و تأسیسات آب و برق خسارت وارد کرد.

اسماعیل نجار در حاشیه بازدید از مناطق‌سیل‌زده‌گلباف‌وجاده‌کرمان‌ـ‌بم افزود: متاسفانه در این چند روز و در جریان سیل‌های اخیر چهار نفر از هم استانی‌ها کشته و شش نفر دیگر زخمی شدند.

به گزارش ایرنا استاندار کرمان یادآور شد: سیل در شهرستان‌های کرمان، بردسیر، سیرجان، بم، ریگان، قلعه‌گنج، جیرفت، رودبار جنوب، کوهبنان، عنبرآباد، بافت، ارزونیه، رابر، راور، شهر بابک و زرند خسارت وارد کرده است. استاندار کرمان تأکید کرد: گستردگی خسارات سیل در استان توجه ملی و کشوری را نیاز دارد که این موضوع از طریق وزارت کشور و شخص وزیر پیگیری شده است.

افشای جنایت خانوادگی پس از ۱۷ سال

سرویس حوادث: سه برادر که راز قتل پدرشان را ۱۷ سال بین خود پنهان کرده بودند بازداشت شدند.

سرهنگ خدادادی رئیس پلیس آگاهی غرب استان تهران در تشریح این جنایت، گفت: در پی وصول اخبار و اطلاعاتی مبنی بر قتل فردی توسط اعضای خانواده‌اش در سال ۷۵، رسیدگی به این موضوع در دستور کار کارآگاهان اداره مبارزه با جرائم جنایی قرار گرفت و با بررسی‌ها درباره صحت موضوع معلوم شد که مقتول از سال ۷۵ مفقود شده و تاکنون هیچ اقدامی برای اعلام فقدانی وی توسط خانواده‌اش صورت نگرفته و با کشف این سرنخ، فرضیه وقوع قتل توسط اعضای خانواده مقتول قوت گرفت.

وی با اشاره به اینکه با هماهنگی مقام‌قضایی، تحقیقات از خانواده این شخص در دستور کار خود قرار گرفت، افزود: بررسی‌ها نشان داد که یکی از پسران مقتول با سایر اعضای خانواده خود اختلاف داشته که با کشف این سرنخ، وی احضار شد و در بازجویی پرده از این جنایت برداشت و گفت: سه نفر از برادرانش با همدستی یکدیگر، پدرشان را به قتل رسانده‌اند.

سرهنگ خدادادی با بیان این که با مطرح شدن این ادعا و ارائه مستندات قابل قبول، در یک عملیات ضربتی و غافلگیرانه، هر سه متهم شناسایی و دستگیر شدند، افزود: این سه برادر با شگردهای خاص پلیسی و به صورت جداگانه مورد بازجویی قرار گرفتند که سرانجام یکی از آنها به قتل عمدی پدرش با مشارکت دو برادر دیگر اعتراف کرد. پس از اظهارات وی، بین متهمان مواجهه حضوری صورت گرفت و دو برادر دیگر که ابتدا منکر هر گونه ارتکاب قتل شده بودند نیز به قتل عمدی پدرشان اعتراف کردند.

رئیس پلیس آگاهی غرب استان تهران با اشاره به این که این سه برادر در اعترافات خود مدعی شدند که پدرشان را به قتل رسانده و جسدش را در زیرزمین محل سکونت سابق مقتول دفن کرده‌اند، گفت: با توجه به اقرار صریح سه متهم به قتل با هماهنگی مقام‌قضایی، محل دفن جسد حفاری شد و بقایای جسد مقتول برای انجام معاینات لازم، به پزشکی قانونی منتقل شد.

دستگیری ٤ نفر از مبلغان جریان انحرافی در شیراز

شیراز ـ روابط عمومی سپاه فجر استان فارس اعلام کرد: چهار نفر از مبلغان و مدعیان یک جریان انحرافی در شیراز توسط اطلاعات سپاه فجر دستگیر شدند.

بر اساس گزارش ایرنا، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در استان فارس از شش ماه پیش با هماهنگی دستگاه قضایی عملیات نفوذ در جریان انحرافی موسوم به «خروج یمانی» را آغاز کرد و زمانی که این جریان قصد گسترش فعالیت‌های خود به شهرهای دیگر استان فارس را داشت چهار نفر از مبلغان آن را دستگیر کرد. ادعای «جریان یمانی» از سال ۷۸ مطرح شد و در پی آن علمای مطرح عراق در بیان انحرافات و رد عقاید این افراد کتاب نوشتند که با موضع گیری این جریان مواجه شد و آنان به آمریکایی بودن متهم شدند.

احمدبن اسماعیل بصری فارغ‌التحصیل مهندسی از دانشگاه بصره پس از دو سال تحصیل در حوزه علمیه شهید صدر نجف ادعای خود را مطرح کرد. این فرد با همکاری رژیم بعث عراق تبلیغات خود را آغاز کرد و با سقوط صدام و حمایت آمریکایی ها فعالیت وی در افغانستان، پاکستان، ایران و یمن گسترش یافت.

مدعی جانشینی امام زمان(عج) از مدتی پیش متواری است، اما مبلغان وی او را امام سیزدهم و وصی حضرت می دانند. جریان یمانی تا به جایی پیش رفته که برخی از معتقدان آن خود را فرستاده امام زمان(عج) معرفی کرده‌اند و یا این که یمانی مشهور در روایات از آنان و دارای عصمت و علم ائمه است و بعد از رحلت امام زمان(عج) حکومت به وی می رسد. از آنجا که بر اساس روایات اهل بیت(ع) سیدیمانی از نسل زیدبن‌علی بن‌حسین(ع) با نام حسن یا حسین از یمن خروج می‌کند و خروج سید یمانی همزمان با خروج سید خراسانی و سفیانی یکی از علایم ظهور حضرت مهدی(عج) است؛ این مبلغان مدعی هستند که جانشین، فرزند و نایب امام زمان(عج) احمد اسماعیل یا احمد حسن از سال ۱۳۷۸ از بصره عراق خروج کرده که همان سید یمانی موعود بوده و به دنبال جذب یاران خود است.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

چند نکته در خور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می‌کنیم:
* موضوع پیام ها جنبه های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
* پیام ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن ها خودداری شود.
* خوانندگان محترم شهرستانی در پیام هایشان، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند.
* چاپ پیام ها بر اساس نوبت است.

با تشکر ـ سرویس ارتباطات مردمی

تقاضای یک خبرنگار از پلیس فتا

هر روز در ستون‌های حوادث روزنامه‌ها، شاهد اخباری از جرایم سایبری هستیم که زندگی مردم را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و در مواردی به نابودی می کشاند.

من یک خبرنگار مطبوعات و وبلاگ‌نویس هستم و وبلاگم حتی یک بار هم فیلتر نشده و همواره قوانین فضای مجازی کشورمان را رعایت کرده‌ام.

وبلاگ و ای‌میل‌های من چندین بار هک شده‌اند اما در آخرین مورد، فرد هکر بیش از دو سال است که در فضای مجازی برای من مزاحمت ایجاد کرده و به انواع آزارهای مختلف اعم از تهدید به اسیدپاشی و آدم‌ربایی و پیشنهاد دوستی و ناسزاگویی و ارسال عکس‌های مبتذل و کامنت‌های تهدیدآمیز، به آزارهای خود ادامه می‌دهد.

به پلیس فتا مراجعه کردم و با گذراندن مراحل متعدد و شرح چندباره مشکل برای مسئولان قسمت‌های مختلف و رفتن از این ساختمان به آن ساختمان، تشکیل پرونده دادم. رسیدگی به پرونده، ماهها به طول انجامید درحالی که مزاحمت‌ها کماکان ادامه داشت، سرانجام بدون آن‌که فرد مزاحم را به من معرفی کنند تا بدانم از چه کسی باید خود را محافظت کنم، برای او قرار منع تعقیب صادر شد و من آن‌قدر ناامید شدم که از اعتراض نیز صرف نظر کردم.

اکنون پرسش من از مسئولان پلیس فتا این است که چه جرایمی از نظر آنها قابل پیگرد است؟ هکر مورد نظر بعد از آن‌که متوجه مراجعه من به پلیس فتا شده، اقدام مرا مسخره کرده و اکنون با وقاحت بیشتری به تهدیدهای خود ادامه می‌دهد و مدعی است یک نرم‌افزار جاسوسی روی کامپیوتر شخصی من نصب کرده که حتی می تواند از فضای اطراف فیلم بگیرد.

می‌خواهم بدانم ایشان چه جرم دیگری باید مرتکب می‌شد تا از نظر فتا مجرم شناخته شود و آیا آرامش روانی شهروندان و حریم خصوصی آنها، از نظر پلیس ذره‌ای اهمیت ندارد؟

آیا حتماً باید داستان پرونده‌ها به ستون جنایی روزنامه‌ها راه پیدا کند تا شاید فریادرسی پیدا شود؟

یک خانم خبرنگار

قطع تماس تلفنی در روستای شکرناب آبیک قزوین

کابل تلفن روستای «شکرناب» از توابع بخش مرکزی کوهپایه غربی شهرستان آبیک قزوین مدتی قبل به سرقت رفته است و از این رو اهالی روستا که اغلب آنان سالخورده‌اند، با دیگر نقاط نمی‌توانند تماس تلفنی برقرار کنند. در مراجعه به مخابرات شهرک محمدیه هم اعلام می‌دارند که کابل ندارند و معلوم هم نیست که چه موقع می‌توانند آن را تأمین کنند. از آنجاکه روستای شکرناب در حال حاضر فاقد آنتن تلفن همراه است، روستائیان در مواقع ضروری و وقوع حوادث نمی‌دانند چگونه باید تقاضای کمک کنند.

از اهالی روستای شکرناب آبیک قزوین

ظرفیت پایین پذیرش دانشجو در رشته‌های پرطرفدار

از سال‌ها قبل ظرفیت پذیرش دانشجو در چند رشته پرطرفدار دانشگاه‌های روزانه رشته علوم تجربی نسبت به ظرفیت پذیرش در رشته‌های پرطرفدار گروه‌های آزمایشی دیگر، پایین‌تر است که امسال هم متاسفانه بدون اطلاع قبلی داوطلبان این ظرفیت کمتر هم شده است. چرا باید فرصت تحصیل در رشته‌های مورد علاقه داوطلبان مستعد از آنان گرفته شود و آیا این نوعی ظلم به داوطلبان با استعداد و علاقه‌مند رشته تجربی محسوب نمی‌شود؟

خوی (آذربایجان‌غربی) ـ داوطلب کنکور

انتظار رتبه بهتری در کارنامه را داشتم

از داوطلبان گروه آزمایشی علوم تجربی هستم که با دریافت کارنامه و دیدن رتبه خود، متعجب شدم و تفاوت زیادی بین درصدهای اعلام شده دروس در کارنامه و آنچه من پیش از این با کلید سوالات کنترل کرده بودم، وجود دارد. مسئولان سازمان سنجش پاسخ دهند که آیا امکان تجدیدنظر و بررسی مجدد برای معترضان امثال من وجود دارد و در این مورد باید چگونه عمل کنیم؟

اهواز ـ داوطلب گروه آزمایشی علوم‌تجربی

تحریف سخنان رئیس جمهوری

متاسفانه برخی از خبرگزاری‌ها به صورت خودسرانه سخنان رئیس جمهوری را در روز راهپیمایی قدس، تحریف کردند که باعث سوءاستفاده برخی از مقامات خارجی و تعجب مردم در داخل کشور شد. مسأله اینجاست که چطور مسئولان یک خبرگزاری به خود اجازه چنین کاری را می‌دهند و آیا نظارت و تنبیهی بر این گونه موارد نباید وجود داشته باشد؟

قم ـ یک شهروند

مصاحبه‌های از پیش تعیین شده!

بسیاری از مصاحبه‌هایی که در طول سال‌های اخیر با برخی از مسئولان کشور صورت گرفت، از پیش تعیین شده و فرمایشی بوده است! امیدواریم با روی کارآمدن دولت جدید دیگر شاهد چنین رویکردی نباشیم و شاهد مصاحبه‌های چالشی مانند آنچه در برنامه‌های آقای فردوسی‌پور رخ می‌دهد، باشیم تا جزء جزء عملکرد مسئولان برای مردم روشن شود.

اصفهان ـ حسینی

تا فلانی نرفته، برو خانه‌ات را بگیر!

چرا باید در کشوری با این پیشینه فرهنگ و تمدن که بحمدلله در آن قحط الرجال هم نیامده است، در پایان هر دوره مسئولیت دولتی یا شخصی، جمله «تا فلانی نرفته، برو خانه‌ات را بگیر!» یا «فلان کار را به انجام برسان که مشخص نیست بعد از آن چه می‌شود!» همواره تکرار شود؟ آیا نباید امور این کشور به یک روال اصولی، منطقی و مدون طوری به سرانجام برسد که با آمدن و رفتن یک شخص این چنین مردم سرگردان نشوند؟

یک هموطن

پاسخ مسئولان

پاسخ شهرداری منطقه ۱۲ پیرامون نرخ توقف در پارکینگ طبقاتی

احتراماً، عطف به پیام مردمی مندرج در روزنامه اطلاعات مورخ ۹۲/۵/۱۰ با عنوان «نرخ توقف در پارکینگ طبقاتی» به اطلاع می‌رساند: طبق اعلام حوزه معاونت فنی و عمرانی منطقه، با توجه به اینکه برابر تعرفه، پنج ساعت توقف در پارکینگ فوق مبلغ چهارده‌هزار و یکصدریال می‌باشد، از شهروند محترم تقاضا می‌شود جهت پیگیری با حوزه معاونت حمل و نقل و ترافیک منطقه واقع در خیابان شوش ضلع شمال بوستان بهاران مراجعه نمایند.

محمودی ـ مدیر روابط عمومی

پاسخ سازمان مدیریت و نظارت بر تاکسیرانی شهر تهران در باره استفاده از خودروهای مسافربر شخصی

با احترام، پیرو مطلب مندرج در مورخ ۹۲/۵/۲ در آن روزنامه وزین خواهشمند است توضیحات زیر را جهت تنویر افکار عمومی چاپ فرمایید.

با تشکر از تماس شهروند محترم به آگاهی می‌رساند، باعنایت به اینکه در سیستم ناوگان تاکسیرانی شهر تهران خط مورد اشاره (شهرک‌قائم ـ تجریش) وجود ندارد، احتمالاً شهروندگرامی از خودروهای مسافربر شخصی استفاده نموده است. لازم به ذکر است در مسیر اعلامی خط ۱۵۱ (مینی‌سیتی ـ میدان قدس) با کرایه ۱۲۵۰۰ ریال به شهروندان محترم سرویس رسانی می‌نماید.

شاهین مظفری ـ مدیر روابط عمومی

پاسخ شهرداری منطقه ۵ پیرامون بسته‌شدن حریم عابر پیاده

احتراماً پیرو پیام درج شده در تاریخ ۹۲/۵/۵ باعنوان «بسته‌شدن حریم عابر پیاده» به استحضار می‌رساند محدودهٔ ایستگاه مترو بیمه در اختیار شرکت مترو بوده و احیای پیاده‌رو و آن پس از تکمیل عملیات اجرایی انجام خواهد شد. محدودهٔ ایستگاه شهرک اکباتان نیز فعلاً در اختیار پروژهٔ اکباتان بوده و به زودی آزادسازی و پیاده‌رو آن بازسازی خواهد شد.

دربارهٔ نصب مخزن زباله

احتراماً پیرو پیام درج شده در تاریخ ۹۲/۵/۱۰ با عنوان «لزوم نصب مخزن سیار زباله»، در خیابان شهید زارع با تشکر از اطلاع‌رسانی شهروند محترم به استحضار می‌رساند پس از پاکسازی، مخزن زباله در محل مذکور نصب شد.

حسین سلوک ـ مدیر روابط عمومی و بین‌الملل

بقیه در صفحه ۹

دکتر روحانی: کابینه‌ام عصاره خرد جمعی نخبگان است

بقیه از صفحه ٤

بذرپاش سپس تأکید کرد: کابینه کنونی، نمی‌تواند وعده رئیس‌جمهوری را اجرا کند. این کابینه سن بالایی دارد و کم‌تحرک و ایستاست.

وی آنگاه نتیجه گرفت: در این شرایط، کار به دست آقازاده‌ها خواهد افتاد و شاهد بازگشت عناصر پشت صحنه خواهیم بود.

نماینده تهران، افزود: کابینه شما شرکت سهامی شده و برخی معاونان مرکز تحقیقات استراتژیک را به دلیل رودربایستی در کابینه آورده‌اید. آیا در میان کاندیداهای ریاست جمهوری و دولت قبلی، کسی شایستگی حضور در کابینه را نداشت؟

وی افزود: شما گفتید که من، کلید دارم، نه داس، ولی بنده اطلاع دارم هر کدام از همکاران اقتصادی شما تز خاص اقتصادی و ایده‌های متفاوتی دارند.

اهمیت حمایت از وزیران پیشنهادی

غلامعلی جعفرزاده امین‌آباد، نماینده رشت هم به عنوان موافق، به تشریح مهم‌ترین نکات برنامه‌های دولت یازدهم پرداخت و گفت: اعتدال‌گرایی در رفتار دولت و تصمیم‌گیری براساس خرد جمعی، ارتقای زندگی ایرانیان، تعامل قوا، توجه به توسعه همه‌جانبه، تعامل سازنده با دنیا، بهبود وضع رفاهی خانوار، کاهش تورم و افزایش قدرت خرید خانوار، کم کردن فاصله طبقاتی، ایجاد وفاق به منظور جلب حمایت حداکثری مردم و توسعه بخش خصوصی، از جمله ویژگی‌های دولت آقای روحانی است که باید مورد حمایت مجلس قرار گیرد.

تناسب بالای وزیران با حوزه‌های مسئولیت

یک نماینده اصلاح‌طلب مجلس گفت: اکنون نوبت مجلس است که به انتخاب مردم و کابینه منتخب مردم آری بگوییم و به انتخاب، امید و اعتماد مردم رای مثبت بدهد.

محمدرضا تابش در جلسه نوبت بعدازظهر دیروز مجلس که به بررسی صلاحیت وزرای کابینه دولت یازدهم اختصاص داشت، به عنوان نخستین موافق کلیات هیات دولت، در سخنانی با قدردانی از حضور و مشارکت مردم ایران در انتخابات ریاست جمهوری و خلق حماسه سیاسی مورد تأکید مقام معظم رهبری گفت: وظیفه خویش می‌دانم که به خاطر این حضور و مشارکت و خلق حماسه سیاسی، از برنامه‌های دولت منتخب دفاع کنم و از نمایندگان محترم بخواهم که همراه با رای معنادار ملت به کابینه پیشنهادی دکتر روحانی رای اعتماد بدهند.

نماینده اردکان در مجلس با بیان این که مطالعه و بررسی برنامه‌ها و توانایی وزرای پیشنهادی حق یکایک ماست، ادامه داد: اما انجام این مهم باید بر پایه اخلاق و موازین دینی باشد.

وی افزود: قرآن کریم ما را در این راه از غیبت و کنجکاوی و گمانه‌زنی درباره افراد بازمی‌دارد و این گناهان را مستجب سخت‌ترین عقوبت‌ها می‌داند.

تابش با یادآوری اینکه اکثریت مردم ایران در ٢٤ خرداد به تغییر و اصلاح وضع موجود در کشور رای دادند و به اعتدال ثبات و عقلانیت امید بستند، گفت: دولت تدبیر و امید حاصل همین گفتمانی است که در طول این انتخابات شکل گرفت.

این نماینده اصلاح‌طلب مجلس نقش راهگشایانه مقام معظم رهبری، حضور تمامی سلیقه‌ها، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی در این انتخابات و اثرگذاری شخصیت‌های مقبول مردم در خلق این حماسه بزرگ را برجسته دانست و گفت: باید از یاد نبرد مردم در این انتخابات به افراط و افراطی گری «نه» و به اعتدال و عقلانیت «آری» گفتند.

تابش اضافه کرد: اکنون نوبت ماست که به انتخاب آن روز مردم و کابینه امروز منتخب مردم آری بگوییم و به انتخاب، امید و اعتماد مردم رای مثبت بدهیم.

تابش، ترکیب کابینه پیشنهادی را ترکیبی اعتدالی توصیف کرد و گفت: فصل مشترک، آرای ملی و مجموعه‌ای است که معنا دارد، این کابینه ترکیبی به هم پیوسته، توانمند و متوجه به جهات مختلف سیاسی است، پس مناسب است که به کل این کابینه رای اعتماد بدهیم.

این عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس با تاکید بر اینکه کابینه پیشنهادی برای خارج کردن کشور از دایره مشکلات و مسائلی آمده است که متاسفانه جامعه به آنها گرفتار است، افزود: حدود ۳٤ قطعنامه توسط اتحادیه اروپا، آمریکا و سازمان ملل بر علیه ایران موجب شدت گرفتن تحریم‌ها، وضعیت بد اقتصادی، تورم و نرخ بیکاری دورقمی و رشد اقتصادی صفر شده است.

وی افزود: این در حالی است که دولت‌های نهم و دهم ٦٣ درصد درآمدی نفتی ایران طی هشت سال گذشته معادل ۷۰۰ میلیارد دلار را هزینه کرده‌اند که اگر این کار مبتنی بر برنامه‌ریزی‌های علمی و واقع‌بینانه بود، ما امروز به یک قدرت منطقه‌ای تبدیل شده بودیم.

به گفته تابش، برای ما به عنوان ام‌القرای جهان اسلام مایه سرافکندگی است که کشورمان از نظر فساد مالی، جزو ۱۰ کشور نخست جهان و از نظر رواج طلاق در رتبه چهارم دنیا باشد و تعداد معتادان ما بنا به اعلام مقامات رسمی از چهار میلیون نفر تجاوز کند که کمک واقعی مجلس در این شرایط دادن رای بالا به وزیران منتخب است.

تابش، آشنایی و تسلط وزیر خارجه پیشنهادی به حوزه ماموریت و قدرت آینده‌نگری او را در خروج کشور از نگرانی‌های کنونی تاثیر گذار دانست و افزود: در حوزه نفت و انرژی، تجربه و کارآمدی وزرای پیشنهادی معرفی شده می‌تواند تضمین‌کننده اجرای برنامه‌های مهم دولت در این حوزه باشد.

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس برنامه‌های حوزه اقتصادی دولت را متناسب با مهم‌ترین نیازها و چالش‌های کشور دانست و گفت: وزرای مجرب و توانمندی که معرفی شده‌اند مسلما خواهند توانست با بهبود شاخص‌های اقتصادی و رونق تولید عمران و آبادانی کشور و رفاه مردم را رقم بزنند.

وی در حوزه‌های آموزش و پرورش و علوم، تحقیقات و فناوری، برنامه‌های دولت را بسیار درخشان توصیف کرد و ابراز داشت: وزرای منتخب می‌توانند با بینش و روش اعتدالی که دارند، دانشگاه با ثبات و دارای تحرک علمی و مدرسه هوشمند و خلاق را در کشور ایجاد کنند و توسعه دهند.

به اعتقاد تابش، در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی، وزیران پیشنهادی از تناسب بالایی با حوزه‌های مسئولیت خود برخوردارند و توانایی تحقق شعارهای دولت را دارند.

این نماینده مجلس گفت: در حوزه سیاست داخلی، قضایی، دفاع و امنیت، جامعه بیش از هر چیز به دنبال شرایط امن و به دور از ترس و نگرانی است، باید رویکردهای امنیتی و افراطی جای خود را به رویکردهای مدنی و قانونی بدهد و اسباب تحقق شعارهای رئیس جمهوری در تامین آزادی‌ها و استیفای حقوق اساسی شهروندان و تقویت بنیه دفاعی کشور فراهم شود.

وی با ابراز امیدواری از اینکه با توجه به برنامه‌ها و وزیران پیشنهادی در جلسات با نمایندگان شاهد رفع محدودیت‌های موجود باشیم، خطاب به همکاران خود در مجلس گفت: گرایش‌های مختلف مردم پای صندوق‌های رای با هم کنار آمدند و همراه شدند، ما هم با هر سلیقه و نظر سیاسی که داریم، به هنگام رای به وزیران پیشنهادی و با دولت برآمده از رای مردم همراه شویم.

به گفته تابش فرصت کم‌نظیری برای حل مشکلات کشور و عبور از تنگناها فراهم شده است و باید این فرصت را از دست نداده و کاری بکنیم.

تابش سخنان خود را با این دو بیت از حافظ به پایان رساند که:

ای دل بـه کوی عشق گذاری نمی‌کنی؟
اسـباب جمع و جـاری کاری نمی‌کنی؟
چوگان حکـم در کف و گوی نمی‌زنی؟
باز ظفر به دسـت شـکاری نمی‌کنی؟

دفاع توکلی از کلیات برنامه

نماینده مردم تهران گفت: آقای دکتر روحانی تقریبا با نظر و رای نیمی از شرکت کنندگان در انتخابات توفیق خدمت یافته اند. اما برای نجات و اعتلای کشور، نیازمند حمایت و یاری همه مردم است.

به گزارش مهر، احمد توکلی، نماینده مردم تهران به عنوان یکی از موافقان کلیات برنامه و کابینه دولت یازدهم در جلسه دیروز مجلس شورای اسلامی به نطق پرداخت.

توکلی در آغاز سخنانش با بر شمردن دلایل رای نیاوردن اصولگراها در انتخابات، گفت: در هر حال آقای دکتر روحانی با رای کمی بیش از نصاب به ریاست جمهوری برگزیده شد و مردم و رهبری و تمامی رقیبان تبریک گفتند و شادی و امید در کشور جلوه گر شد.

توکلی در بخش دیگری از سخنانش گفت: در این زمان دو واقعیت، یکی تلخ و دیگری شیرین پیش روی ماست. تلخش وضع بسیار سخت و پیچیده معیشت مردم و اقتصاد کشور است. این وضع نامطلوب حاصل سیاست‌های نامتناسب و بعضا متعارض و سوء مدیریت سیاسی ـ اقتصادی سال های اخیر بوده است که تحریم های ظالمانه آن را تشدید کرده است. این دولت در احاطه مشکلات و دشواری هاست: کسری بودجه عظیم، ناکافی بودن ارز در دسترس برای واردات، دشواری های پیچیده خرید و واردات، حتی دارو و برخی کالاهای حیاتی دیگر، مبهم بودن نحوه اجرای هدفمندی یارانه ها، تورم کمر شکن همراه با بیکاری شدید جوانان به ویژه تحصیلکردگان، تعطیلی واحدهای تولیدی، درهم ریختگی هنجارها و ساختارهای سیاسی ـ اداری و مشکلات بسیار دیگر. در چنین موقعیتی اگر همه دست به دست هم بدهیم و برا ی نجات مردم و کشور پشت هم باشیم، امید غلبه بر مشکلات و دفع دشمنی استکبار کینه ورز وجود دارد. باید چنان که مقام معظم رهبری فرمودند اتحاد و یکپارچگی را ضرورتی حتمی شمرد. چرا که دشمن تمام قد در برابر خواست ملت ایستاده است. از آن طرف امید به آینده سرمایه اجتماعی گرانبهایی است و باید قدرش دانسته شود؛ چرا که برای حل مشکلات به آن نیاز داریم. اگر رفتاری از مجلس یا دولت سر بزند که تقابل تلقی شود، این سرمایه اجتماعی خدای ناخواسته از دست می‌رود و دشمن هم در اعمال فشار جری تر می‌شود.

اما پیروزی در برابر غرب سلطه جو و بیدادگر و غلبه بر مشکلات که به حول و قوه الهی مقدور است، شرایطی هم دارد که کابینه پیشنهادی تا حد قابل قبولی واجد آن هاست البته در برخی موارد هم مراقبت و ایستادگی شخص رئیس جمهوری محترم برای تامین آن شرایط ضروری است.

انتقاد از مشروعیت سیاسی دولت

حمید رسایی، نماینده تهران، به عنوان مخالف با استناد به رویدادهای پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ گفت: هیچ مسجدی در آتش نمی‌سوزد، چادر از سر هیچ زنی کشیده نشده است، حاضران در نمازجمعه کف و سوت نزده‌اند، هیچ‌کس از رهبر صبور و دلسوخته انقلاب باج نخواست و ما این پیروزی را به دکتر روحانی تبریک می‌گوییم.

وی افزود: میانگین سنی کابینه ٦٠ سال است که تاکنون سابقه نداشته است. بهتر بود به عنوان مشاور از این افراد استفاده می‌شد، تعداد قابل توجهی از اعضای کابینه سابقه امنیتی دارند و این باعث افتخار است، اما وزیر اطلاعات سابقه امنیتی ندارد.

وی ادامه داد: اینجا یک بزنگاه تاریخی برای مجلس است و اینجاست که مجلس ارزشیابی می‌شود.

مرزبندی‌ها

جواد کریمی قدوسی، نماینده مشهد، در مخالفت با برنامه‌های دولت، تاکید کرد: دولت تدبیر باید دولت تکلیف الهی باشد و سرنوشت خود را در ظل احکام اسلام و هدایت رهبری جستجو کند.

وی افزود: مردم همواره پشت سر امام(ره) حرکت کرده‌اند و با کسی عهد اخوت نبسته‌اند.

رئیس جمهوری و نمایندگان مجلس در برابر قانون اساسی سوگند یاد کرده‌اند و در برابر مردم پاسخگو هستند.

اگر به وزیری رأی ندادیم، به معنای چوب لای چرخ دولت گذاشتن نیست، بلکه برای کمک به دولت است.

کریمی قدوسی آنگاه با استناد به شعارهای آقای روحانی، مبنی بر تبعیت از میانه‌روی و راست‌گویی اظهار داشت: از مواضع آقای روحانی در دفاع از برنامه هسته‌ای، فلسطین، سوریه و آیت‌الله بهشتی که وی را مصداق عدالت خوانده‌اند، حمایت می‌کنم.

خواسته‌های رأی‌دهندگان

عباسعلی منصوری آرانی، نماینده کاشان، در موافقت با برنامه دولت یازدهم سخن گفت و یادآور شد: این مجلس، مجلس اعتدال است و تاکنون جلو افراطیون را گرفته است.

آنانی که به دکتر روحانی رأی دادند، امیدوارند که برای آنان شغل ایجاد کند. بسیاری از رأی‌دهندگان از وضع معیشتی خود ناراضی بودند.

وی اضافه کرد: پدر و مادرهایی که فرزند بیکار دارند، منتظرند که آقای روحانی چطور برای آنان شغل ایجاد می‌کند.

نماینده کاشان مبارزه با رشوه، پارتی‌بازی و فساد اداری، نبود مسکن، نابسامانی وضع دارو و درمان و نبود تفریحگاه برای جوانان را از جمله خواسته‌های رأی‌دهندگان دانست و گفت: همه این‌ها منتظرند که دولت جدید چگونه مشکلاتشان را حل می‌کند.

دانشگاهیان می‌خواهند که پارتی‌بازی حذف شود و شایسته‌سالاری مبنا قرار گیرد.

مردم از آقای روحانی شغل، حفظ دین و رفاه می‌خواهند و انتظار دارند که مجلس با رأی قاطع زمینه اقتدار دولت وی را فراهم کند.

وی سپس پرسید: آیا ما می‌خواهیم با یکرنگی به این کابینه رأی دهیم یا وارد کشاکش‌های سیاسی شویم؟ منصوری آرانی سپس اظهار امیدواری کرد که مجلس با رأی بالا زمینه اجرای برنامه‌های دولت را فراهم کند.

نماینده کاشان افزود: وزیر اطلاعات مجتهدی تیزهوش و بافراست است و کار اطلاعاتی هم کرده است.

آقای ظریف هم کارنامه مثبتی داشته است، همین طور بسیاری دیگر از وزیران معرفی شده.

اهمیت بهبود وضع معیشتی مردم

سیداحمدرضا دستغیب نماینده شیراز، به عنوان موافق برنامه‌های دولت، اظهار داشت: مردم به اعتدال و قانونگرایی و دولت تدبیر و امید رأی مثبت دادند.

ورود عناصر، دیدگاه‌ها و سلایق جدید فرصت بزرگی است که باید از آن استفاده کرد.

رهبر معظم انقلاب، رئیس جمهوری منتخب را رئیس جمهوری همه مردم می‌دانند و خواستار همکاری با ایشان هستند.

وی با تأکید بر لزوم استفاده از افراد مطیع رهبری، کارآزموده، وزیران پیشنهادی را در این راستا ارزیابی کرد و گفت: مجلس باید به برنامه دولت جدید را که با یک الگو و استاندارد هماهنگ شده است، رأی دهند. آرمان‌ها و راهبردهای دولت، نیازمند مجریان مورد وثوق دولت است و مجلس باید در این مورد با وی همکاری کند، ضمن آن که از ابزار قانونی نظارت هم استفاده خواهد کرد.

دستغیب سپس با انتقاد از برخی سخنان مخالفان، خواستار تداوم نقد سازنده شد.

وی گفت: انتظار مردم از این بحث‌ها، بهبود وضع معیشتی‌شان است. بهره‌گیری از مدیران مجرب و مسن ضروری است، ولی شایسته است که هیأت دولت همکاری با جوانان را هم در دستور کار خود قرار دهد.

وی با تأکید بر لزوم حفظ تعادل، خواستار رأی مثبت به وزیران پیشنهادی شد.

گفته‌های نمایندگان مدافع دولت

به گزارش خبرنگار پارلمانی اطلاعات پس از سخنان مخالفان و موافقان برنامه‌های دولت، نمایندگان موافق به دفاع از برنامه‌های دولت پرداختند و نخست، محمد باقری بنابی، نماینده بناب، اعلام کرد: تصمیم‌های انسان باید از روی آگاهی و شناخت کافی باشد، نه از سر توهم.

مردم به افراط‌گری و طالبانیسم پشت پا زدند و به میانه‌روی رأی دادند، آن هم میانه‌روی در سیاست، اقتصاد و فرهنگ.

وی افزود: گروهی از مخالفان از سن وزیران پیشنهادی انتقاد کردند، ولی باید به شرایط ویژه کشور توجه کرد.

وی ادامه داد: بعد از فرمایشات مقام معظم رهبری در ۲۹ خرداد اگر کسی آشوب خیابانی راه انداخت فتنه‌گر است، ولی افرادی که با کاندیداهای مورد تأیید شورای نگهبان همکاری کردند، فتنه‌گر نیستند.

اگر مدارک محکمه‌پسند دارید، چرا به ما ارائه نمی‌دهید؟

تا این ساعت هیچ مدرکی ارائه نداده‌اند و فقط بر اساس توهمات خود پرونده‌سازی می‌کنند.

وی افزود: این کابینه، کابینه عقلاست و اصول‌گرای واقعی است و اصل بر برائت است.

باقری در ادامه از صلاحیت اصلاح‌طلبان مجلس و افرادی مانند دکتر نوبخت حمایت کرد.

احترام به رأی مردم

علی مطهری، نماینده تهران هم در دفاع از دولت سخن گفت و تأکید کرد: از جاده انصاف و عدالت خارج نشویم؛ اسلام و عدالت را مبنا قرار دهیم و به رأی مردم احترام بگذاریم.

وی افزود: عده‌ای برائت از جریانی را شرط رأی اعتماد قرار داده‌اند، در حالی که تمامی دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی می‌توانند این آگاهی‌ها را ارائه دهند، گرچه این حق برای نمایندگان محفوظ است.

نباید به گونه‌ای سخن بگوییم که بوی تفتیش عقاید بدهد و نشانگر وجود اختلاف در کشور باشد.

وزرای پیشنهادی از هرگونه فتنه‌گری بری هستند و اگر کسی ایرادی دارد، باید دلیل بیاورد.

آقایان زنگنه و نعمت‌زاده در کار خود بی‌بدیل هستند، گرچه برخی وزرا پایین‌تر از تراز این کابینه‌اند.

اگر کسانی از رأی مردم ناراحتند بهتر است به آسیب‌شناسی رفتار خود بپردازند و این که چرا اکثریت مردم از آنان روی برتافته‌اند.

آرمان‌های انقلاب اسلامی، از جمله عدالت اجتماعی، در برنامه‌های دولت نمود دارد.

مطهری سپس به تشریح برنامه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی رئیس جمهوری پرداخت و وی را مجری قانون اساسی و متعهد به سیاست‌های کلی نظام دانست.

نماینده تهران آنگاه خواستار رأی مثبت نمایندگان به کابینه پیشنهادی شد.

دفاع از برنامه اقتصادی دولت

در پی این سخنان، دکتر محمدباقر نوبخت، معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری به انتقادهای مخالفان در زمینه برنامه اقتصادی رئیس جمهوری، پاسخ داد.

وی نخست اظهار داشت: بحث بهبود معیشت مردم از طریق افزایش قدرت خرید خانوارها و کاهش فاصله خانوارها از طریق تولید ثروت ملی از رشد اقتصادی در نتیجه بهبود فضای کسب و کار و توزیع عادلانه آن عملی خواهد شد.

نوبخت سپس گفت: دولت به بهبود فضای کسب و کار و اجرای دقیق سیاست‌های کلی اصل ٤٤ تأکید دارد.

وی در مورد وضع پرداخت یارانه‌ها، افزود: پرداخت یارانه‌ها تا پایان مرحله نخست و آغاز مرحله دوم ادامه می‌یابد، ولی در مرحله دوم پرداخت یارانه‌ها به سمت خانواده‌های کم‌درآمد تقویت می‌شود.

نوبخت سپس اعلام کرد: تیم اقتصادی دولت به حد کافی و ضروری هماهنگ و حتی در وزارتخانه‌های غیراقتصادی هم کابینه به صورت منسجم و هماهنگ به کارش ادامه می‌دهد.

در مورد برنامه ۱۰۰ روزه دولت، وی گفت: به طور قطع در هیچ یک از بیانات دکتر روحانی، حل مشکلات اقتصادی در ۱۰۰ روز نیامده، بلکه گفته شده که ما برای حل مشکلات اقتصادی حتی در ۱۰۰ روز اول برنامه داریم که اولین آن اصلاح قانون بودجه است.

نوبخت همچنین گفت: تلاش می‌شود با فوریت در ۱۰۰ روز اول اصلاحیه بودجه را تقدیم مجلس کنیم.

بقیه در صفحه ۱٤

پیام تشکر آمیز مقام معظم رهبری به قهرمانان تیم ملی بسکتبال

در پی قهرمانی تیم ملی بسکتبال جمهوری اسلامی ایران در مسابقات جام ملت‌های آسیا و صعود به جام جهانی، رهبر معظم انقلاب در پیامی از تیم ملی بسکتبال کشورمان تشکر کردند.

متن پیام حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

از تیم ملی بسکتبال به خاطر پیروزی‌ای که مایه خرسندی مردم عزیزمان شد تشکر می‌کنم.

سیدعلی خامنه‌ای – ۲۰ مردادماه ۱۳۹۲

کسب نخستین مدال تاریخ جودو ایران در مسابقات نوجوانان جهان

رامین صفویه، ملی‌پوش وزن منهای ۹۰ کیلوگرم جودو ایران، نخستین مدال تاریخ جودو ایران را در رقابت‌های قهرمانی نوجوانان جهان ۲۰۱۳ – آمریکا، کسب کرد.

در آخرین روز از مسابقات جودو قهرمانی نوجوانان جهان در میامی آمریکا، رامین صفویه در وزن منهای ۹۰ کیلوگرم با شکست نماینده بلاروس به مدال برنز دست یافت. این نخستین مدال تاریخ جودو ایران در رقابت‌های نوجوانان جهان است. صفویه، پیش از پیروزی در دیدار رده‌بندی، نمایندگان کشتی کشورهای مصر، ازبکستان و فرانسه را شکست داده بود، ولی در مرحله نیمه نهایی به نماینده روسیه باخت و به گروه بازنده‌ها رفت و با شکست نماینده بلاروس، مدال برنز گرفت.

تیم ملی جودو نوجوانان ایران با پنج جودوکا در مسابقات جهانی آمریکا شرکت کرده بود که یک مدال به دست آورد.

در پایان این دوره از مسابقات، تیم روسیه با کسب ۲ مدال طلا، یک نقره و ٤ برنز در جای نخست ایستاد و ژاپن با ۲ مدال طلا، یک نقره و یک برنز نایب قهرمان شد.

تیم ایران، برای نخستین بار وارد جدول رده بندی مدال ها شد. تیم کشورمان با تک مدال برنز صفویه و عنوان هفتمی سبحان رسولی در مکان چهاردهم جهان ایستاد. در تیم ایران محمد رشنونژاد، حضور در مسابقات جهانی را از دست داد. خجسته و عربی نیز از دور مسابقات کنار رفتند. در این دوره از مسابقات قهرمانی جهان ۵۳٦ جودوکا از ۸۰ کشور حضور داشتند.

صدرنشینی فولاد، ناکامی پرسپولیس و سپاهان در لیگ برتر

هفته چهارم لیگ برتر فوتبال باشگاه‌های کشور با شکست سپاهان و پرسپولیس (تیم‌های اول و دوم لیگ در هفته سوم) پیگیری شد تا فولاد با شکست داماش، صدرنشین شود. تراکتورسازی با گلزنی کریمی، پنج پله در جدول رده بندی صعود کرد و صبا با شکست از استقلال تهران، سقوطی چهار پله ای داشت. همچنین نخستین پیروزی تیم‌های سایپا، ملوان و گسترش و نخستین شکست تیم‌های پرسپولیس، سپاهان، راه‌آهن، صنعتی و داماش در فصل سیزدهم لیگ برتر فوتبال، رقم خورد.

هفته چهارم از لیگ برتر فوتبال باشگاه‌های کشور، شنبه و یکشنبه این هفته با انجام هشت دیدار برگزار شد. شکست تیم های سپاهان و راه‌آهن در خانه، پرسپولیس در کرج و پیروزی‌های ارزشمند تیم‌های فولاد، استقلال و تراکتورسازی به همراه نخستین برد تیم‌های ملوان، گسترش و سایپا در لیگ سیزدهم و چهارمین شکست تیم فجرسپاسی شیراز، اتفاقات مهم این هفته از لیگ برتر فوتبال بود و باعث تغییرات بسیار در جدول رده‌بندی شد.

در روز نخست این رقابت ها –که شنبه شب برگزار شد– فولاد خوزستان در خانه با نتیجه ۳ بر یک مقابل داماش گیلان به پیروزی دست یافت. این سومین پیروزی شاگردان حسین فرکی بود و باعث شد که این تیم به صدر جدول صعود کند و با توجه به ناکامی تیم های سپاهان، پرسپولیس و صبا، این صدرنشینی را تا پایان دیدارهای هفته چهارم، حفظ کرد. داماش، بعد از ۳ تساوی، نخستین شکست خود را در اهواز تجربه کرد.

در دومین بازی روز نخست، نبرد مردان قلعه‌نویی با شاگردان مایلی کهن درحالی با برتری یک بر صفر تیم استقلال به پایان رسید که مهدی رحمتی، ضربه پنالتی رضا عنایتی، گلزن‌ترین بازیکن ادوار لیگ برتر فوتبال را مهار کرد. با این برد، استقلال صعود ٤ پله‌ای در جدول رده بندی لیگ برتر داشت و به رده دوم رسید. تیم صبا با این شکست، از رده سوم به رده هفتم سقوط کرد تا بیشترین سقوط را در بین تیم‌های لیگ برتری داشته باشد.

روز دوم از دیدارهای این هفته با شکست یک بر صفر پرسپولیس در زمین سایپا، آغاز شد. در این مسابقه که ورزشگاه انقلاب کرج، برای نخستین مرتبه میزبان سرخپوشان تهرانی بود، روزبه شاه علی‌دوست در دقیقه ۳۰ دروازه پرسپولیس را باز کرد تا پس از ۳۰۰ دقیقه، دروازه سرخپوشان باز شود. این نخستین برد سایپا و نخستین شکست مردان دایی در لیگ سیزدهم بود و باعث سقوط ۳ پله‌ای پرسپولیس و صعود ۲ پله‌ای سایپا شد.

مهمترین دیدار روز دوم از هفته چهارم را سپاهان – تراکتورسازی در اصفهان برگزار کردند. شاگردان مجید جلالی با گلزنی علی کریمی، از روی نقطه پنالتی و گل نزنی مهاجمان سپاهان، در این مسابقه پیروز شدند. این دومین پیروزی تراکتورسازی در لیگ سیزدهم و دومین برد متوالی آنها در اصفهان بود. این نتیجه، نماینده نخست تبریز را از رده هشتم به رده سوم رساند که بیشترین صعود در بین تیم‌های لیگ برتری در این هفته بود. سپاهان با این باخت ۳ پله در جدول رده بندی سقوط کرد.

در تبریز، تیم تازه وارد گسترش فولاد، نخستین برد خود را در لیگ سیزدهم مقابل فجرسپاسی شیراز بدست آورد؛ تیمی که لیگ را با چهار شکست متوالی آغاز کرده و بازگشت تلخی را برای غلامحسین پیروانی به شیراز، رقم زد. ملوان هم با نتیجه ۲ بر یک استقلال صنعتی را مغلوب کرد تا نخستین برد خود را در این فصل مقابل تماشاگرانش جشن گرفته و یک پله در جدول رده بندی صعود کند.

شهرآورد کوچک تهران، بین دو تیم نفت – راه‌آهن در ورزشگاه دستگردی تهران برگزار شد. نفت نیمه نخست را به میهمانش واگذار کرد، ولی یحیی گل محمدی، نیمه دوم – که به نیمه مربیان معروف است – را از ابراهیم‌زاده برد تا این بازی با برتری ۲ بر یک نفت به پایان برسد. این نخستین شکست راه‌آهن در فصل جاری بود که باعث سقوط ۳ پله‌ای این تیم در جدول رده بندی لیگ برتر شد.

تنها بازی بدون برنده هفته چهارم، بین مس کرمان – ذوب‌آهن اصفهان برگزار شد؛ مسابقه‌ای که با تساوی بدون گل به پایان رسید. یاوری مقابل تیم پیشین خود قرار گرفت که در بازی پلی آف موفق شد در لیگ برتر بماند. بوناچیچ، سرمربی ذوب‌آهن در این بازی مقابل تیم فصل قبلش قرار گرفت.

نخستین شکست پرسپولیس

تیم فوتبال پرسپولیس در هفته چهارم لیگ برتر فوتبال باشگاه‌های کشور، نخستین شکست خود را در فصل سیزدهم، تجربه کرد. این نخستین برد شاگردان فیرات مقابل مردان علی دایی بود که برای نخستین بار در کرج میزبان پرسپولیس بودند.

دومین روز از بازی های هفته چهارم لیگ برتر فوتبال باشگاه‌های کشور، شامگاه پریروز با برگزاری دیدار تیم‌های سایپاالبرز – پرسپولیس تهران، آغاز شد؛ این بازی در حالی با برتری یک بر صفر سایپا به پایان رسید که حملات پرتعداد و بدون هدف سرخپوشان تهرانی، برای رسیدن به گل، نتیجه‌ای در بر نداشت.

در این بازی که در ورزشگاه انقلاب کرج برگزار شد، «روزبه شاه علیدوست» در دقیقه ۳۰ با شوت از راه دور، دروازه پرسپولیس را باز کرد. «نیلسون جونیور» که در سه بازی گذشته، دروازه خود را بسته نگهداشته بود، پس از ۳۰۰ دقیقه، نخستین گل را در لیگ سیزدهم، دریافت کرد.

روزبه شاه علیدوست، مقداد قباخلو و محمدباقر صادقی از تیم سایپا، بازیکنان اخطاری این مسابقه بودند. تنها موقعیت خطرناک پرسپولیس در این بازی به ضربه سر عباس‌زاده مربوط می‌شد که پس از برخورد به تیر عمودی دروازه، توسط صادقی مهار شد.

سرخپوشان پایتخت در این بازی، رضایت هواداران را جلب نکردند و علاوه بر ارائه یک بازی پر انتقاد، در کسب نتیجه هم ناکام ماندند تا فرصت مناسب را برای رسیدن به صدر جدول را از دست بدهند.

این نخستین شکست پرسپولیس در لیگ چهارم بود که پس از دو پیروزی و یک تساوی بدست آمد. سایپا، بعد از دو پیروزی و یک شکست، نخستین پیروزی خود را در فصل جاری لیگ برتر فوتبال مقابل شاگردان دایی، بدست آورد.

نتایج کامل دیدارهای هفته چهارم لیگ برتر فوتبال باشگاه‌های کشور به این شرح است:

* فولاد خوزستان ۳ – داماش گیلان یک
گل ها: لوسیانو پریرا (۲٦ و ٤٦) و بختیار رحمانی (۵۳) برای فولاد – مسعود حسن زاده (٤۷) برای داماش
* استقلال تهران یک – صبای قم صفر
گل: محمد قاضی (۳۲) برای استقلال
* سپاهان اصفهان صفر – تراکتورسازی تبریز یک
گل: علی کریمی (۷۰– پنالتی) برای تراکتورسازی
* گسترش فولاد تبریز ۲ – فجرسپاسی شیراز صفر
گل ها: مهرداد بایرامی (٦۵) و سامان نریمان جهان (۹۱) برای گسترش
* نفت تهران ۲ – راه‌آهن سورینت یک
گل ها: رضانوروزی (۵۲–پنالتی) و محمدامین حاج محمدی (۸٤) برای نفت تهران – بهادر عبدی (٤۹) برای راه‌آهن تهران
* ملوان بندرانزلی ۲ – استقلال خوزستان یک
گل: سیدجلال رافخایی (٤٤) و مازیار زارع (۸۷ – پنالتی) برای ملوان – ابراهیم صالحی (۹۰) برای استقلال صنعتی
* سایپا البرز یک – پرسپولیس صفر
گل: روزبه شاه علی دوست (۳۰) برای سایپا
* مس کرمان صفر – ذوب‌آهن اصفهان صفر

آغاز رقابت های کشتی فرنگی قهرمانی جوانان جهان در بلغارستان

رقابت‌های کشتی فرنگی قهرمانی جوانان جهان در حالی از صبح امروز در صوفیه بلغارستان آغاز می‌شود که مدعیان اوزان نخست، عصر دیروز روی باسکول وزن رفتند.

رقابت‌های کشتی فرنگی و آزاد قهرمانی جوانان جهان، از ۲۱ تا ۲۷ مرداد در شهر صوفیه بلغارستان برگزار خواهد شد. فرشاد عیسوند، امید قادری، پیام بویری و سید مصطفی صالحی‌زاده، دیروز به عنوان نمایندگان اوزان نخست جوانان ایران، روی باسکول رفتند. آنان از امروز برگزار می‌شود.

مصطفی رفیعی مقدم، رامین طاهری، یوسف قادریان و بهنام شجیعی نیز امروز وزن کشی می‌کنند و مسابقات خود را از فردا آغاز خواهند کرد.

فرنگی کاران جوان در انتظار پول!

بعد از اتفاقات تاسف آور رقابت‌های قهرمانی نوجوانان آسیا در مغولستان و اخراج فرنگی کاران ایران از هتل و سرگردانی آنها به دلیل بی پولی در مغولستان، اتفاق دیگری در حال وقوع است که این بار دامن فرنگی کاران جوان کشورمان را در رقابت‌های جهانی بلغارستان، گرفته است.

گویا اعضای تیم اعزامی کشتی فرنگی جوانان ایران به بلغارستان، بعد از اینکه به دلیل بی پولی و برنامه ریزی نامناسب در دو مرحله راهی صوفیه شدند؛ علی اشکانی، مدیر امور تیم های ملی کشتی فرنگی، در ایران مانده است تا شاید با دست پر راهی رقابت های جهانی شود.

گفته می شود، اشکانی دیروز با جیب خالی به بلغارستان اعزام شد تا فرنگی کاران جوان کشورمان که در صوفیه حضور دارند، همچنان در ابهام و استرس بی پولی و تکرار اتفاقات مغولستان باشند.

به گفته یک منبع آگاه از فدراسیون کشتی، قرار است که پول مورد نیاز فرنگی کاران تا صبح چهارشنبه تهیه شود و توسط آزادکاران جوان کشورمان –که به بلغارستان اعزامی می شوند– به دست نفرات قبلی برسد. البته هنوز مشخص نشده است که پول مورد نظر از چه طریق و با چه ضمانتی تهیه می شود، ولی نکته اینجاست که کاروان کشتی جوانان ایران در شرایطی به صوفیه اعزام شده که بیش از استرس رویارویی با حریفان جهانی به فکر بی پولی و سرگردانی احتمالی در بلغارستان است!

به هر حال داستان تاسف آور و بی سابقه سرگردانی نوجوانان فرنگی کار ایران در مغولستان، باعث شده تا همه اردونشینان کشتی کشورمان، پیش از سفر به رقابت های معتبر بین المللی در بیم و هراس بی پولی و سرگردانی احتمالی باشند.

مسعود شجاعی به «جیرونا» پیوست

خبرگزاری رسمی اسپانیا، از انتقال مسعود شجاعی بازیکن باشگاه اوساسونا به تیم «جیرونا» در لیگ دسته دوم این کشور خبر داد.

در حالی که گفته می‌شد، مسعود شجاعی به تیم «آلاوس» منتقل شود، خبرگزاری رسمی اسپانیا از انتقال او به تیم جیرونا خبر داد. این خبرگزاری در بخش مربوط به خروجی‌های باشگاه اوساسونا، نوشت: مسعود شجاعی با قراردادی آزاد به جیرونا پیوست. جیرونا در فصل گذشته لیگ دسته دوم اسپانیا، در رده چهارم قرار داشت.

رافائل نادال، فاتح تنیس مسترز کانادا

رافائل نادال با غلبه بر تنیسور کانادایی، فاتح تنیس مسترز کانادا شد.

دیدار نهایی تنیس مسترز کانادا، پریشب با برتری رافائل نادال مقابل «نیلوس رائونیچ» کانادایی و قهرمانی این تنیسوراسپانیایی به پایان رسید.

نادال در دیدار نهایی این رقابت‌ها در دو ست با نتایج ٦ بر ۲ رائونیچ را شکست داد و برای سومین بار، قهرمان این رقابت‌ها شد. این تنیسور اسپانیایی، در مرحله نیمه نهایی «نوواک جوکوویچ»، قهرمان دو سال قبل این بازی‌ها را شکست داد. نادال، پس از قهرمانی در این رقابت ها، گفت: برای قهرمانی در رقابت های تنیس مسترز کانادا، باید در بهترینفرم بود؛ از همه بازی‌هایم در این تورنمنت، راضی هستم. این قهرمانی، برای من بسیار با اهمیت است.

رکورد ماندگاربلند قامتان بسکتبال ایران در آسیا

تیم ملی بسکتبال ایران با شکست فیلیپین در دیدار نهایی مسابقات قهرمانی آسیا، برای سومین بار بر بام قاره‌کهن ایستاد و جام قهرمانی را بالای سر برد.

آسمانخراش های ایران با اقتدار میزبان این دوره از مسابقات را شکست دادند. آنان قبل از بازی فینال با پیروزی بر چین تایپه به جام‌جهانی – ۲۰۱٤ اسپانیا راه یافته بودند.

دیدار نهایی بیست و هفتمین دوره مسابقات بسکتبال قهرمانی آسیا را ایران –فیلیپین، در شهر مانیل برگزار کردند که تیم ملی بسکتبال کشورمان با برتری ۸۵ بر ۷۱ قهرمان جام ملت‌های آسیا شد.

تیم سرخپوش ایران در این بازی با ترکیب حامد حدادی، مهدی کامرانی، حامد آفاق، اوشین ساهاکیان و صمد نیکخواه بهرامی به میدان رفت.

ایران، بدون حتی یک باخت و با ۹ پیروزی به عنوان قهرمانی آسیا دست یافت و فیلیپین و کره جنوبی هر کدام با ۷ برد و ۲ باخت، دوم و سوم شدند. سه تیم ایران، فیلیپین و کره جنوبی به عنوان مدال آوران این دوره از مسابقات بسکتبال قهرمانی مردان آسیا به کسب سهمیه پیکارهای جهانی – ۲۰۱٤ اسپانیا، نائل آمدند.

۸ تکواندوکا در اردوی تیم ملی

نخستین مرحله از اردوی تیم ملی تکواندو، اعزامی به بازی های کشورهای اسلامی، از شنبه هفته آینده با حضور ۸ تکواندوکا برپا می شود.

کادر فنی تیم ملی تکواندو، برای حضور موفق در این دوره از مسابقات، پس از بررسی عملکرد ورزشکاران، هشت تکواندوکا را به اردو دعوت کرد.

مهدی خدابخشی، امید عمیدی، محمدامامی، بهنام بیات، محمدباقری معتمد، فرزادعبداللهی، محمدخمسه و محمد رجبی در این اردو، تمرینات خود را زیر نظر سید نعمت خلیفه به عنوان سرمربی، پیگیری خواهند کرد.

باقری معتمد، بعد از عمل جراحی که اواخر پائیز گذشته روی پای خود انجام داد، برای اولین بار است که به اردوی تیم ملی دعوت می‌شود. فرزاد عبداللهی نیز بعد از پشت سرگذاشتن دوران نقاهت در اردوی تیم ملی تمرین می کند.

سهمیه هر کشور، برای حضور در بازی های کشورهای اسلامی، شش تکواندوکا، اعلام شده است که از سوی کادر فنی تیم ملی، دو نفر از بین نفرات مذکور، حذف خواهند شد.

بازی های کشورهای اسلامی، از ۲۲ شهریور تا نهم مهر امسال به میزبانی کشور اندونزی و در شهر جاکارتا برگزار می شود.

دکتر روحانی: کابینه‌ام عصاره خرد جمعی نخبگان است

بقیه از صفحه ۱۳

مسأله دیگر، تقدیم لایحه بودجه سال ۱۳۹۳ در ۱۰۰ روز اول کار است و تا پنجم آذر بودجه سال آینده ارائه خواهد شد.

تأکید بر حاکمیت قانون

اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس جمهوری هم اظهار داشت: برای اجرای برنامه‌های دولت در ابعاد ملی و بین‌المللی نیازمند هماهنگی هستیم زیرا دشمنان کینه‌توز ما از جمله رژیم صهیونیستی سعی دراختلاف‌افکنی و ایجاد توهم دارند.

وی ارائه برنامه در نخستین روزهای رسمیت یافتن دولت جدید را از جمله مزیت‌های این دولت دانست و گفت: پیام رأی ملت را به درستی باید تحلیل کنیم و رأی دکتر روحانی در مناطق محروم بسیار بیشتر از دیگر مناطق بود.

جهانگیری افزود: دیانت اخلاقی و رجحانی، اعتدال‌گرایی در رفتار دولتمردان، تصمیم‌گیری بر مبنای خرد جمعی، توجه به منافع ملی، واقع‌بینی، رعایت حقوق شهروندی، توجه به توسعه پایدار، بهسازی ظرفیت دولت، پایدارسازی محیط‌زیست و تکیه بر مردم، حمایت از نسل جوان و تعامل بین‌المللی از جمله چارچوب‌های برنامه دولت است.

وی سپس توضیح داد: تعامل با اقتصاد جهانی، یعنی واردات تکنولوژی و صدور کالا و توجه به معیشت مردم در شمار برنامه‌های دولت است. وی اضافه کرد: گفته شد که به اقتصاد مقاومتی توجه نشده است که نظر ما عکس آن است، زیرا معتقدیم که در شرایط تحریم باید واردات کم و تولید تقویت شود. انسجام اجتماعی با حفظ تنوع فرهنگی و بازسازی مدیریت کشور، از جمله مهم‌ترین برنامه‌های دولت است که اهداف راهبردی آن در برنامه آمده است.

وی افزود: توسعه سرمایه انسانی مدنظر دولت است و حاکمیت‌قانون، ازجمله‌اصلی ترین کارهایی است که دولت بر آن تأکید دارد.

در زمان جنگ ۲میلیارد دلار ارز برای کالاهای اساسی می‌دادیم ولی امسال باید ۱٤میلیارد دلار ارز بدهیم.

وی ادامه داد: کابینه من را با کجا مقایسه می‌کنید؟

اول انقلاب همه جوان بودند، رئیس مجلس آن زمان ٤۰ساله بود، خود من ۲٦ساله بودم که نماینده مجلس شدم، ولی اگر با کشورهای همسایه مقایسه کنید، اگر مسن‌تر نیست شما یک مبنای علمی برای سن بیابید. این شیوه مدیریتی که مدیر باید حتماً به شهرستان برود، نادرست است. ما ۵۰۰، ٦۰۰ میلیارد دلار در سال‌های گذشته درآمد نفت داشتیم و باید بدانیم که این درآمد کجا رفته است؟

وی نسبت شرکت سهامی دادن به ترکیب کابینه را مردود شمرد و گفت: در هیچ کابینه‌ای انسجام تیم اقتصادی تا این حد نبوده است.

دکتر روحانی با وزیران کابینه شرط کرده است که التزام به ولایت فقیه و شخص ولی‌فقیه و قانون‌گرایی فصل الخطاب باشد.

شما به خالص‌ترین و پاک‌ترین نیروهای نظام نسبت فتنه‌گری می‌دهید.

افرادی که گزینش شده‌اند از تمامی دستگاه‌های قضایی و اطلاعاتی استعلام شده‌اند.

دکتر روحانی منشوری تهیه کرده و طبق آن با وزرای کابینه توافق کرده است که مسایل شخصی را در نظر نگیرند و به مصالح کلی نظام توجه کنند. وی سپس خواستار آن شد که نمایندگان با رأی بالای خود از دولت حمایت کنند.

امیرآبادی، مخالف وزیر آموزش و پرورش

در پی این سخنان، بحث نمایندگان مخالف و موافق در مورد صلاحیت وزیران پیشنهادی آغاز شد و نخست احمد امیرآبادی فراهانی، نماینده قم در مخالفت با دکتر محمدعلی نجفی وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش پرداخت.

وی مخالفت دکتر نجفی با برنامه آموزش و پرورش دولت شهید رجایی، بی‌توجهی به مبانی دینی، حذف تربیت معلم و استخدام معلمان حق‌التدریس و شرکتی، زمینه‌سازی انحلال امور تربیتی و بی‌توجهی به آموزش امور دینی را در شمار نکات منفی دوران مدیریت وی دانست.

وی سپس از بی‌توجهی دکتر نجفی به رهنمودهای مراجع دینی و خصوصی‌سازی مدارس انتقاد کرد و پرسید: برای رویارویی تهاجم فرهنگی غرب چه برنامه‌ای دارید؟

برنامه شما برای ارتقای منزلت فرهنگیان چیست؟ برنامه شما برای ارتقای کیفیت آموزش چیست؟

عثمانی، موافق

محمد قسیم عثمانی، نماینده بوکان، به عنوان موافق، تأکید کرد: فتنه جدیدی در راه است که مجلس را در مقابل اراده مردم قرار دهد، ولی مجلس با رأی مردم هماهنگ است.

وی افزود: نه آقای دکتر روحانی فتنه‌گران را به کابینه‌اش راه می‌دهد و نه مجلس به این گونه افراد رأی می‌دهد.

عثمانی همچنین گفت: برنامه‌های دکتر نجفی شامل ویژگی‌های معلم و تداوم معلم بودن است.

وی سپس گفت: چرا در ۸ سال گذشته به فکر معیشت معلمان نبودید و امروز آن را مطرح می‌کنید؟

اگر به معیشت معلمان توجه نشود و دغدغه فرزندش را داشته باشد، نمی‌تواند به فرزندان ما توجه کند. اجازه ندهید آموزش و پرورش باندی و سیاسی شود.

زارعی موافق

غلام محمدزارعی، نماینده بویراحمد و دنا، دیگر موافق وزارت دکتر نجفی بود که سابقه ۲۷ ساله وی در امور اجرایی را مثبت توصیف کرد.

او سپس با استناد به حمایت جامعه فرهنگیان از دکتر نجفی، اظهار داشت: برنامه‌های قرآنی در دوران وزارت وی تقویت شد، به‌طوری که آقای نجفی به عنوان «خادم القرآن» شناخته شد.

توسعه مراکز آموزش فنی ـ حرفه‌ای، افزایش سطح رفاهی فرهنگیان، دایر شدن صندوق ذخیره فرهنگیان، برقراری عدالت آموزشی و تصویب قانون شوراهای آموزش و پرورش از جمله کارهای مثبت دکتر نجفی در دوران وزارتش بوده است.

وی افزود: در ستاد آقای کروبی هیچ مسئولیتی نداشت و فقط نقش او به عنوان تعدیل کننده مطرح بود.

زاکانی، مخالف

علی‌رضا زاکانی نماینده تهران هم به عنوان مخالف، نگرش اعتقادی دکتر نجفی را متأثر از ایده‌های غربگرایانه دانست و نتیجه گرفت: آقای نجفی اعتقاد لازم را به آموزش و پرورش ندارد و به مبانی تعلیم و تربیت اسلامی معتقد نیست.

وی افزود: کمرنگ شدن جنبه‌های دینی و اعتقادی در زمان وزارت وی نقطه ضعف آقای نجفی بود. در ادامه این جلسه، محمدرضا باهنر به عنوان رئیس جلسه عصر دیروز مجلس اظهار داشت: مواردی اتفاق افتاد که نه در شأن مجلس بود و نه در شأن وزرا. سخنان مخالف و موافق نباید توهین‌آمیز باشد و پاسخ جنبه توهین یابد. بنابرگزارش خبرنگار ما بررسی صلاحیت وزرای پیشنهادی در جلسه امروز مجلس در نوبت صبح و عصر ادامه می‌یابد.

پاسخ دفتر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به اظهارات برخی نمایندگان مجلس

دفتر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به اظهارات نمایندگانی که دیروز در جریان بررسی برنامه‌های وزیران پیشنهادی رئیس جمهوری، زبان به توهین، تهمت، افترا و دروغ علیه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و خانواده وی گشودند، پاسخ داد.

متن پاسخ دفتر رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام به این شرح است:

در مراسم بررسی برنامه‌های وزرای پیشنهادی رئیس جمهور محترم در مجلس شورای اسلامی، در روز دوشنبه، مورخ ۹۲/۵/۲۱ بعضی از نمایندگان محترم که به عنوان مخالف برنامه‌های دولت جدید صحبت می‌کردند، متاسفانه عنوان خویش و قداست یک نهاد قانونی را فراموش کردند و به جای انجام وظیفه قانونی خود که نشانه مجلس زنده و پویا در نظام جمهوری اسلامی است، در اقدامی فراقانونی، تریبون مقدس مجلس شورای اسلامی را که مذاکرات آن به صورت مستقیم از صدا و سیما پخش می‌شد، آلوده به توهین، تهمت، افترا و دروغ علیه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و خانواده ایشان کردند.

اگرچه نمایندگان محترم در فضای عمومی مجلس، مانند مردم عزیز در فضای عمومی جامعه، با اظهار تأسف، از ادبیات این گروه انگشت‌شمار اعلام برائت کرده‌اند، اما برای اطمینان خاطر بیشتر مردم و مسئولان و برای ماندگاری در تاریخ، اعلام می‌شود که نقل قول از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی درباره شورای نگهبان صحت نداشته و تکذیب می‌شود.

این گروه که از چهار سال بمباران تخریبی خویش برای رویگردانی مردم از اصل اسلامی اعتدال نتیجه معکوس گرفته‌اند، باعلم به پخش مستقیم مذاکرات مجلس از رادیو و تلویزیون، گویی دنبال فرصتی می گشتند تا پس از انتخاب دکتر روحانی، با توهین و تهمت به شخصیت‌های محبوب جامعه، انتقام خویش را از مردم بگیرند و تأسف بیشتر این است که برای انجام اقدام خلاف قانون و اخلاق خویش، مقدس‌ترین نهاد جمهوری اسلامی را انتخاب کرده‌اند.

انشاء الله هیأت‌رئیسه محترم مجلس شورای اسلامی امکان پاسخگویی و دفاع به افرادی را که به ناحق به آنان تهمت و افترا وارد شد، خواهد داد و نهادهای مسئول امنیتی و قضایی، پیگیری می کنند که اگر چنین شود، محافل خاص برای القای اختلاف بین بزرگان انقلاب اسلامی شناسایی و به مردم عزیز معرفی خواهند شد.

مسئول دفتر

آیت‌الله آملی لاریجانی: سهمی در کابینه نداشته‌ام

رئیس قوه قضائیه در پیغامی به نمایندگان مجلس که در صحن علنی دیروز توسط رئیس مجلس قرائت شد، گفت: وزیر دادگستری طبق قانون با پیشنهاد رئیس قوه قضائیه و هماهنگی رئیس جمهور تعیین می‌شود، پس به این سهمیه نمی‌گویند.

به گزارش فارس، علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی پیش از اعلام پایان اولین جلسه بررسی کلیت، اصول و خط مشی کلی دولت یازدهم، در سخنانی اظهار داشت: در جلسه صبح امروز آقای رئیس جمهور و نمایندگان مجلس مطالب کلی و نظرات و دیدگاه‌هایشان را مطرح کردند و نمایندگان موافق و مخالف برنامه‌های دولت یازدهم به سخنرانی پرداختند، اما بعضی از مطالب واقعاً نباید در صحن علنی مجلس به این شکل بیان می‌شد چون توهین بود.

وی افزود: بنده عمداً آزاد گذاشتم تا آقایان حرف‌هایشان را مطرح کنند ولی باید همه نمایندگان مجلس رعایت کنند تا به افراد توهین نشود.

رئیس مجلس در ادامه با اشاره به پیغام آیت‌الله آملی لاریجانی رئیس قوه قضائیه به مجلس درباره وزیر پیشنهادی دادگستری، گفت: لازم است در اینجا پیغام آیت‌الله آملی لاریجانی را بیان کنم چون برخی نمایندگان در جلسه صبح امروز دو موضوع را مطرح کردند، یکی این که آقایان نماینده گفتند رئیس قوه قضائیه در کابینه پیشنهادی روحانی سهمیه داشته است که آیت‌الله لاریجانی پیرو این اظهارات یک نماینده مجلس، پیغام داده که این سخن ناصواب است، طبق قانون اساسی، وزیر دادگستری باید با پیشنهاد رئیس قوه قضائیه و هماهنگی رئیس جمهور مشخص شود.

لاریجانی خاطرنشان کرد: بنابراین به این موضوع سهمیه نمی‌گویند بلکه این طریق کار است که در قانون اساسی مشخص شده و بین دو رئیس قوه، وزیر دادگستری تعیین می‌شود.

رئیس مجلس در بخش دیگری از سخنانش خاطرنشان کرد: نکته دوم این که یکی از نمایندگان مجلس گفته که معاون اول رئیس جمهور در اولین تصمیمی که گرفت، خلاف قانون عمل کرد، آیت‌الله آملی لاریجانی در این باره هم پیغام داده که با توجه به تصمیم معاون اول رئیس جمهور، رئیس دیوان عدالت اداری نظر داده و آن را خلاف قانون اعلام کرده است اما مطابق قانون، هیات عمومی دیوان عدالت باید در این زمینه نظر دهد تا مصوبه‌ای لغو شود، لذا نظر رئیس دیوان، نظر شخصی وی بوده و به معنای رد مصوبه معاون اول و بخشنامه وی تلقی نمی‌شود.

رئیس مجلس در خاتمه تصریح کرد: نمایندگان مجلس مطالبشان را درباره کابینه پیشنهادی رئیس جمهور و برنامه وزرا را با دقت تمام و لحاظ همه موارد بیان کنند و خواهش می کنم از بیان برخی نکاتی که امروز مطرح شد و توهین به دیگران بود، پرهیز کنند.

نامه مهندس ترکان

مشاور رئیس جمهوری در نامه ای به علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی از سخنان حکیمی، نماینده رودبار انتقاد کرد.

متن نامه اکبر ترکان خطاب به رئیس مجلس به این شرح است:

جناب آقای دکتر علی لاریجانی
ریاست محترم مجلس شورای اسلامی
با تقدیم سلام و احترام؛

در جلسه علنی امروز مورخ ۹۲/۰۵/۲۱ به هنگام رسیدگی به صلاحیت وزرای محترم معرفی شده از سوی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران، جناب آقای حکیمی نماینده محترم مردم شریف رودبار در موضع مخالفت نام اینجانب را که متضمن تهمت‌های ناروایی بود از تریبون رسمی مجلس شورای اسلامی بر زبان آوردند. برابر فتوای حضرت امام خمینی، آن عزیز سفر کرده و ماده ۷۸ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، حق اعتراض برای اینجانب وجود دارد. نظر به اینکه مجلس محترم شورای اسلامی دانشگاهی بزرگ و نمایندگان محترم عصاره فضائل ملتند و گفتار و عملکردشان در منظر و مرعی هموطنان عزیز ایران و همچنین مورد مداقه خارجیان نیز می‌باشد، قرار دارد و برابر ارشاد و هدایت قرآن کریم در موارد متعدد از جمله آیه هشتم سوره مبارکه مائده که میفرماید:

"یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُواْ کُونُواْ قَوَّامِینَ لِلّهِ شُهَدَاء بِالْقِسْطِ وَلاَ یَجْرِمَنَّکُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلَى أَلاَّ تَعْدِلُواْ اعْدِلُواْ هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَاتَّقُواْ اللّهَ إِنَّ اللّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ"

و فرمایش مقام معظم رهبری (دام ظلّه) در تفسیر آیه شریفه مذکور در تاریخ ۹۲/۰۳/۰۸ در دیدار با نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی بر لزوم رعایت عدالت و انصاف حتی در برابر مخالفان سیاسی تاکید فرمودند. لذا اذعان میفرمایند که نمایندگان محترم نبایستی به هر آنچه که فکر میکنند بدون تحقیق و بررسی در صحت و یا سقم و آثار آن بر زبان جاری نمایند، از خداوند متعال میخواهم که به همهٔ ما انصاف و اعتدال را در گفتار و عمل عنایت فرماید.

اینجانب آنچه نماینده محترم فوق‌الذکر در نهایت بی تقوایی بر زبان آوردند را نمونه‌ای ظالمانه از تهمت زدن و بی مبالاتی در اظهارات از تریبون عمومی مجلس می دانم و لذا انتظار دارم نامبرده آنچه به زبان آورده اند را با دلایل و مستندات بیان و اثبات نمایند، و یا در غیر اینصورت در همان تریبون از بنده عذرخواهی و از درگاه الهی طلب مغفرت نمایند.

اکبر ترکان

قرائت جوابیه مهدی هاشمی در جلسه علنی مجلس

جوابیه مهدی هاشمی در مورد اظهارات یکی از نمایندگان مجلس در مخالفت با کلیات برنامه دولت در جلسه علنی بعدازظهر دیروز قرائت شد.

علی لاریجانی رییس مجلس شورای اسلامی در این جلسه گفت: در نطق یکی از آقایان از مهدی هاشمی نامی برده شد و حرف نادرستی زده شد که ایشان جوابیه‌ای دادند و من گفتم که مطابق آیین‌نامه دو برابر وقت می توانند مطلب ایشان را بخوانند.

در ادامه ضرغام صادقی، عضو هیات رئیسه مجلس، جوابیه مهدی هاشمی را به شرح زیر قرائت کرد:

«بسم الله الرحمن الرحیم

امروز یکی از نمایندگان مخالف دولت تدبیر و امید در سخنانی که رگه‌هایی از عقلانیت، اعتدال و قانون در آن مشاهده نمی شد به تکرار اتهامات علیه بنده پرداختند که پیشتر و طی چهار سال گذشته بارها از تریبون‌های مختلف از جمله رسانه ملی و خانه ملت بیان شد اما شاید لازم باشد که شما را دعوت کنم به مطالعه دوباره حقوق ملت در فصل سوم قانون اساسی، آنجا که می گوید همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در برابر قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

در پایان مقابل جنابعالی و سایر وکلای ملت که در احقاق حقوق شهروندی جمهوری اسلامی کوشا هستند سر تعظیم فرود می آورم و از خداوند متعال می خواهم که حق رفیق راهتان باشد.

مهدی هاشمی بهرامانی».

رئیس مجلس همچنین گفت: مطلب ایشان مفصل تر بود اما چون ما باید قانونا دو برابر زمان را اختصاص می دادیم بخشی از مطلب را قرائت کردیم.

توانمندی‌ها و ویژگی‌های حسین دهقان از نگاه وزارت دفاع

وزیر پیشنهادی برای تصدی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در طول دوران خدمت خود، مسئولیت اداره بخش‌های مختلفی را بر عهده داشته و بر همین اساس، در حوزه‌های متنوع زیرمجموعه وزارت دفاع و مجموعه نیروهای مسلح اشراف داشته است.

به گزارش ایسنا، دهقان تنها وزیر پیشنهادی حسن روحانی برای کابینه یازدهم است که در جلسه دیروز مجلس شورای اسلامی هیچ مخالفی در بین نمایندگان نداشته است.

اداره کل تبلیغات دفاعی وزارت دفاع در گزارشی کوتاه به بررسی توانمندی‌ها و ویژگی‌های دکتر حسین دهقان پرداخته است که متن کامل آن به این شرح است:

«سردار سرتیپ پاسدار حسین دهقان در طول بیش از ۳۳ سال حضور و خدمت در نیروهای مسلح کشور با قرار گرفتن در سطوح عالی فرماندهی در بخش‌های مختلف و متنوع ستادی، عملیاتی، امنیتی، تحقیقاتی، علمی، صنعتی و پشتیبانی دارای اشراف مناسبی بر نیازمندی‌ها، اقتضائات و الزامات حیاتی نیروهای مسلح در سطوح داخلی وبین‌المللی است.

سردار دهقان در مقام فرماندهی سپاه تهران در سال‌های دهه ٦۰ که تحولات بسیار مهمی در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و امنیتی درمرکز کشور در جریان بود، ضمن قرار گرفتن در جایگاه مدیریت شرایط بحرانی ناشی از تحرکات ضد انقلاب، نقش تعیین کننده ای در ایجاد امنیت پایدار در تهران ایفا کرد. در این راستا وی با فرماندهی سپاه یکم و قرارگاه عملیاتی ثارالله در سال‌های دفاع مقدس، فرماندهی عالی مجموعه یگان‌های رزمی استان تهران را عهده‌دار شد. پیروزی‌های غرورآفرین لشکرها و تیپ‌های این استان در عملیات‌های متعدد نشان روشنی از شایستگی‌های ایشان در مقام فرماندهی یگان‌های عملیاتی به حساب می‌آید.

فرماندهی نیروی هوایی سپاه که اولین یگان بهره‌بردار از موشک‌های زمین به زمین در مجموعه نیروهای مسلح بود، ضمن محک زدن توانمندی ایشان در توسعه و هدایت یک یگان رزمی نوین که تجربه مشابهی در کشور نداشته است، قدرت فرماندهی و مدیریت وی در هدایت عملیاتی یکی از مؤثرترین یگان‌های رزمی نیروهای مسلح را به نمایش گذاشت.

سردار دهقان در طول سال‌های پس از پایان دفاع مقدس با پذیرش مسئولیت جانشینی ستاد مشترک سپاه و بنیاد تعاون این نهاد انقلابی در سازماندهی جدید سپاه متناسب با شرایط پس از جنگ و همچنین فعال‌سازی ظرفیت‌های سپاه در حوزه سازندگی و خدمات‌رسانی به کارکنان آن هم پایه‌گذار فعالیت‌ها و اقدامات نوینی در کشور شد.

حضور سردار دهقان در جایگاه جانشینی وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در دولت‌های هفتم و هشتم و نقش تاثیرگذار وی در ورود بخش دفاعی کشور به عرصه جدیدی از قدرت سازی در حوزه‌های سخت و نرم در ردیف ارزشمندترین فعالیت‌های ایشان در طول سال‌های حضور وی در نیروهای مسلح است. نقش تعیین‌کننده وی در تحول قابل ملاحظه‌ای که حد فاصل سال‌های ۷٦ تا ۸٤ در بخش‌های طراحی و تولید تجهیزات و اقلام دفاعی در زمینه‌های موشکی، دریایی، فضایی، هوایی و هوشمندسازی سامانه‌های مختلف نظامی در وزارت دفاع به وقوع پیوست مورد تاکید و تایید مدیران و متخصصان صنعت دفاعی کشور است.

در کنار موارد عنوان شده، دو شاخصه محوری و بسیار ارزشمند ایشان را به بهترین گزینه برای تصدی این وزارتخانه استراتژیک مبدل می‌سازد؛ اول، حضور پنج ساله در جایگاه ریاست بنیاد شهید و امور ایثارگران و دوم، جایگاه علمی وی در مقام استادی دانشگاه.

سال‌های حضور سردار دهقان در بنیاد شهید و امور ایثارگران که به بیان قاطبه ایثارگران معزز از آن باید به عنوان سال‌های طلایی مدیریت در این نهاد نام برد، صرف نظر از ارزش‌های معنوی و مدیریتی آن، زمینه بسیار مناسبی را برای آشنایی و بهره گیری مستقیم ایشان از مهمترین و اصلی‌ترین مولفه قدرت در جمهوری اسلامی ایران یعنی فرهنگ ایثار و شهادت فراهم آورد. بی‌شک این تجربه برای فردی که مسئولیت اصلی آن در دولت، کمک به قدرت‌سازی و پشتیبانی از نیروهای مسلح است، ذخیره کم‌نظیری است که اثرات مشعشع آن به زودی در بخش دفاعی کشور بروز و ظهور خواهد یافت. ادغام سه نهاد متولی امور ایثارگران با فرهنگ‌های سازمانی متفاوت در قالب یک سازمان منسجم و توانمند در این سال‌ها نشانگر توانایی سازماندهی ایشان در تراز ملی است.

سوابق تحصیلی ایشان در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته‌های صنعتی و جایگاه علمی وی به عنوان استاد دانشگاه موجب سرعت یافتن و ارتقاء ارتباط هدفمند همکاری صنعت دفاعی با دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی کشور خواهد شد. آشنایی وی با اصول مدیریت بنگاه و بخش خصوصی که در طول مسئولیت وی در بخش اقتصادی ستاد اجرایی فرمان امام حاصل شده است، در کنار ویژگی‌های ذکر شده، لوازم مورد نیاز برای تحقق یکی از اهداف کلان دولت یازدهم که توسعه نوآوری در قالب همکاری دولت، صنعت و دانشگاه است را مهیا خواهد کرد.

اگرچه در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره افراد توانمندی مسئولیت وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح را برعهده داشته‌اند و هریک منشاء تحولات ارزشمندی در این وزارتخانه حساس بوده‌اند، لیکن گزینه انتخابی از سوی دولت تدبیر و امید برای تصدی این وزارتخانه یعنی سردار سرتیپ پاسدار دکتر حسین دهقان به دلایلی که ذکر آن رفت واجد ویژگی‌ها و ظرفیت‌های متفاوتی است که ایشان را به عنوان مطلوب‌ترین گزینه تصدی این وزارت در شرایط موجود متمایز می‌سازد.

به نظر می‌رسد شایستگی‌های دکتر حسین دهقان در ارزیابی نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی هم مورد تأیید قرار گرفته به طوری‌که وی تنها گزینه بدون مخالف در جریان رأی اعتماد مجلس شورای اسلامی به وزرای پیشنهادی رئیس‌جمهور محترم است.»

سردار وحیدی: وزارت دفاع درخط مقدم مقابله با دشمن قراردارد

وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح با بیان این‌که خدمت در این وزارتخانه، جهاد در راه خداست، گفت: وزارت دفاع در خط مقدم مقابله با دشمن قرار دارد.

به گزارش روابط عمومی وزارت دفاع، سردار احمد وحیدی در مراسم خداحافظی با کارکنان این وزارتخانه با تأکید بر این‌که جایگاه کنونی وزارت دفاع در کشور، منطقه و جهان، مرهون زحمات و تلاش‌های یکایک کارکنان این وزارتخانه است، افزود: کارکنان متخصص و متعهد وزارت دفاع در خط مقدم مقابله با دشمن قرار دارند و همه این مجاهدت‌ها در حکم جهاد در راه خداست.

وزیر دفاع با تأکید بر این‌که حضور و فعالیت در این وزارتخانه یکی از الطاف الهی است، تصریح کرد: هرکس علاقه مند به ذخیره کردن معنویت، رضایت حق تعالی و قرار گرفتن در صف اول مجاهدان فی‌سبیل‌الله است، بداند که تحقق همه این‌ها در وزارت دفاع ممکن است.

وی در همین زمینه با بیان این‌که در جهاد فی سبیل‌الله، سستی، تعلل و وقت تلف کردن بی معناست، ماهیت وزارت دفاع را تلاش بی‌نهایت، همه‌جانبه و شبانه‌روزی توصیف کرد و افزود: همه بخش‌های وزارت دفاع بحمدالله متصف به این اوصاف بوده و انشاءالله در جهت رشد و تعالی و پیشرفت چنین خواهد ماند.

وحیدی با تشکر از حجت‌الاسلام والمسلمین قندهاری رئیس سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع گفت: وجود نورانی روحانیت در همه جا و از جمله در وزارت دفاع همواره مایه برکت و رحمت بوده و به همه توصیه و سفارش می‌کنم که از وجود ارزشمند و مغتنم روحانیون شایسته، مهذب، باصفا و با علم بهره لازم را ببرند.

ترحیم

بازگشت همه بسوی اوست

با نهایت تأسف و تألم درگذشت بانوی بزرگوار و نیکوکار حاجیه خانم سیده رقیه خرمی نژاد (فیضی زاده) همسر شادروان حاج محمد فیضی زاده را به آگاهی خویشاوندان، آشنایان و همشهریان گرامی شبستری می رساند.

مجلس ترحیم آن شادروان روز پنج شنبه ۹۲/۵/۲۴ از ساعت ۱۶ تا ۱۷/۳۰ در مجتمع اسلامی نور شبستری ها به نشانی: میدان دکتر فاطمی خیابان یکم برگزار می شود. تشریف فرمایی عزیزان موجب شادی روح آن مرحومه و تسلای خاطر بازماندگان می باشد.

فرزندان: جمیله ـ جلال ـ جواد ـ جاوید ـ گوهر و جاهد فیضی زاده

خانواده های سوگوار: فیضی زاده ـ خرمی نژاد ـ هاشمی شبستری ـ لیبه تانس ـ صفی زاده شبستری ـ شهیر باهر ـ حبیبی شبستری ـ زمانی ـ باقری شبستری ـ ابوالقاسم زاده شبستری ـ تاراجی ـ اشرفی ـ پاداریان ـ عزمی شبستری ـ زکی زاده شبستری ـ زرگر شبستری ـ رئیسی ـ قاسمی ـ باقری ـ پوران ـ حمداله زاده ـ حمداله پور ـ وطن دوست ـ بابازاده ـ اسکندری ـ صادقی ـ خلج ـ دانش دوست ـ دادخواهی پور ـ حنیفه پور ـ قره یازی ـ غنیان ـ وادوا ـ قدملی ـ سید شبستری ـ برهان نجفی.

بازگشت همه بسوی اوست

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت حاجیه خانم رقیه خرمی نژاد همسر مرحوم حاج محمد فیضی زاده از خیرین نیکوکار و بنیانگذاران جمعیت خیریه شبستریهای مقیم تهران را به اطلاع کلیه همشهریان محترم می رسانیم.

مجلس ختم زنانه و مردانه آن مرحومه روز پنجشنبه ۹۲/۵/۲۴ از ساعت ۴ الی ۵/۳۰ بعدازظهر در مسجد نور شبستریها واقع در میدان فاطمی برگزار خواهد شد. حضور عزیزان در این مراسم موجب تشکر و امتنان می باشد.

هیئت مدیره جمعیت خیریه شبستریهای مقیم تهران

با نهایت تأسف درگذشت برادر نازنینم شادروان **علیقلی سمیعی** را به اطلاع فامیل و دوستان می رساند.

دکتر فرنگیس مجیدی (سمیعی)
پرفسور دکتر عباس مجیدی

با نهایت تأثر درگذشت برادر بزرگوارم شادروان **علیقلی سمیعی** را به اطلاع بستگان و آشنایان می رساند.

پرفسور مجید سمیعی ـ مهشید سمیعی ـ امیره سمیعی ـ پرفسور امیر سمیعی

با کمال تأسف و تأثر درگذشت پدر بزرگوارم شادروان **علیقلی سمیعی** را به آگاهی بستگان و دوستان می رساند. مراسم یادبود ایشان روز سه شنبه ۱۳۹۲/۵/۲۲ از ساعت ۱۸ لغایت ۲۰ در رستوران مروارید واقع در دهکده ساحلی بندر انزلی برگزار خواهد شد. حضور سروران موجب شادی روح آن بزرگوار و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

کیانوش سمیعی

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان **علیقلی سمیعی** از بزرگان فامیل را به اطلاع کلیه بستگان و آشنایان می رساند.
مراسم یادبود ایشان از ساعت ۱۸ لغایت ۲۰ روز سه شنبه ۱۳۹۲/۵/۲۲ در رستوران مروارید دهکده ساحلی بندرانزلی برگزار می شود.

خاندان سمیعی

باقی اوست

فرشته ای مهربان، مادری دلسوز، معلمی بی همتا، به دیدار حق شتافت. با کمال تأسف درگذشت بانو پروین شهیدی که سالها در خدمت فرهنگ و آموزش جوانان بود، را به اطلاع می رساند.

مراسم تشییع و خاکسپاری روز پنجشنبه ۹۲/۵/۲۴ ساعت ۱۰ صبح از مقابل درب منزل آن مرحوم واقع در رجایی شهر کرج ـ خیابان ۹ غربی پلاک ۳۱ به سمت امامزاده طاهر کرج خواهد بود.

ضمنا وسیله ایاب و ذهاب درب منزل آماده است.

مجلس ترحیم روز جمعه ۹۲/۵/۲۵ از ساعت ۱۱ الی ۱۲/۳۰ در مسجد رسول اکرم(ص) واقع در کرج ـ جهان شهر ـ ابتدای خیابان استانداری برگزار می گردد.

فرزندان: رویا و رامین شهیدی
داماد: دکتر مهدی نجاتی
عروس: شادی پروین
نوه ها: دکتر شهرام ـ دکتر شروین ـ دکتر جما نجاتی ـ شیرین شهیدی
خواهران: سیمین و نسرین شهیدی و سایر بستگان.

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان کریم مُکری وکیل پایه یک دادگستری را به اطلاع می رساند.
مراسم ختم از ساعت ۱۶ تا ۱۷/۳۰ روز چهارشنبه ۹۲/۵/۲۳ در مسجدالنبی(ص) واقع در انتهای خیابان کارگر شمالی مقابل کوی دانشگاه تهران منعقد می گردد.

کانون وکلای دادگستری مرکز

یادبود

به یاد محمد پورداد عزیز

در سومین سالروز درگذشت برادر مهربان و نیکوکارمان یاد او را گرامی می داریم.
روح پاکش شاد و خانواده تنهایش در پناه خداوند.
ایدون باد.

منصوره پورداد ـ ابوالحسن پورداد

دوست خوبم یادت جاودانه باد

در تاریخ ۷۴/۵/۲۲ دوست خوب و عزیزم حاج حسین اخوان عطار را از دست دادم. روحش شاد و یادش پیوسته گرامی باد.

از طرف: مجید

تسلیت

همکار گرامی جناب آقای یعقوب نصیری

درگذشت مادر گرامیتان را به شما و خانواده محترمتان تسلیت می گوییم.
خانم ها: عباسی ـ مشکانی ـ سعیدی ـ فرج پور
آقایان: مجیدی ـ قاسمی ـ صومعه نشین ـ خوش نشین ـ رزاقی ـ هاشمی

دانشمندان بزرگ و جراحان نامی جهان
جناب آقای پروفسور مجید سمیعی
جناب آقای پروفسور امیر سمیعی

با تأسف فراوان از خبر ضایعه مولمه فوت برادر بزرگوارتان جناب آقای علیقلی سمیعی ضمن عرض تسلیت به محضر عالی و خانواده محترم، برای آن مرحوم غفران الهی و برای جنابعالی و خاندان محترم و بزرگ سمیعی صبر جزیل مسئلت می نماید.

شرکت بی ام ام
محمدحسن مرادی

دوست عزیزم جناب آقای صادق سمیعی

با تأسف فراوان از خبر فوت جناب آقای علیقلی سمیعی ضمن عرض تسلیت به حضرتعالی، برای آن مرحوم غفران الهی و برای آن خاندان صبر جزیل مسئلت می نماید.

شرکت بی ام ام
محمدحسن مرادی

دوست عزیزم جناب آقای دکتر حسین سمیعی

با تأسف فراوان از خبر فوت جناب آقای علیقلی سمیعی ضمن عرض تسلیت به حضرتعالی، برای آن مرحوم غفران الهی و برای آن خاندان صبر جزیل مسئلت می نماید.

شرکت بی ام ام
محمدحسن مرادی

جناب آقای حاج محمود وثوق و خاندان محترم وثوق و معین

مصیبت وارده را به شما تسلیت عرض می نماییم.
حسین و امیرعباس خلیل نژاد ـ علی موسویان ـ احمد و علی و آرش بوربور ـ حسین و هادی نادری

خانواده محترم فیضی زاده

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مادر گرامیتان **حاجیه خانم رقیه خرمی نژاد (فیضی زاده)** را خدمتتان تسلیت عرض می نماییم، ما را در غم خود شریک بدانید.

میرمجید باقری شبستری

جناب آقای پرفسور مجید سمیعی
سرکار خانم دکتر فرنگیس سمیعی
جناب آقای کیانوش سمیعی

با نهایت تأسف درگذشت شادروان علیقلی سمیعی بزرگ خاندان سمیعی را به شما و سایر بازماندگان محترم تسلیت می گوییم. برای آن روانشاد آمرزش و برای بازماندگان معزز شکیبایی آرزومندم.

ابراهیم شاکری شمیرانی

جناب آقای دکتر قاسم روح الهی
مدیرعامل محترم بیمارستان کسری

با نهایت تألم و تأسف مصیبت وارده را به جنابعالی و خاندان محترم تسلیت عرض نموده، خود را شریک درد و غمتان می دانیم.

دکتر منوچهر جشنانی و بانو

جناب آقای مهندس سید امین میرمحمدعلی

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت دایی گرامیتان را تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای آن مرحوم مغفرت و برای بازماندگان صبر و شکیبایی خواستاریم.

هیئت مدیره و همکاران شما در مهندسین مشاور تدبیر ساحل پارس

جناب آقای سیدمحمد فیوضی یوسفی
خانواده محترم مقصودی

با نهایت تأسف مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزد منان برای آن مرحوم رحمت الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می نماییم.

ورودی های سال ۱۳۵۳ گروه یک مدرسه عالی بازرگانی (دانشگاه علامه طباطبایی)

بازگشت همه به سوی اوست
جناب آقای مهندس ادیب
مدیرعامل محترم شرکت توسعه آب و گاز ایران

با کمال تأسف درگذشت خواهر گرامیتان را به جنابعالی و سایر بازماندگان از صمیم قلب تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای آن مرحومه رحمت الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می نماییم.

هیئت مدیره شرکت مهندسی آبزولوت

جناب آقای فضلعلی همدانی

با تأسف فراوان درگذشت مادر بزرگوارتان را صمیمانه تسلیت می گوئیم.

ابریشمی ـ ریاضی

شرکت محترم بنادر
جناب آقای مهندس رستم آبادیان
جناب آقای دکتر محمدی

بدینوسیله درگذشت شادروان جناب آقای مهندس سیدمحمدباقر محمدی را به جنابعالی و همکاران محترمتان تسلیت عرض می نماید و از درگاه خداوند متعال برایتان صبر و شکیبایی آرزومندیم.

شرکت راهسازی ایران

جناب آقای ابراهیم یزدی

با کمال تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای آن مرحوم مغفرت و برای شما و بازماندگان صبر و شکیبائی مسئلت داریم.

ناصر بامداد فرخ ـ پوران آقامحمد دباغ ـ آذر بامداد فرخ ـ محمدنادر بامداد فرخ

همکاران ارجمند آقایان یعقوب و مجتبی نصیری

با نهایت تأسف مصیبت وارده و درگذشت مادر محترمتان تسلیت عرض نموده از درگاه ایزد منان برای آن مرحومه علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می نماییم.

امور مالی ـ اداره حسابداری ها ـ بودجه و گزارشات ـ حقوق و دستمزد ـ سازمان وصول ـ اداره اموال و انبارهای مؤسسه اطلاعات و شرکت ایرانچاپ

جناب آقای مهندس ملکی

با نهایت تأثر و تأسف درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت عرض نموده و از خداوند منان برای آن مرحوم طلب مغفرت و برای جنابعالی و سایر بازماندگان طلب صبر و طول عمر می نماییم.

مدیریت شرکت چلیم گستر

به نام خدا
جناب آقای مهندس مهدی رضایی
نماینده محترم مجری پروژه های راه سازی استان سیستان و بلوچستان

با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده، از درگاه ایزد منان برای آن مرحومه علو درجات و برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

شرکت ساختمانی راشید

همکار گرامی سرکار خانم مؤمن دوست

با نهایت تأسف درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت عرض نموده، برای شما صبر و شکیبایی و برای آن مرحوم از درگاه خداوند علو درجات را خواستاریم.

پزشکان بیهوشی و پرسنل اتاق عمل بیمارستان قائم کرج

آگهی تغییرات شرکت مهندسی طرح و ساخت مدیریت ایرانیان سهامی خاص به شماره ثبت ۳۴۸۲۹۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۹۶۲۸۸۳

به‌استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۰۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱- اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند: آقای سید مجید برهانی به‌شماره ملی ۶۵۹۹۷۹۸۵۲۷ به سمت رئیس هیئت مدیره و آقای احمدرضا شفیع‌پور مطلق به‌شماره ملی ۰۰۴۷۵۱۰۳۵۸ به‌سمت عضو هیئت مدیره و شرکت خدمات مدیریت ایرانیان سهامی خاص با نمایندگی آقای فرشاد پرچمی به‌سمت نایب رئیس هیئت مدیره و اقای احمدرضا شفیع‌پور مطلق به‌شماره ملی ۰۰۴۷۵۱۰۳۵۸ به‌سمت مدیرعامل. ۲- کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک – سفته – بروات – قراردادها و عقود اسلامی با امضاء مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره متفقاً همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و مراسلات اداری با امضا مدیرعامل به تنهایی همراه با مهر شرکت معتبر است. در تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۳۰ ذیل دفتر ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.

اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری ـ واحد ثبتی تهران

کد ۱۸۲۶۰۲۲

آگهی تغییرات شرکت مهندسی طرح و ساخت مدیریت ایرانیان سهامی خاص به شماره ثبت ۳۴۸۲۹۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۹۶۲۸۸۳

به‌استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۰۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱- موسسه حسابرسی اندیشمند تدبیر به‌عنوان بازرس اصلی، آقای ولی اله کریمی به‌شماره ملی ۰۰۴۰۸۴۷۶۹۱ به‌عنوان بازرس علی‌البدل برای یک‌سال مالی انتخاب گردیدند. ۲- روزنامه کثیرالانتشار «اطلاعات» جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد. ۳- اعضاء هیئت مدیره تا تاریخ ۱۳۹۳/۱۰/۰۵ به‌قرار ذیل انتخاب گردیدند: آقای سید مجید برهانی به‌شماره ملی ۶۵۹۹۷۹۸۵۲۷ و اقای احمدرضا شفیع‌پور مطلق به‌شماره ملی ۰۰۴۷۵۱۰۳۵۸ و شرکت خدمات مدیریت ایرانیان سهامی خاص به شماره ثبت ۱۶۷۵۵۵ با نمایندگی آقای فرشاد پرچمی تا تاریخ ۱۳۹۳/۱۰/۰۵.
۴- ترازنامه و حساب‌های سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۰/۱۲/۲۹ به‌تصویب رسید. در تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۳۰ ذیل دفتر ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.

اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری ـ واحد ثبتی تهران

کد ۱۸۲۶۰۲۱

آگهی تصمیمات در شرکت مجتمع صنعتی آرتاویل تایر سهامی عام به‌شماره ثبت ۶۳۹۳۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۰۸۹۲۰۰

به‌موجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۹/۲۵ علی شکوری گرکانی به ش ملی ۰۰۸۲۰۰۴۵۱۱ به‌جای کامبیز شارق نژاد به نمایندگی از شرکت بیمه رازی به‌شناسه ملی ۱۰۱۰۲۴۲۵۱۰۳ به‌سمت عضو اصلی هیئت مدیره برای بقیه مدت تصدی تعیین گردیدند.

اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری ـ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

۹۱/۲۱۱۱۸۱

آگهی تصمیمات شرکت الحاوی سهامی عام به‌شماره ثبت ۱۰۶۲۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۲۸۰۸۴

به‌استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۹۱/۴/۲۰ اساسنامه جدیدی مشتمل بر ۵۶ماده و ۱۱ تبصره به‌تصویب رسید و جایگزین اساسنامه قبلی گردید.

اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری ـ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

۹۱/۲۱۰۳۴۴

آگهی تغییر محل شرکت سنگر گچ ساوه سهامی خاص به‌شماره ثبت ۱۰۴۱۳۹ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۶۳۵۱۶۲

به‌استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۱/۷ محل شرکت به تهران سعادت‌آباد چهارراه سرو بلوار پاکنژاد بوستان ششم پلاک ۵کدپستی ۱۹۹۸۹۹۹۹۵۳ منتقل گردید.

اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری ـ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

آگهی تصمیمات در شرکت خدمات مدیریت ایرانیان سهامی خاص ثبت شده به‌شماره ۱۶۷۵۵۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۰۰۸۱۶

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۱۰/۶ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۱۰/۱۰ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۰ به‌تصویب رسید. موسسه حسابرسی کاربرد ارقام به‌شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۶۴۸۱۹ به‌سمت بازرس اصلی و رضا معظمی به کدملی ۴۲۸۴۵۷۳۶۵۹ به‌سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک‌سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: احمد رضا شفیع‌پور مطلق به کدملی ۰۰۴۷۵۱۰۳۵۸ – فرشاد پرچمی به کدملی ۱۷۵۳۳۸۹۹۶۸ – سید مجید برهانی به کدملی ۶۵۹۹۷۹۸۵۲۷ – به‌موجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۱۰/۶ احمدرضا شفیع‌پور مطلق به‌سمت رئیس هیئت مدیره و فرشاد پرچمی به‌سمت نایب رئیس هیئت مدیره و سید مجید برهانی به‌سمت مدیرعامل تعیین گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور از جمله چک، سفته، برات و قراردادها و عقود اسلامی با امضاء مدیرعامل و رئیس هیات مدیره متفقاً همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و مراسلات با امضاء مدیرعامل به تنهایی همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری ـ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

۹۱/۲۰۸۲۲۷

آگهی تصمیمات شرکت توسعه کشت دانه‌های روغنی به شماره ثبت ۱۱۳۰۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۴۷۸۰۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۹۱/۹/۱۴ به موضوع شرکت تأسیس آزمایشگاهی کنترل کیفیت مواد غذایی و فرآورده‌های کشاورزی انجام فعالیت‌های آزمایشگاهی و ارائه خدمات کنترل کیفی و تحقیقاتی در زمینه‌های مرتبط با محصولات غذایی و کشاورزی به متقاضیان الحاق گردید و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ـ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

۹۱/۲۰۴۱۱۱۸

آگهی تصمیمات شرکت حمل و نقل داخلی صنایع سهامی خاص به شماره ثبت ۷۲۵۰۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۷۴۱۷۲

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۱/۴/۲۷ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۹/۱۳ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۰ به تصویب رسید. مؤسسه حسابرسی و خدمات مدیریتی رهیافت و همکاران به شم ۱۰۳۸۰۰۷۶۴۶۰ به سمت بازرس اصلی و یونس سلامی به کم ۵۰۵۹۹۰۱۲۵۴ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. اعضاء هیئت‌مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: عباسعلی نامی به کم ۵۰۵۹۸۸۶۳۱۱ به نمایندگی از شرکت حمل و نقل بین‌المللی ترخیص صنایع آریا به شم ۱۰۱۰۱۷۳۱۷۴۰ شاهرخ قورچیان به کم ۵۰۸۹۷۵۶۶۱۹ و محمدحسین اردستانی به کم ۰۳۸۱۹۷۲۰۸۹

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ـ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

۹۱/۲۱۵۴۱۶

آگهی تصمیمات شرکت کارخانجات نساجی فردوس سهامی خاص به شماره ثبت ۱۹۸۵۸۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۴۰۴۰۹۷

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۰/۱۱/۲۶ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۵/۲۲ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۹۰/۷/۳۰ به تصویب رسید. مؤسسه آزموده کاران به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۶۸۶۰۰ به سمت بازرس اصلی و علی‌اصغر فرخ به ش‌ملی ۰۰۴۸۶۵۰۰۱۳ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ـ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

۹۱/۲۱۵۵۴۵

آگهی تصمیمات شرکت مهر ساصنعت هوشمند به شماره ثبت ۲۰۳۸۹۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۴۵۵۸۲۷

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۹/۱ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۱۰/۲ واصل گردید: حامد معیری کاشانی به کم ۰۰۷۰۰۲۷۳۲۳ به سمت بازرس اصلی و حمید مجمع ایزدی به کم ۰۰۸۳۰۵۱۵۶۲ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. اعضاء هیئت‌مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: مهرداد سرکار حسینی به کم ۱۸۱۷۴۵۶۵۳۹ به سمت رئیس هیئت مدیره، و مدیرعامل و مهرناز تارخ به کم ۲۵۹۴۲۴۱۳۱۸ به سمت نایب رئیس هیئت‌مدیره، مهردخت سرکار حسینی به کم ۱۸۱۸۴۷۴۴۶۸ به سمت عضو هیئت‌مدیره تعیین گردیدند. کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک، سفته، برات و عقوداسلامی با امضاء مدیرعامل به تنهایی همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ـ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

۹۱/۲۱۳۷۹۶

آگهی تغییرات شرکت جهاد تحقیقات آب و انرژی سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۲۲۹۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۲۰۶۹۱۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۱۰/۱۰ و هیئت‌مدیره مورخ ۹۱/۱۰/۱۲ مؤسسه جهاد تحقیقات به ش‌ش ۱۰۱۰۰۳۳۶۲۷۰ به نمایندگی علیرضا سائلی به کم ۵۶۰۹۴۶۱۵۲۹ به سمت رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل و شرکت جهاد تحقیقات سهند به شم ۱۰۲۰۰۱۲۷۹۱۹ به نمایندگی علی عزتی به کم ۴۵۵۹۶۴۹۷۳۱ به سمت عضو هیئت مدیره و شرکت جهاد تحقیقات طوس به شم ۱۰۳۸۰۲۴۶۴۰۱ به نمایندگی آقارضا فتوحی به کم ۴۰۷۱۰۵۰۶۱۶ به سمت نائب‌رئیس هیئت‌مدیره برای بقیه مدت تصدی تعیین شدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور با امضاء مدیرعامل و یکی از اعضاء هیئت‌مدیره متفقاً همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ـ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

۹۱/۲۱۵۱۴۸

آگهی تصمیمات شرکت ملی خدماتی تدارک سهامی خاص به شماره ثبت ۵۶۶۴۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۰۱۷۳۸۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۹۱/۱۰/۵ بند ۲۰ اساسنامه به شرح ذیل تغییر یافت و ماده فوق اصلاح گردید. سال مالی شرکت از اول بهمن ماه هر سال تا پایان دی ماه خواهد بود.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ـ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

۹۱/۲۱۰۵۹۶

آگهی تصمیمات شرکت سام الکترونیک سهامی خاص به شماره ثبت ۱۲۴۲۴۷ و شناسه ملی ۱۰۱۱۶۷۷۰۹۹

طبق صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده و عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۸/۱۷ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۸/۲۳ واصل گردید: اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: محمدحسین برخوردار به کد ملی ۳۲۵۵۶۶۷۰۱۱ ـ حمید اسکندری به کد ملی ۱۵۳۲۴۹۰۲۱۶ ـ یعقوب قائمی به کد ملی ۰۰۴۷۰۸۸۴۸۶ ـ آرین رئیسیان به کد ملی ۰۰۴۹۵۱۷۳۲۵ ـ تعداد اعضای هیأت مدیره ۳ تا ۵ نفر می‌باشد و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح شد.

اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری ـ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

۹۱/۲۰۶۱۵۴

آگهی تغییرات شرکت مشاورین سرمایه‌گذاری ثمر سهامی خاص به شماره ثبت ۳۳۳۹۷۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۷۵۷۱۸۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۱/۰۴/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱ـ موسسه حسابرسی آئین محاسبان امین به عنوان بازرس اصلی، آقای کامران خدائی به شماره ملی ۰۰۴۹۱۹۲۰۵۱ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند.
۲ـ روزنامه کثیرالانتشار «اطلاعات» جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد.
۳ـ اعضاء هیئت مدیهر تا تاریخ ۱۳۹۳/۰۴/۲۷ به قرار ذیل انتخاب گردیدند:
آقای علی ترامشلو به شماره ملی ۴۶۰۹۵۸۵۰۷۳ و آقای محمد ترامشلو به شماره ملی ۰۰۷۱۷۳۰۶۷۲ و آقای محمدحسین برخوردار به شماره ملی ۳۲۵۵۶۶۷۰۱۱ و آقای حمیدرضا پورقاضی به شماره ملی ۱۲۸۴۵۳۹۸۶۵ و شرکت سام گروه سهامی خاص با نمایندگی آقای حمیدرضا هاشم‌نیا تا تاریخ ۱۳۹۳/۰۴/۲۷.
۴ـ ترازنامه و حساب‌های سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۰/۱۲/۲۹ به تصویب رسید.
در تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۲۰ ذیل دفتر ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.

اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری ـ واحد ثبتی تهران

کد: ۱۷۹۴۳۳

آگهی تغییرات شرکت مشاورین سرمایه‌گذاری ثمر سهامی خاص به شماره ثبت ۳۳۳۹۷۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۷۵۷۱۸۰

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۱/۰۴/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱ـ سمت اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند:
آقای علی ترامشلو به شماره ملی ۴۶۰۹۵۸۵۰۷۳ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره و آقای محمد ترامشلو به شماره ملی ۰۰۷۱۷۳۰۶۲ به سمت عضو هیئت مدیره و آقای محمدحسین برخوردار به شماره ملی ۳۲۵۵۶۶۷۰۱۱ به سمت عضو هیئت مدیره و آقای حمیدرضا پورقاضی به شماره ملی ۱۲۸۴۵۳۹۸۶۵ به سمت عضو هیئت مدیره و شرکت سام گروه سهامی خاص با نمایندگی آقای حمیدرضا هاشم‌نیا به سمت رئیس هیئت مدیره و آقای علی نجفیان رضوی به شماره ملی ۰۹۴۰۴۶۵۵۹۰ (خارج از اعضاء هیئت مدیره) به سمت مدیرعامل تا تاریخ ۱۳۹۳/۰۴/۲۷.
۲ـ کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور از قبیل چکها ـ سفته‌ها بروات و قراردادها با امضای مدیرعامل یا رئیس هیئت مدیره بطور ثابت به اتفاق یکی دیگر از اعضای هیئت مدیره به همراه مهر شرکت معتبر و نیز اسناد و مکاتبات عادی با امضای منفرد مدیرعامل و مهر شرکت معتبر خواهد بود. در تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۲۰ ذیل دفتر ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.

اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری ـ واحد ثبتی تهران

کد: ۱۷۹۴۳۴۲

آگهی انحلال شعبه شرکت خارجی آلدوس آیشلرجی ام بی‌اچ به شماره ثبت ۲۶۶۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۹۶۰۹۰

باستناد نامه شماره ۴۳۷/ف/۹۱ مورخ ۹۱/۱۰/۴ صورتجلسه و بموجب مستندات ضمیمه شرکت مذکور منحل اعلام وارشیانوری بهادری به ک م ۳۳۹۱۵۸۲۳۸۳ بسمت مدیر تصفیه انتخاب و نشانی محل تصفیه تهران پاسداران ابتدای خ وفامنش ساختمان ارگ تجارت پ ۱۰ ط ۳ واحد ۴ ک پ ۱۶۶۸۷۴۳۸۱۶ می‌باشد.

اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری ـ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

۹۱/۲۰۶۱۵۰

آگهی تصمیمات شرکت صنایع تاسیسات و تهویه ایران سهامی خاص به شماره ثبت ۲۱۷۲۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۷۲۸۲۵

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۸/۲۳ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۱۰/۱۲ واصل گردید: اعضاء هیئت مدیره به مدت دو سال بقرار ذیلا نتخاب گردیدند: همایون جلالیان به ک م ۰۰۴۳۶۵۸۶۸۷ و مجید بقائی به ک م ۱۲۴۹۸۷۹۱۳۲ و محمد هاشم میرزائی به ک م ۰۰۴۳۶۱۷۲۹۸ و رضا بزرگی به ک م ۲۶۵۹۵۲۸۲۶۸ و علی اصغر نایبی به ک م ۴۱۷۱۹۴۳۵۲۳ که بموجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۸/۲۳ مجید بقائی بسمت رئیس هیئت مدیره و محمدهاشم میرزائی بسمت نایب رئیس هیئت مدیره و همایون جلالیان بسمت مدیرعامل تعیین گردیدند و امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک و سفته و برات با امضا مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره و یا نائب رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر است.

اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری ـ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

۹۱/۲۱۲۵۷۴

آگهی تصمیمات شرکت مواد اولیه دارویی تهران شیمی سهامی خاص ثبت شده به شماره ۱۹۷۳۰۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۳۹۱۵۹۵

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۸/۲ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۱۰/۹ واصل گردید: اعضاء هیئت‌مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: محمد پرنیان‌پور به کدملی ۰۰۳۳۳۴۱۰۸۷ مجید ثابتی به کدملی ۰۴۵۰۹۶۵۰۸۲ به سمت اعضای هیأت‌مدیره و سعید سعیدی‌نژاد به کدملی ۰۰۴۲۸۳۹۱۲۲به سمت رئیس هیئت‌مدیره و علی مهرآمیزی به کدملی ۰۰۳۹۴۲۹۷۶۸به سمت نایب رئیس هیئت‌مدیره و محمودرضا سعیدی‌نژاد به کدملی ۰۴۵۲۴۳۷۲۸۸ به سمت مدیرعامل تعیین گردیدند. تعداد اعضای هیأت‌مدیره ۵ نفر می‌باشد و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ـ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

۹۱/۲۰۵۰۲۲

آگهی تغییر محل شرکت منحله گوهر صنعت دنیا در حال تصفیه سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۲۱۰۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۷۶۳۹۳۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۹۱/۸/۲۷ محل تصفیه به میدان آرژانتین ابتدای خ شهید احمد قصیر پ۶۲ط۲ واحد جنوبی ک پ ۱۵۱۳۹۱۴۶۱۱ تغییر یافت.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ـ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

۹۱/۲۱۴۱۳۷

آگهی تصمیمات شرکت مواد صنعتی و تجهیزات ردا کیمیا سهامی خاص به شماره ثبت ۱۷۱۵۳۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۳۹۸۹۴

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۹/۱۵ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۱۰/۱۳ واصل گردید: اعضاء هیئت‌مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: احمد سید عبدالسلام محمد دارنده گذرنامه شماره ۲۴۴۹۴۲ حسام‌الدین معتمد خلعتبری به کم ۰۰۴۷۲۹۰۲۹۳ حمید فتحعلی‌زاده به کم ۰۰۳۳۸۸۵۹۳۱ به موجب صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۹۱/۹/۱۵ احمد سید عبدالسلام محمد به سمت رئیس هیئت‌مدیره، حمید فتحعلی‌زاده به سمت نایب رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل تعیین گردیدند. امضاء کلیه اسناد تعهدآور از جمله چک، سفته، برات و سایر اوراق بهادار و همچنین مراسلات و اوراق عادی شرکت با امضاء منفرد احمد سیدعبدالسلام محمد و یا حمید فتحعلی‌زاده همراه با مهر معتبر می‌باشد.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ـ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

۹۱/۲۱۴۱۹۹

آگهی تصمیمات شرکت نفت طاهرین سهامی خاص به شماره ثبت ۲۱۹۲۳۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۶۰۵۵۲۵

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۱۰/۱۳ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۱۰/۲۰ واصل گردید: محمد صالح‌پور سیدی به کم ۳۰۳۱۷۷۴۱۱۶ عضو جایگزین عبدالوهاب قاضی به کم ۳۴۴۱۳۹۱۵۸ برای بقیه مدت تصدی هیئت‌مدیره تعیین گردیدند.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ـ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

۹۱/۲۱۳۴۲۹

آگهی تغییرات شرکت فوژان راهبران سهامی خاص به شماره ثبت ۳۹۴۸۸۶ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۴۵۶۹۶۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۱/۷/۱۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ـ آقای علیرضا جبه‌داری به شماره ملی ۰۰۶۰۷۲۴۹۷۸ به عنوان بازرس اصلی، آقای حمید اثناعشری به شماره ملی ۰۰۴۲۷۱۸۶۵۱ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند.۲ـ اعضاء هیئت‌مدیره تا تاریخ ۱۳۹۳/۷/۱۷ به قرار ذیل انتخاب گردیدند: آقای ابوالحسن رامین‌فر به شماره ملی ۱۲۸۶۲۵۸۹۷۹ و خانم نیلوفر پنکار به شماره ملی ۰۰۵۷۲۸۴۷۱۷ و آقای اربل آقاخانیان به شماره ملی ۰۰۷۰۸۳۶۸۵۱ و خانم فریده محمودفیروزآبادی به شماره ملی ۴۰۷۲۱۰۱۳۱۱ و خانم رها رامین‌فر به شماره ملی ۰۰۶۷۳۷۸۰۲۱ تا تاریخ ۱۳۹۳/۷/۱۷. ۳ـ ترازنامه و حساب‌های سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۰/۱۲/۲۹ به تصویب رسید. ۴ـ سمت اعضاء هیئت‌مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند: آقای ابوالحسن رامین‌فر به شماره ملی ۱۲۸۶۲۵۸۹۷۹ به سمت رئیس هیئت‌مدیره و خانم نیلوفر پنکار به شماره ملی ۰۰۵۷۲۸۴۷۱۷ به سمت نائب رئیس هیئت‌مدیره و آقای اربل آقاخانیان به شماره ملی ۰۰۷۰۸۳۶۸۵۱ به سمت عضو هیئت‌مدیره و خانم فریده محمود فیروزآبادی به شماره ملی ۴۰۷۲۱۰۱۳۱۱ به سمت عضو هیئت‌مدیره و خانم رها رامین‌فر به شماره ملی ۰۰۶۷۳۷۸۰۲۱ به سمت عضو هیئت‌مدیره و خانم نارینه ازلبار به شماره ملی ۰۰۶۴۴۶۳۱۶۸ (خارج از اعضاء هیئت‌مدیره) به سمت مدیرعامل تا تاریخ ۱۳۹۳/۷/۱۷. ۵ـ کلیه اوراق بهادار (چک، سفته، برات) و قراردادهای تعهدآور با امضای ۲ نفر از ۳ نفر رئیس هیئت‌مدیره نائب رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل همراه با مهر شرکت و مکاتبات عادی با امضای هر یک از اعضای هیئت‌مدیره همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود. در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۳ ذیل دفتر ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ـ واحد ثبتی تهران

کد: ۱۸۲۶۱۷۷

آگهی انحلال شرکت فرهنگ معاصر سهامی خاص ثبت شده به شماره ۶۷۲۰۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۲۱۵۸۰

باستناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۹۱/۹/۳۰ شرکت مذکور منحل اعلام و داود موسائی به ک م ۱۱۸۹۲۹۴۲۲۲ به سمت مدیر تصفیه انتخاب و نشانی محل تصفیه تهران خ انقلاب خ دانشگاه شماره ۱۵۴ ک پ ۱۳۱۴۷۶۴۶۶۷ می‌باشد.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ـ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

۹۱/۲۰۶۶۲۲

آگهی تصمیمات شرکت شمشه سهامی خاص به شماره ثبت ۷۱۰۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۲۴۰۳۱

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۹/۲۰ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۱۰/۱۱ واصل گردید: مؤسسه حسابرسی آمارگران پاسارگاد به شناسه ملی ۱۰۱۰۴۰۰۳۵۵۰ به سمت بازرس اصلی و نوشین شاپورزاده به ش‌ملی ۰۰۶۸۷۴۹۹۸۸ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. اعضاء هیئت‌مدیره به مدت دو سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: فضل‌اله سیدایمانی به ش‌ملی ۰۰۳۱۷۶۰۵۴۶ و فضلعلی سیدایمانی به ش‌ملی ۰۰۴۱۱۱۳۲۷۶ و الناز سیدایمانی به ش‌ملی ۰۰۶۷۲۸۳۴۶۲ و مانی سیدایمانی به ش‌ملی ۰۰۸۰۱۴۳۵۹۸ به موجب صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۹۱/۹/۲۰ فضلعلی سیدایمانی به سمت رئیس هیئت‌مدیره و الناز سیدایمانی به سمت نایب رئیس هیئت‌مدیره و فضل‌اله سیدایمانی به سمت مدیرعامل تعیین گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور با امضا مشترک رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر است.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ـ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

۹۱/۲۱۴۲۵۲

آگهی تغییر محل شرکت کارخانجات پارس ماشین سهامی خاص به شماره ثبت ۹۳۸۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۹۱۳۸۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۹۱/۱۰/۴ محل شرکت به تهران خ انقلاب خ استاد نجات‌اللهی ـ نبش کوچه نیکخواه پ ۲ ط ۳ ک‌پ ۱۵۹۹۹۱۴۷۱۳ منتقل گردید. در نتیجه ماده مربوطه در اساسنامه به شرح فوق اصلاح گردید.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ـ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

۹۱/۲۱۳۰۹۱

آگهی تغییرات شرکت بین‌المللی توسعه صنایع و معادن غدیر سهامی خاص به شماره ثبت ۴۰۸۱۹۲ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۵۸۵۹۸۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۱/۹/۱۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱ـ مؤسسه حسابرسی و خدمات مدیریت رهبین به عنوان بازرس اصلی، آقای حسین شیخ‌سفلی به شماره ملی ۰۴۵۳۰۰۳۱۲۵ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند.
۲ـ روزنامه کثیرالانتشار «اطلاعات» جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد.
۳ـ ترازنامه و حساب‌های سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۱/۶/۳۱ به تصویب رسید.
در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۳ ذیل دفتر ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ـ واحد ثبتی تهران

کد: ۱۸۲۶۸۹۹

آگهی تاسیس شرکت آروین سازه وطن سهامی خاص

شرکت فوق در تاریخ ۱۳۹۲/۰۲/۱۵ تحت شماره ۴۳۸۶۰۷ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۶۸۰۵۰ در این اداره به ثبت رسیده و در تاریخ ۱۳۹۲/۰۲/۱۵ از لحاظ امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده و خلاصه اظهارنامه آن به شرح زیر جهت اطلاع‌عموم در روزنامه‌های رسمی و کثیرالانتشار اطلاعات آگهی می‌شود.
۱ ـ موضوع شرکت: در برگیرنده امور پیمانکاری مربوط به ساخت ساختمان‌ها و ابنیه اعم از چوبی،آجری، سنگی، بتنی و فلزی پس از اخذ مجوز ـ خرید و فروش و صادرات و واردات کلیه کالاهای مجاز بازرگانی ـ ترخیص کالا از گمرکات کشور ـ اخذ و اعطای نمایندگی به اشخاص حقیقی و حقوقی در داخل و خارج از کشور ـ انعقاد قرارداد با اشخاص حقیقی و حقوقی در داخل و خارج از کشور ـ شرکت در نمایشگاه‌ها و همایش‌های عمومی و تخصصی داخلی و خارجی ـ اخذ وام تسهیلات از بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری دولتی و خصوصی ـ تاسیس شعبه در سراسر کشور ـ شرکت در مزایده‌ها و مناقصه‌های دولتی و خصوصی.
۲ ـ مدت شرکت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود.
۳ ـ مرکز اصلی شرکت: ۱ـ۳ـ استان تهران ـ شهر تهران خیابان انقلاب ـ بعد از وصال شیرازی ـ جنب سینما سپیده ـ کوچه اسکو ـ ساختمان اسکو طبقه چهارم واحد ۲۳ ـ کد پستی ۱۴۱۷۸۳۳۳۳۷
۴ـ سرمایه شرکت: مبلغ ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به سیصد سهم ۱۰۰/۰۰۰ ریالی که تعداد سیصد سهم با نام می‌باشد که مبلغ ۱۰/۵۰۰/۰۰۰ ریال توسط موسسین طی گواهی بانکی شماره ۶۵۰۲۹ مورخ ۱۳۹۲/۰۱/۲۸ نزد بانک ملت شعبه میدان فرهنگ پرداخت گردیده است و الباقی سرمایه در تعهد صاحبان سهام می‌باشد.
۵ ـ اولین مدیران شرکت: ۱ـ۵ ـ خانم توران کاهکی به شماره ملی ۰۰۴۵۲۴۵۲۹۰ به سمت رئیس هیئت مدیره. ۲ـ۵ ـ خانم فاطمه آجودانی به شماره ملی ۰۰۱۱۸۸۳۰۴۹ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره. ۳ ـ۵ ـ آقای داریوش آجودانی به شماره ملی ۱۶۳۹۶۴۹۶۳۸ به سمت عضو هیئت مدیره.
۴ ـ ۵ ـ آقای داریوش آجودانی به شماره ملی ۱۶۳۹۶۴۹۶۳۸ به سمت مدیرعامل به مدت ۲ سال انتخاب گردیدند. ۶ ـ دارندگان حق امضاء: کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور، بانکی، قراردادها و عقود اسلامی و سایر نامه‌های عادی و اداری با امضای مدیرعامل یا رئیس هیئت مدیره هر یک به تنهایی همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.
۷ ـ اختیارات مدیرعامل: طبق اساسنامه
۸ ـ بازرس اصلی و علی‌البدل:
۱ـ۸ ـ خانم صغری ترک‌زاده ماهانی به شماره ملی ۶۰۷۹۴۴۱۷۲۱ به عنوان بازرس اصلی
۲ـ۸ ـ خانم پروین پورمحمدیان لنگرودی به شماره ملی ۲۷۰۹۲۳۴۸۲۳ به عنوان بازرس علی‌البدل

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری ـ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

۰۹۸۱۶۱۱ – ۳۲۵۸۷/م‌الف

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ مؤسسه اطلاعات
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سردبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت جنوبی - ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

اطلاعات

سال هشتاد و هشتم

تقویم اطلاعات
سه شنبه ۲۲ مرداد ۱۳۹۲
۵ شوال ۱۴۳۴ ـ ۱۳ آگوست ۲۰۱۳

ظهر شرعی	۱۳ و ۰۹ دقیقه
غروب آفتاب	۱۹ و ۵۶ دقیقه
اذان مغرب	۲۰ و ۱۵ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۰ و ۲۳ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۴ و ۵۰ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۶ و ۲۲ دقیقه

تشکیلات خودگردان فلسطین دور دوم مذاکرات صلح را تحریم می کند

سرویس خارجی: در پی ادامه شهرک سازی‌های رژیم صهیونیستی، مسئولان فلسطینی مذاکراتی را برای پایان دادن به گفتگوهای بی‌نتیجه صلح با اسرائیل، آغاز کردند. یک مقام مسئول در تشکیلات خودگردان فلسطین به خبرگزاری آلمان گفت: هیات مذاکره کننده فلسطینی تماس‌هایی با محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین برقرار کرده تا تصمیمی فوری در خصوص اقدام اخیر اسرائیل در ساخت ۱۰۰۰ واحد مسکونی جدید در شهرک‌های یهودی نشین واقع در قدس و کرانه باختری، اتخاذ کند. این مسئول بلندپایه جنبش فتح که خواست نامش فاش نشود گفت: مذاکرات فشرده‌ای هم اکنون میان هیات مذاکره کننده فلسطینی و رهبران فلسطین در جریان است تا در صورت توافق همه گروه‌ها، فلسطینیان از شرکت در دور دوم مذاکرات صلح خودداری کنند. از سوی دیگر مرکز اطلاع رسانی فلسطین اعلام کرد محمود عباس و دیگر مقامات فلسطینی برای بررسی مساله مشارکت یا تحریم دور دوم مذاکرات صلح، به شکل فوق‌العاده تشکیل جلسه خواهند داد. به گفته مسئولان فلسطینی به احتمال زیاد بیشتر اعضای کمیته اجرایی سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) و کمیته مرکزی جنبش فتح از تحریم دور دوم مذاکرات صلح که قرار است فردا برگزار شود، حمایت می‌کنند. مقامات فلسطینی طرح اخیر شهرک سازی رژیم صهیونیستی را گامی در راستای تضعیف مذاکرات صلح می‌دانند و به گفته مسئولان تشکیلات خودگردان، تماس‌هایی نیز با طرف آمریکایی و اروپایی صورت می‌گیرد تا آنها در جریان تصمیم اخیر صهیونیست‌ها قرار گیرند. بنا بر این گزارش، مسئولان آمریکایی و اروپایی در واکنش به انتشار این اخبار، با صائب عریقات مذاکره کننده ارشد تشکیلات خودگردان تماس گرفته‌اند تا از میزان جدیت فلسطینی‌ها در تحریم مذاکرات اطلاع یابند. دراین حال یک مقام مسئول تشکیلات خودگردان فلسطین و عضو تیم مذاکره کننده فلسطینی ها گفت موافقت رژیم صهیونیستی با احداث واحدهای جدید مسکونی نشان دهنده عدم جدیت این رژیم در مذاکرات صلح است. «محمد اشتیه» تصمیم وزارت اسکان رژیم صهیونیستی برای اعطای مجوز ساخت بیش از ۱۰۰۰ واحد مسکونی در کرانه باختری و قدس شرقی را محکوم کرد. ازسوی اتحادیه اروپا در واکنش به مصوبه اخیر وزارت مسکن اسرائیل، شهرک‌سازی‌های جدید در کرانه باختری را غیرقانونی و تهدیدی برای موفقیت مذاکرات سازش خواند. «مایکل مان» سخنگوی کاترین اشتون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در واکنش به مصوبه وزارت مسکن اسرائیل گفت: شهرک‌های اسرائیلی بر اساس حقوق بین‌الملل غیرقانونی است و این تهدید را ایجاد می‌کند که دستیابی راهکار دو دولتی اسرائیل – فلسطین غیرممکن شود. روزنامه صهیونیستی «هاآرتص» نیز در یادداشتی ضمن انتقاد از سیاست‌های بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل در مورد مذاکرات سازش، نوشت: او هنوز تصمیم خود را برای ورود جدی به این مذاکرات اتخاذ نکرده است. این روزنامه نوشت: نخست‌وزیر اسرائیل هنوز به دنبال صلح نیست و هرگاه قدمی در این جهت برمی‌دارد، چند گام هم رو به عقب حرکت می‌کند. خبر دیگر اینکه مذاکره کننده ارشد اسرائیل در مذاکرات سازش با فلسطینی‌ها از دستورالعمل‌ها و مقررات اتحادیه اروپا در زمینه شهرک سازی‌ها انتقاد کرد. زیپی لیونی بعد از دیدار با وزیر خارجه آلمان گفت روابط اسرائیل و اتحادیه اروپا تحت تاثیر منازعه اسرائیل – فلسطین است. لیونی با انتقاد از مواضع اروپا در زمینه شهرک سازی‌ها گفت: آینده مرزهای اسرائیل و فلسطین از طریق مذاکرات مشخص و تصمیم گیری خواهد شد نه توسط دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا. گفتنی است طبق دستورالعمل جدید اتحادیه اروپا نهادهای خصوصی و دولتی اسرائیل واقع در کرانه باختری رود اردن، شرق بیت المقدس و بلندی‌های جولان از سال آینده میلادی از دریافت کمک مالی اتحادیه اروپا محروم خواهند شد و هرگونه ارتباط یا امضای موافقتنامه تجاری با آنها ممنوع است.

موافقت با آزادی اسرا

کمیته ویژه کابینه رژیم صهیونیستی با لیست نهایی ۲۶ اسیر فلسطینی که قرار است در اولین مرحله آزادی اسرا آزاد شوند، موافقت کرد. این اولین گام در آزادی اسرای فلسطینی‌ای است که قرار است در چارچوب مذاکرات سازش و به عنوان امتیاز اسرائیل به تشکیلات خودگردان، آزاد شوند. در مجموع قرار است ۱۰۴ اسیر فلسطینی در چند مرحله آزاد شوند. آزادی اسرای فلسطینی، توقف شهرک‌سازی‌ها و مبنا قرار گرفتن مرزهای سال ۱۹۶۷ در مذاکرات، سه شرط اصلی بود که محمود عباس برای ورود به مذاکرات سازش تعیین کرده بود. ازسویی وزارت اسرا و آزادشدگان فلسطین جزئیات جدیدی درباره اسرایی که قرار است امروز آزاد شوند، اعلام کرد. ۲۶ اسیر فلسطینی که قرار است امروز آزاد شوند، شامل اسرای قدیمی که از پیش از توافقنامه اسلو و تاسیس تشکیلات خودگردان در تاریخ چهارم می ۱۹۹۴ به اسارت گرفته شده بودند به اضافه یک اسیری است که اوایل انتفاضه الاقصی در سال ۲۰۰۱ اسیر شد.

این اسرا شامل ۱۵ اسیر از نوار غزه و ۱۱ اسیر از کرانه باختری است که به گروه‌های ملی و اسلامی مختلف اعم از فتح، جبهه خلق، جبهه دموکراتیک، جهاد اسلامی و حماس منتسب هستند اما بیشتر این اسرا از جنبش فتح هستند که همگی آزاد شده و به خانه‌ها و محل زندگی خود بازمی گردند. دراین حال رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین اعلام کرد آزادی اسرا بویژه کسانی که پیش از امضای توافقنامه اسلو به اسارت در آمده‌اند، فرصت تحقق صلح را تقویت می کند. محمود عباس افزود: همه اسرایی که پیش از سال ۱۹۹۴ به اسارت درآمده‌اند اعم از اسرای قدس و اراضی ۱۹۴۸ طی چهار مرحله در آینده آزاد خواهند شد و هیچ اسیری تبعید نخواهد شد. وی بر تداوم تلاش برای آزادی همه اسرا تاکید و تصریح کرد قضیه اسرا در اولویت رهبران فلسطینی قرار دارد.

خبر دیگر اینکه رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا برای رایزنی در مورد ایران، سوریه و مصر وارد اسرائیل شد. اسرائیل و اردن دو مقصد سفر مارتین دمپسی به منطقه است. یک مقام وزارت دفاع آمریکا هدف از سفر دمپسی به اسرائیل را رایزنی برای افزایش همکاری‌های نظامی دو طرف اعلام کرد. این دومین بار است که دمپسی در کسوت ریاست ستاد مشترک به فلسطین اشغالی سفر می کند. در تحولی دیگر الازهر با صدور بیانیه‌ای یورش دهها شهرک‌نشین صهیونیست به صحن‌های مسجدالاقصی تحت حراست نیروهای پلیس رژیم اشغالگر و گشت‌زنی آنها در مسجدالاقصی را محکوم کرد. الازهر در بیانیه خود حاکمان عرب و مسلمان و جامعه جهانی را به اقدام سریع برای توقف تجاوزات برنامه‌ریزی شده و مستمر اسرائیل و نیز احترام گذاشتن به احساسات بیش از یک میلیارد و نیم مسلمان در جهان فراخواند.

دیدار وزیر خارجه آلمان با پرز

وزیر خارجه آلمان در دیدار با رئیس رژیم صهیونیستی بر حمایت اروپا به ویژه آلمان از سیاست‌های این رژیم تاکید کرد. در جریان دیدار «گیدو وستروله» وزیر خارجه آلمان با «شیمون پرز» رئیس رژیم صهیونیستی، طرف اسرائیلی از آلمان خواست به مخالفت با ادامه شهرک سازی پایان دهد و گفت در صورتی که وضعیت مرز میان دو طرف مشخص شود، مسئله شهرک‌سازی نیز خود به خود حل خواهد شد. وستروله نیز گفت هیچ تغییری در همکاری اتحادیه اروپا با اسرائیل به وجود نیامده و کشورش به همکاری با اسرائیل ادامه خواهد داد.

آماده‌باش هواداران مرسی همزمان با پایان مهلت ارتش مصر به اخوان‌المسلمین

سرویس خارجی: بانزدیک شدن به مهلت نهایی دولت مصر برای پایان دادن به تحصن طرفداران محمد مرسی در میدان رابعه‌العدویه والنهضه منابع امنیتی مصر اعلام کردند که به تحصن‌های اخوان المسلمین پایان می‌دهند در حالی که گروه اخوان المسلمین به انتقال تحصن خود به میدان التحریر در مرکز قاهره اشاره و نیروهای خود را در مناطق تجمعات مسلح کرده‌است با این حال پیش‌بینی می‌شود الازهر مذاکرات ملی را آغاز کند.

در حالی که هزاران تن از طرفداران محمد مرسی با برگزاری تظاهرات مقابل منزل وزیر کشور مصر بار دیگر بازگشت مرسی را به قدرت خواستار شدند، یک منبع در وزارت کشور اعلام کرد: عملیات خاتمه دادن به تظاهرات حامیان مرسی به زودی آغاز می‌شود.

وی افزود: محمد ابراهیم، وزیر کشور مصر با شماری از معاونانش نشستی را در خصوص گزارش‌های امنیتی درباره تعداد تجمع کنندگان و تظاهراتی که در مکان‌های مختلف برگزار شده همچنین تعداد زنان و کودکان حاضر در این تظاهرات برگزار کرد. منبع مذکور ادامه داد: تمامی نیروهای امنیتی که برای پایان دادن به تظاهرات حامیان مرسی مشارکت خواهند کرد مجهز به سپر و خودروهای زرهی هستند.

وی تاکید کرد: عملیات مذکور با محاصره تجمع کنندگان و ممانعت از انتقال مواد غذایی و آشامیدنی و همچنین هشدار به تجمع کنندگان آغاز می‌شود و با استفاده از شلنگ آب پرفشار و گلوله‌های صوتی و بستن تمامی ورودی‌ها و خروجی‌ها ادامه خواهد یافت. علاوه بر این تنها یک خروجی در هر مکانی برای خروج زنان و کودکان اختصاص داده خواهد شد. شبکه خبری الجزیره نیز اعلام کرد: ۳۴ گروه از نیروهای امنیت مرکزی مصر مقر این نیروها را در قاهره به سمت اسکندریه و به طرف میدان اربعهٔ العدویه ترک کرده‌اند.

از سوی دیگر، یکی از افسران وزارت کشور مصر که خواست نامش فاش نشود، اعلام کرد: عملیات پایان دادن به تجمع طرفداران اخوان المسلمین به صورت تدریجی و در چند روز آینده پایان خواهد گرفت. یک منبع امنیتی مصر نیز گفت: به احتمال زیاد عملیات پایان دادن به تجمع طرفداران اخوان المسلمین از میدان‌های رابعهٔ العدویهٔ و النهضهٔ آغاز شود. در این حال، روزنامه الاخبار به تشریح جزئیات طرح امنیتی وزارت کشور برای پایان تحصن معترضان مصری پرداخت و از پناهندگی احتمالی رهبران اخوان المسلمین به سفارتخانه های قطر و ترکیه در قاهره خبر داد.

منابع نظامی آگاه در گفتگو با این روزنامه مصری اعلام کردند: طرح مذکور با هدف کاهش میزان خسارت‌های انسانی ارائه شده است و به موجب آن ورودی‌ها و خروجی های میادین رابعه العدویه و النهضه اماکن تحصن طرفداران اخوان المسلمین بسته خواهد شد به ویژه اینکه دستگاه های امنیتی مصر با خبر شده اند رهبران اخوان المسلمین در حال هماهنگی با سفارتخانه های ترکیه و قطر هستند تا برخی شخصیت‌های برجسته این گروه همچون محمد البلتاجی و محمد بدیع که در میدان رابعه العدویه حضور دارند به کشورهای مذکور پناهندگی سیاسی داشته باشند.

این منابع افزودند: طرح پناهندگی سیاسی به سفارتخانه های قطر و ترکیه تنها جایگزین رهبران اخوان المسلمین خواهد بود تا در صورتی که نتوانند طی ساعات آتی از میدان رابعه العدویه فرار کنند به قطر و ترکیه پناهنده شوند. پیشنهاد اول این است که این افراد با لباس های زنانه و با کمک آمبولانس از محل تحصن فرار کنند.

قطع آب و برق در میدان های رابعه العدویه و النهضه یکی از ساز و کارهایی است که برای پایان دادن به تحصن طرفداران اخوان المسلمین به کار گرفته می شود. در این طرح امنیتی از ماشینهای آب پاش و گاز اشک آور استفاده خواهد شد.

این اقدام در حالی صورت گرفت که حامیان مرسی در رابعهٔ العدویهٔ تهدید کردند در صورتی که ارتش بخواهد به تجمع آنها با استفاده از زور پایان دهد تجمع شان را به میدان التحریر منتقل می کنند.

در خصوص وضعیت میدان رابعهٔ العدویهٔ نیز منابع مصری اعلام کردند که وضعیت فوق‌العاده در این منطقه حاکم است اما در خارج از این میدان اوضاع آرام بوده و روند طبیعی خود را طی می کند.

یکی از رهبران حزب آزادی و عدالت نیز اعلام کرد: از حضور تمامی سازمان‌های بین‌المللی فعال در زمینه حقوق بشر در میدان رابعهٔ العدویهٔ به منظور اطمینان از مسالمت آمیز بودن تظاهرات استقبال می کند. در میدان النهضهٔ نیز تجمع کنندگان با برپا کردن دهها چادر به تظاهرات خود ادامه می‌دهند. علاوه بر این شماری از طرفداران مرسی با تجمع در برابر منزل سفیر اسرائیل در قاهره آنچه از آن به عنوان تجاوز به حریم هوایی مصر و حاکمیت این کشور یاد می کردند را محکوم کردند. تظاهر کنندگان همچنین از سفیر اسرائیل خواستند تا هرچه سریعتر مصر را ترک کند. جمعی از زنان حامی مرسی نیز در تظاهراتی در میدان الجلاء در جیزه با حمل تصاویر محمد مرسی و پرچم‌های مصر کودتای نظامی در این کشور را محکوم کردند.

در شهرک نصر در قاهره نیز جمعی از حامیان مرسی با خودروهای خود که روی برخی از آنها پرچم‌های مصر نصب شده بود، حمایت خود را از مرسی اعلام کردند. این در حالی است که، وزیر خارجه مصر با بیان این که اعتراضات هواداران محمد مرسی باید هرچه سریع‌تر پایان یابد، اعلام کرد که اگر امکانش وجود داشته باشد، تحصن حامیان رئیس جمهور برکنار شده مصر با مذاکره پایان می‌یابد.

نبیل فهمی، وزیر خارجه مصر در مصاحبه با شبکه بی‌بی‌سی عربی اعلام کرد: اگر امکانش وجود داشته باشد، تحصن‌ها در میدان‌های رابعهٔ العدویهٔ و النهضهٔ از طریق مذاکره پایان می‌یابد، چرا که عقلانی نیست که یک کشور دموکرات ادامه تحصن‌هایی را بپذیرد که با خشونت و لطمه زدن به امنیت شهروندان و کشور همراه است.

خبر دیگر اینکه، پایگاه صهیونیستی دبکا، در گزارشی جدید مدعی شده است که اخوان‌المسلمین به عملیات زیرزمینی روی خواهد آورد. مرکز فرماندهی تشکیلات مخفی اخوان‌المسلمین در نوار غزه واقع شده است و ریاست آن را «عزت ابراهیم»، مرد آهنین اخوان‌المسلمین بر عهده دارد.

دبکا مدعی است که عملیات در شبه جزیره سینا نیز توسط همین گروه رهبری شده و اخوانی‌ها امیدوارند که بتوانند شورش را از سینا به قاهره تسری بخشند.

از سوی دیگر، ژنرال السیسی، مجری کودتا علیه مرسی نیز به‌خوبی می‌داند که برای از بین بردن مقاومت اخوان، چاره‌ای نابودی مرکز فرماندهی اخوانی‌های در غزه ندارد. دبکا این نیاز السیسی را زمینه یک تعامل با اسرائیل دانسته است چرا که السیسی برای نابودی مرکز فرماندهی اخوان در غزه، نیازمند کمک ارتش اسرائیل است و از سوی دیگر، صهیونیست‌ها هم برای آرام کردن شبه‌جزیره سینا به ارتش مصر نیاز دارند.

این گزارش ضمن اشاره به حمله هواپیماهای بدون سرنشین اسرائیلی به شبه‌جزیره سینا با هدف از بین بردن یک سکوی پرتاب موشک، آن را بخشی از همکاری اسرائیل و کودتاچیان مصری دانسته است.

این در حالی است که، وزیر جنگ سابق رژیم صهیونیستی در گفتگویی درباره تحولات اخیر مصر و برکناری محمد مرسی اظهار نظر کرد. ایهود باراک، وزیر جنگ رژیم صهیونیستی در گفتگو با سی ان ان اظهار داشت: جهان آزاد باید از عبدالفتاح السیسی وزیر دفاع مصر و رهبران لیبرال این کشور همچون محمد البرادعی پس از برکناری محمد مرسی از قدرت حمایت کند. وی در ادامه این گفتگو درباره علت برکناری محمد مرسی از قدرت اعلام کرد: مرسی به علت اینکه به ملت خود پشت کرد، سرنگون شد.

رد طرح سلفی ها

حزب النور اعلام کرد که اخوان‌المسلمین طرح این حزب برای پایان بحران سیاسی و اعتراضات را رد کرد.

حزب النور سلفی اعلام کرد که به توافقات برای برای پایان اعتراضات در میدان رابعه العدویه و النهضه با حزب اخوان المسلمین دست یافته بود ولی این توافق مثل همیشه توسط برخی رهبران اخوان رد شد. در چنین شرایطی، گروه‌های حامی اخوان المسلمین و محمد مرسی اعلام کردند که مذاکره رو در روی السیسی با مرسی تنها راه خروج از بحران مصر است.

نبرد ارتش با شبه نظامیان در سینا

منابع نظامی مصر از کشته و زخمی شدن ۲۵ شبه نظامی مسلح، در عملیات نیروهای دولتی در شبه جزیره سیناء خبر دادند. بنا به گفته این منابع، در عملیات مذکور، که در روستای تومه، در شمال شبه جزیره سیناء انجام شد، ارتش مصر پایگاه‌های شبه نظامیان مسلح را هدف قرار داد که در پی آن دست کم ۱۵ شبه نظامی کشته و ۱۰ تن دیگر زخمی شدند.

همچنین ارتش مصر، با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: در این عملیات، یک انبار سلاح متعلق به تروریست‌ها را منهدم کرده است. در این حال، شبه‌نظامیان مقر اطلاعات ارتش مصر را در صحرای سینا با خمپاره هدف قرار دادند. از سویی، جنبش حماس ادعاهای ارتش مصر مبنی بر دست داشتن این جنبش در حوادث سینا و ناآرامی‌های این منطقه را رد کرد.

یادداشت

سایه «اسنودن» بر روابط کشورها

دکتر محمودرضا امینی

از زوایای مختلف می توان اتفاقات محیط بین‌الملل را تجزیه و تحلیل کرد. بر همین اساس اظهارات «ادوارد جوزف اسنودن» کارمند سابق سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) قابل بررسی است. وی متولد ۱۹۸۴ میلادی است و در ژوئن ۲۰۱۳ اطلاعات طبقه‌بندی شده‌ای از برنامه‌های فوق سری «ان.اس.ای» از جمله برنامه شنود «پریزم» را به «گاردین» و «واشنگتن پست» لو داد.

اقدام علیه امنیت یک کشور مشکلات عدیده‌ای را برای افراد به وجود می آورد؛ مثلا اسناد و اطلاعات محرمانه و شخصی در رسانه‌ها منعکس می شود. اسنودن پس از افشاگری‌هایش دیگر نتوانست در آمریکا اقامت داشته باشد و برای گرفتن پناهندگی از سایر کشورها دست به دامن آنها شد. بعید به نظر می‌رسد وی براساس شرارت‌های فردی چنین اقدامی را انجام داده باشد. ناگفته روشن است که به جز اسنودن، افراد دیگری نیز در سازمان اطلاعات آمریکا از این مسائل مطلع بودند، اما هیچ کدام از آنها به افشاگری نپرداختند. با توجه به این شرایط باید این بررسی انجام شود که به چه دلایلی ممکن است اسنودن اقدام به افشای اطلاعات کرده باشد.

سیاست، همواره با کارهای پشت پرده و ناگفته‌ها همراه بوده است. در مسئله اسنودن نیز که موضوع با مسائل امنیتی ارتباط پیدا می کند، واقعیت از سوی ایالات متحده به عنوان کشوری که اطلاعاتش توسط یک کارمند لو رفته است و روسیه به عنوان کشوری که به عامل افشاگری پناهندگی داده، ارائه نمی‌شود، اما کارشناسان مختلف گمانه‌زنی‌های متفاوتی را در مورد دلایل این افشاگری مطرح کرده‌اند. اولین گمانه‌زنی این است که این موضوع، نقشه‌ای ساخته شده از سوی ایالات متحده است تا منافع خاص خودش را پیگیری کند. دومین گمانه‌زنی این است که اسنودن توسط روسیه اجیر شده است تا روسیه در بازی با ایالات متحده به مقاصدش دست پیدا کند. اما آنچه نگارنده به آن معتقد است، این است که با توجه به واقعیت‌های موجود، اسنودن براساس علائق شخصی یا مقاصد انسان‌دوستانه ـ آنگونه که ادعا شده ـ اقدام نکرده است. به نظر می‌رسد تمامی رخدادها در عرصه بین‌الملل براساس برنامه‌ریزی‌های هوشمندانه کشورها انجام می‌شود و در پشت تمامی اتفاقات بین‌المللی، منافع دولت‌ها وجود دارد. بر این اساس، تفاوتی نمی کند اسنودن توسط روس‌ها اجیر شده باشد یا مأمور خود آمریکا باشد، بلکه در هر صورت نماینده یک دولت است تا اهداف آنها را عملی کند.

دلایل مختلفی می توان ارائه کرد که ایالات متحده خودش اسنودن را مأمور کرده است تا این افشاگری‌ها را انجام دهد. اولین دلیل اینکه ایالات متحده تمایل دارد در محیط بین‌الملل به عنوان کشور ابرقدرت مطرح باشد، در حالیکه آمار و ارقام در مورد رشد اقتصادی این کشور نشان می‌دهد دوره برتری آمریکا به سر آمده است. به همین دلیل، ایالات متحده تلاش می کند خودش را همچنان مهم جلوه دهد. یکی از راه‌های مهم جلوه دادن آمریکا این است که به جهانیان نشان دهد امنیت این کشور در خطر است. تمامی گروه‌های اطلاعاتی، چریکی و تروریست جهان علیه این کشور هستند و لازم است آمریکا برای حفظ امنیت خودش، بر اقدامات جاسوسی، اطلاعاتی و نظامی‌اش بیفزاید. دومین دلیل که می توان مطرح کرد، این است که اسنودن در سطح پایینی، اطلاعات را افشا کرده است و ایالات متحده سعی دارد به افکار عمومی بقبولاند که جاسوسی در این کشور در همین سطح ابتدایی است؛ حال آنکه اقدامات جاسوسی، اطلاعاتی و امنیتی ایالات متحده در سطح بسیار وسیع تری از آنچه اسنودن و آمانژ ـ فردی که در «ویکی‌لیکس» اقدام به افشای اطلاعات آمریکا کرد ـ مطرح می کنند، انجام می‌شود.

اما از سوی دیگر در مورد روسیه نیز می توان مسأله اسنودن را تجزیه و تحلیل کرد. زمانی که در ابتدا اسنودن از دولت روسیه تقاضای پناهندگی کرد، افکار عمومی جهان به دیده بشردوستانه به موضوع نگاه می کردند و پناهندگی ندادن روسیه به وی می توانست عواقب حیثیتی برایش به دنبال داشته باشد، اما زمانی که ایالات‌متحده به صورت علنی و در رسانه‌ها اعلام کرد که در صورت استرداد اسنودن، حکم مرگ برایش در نظر گرفته نخواهد شد، مباحث بشردوستانه از میان رفت. تحت این شرایط، باز هم روسیه اسنودن را به آمریکا مسترد نکرد، بنابراین گمانه‌زنی‌های متعددی در این باره مطرح شد. این ابهام در ذهن کارشناسان و مردم به وجود آمد که آیا واقعاً روسیه نگران جان اسنودن است؟ آیا واقعاً روسیه نگران افکار عمومی جهان و مباحث حیثیتی خودش است، یا مسائل مهمتری در میان است؟ با توجه به اینکه روسیه و ایالات متحده همواره در مسائل مهم بین‌المللی با همدیگر رقابت دارند و لزوم سازش آنها با همدیگر و پرهیز از تخاصم برایشان مشخص است، دامن زدن به دشمنی میان آنها به نفع روسیه نیست، بنابراین باید روسیه از این موضوع، نفع مشخصی عایدش شود تا از استرداد اسنودن به آمریکا امتناع کند. براساس آنچه گفته شد، این احتمال وجود دارد که اسنودن توسط روسیه اجیر شده باشد تا این کشور به یک موضوع برای چانه‌زنی با آمریکا دست پیدا کند.

علاوه بر روسیه و ایالات متحده که می توان در بحث اسنودن به آنها اشاره کرد، می توان موضوع را از دریچه اتحادیه اروپا نیز نگاه کرد. اسنودن در اظهاراتش عنوان کرد که طرف آمریکایی، از قراردادهایش با طرف اروپایی سوءاستفاده کرده و به دنبال کنترل اروپا بوده است. این اظهارات به نوعی توانایی ایالات متحده در کنترل اروپایی‌ها را گوشزد کرد و از سوی دیگر این احتمال وجود دارد که آمریکایی‌ها به دنبال موضوعی بوده‌اند تا بتوانند در چانه‌زنی‌هایشان با طرف اروپایی از آن استفاده کنند و قراردادهای جدید اطلاعاتی با آنها منعقد کنند.

درگیری خونین در شمال لبنان

سرویس خارجی: تیراندازی به خودرویی که به سوی منطقه «عرسال» در شمال لبنان می‌رفت به کشته شدن یک نفر و زخمی شدن سه سرنشین دیگر این خودرو از جمله شهردار عرسال منجر شد.

این تیراندازی در شهرک اللبوة البقاعیه در منطقه عرسال روی داد. پیش از این نیز منطقه عرسال شاهد چنین حوادثی بوده‌است. افراد مسلح به ویژه تروریست‌های سوری در ماه‌های اخیرا بارها به عرسال حمله کرده و مناطق مختلف این شهر را با خمپاره هدف قرار داده‌اند.

خبر دیگر اینکه نیروهای امنیت داخلی لبنان یکی از مظنونین ربودن دو خلبان ترکیه ای را بازداشت کردند. «محمد صالح» پس از پیگیری ارتباطات میان وی و شماری از آدم رباها توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد.

ازسویی با ربوده شدن دو خلبان ترکیه ای در لبنان، تدابیر امنیتی در اطراف هتل‌ها و مراکز وابسته به ترکیه در بیروت افزایش یافته است. تدابیر امنیتی در مناطق مختلف بیروت که در آنها ترکها حضور دارند، نظیر دفاتر شرکت پرواز ترکیه، مرکز فرهنگی، دفتر خبرگزاری «آناتولی» و سفارت ترکیه در «الرابیهٔ» افزایش یافته است. دراین حال آنکارا در تماس با مقامات بلندپایه ایرانی، خواستار دخالت و میانجیگری تهران در پرونده ربوده شدن دو خلبان ترکیه ای در لبنان شد. منابع آگاه سیاسی درباره ربوده شدن دو خلبان ترک در لبنان می گویند پشت پرده این مسئله، درگیری میان سوریه – ترکیه و منازعه ایران – عربستان درباره لبنان و سوریه است.

ترکیه با مقامات بلندپایه ایرانی تماس گرفته و خواستار مداخله تهران در این پرونده شده تا ایران با برقراری ارتباط با طرف‌های سیاسی لبنان مظنون به نقش داشتن در ربودن خلبانان ترک، این پرونده را حل و فصل کند.

کوتاه از سراسر جهان

موضع سازمان ملل درقبال سرنوشت امام موسی صدر

ایرنا: «طارق المتری» نماینده دبیر کل سازمان ملل در لیبی تاکید کرد که مقامات این کشور به شکل جدی مایل به مشخص شدن سرنوشت امام موسی صدر هستند. وی افزود: یک تیم لبنانی اخیرا در طرابلس بازجویی‌هایی را از عبدالله السنوسی، رئیس دستگاه اطلاعاتی معمر القذافی که در بازداشت به سر می‌برد به عمل آورد اما نتوانست به اطلاعات جدیدی درباره ناپدید شدن امام موسی صدر دست یابد. این مقام سازمان ملل تاکید کرد که با مقامات لیبی برای پیگیری این پرونده و سرنخ‌ها در تحقیقات در ارتباط خواهیم بود تا به واقعیتی که مدت مدیدی است انتظار آن را می کشیم دست یابیم. رباب صدر، خواهر و مدیر موسسات امام موسی صدر در لبنان اخیرا تاکید کرد که از سطح همکاری مقامات کنونی لیبی در قضیه ربایش امام موسی صدر راضی نیست.

انفجار نزدیک مقر حزب حاکم ترکیه در استانبول

ایسنا: خبرگزاری ها از وقوع یک انفجار در نزدیکی مقر حزب حاکم عدالت و توسعه در شهر استانبول ترکیه خبر دادند. این انفجار تلفات جانی به دنبال نداشت و تنها باعث وارد آمدن خسارات سنگین به ساختمان حزب عدالت و توسعه شد. هنوز هیچ گروهی مسئولیت این انفجار را برعهده نگرفته است.

روسیه: مستعمره سیاسی آمریکا نیستیم

ایرنا: «آلکسی پوشکوف» رئیس کمیته امور بین‌الملل دومای دولتی روسیه گفت که مقامات واشنگتن در «زمان درنگ» در روابط خود با این کشور، باید به این مسئله توجه داشته باشند که روسیه «مستعمره سیاسی» آمریکا نیست. این مقام بلندپایه دوما در تفسیر اظهارات اخیر رئیس جمهوری آمریکا در خصوص روابط با مسکو، یادآور شد: مبتکر وضعیت بحرانی در روابط بین مسکو و واشنگتن، روسیه نبوده است. اوباما چند روز قبل اعلام کرد که آمریکا در روابط با روسیه نیازمند «لحظه درنگ» است تا به ارزیابی مجدد مناسبات خود با این کشور بپردازد.

بحران در روزنامه صهیونیستی «معاریو»

ایرنا: روزنامه اسرائیلی «معاریو» که مدت‌هاست با مشکلات شدید مالی روبرو شده، تمام کارکنان چاپخانه خود را اخراج می کند. این اقدام با هدف جلوگیری از تداوم مشکلات مالی و تعطیلی کل روزنامه انجام می گیرد. بنا بر موافقتنامه‌ای که به امضای مدیران این روزنامه رسیده، قرار است در مرحله اول ۵۰ نفر از کارکنان چاپخانه روزنامه اخراج شوند. در آینده نیز بین ۲۰ تا ۳۰ نفر از روزنامه‌نگاران «معاریو» از این مجموعه خارج خواهند شد. دفتر روزنامه «معاریو» هم قرار است به زودی از تل آویو به بیت‌المقدس منتقل شود.

ابتکار نخست‌وزیر نروژ برای درک مشکلات مردم

فارس: «ینس اشتولنبرگ»، نخست وزیر نروژ گفت که یک بعد از ظهر خودش را راننده تاکسی جا زده است تا نگرانی‌ها و دغدغه‌های اصلی مردم کشورش را از زبان خودشان بفهمد.

وی در یک پیام ویدیویی که روی صفحه فیس بوک و توییتر خود منتشر کرده‌است می گوید؛ برای من مهم است که تفکرات واقعی مردمم را بفهمم و اگر یک جا باشد که مردم واقعا درباره نگرانی‌های خود صحبت کنند آن در یک تاکسی است!

«اشتولنبرگ» در یونیفرم رانندگان تاکسی شهر اسلو در یک بعد ازظهر در ماه ژوئن در شهر مسافر جابجا و یک دوربین مخفی در عقب بنز مسافر کشی او صحبت‌های رد و بدل شده در تاکسی را ضبط کرده است. بر اساس این گزارش، یکی از مسافران تاکسی به او گفته است که بسیار شبیه به آقای نخست وزیر است!

توطئه بازماندگان رژیم قذافی خنثی شد

فارس: منابع لیبیایی به روزنامه الشرق الاوسط گفتند که نقشه جدید بقایای نظام معمر قذافی برای ایجاد اغتشاش و بی ثباتی از طریق اقدامات تروریستی خنثی شده است. از سوی دیگر نیروهای وابسته به ارتش لیبی در مناطق مختلف پایتخت مستقر شده‌اند تا امنیت مراکز رسمی و دولتی و راهبردی این کشور را تامین کنند.

پیشنهاد کابل برای گشایش دفاتر طالبان در ریاض و آنکارا

ایسنا: سخنگوی وزارت امور خارجه افغانستان اعلام کرد، دولت این کشور پیشنهاد کرده تا دفاتری برای طالبان در عربستان و ترکیه افتتاح شود. «جانان موسی‌زی» سخنگوی وزارت امور خارجه افغانستان عنوان داشت: ترکیه و عربستان، به عنوان دو کشور مسلمان و کلیدی، این توانایی را دارند که با توجه به روابط دوستانه با افغانستان، به اقداماتی مهم در این زمینه دست بزنند.

بی اعتمادی پدر «اسنودن» به وعده عدالت در آمریکا

فارس: پدر «ادوارد اسنودن» افشا کننده اسناد محرمانه جاسوسی آمریکا، ویزای روسیه را دریافت کرده است و به زودی با پسرش در مسکو دیدار خواهد کرد. «لون اسنودن» اعلام کرد که نسبت به وعده رئیس جمهوری آمریکا که گفته است در صورت استرداد اسنودن، او به صورت منصفانه محاکمه می‌شود، تردید دارد.

پدر ادوارد اسنودن با انتقاد از کاخ سفید، نسبت به وعده‌های باراک اوباما درباره بهبود برنامه‌های نظارتی آمریکا، شفافیت و بازگرداندن اعتماد عمومی در این زمینه نیز ابراز ناامیدی کرد.

استقبال رهبران مذهبی پاکستان از پیشنهاد طالبان برای مذاکره

ایرنا: رهبران مذهبی پاکستان به‌دنبال اعلام آمادگی مشروط طالبان برای شرکت در مذاکرات صلح از این ایده استقبال کردند. گروه شبه‌نظامی «تحریک طالبان پاکستان» اعلام کرد که در صورت تضمین دولت برای میانجیگری رهبران مذهبی پاکستان در روند صلح، حاضر به شرکت در مذاکرات است.

«شاهدالله شاهد» سخنگوی تحریک طالبان پاکستان با اعلام این خبر، از «مولانا فضل الرحمن» رهبر حزب جمعیت علمای اسلام (شاخه فضل الرحمن) و «سید منور حسن» رهبر حزب جماعت اسلامی به عنوان افراد پیشنهادی خود برای میانجیگری نام برد.

به دنبال این پیشنهاد، سید منور حسن، رهبر حزب جماعت اسلامی پاکستان اعلام کرد که در صورت جدی بودن دو طرف، حاضر است در مذاکرات بین دولت و طالبان میانجیگری کند.

وعده سرکرده القاعده شبه جزیره عربستان به زندانیان

ایسنا: رهبر القاعده در شبه جزیره عربستان وعده داد که اعضای بازداشت شده القاعده در «زندان‌های ظالمان» را آزاد می کند.

ناصر الوحیشی، رهبر القاعده در شبه جزیره عربستان در نامه‌ای با عنوان «پیامی به اسیران در زندان‌های ظالمان»، خطاب به اعضای زندانی القاعده، آنها را برادران و رفیقان راه و افراد صبور خواند و اعلام کرد: آزادی شما نزدیک است. در این نامه که در پایگاه‌های اینترنتی القاعده منتشر شده، آمده است: به شما بشارت می دهم که در آینده‌ای نزدیک از زندان خارج می شوید و به دنیای آزاد باز می گردید گرچه این دنیا نیز بزرگترین زندان برای شما است.

مرگ ۹۰ تروریست القاعده در درگیری با کردهای سوریه

سرویس خارجی: درگیری بین شبه نظامیان کرد سوریه با نیروهای «امارت اسلامی عراق و شام» و «جبهه النصره» که هر دو وابسته به القاعده هستند در ریف حلب، به کشته شدن بیش از ۹۰ تروریست تکفیری منجر شد. در این درگیری دهها نفر از نیروهای کُرد سوریه نیز کشته یا زخمی شدند. خبر دیگر اینکه در ادامه تنش‌ها میان کردهای شمال سوریه و تروریست‌های وابسته به القاعده، مخالفان سوری ۱۳ شهروند کرد را به جبهه النصرة تحویل دادند. دیدبان حقوق بشر سوریه اعلام کرد شبه نظامیان مخالف، ۱۳ غیرنظامی کرد سوریه را در نزدیکی شهر السفیرة واقع در استان حلب گروگان گرفته و به جبهه النصرة تحویل دادند. نیروهای وابسته به القاعده در اواخر ژوئیه نیز یک شهرک کردنشین در حومه حلب را اشغال و یک شهرک دیگر را محاصره کردند و پس از آن حدود ۲۰۰ غیرنظامی کرد را ربودند که همچنان سرنوشت آنها نامعلوم است. در مناطق شمال و شمال شرق سوریه نیز درگیری‌های شدیدی میان اعضای القاعده و کردها صورت گرفته که کردها در جریان آن توانستند تروریست‌ها را از تعدادی از مناطق کردنشین بیرون برانند. ازسویی تروریست‌های جبهه النصره و امارت اسلامی عراق و شام به عنوان شاخه‌های القاعده در سوریه در کنار برخی گروه‌های وابسته به ارتش آزاد، از یکشنبه گذشته عملیات گسترده‌ای را برای کنترل بر مناطق استراتژیک لاذقیه آغاز کرده اند و توانستند در روزهای ابتدایی این عملیات چندین منطقه را اشغال کنند ولی از کنترل بر مناطق راهبردی مشرف به سواحل غربی سوریه در دریای مدیترانه ناکام ماندند. تروریست‌ها در نظر دارند با کشاندن درگیری به سمت ساحل از محاصره نیروهای ارتش خارج شوند و زمینه ارسال سریع‌تر سلاح توسط کشورهای غربی و عربی را فراهم کنند. ارتش در «بلوطه» و «بارود» نیز تروریست‌ها را هدف قرار داد که در این حملات «ابوحذیفه التونسی» از فرماندهان جبهه النصره کشته شد. تروریست‌های تکفیری همچنین جنایات فجیعی در روستاهای علوی نشین لاذقیه مرتکب شده‌اند و علاوه بر قتل عام مردان این روستاها، اقدام به ربودن صدها زن و کودک کرده‌اند. دراین حال یگان‌های ارتش سوریه عملیات نظامی گسترده خود را در شهر «اریحا» و ریف آن از توابع استان ادلب با هدف قرار دادن مراکز تجمع و مقرهای افراد مسلح در این منطقه آغاز کردند. از سوی دیگر یگان‌های مهندسی ارتش سوریه اقدام افراد مسلح برای منفجر کردن دو بمب به وزن ۳۰ کیلوگرم در مسیر ادلب – اریحا را خنثی کردند. خبر دیگر اینکه انفجار یک اتوبوس در منطقه «النضارة» در غرب حمص به کشته شدن هشت نفر منجر شد. انفجار این اتوبوس که به سمت دمشق می رفت به زخمی شدن دهها نفر نیز منجر شد. در تحولی دیگر شدت گرفتن اختلافات گروه های تروریستی وابسته به القاعده در شهر رقه و اعتراض مردم به خشونت های آنها در این منطقه منجر به کشته شدن شش شهروند سوری شد. اختلاف گروه موسوم به «دولت اسلامی عراق و شام» با گروه «احرار شام» بر سر کنترل مناطقی از رقه باعث خشم و اعتراض مردم شده است. گروه موسوم به دولت اسلامی عراق و شام تلاش می کند مناطق تحت کنترل گروه احرار شام را به تصرف خود درآورد و به مردم آن مناطق فشار می آورد تا آنجا را ترک کنند. در پی اعتراض خیابانی مردم به این فشارها، تک تیراندازان وابسته به گروه دولت اسلامی عراق و شام با شلیک به سوی آنان موجب کشته شدن شش شهروند شدند که دو تن از آنان کودک بودند.

نقش مخرب عربستان

منابع آگاه اعلام کردند کلید حل پرونده ۹ لبنانی ربوده شده در سوریه به دست تروریست‌ها، در دست رئیس دستگاه اطلاعاتی عربستان است و قرار است سعد حریری نخست وزیر پیشین لبنان میانجیگری این پرونده را برعهده گیرد. به گفته این منابع، پرونده ربودن لبنانی‌ها در شهر «أعزاز» در شمال سوریه کاملا در دست «بندر بن سلطان» رئیس دستگاه اطلاعاتی عربستان است و ترکیه و قطر در این پرونده تصمیم گیر نیستند. بر اساس این گزارش، اطلاعاتی در دست است که نشان می دهد تلاش می شود با سعد حریری که به سعودی‌ها نزدیک است برای حل این پرونده تماس برقرار شود تا وی با میانجیگری این پرونده را حل و فصل کند. خبر دیگر اینکه ایهود باراک، وزیر سابق جنگ رژیم صهیونیستی ایجاد منطقه پرواز ممنوع بر فراز سوریه را ضروری دانست. وی گفت: من به خاطر ارزیابی نادرست از نقش ایران و حزب الله در سوریه، در تعیین زمان و سرعت برکناری بشار اسد از قدرت اشتباه کردم، اما باید بگویم در هر حال اسد سقوط خواهد کرد. باراک بر لزوم ایجاد منطقه پرواز ممنوع در شمال و جنوب سوریه (نزدیکی مرزهای مشترک سوریه با اردن و ترکیه) تاکید کرد. درچنین شرایطی رادیو دولتی صدای روسیه با اشاره به برنامه های مداخله جویانه واشنگتن در امور داخلی سوریه اعلام کرد: سیاست‌های آمریکا در سوریه شکست خورده است. صدای روسیه افزود: شکست سیاست های مداخله جویانه واشنگتن در امور داخلی دمشق به این معناست که در صورت سرنگونی حکومت بشار اسد، سوریه به پایگاه القاعده و تهدیدی برای آمریکا و کشورهای اروپایی تبدیل خواهد شد. در این گزارش آمده است: تحقق این سناریو برای آمریکا فاجعه بار خواهد بود، به طوری که مایکل مورل معاون سابق سازمان سیا در این باره و تهدیدهایی که می تواند برای غرب به همراه داشته باشد، هشدار های جدی داده است.

افتتاح دفتر اخوان المسلمین

در پی غیبت طولانی مدت اخوان‌المسلمین سوریه در صحنه سیاسی این کشور، این گروه اعلام کرد اولین دفتر خود را در حلب تاسیس کرده است. دفتر سیاسی اخوان المسلمین سوریه در بیانیه‌ای اعلام کرد: حسان هاشمی، رئیس این دفتر در سفر به حلب اولین دفتر اخوان المسلمین را در این کشور تاسیس کرد. دفتر اخوان‌المسلمین با اعلام اینکه این اقدام یک مبارزه طلبی علیه نظام سوریه به شمار می آید، افزود: اخوان المسلمین با این اقدام خود تاکید کرد که درصدد است به صورت علنی در صحنه سیاسی حضور یابد. در این بیانیه آمده است: افتتاح این دفتر با این هدف بود که فعالیت‌های سیاسی، نظامی، مدنی و هماهنگی‌ها در یک چارچوب صورت گیرد تا از این طریق وحدتی که اخوان المسلمین به دنبال آن است، تقویت شود.

اسد به نصرالله چه گفت

«غسان بن جدو» از مدیران ارشد شبکه المیادین که پیش از این از مدیران ارشد شبکه الجزیره بود اعلام کرد: رئیس جمهوری سوریه در سال ۲۰۰۶ و در جریان جنگ ۳۳ روزه رژیم صهیونیستی علیه لبنان پیشنهاد مهمی را به دبیرکل حزب الله لبنان ارائه کرده بود. وی گفت بشار اسد در جریان جنگ ۳۳ روزه علاوه بر کمکهای تسلیحاتی به حزب الله، پیشنهاد ویژه ای به سید حسن نصرالله ارائه کرد. بنابر اظهارات وی، در زمانی که کمکهای مادی و معنوی نظام سوریه به حزب الله لبنان ادامه داشته، اسد به نصرالله پیشنهاد داد نظامیان سوری در حمایت از لبنان وارد درگیری با صهیونیستها شوند، امادبیرکل حزب الله این پیشنهاد را به دلایل خاصی رد کرد. غسان بن جدو افزود: سید حسن نصرالله به زودی در گفتگویی با شبکه المیادین جزئیات این پیشنهاد و دلایل رد آن را اعلام خواهد کرد.

عملیات ارتش سوریه برای تصرف منطقه راهبردی «ادلب»

القاعده عراق: شیعیان در امان نخواهند بود

سرویس خارجی: گروه تروریستی موسوم به دولت اسلامی عراق و شام وابسته به القاعده در بیانیه ای اعلام کرد که انفجارهای خونین در روز شنبه حامل این پیام برای شهروندان شیعه در عراق بود که آنها در هیچ زمانی چه در شب، روز یا تعطیلات عید در امان نخواهند بود. این گروه همچنین مسئولیت انفجارهای خونین در بغداد و دیگر مناطق عراق در سومین روز تعطیلات عید سعید فطر در این کشور را پذیرفت.

در بیانیه این گروه تروریستی تاکید شده است: دولت اسلامی عراق و شام بخشی از تلاش‌های امنیتی در بغداد و مناطق جنوبی را ناکام گذاشت و این انفجارها در حقیقت پیامی فوری در سومین روز عید فطر به شیعیان بود تا بدانند که به خاطر اقداماتشان بهای سنگینی پرداخت خواهند کرد و چه در شب و چه در عید و غیر عید هرگز خواب آرامش و امنیت نمی بینند.

از طرفی، سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان انفجارهای عراق که به کشته و زخمی شدن جمعی از مردم بیگناه این کشور شد را به شدت محکوم کرد. سید عباس عراقچی سخنگوی وزارت امور خارجه انفجارهای عراق که منجر به کشته و زخمی شدن جمعی از مردم بیگناه این کشور شد را به شدت محکوم و با بازماندگان این حوادث تروریستی ابراز همدردی کرد. سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران تاکید کرد: وقوع این اقدامات تروریستی در روز عید سعید فطر و در روزهای برگزاری جشن پایان ماه مبارک رمضان که نماد وحدت جهان اسلام است، یک بار دیگر نشان داد تروریسم به هیچ اصولی پایبند نیست و این امر وظیفه کشورهای منطقه برای مبارزه با این پدیده شوم را مضاعف می سازد.

عراقچی ضمن تسلیت به ملت و دولت عراق ابراز امیدواری کرد این کشور در سایه اتحاد و انسجام ملی و هوشیاری مردم و گروه‌های سیاسی بتواند بر شرایط سخت کنونی غلبه کند.

ادب و هنر

۲۳۷

ضمیمه ادبی هنری روزنامه اطلاعات
ویژه فرهنگ، هنر و ادبیات

سه شنبه ۲۲ مرداد ۱۳۹۲
شماره ۲۵۶۶۳



گفت شخصی: خوب ورد آورده ای
لیک سوراخ دعا گم کرده ای!
«مثنوی معنوی»

خشت اول

به انگیزه بزرگداشت استاد مشفق کاشانی

مردی از جنس غزل

رضا اسماعیلی



استاد مشفق کاشانی -بدون هیچ گونه اغراقی -اعتبار و آبروی غزل معاصر است، و آثار گرانسنگ و ارجمندش میراثی عظیم و ماندگار برای شعر و ادب پارسی .

وجود پر برکت «غزل - مرد» بزرگی چون او، نشانه باروری و بالندگی شجره طیبه شعر پارسی و سندی روشن بر اصالت و نجابت ادبیات سربلند ماست .

استاد مشفق، به اذعان و شهادت بزرگان ادب امروز ، یکی از وارثان امین و بلامنازع گنجینه هزار ساله شعر فاخر و نادر پارسی است . گنجینه ای که با خون دلها و رنج ها و ریاضت های استخوان سوز شاعران عاشق و بلند آوازه ای چون فردوسی ، مولانا ، سعدی ، حافظ ، خیام و ... از گزند آفات روزگار در امان مانده و به دست ما رسیده است؛ چنان که خداوندگار سخن حکیم ابوالقاسم فردوسی خود گفته است :

بسی رنج بردم در این سال سی
عجم زنده کردم بدین پارسی
پی افکندم از نظم کاخی بلند
که از باد و باران نیابد گزند
نمیرم از این پس که من زنده‌ام
که تخم سخن را پراکنده‌ام



حقیقت آن است که تکریم و تجلیل از قله های سر به فلک کشیده ای چون استاد مشفق ، بیش و پیش از آن که بر بزرگی این اسوه های ادب و اخلاق و انسانیت بیفزاید، بر ادب پروری و حق شناسی ما که همنفس و هم روزگار با این بزرگانیم مُهر تایید می زند. این بزرگداشت ها نشانه آن است که ما به هویت فرهنگی خویش واقفیم و قدر و قیمت این گوهرهای بی بدیل را می شناسیم و از داشتن چنین نام آورانی به خود می بالیم .

استاد مشفق در وادی ادبیات با دانش و بینش ادبی گسترده و تجارب ارزنده ای که دارد، همچون شبچراغی پر فروغ است که به نو آمدگانی که تشنه زلال روشنی و رستگاری اند ، راه را می نماید و آنان را از فرو افتادن در دامچاله های فرم محوری و معناگریزی باز می دارد .

شاعران هوشمند نسل امروز نیز کسب فیض از محضر این پیر فرزانه را بر خود فریضه ای واجب می دانند و خوشه چینی از خرمن او را -به هر بهانه ای -مغتنم می شمارند ، چرا که طالبان صادق حکمت و معرفت و ادب خوب می دانند که بزرگانی چون استاد مشفق مصداق بارز مضمون بیت زیرند :

صبر بسیار بباید پدر پیر فلک را
تا دگر مادر گیتی چو تو فرزند بزاید

از همین رو شاعرانی که در وادی ادبیات تشنه زلال حکمت و معرفت اند ، هرگز خود را از جرعه نوشی این کوثر زاینده محروم نمی سازند.

سخن گفتن از استاد مشفق در چند سطر، در حکم قطره آوردن از درياست. این چند سطر نیز به قلم شاگردی چون من صرفا به نشانه عرض ارادت و حق شناسی از استاد مشفق کاشانی بر سینه کاغذ نگاشته شد، وگرنه اگر بخواهیم آن گونه که شایسته و بایسته است از شأن و مقام ادبی و سلوک انسانی استاد سخن برانیم، بدون هیچ گونه تردیدی «مثنوی هفتاد من کاغذ شود.»

از همین رو با آرزوی سربلندی و سلامتی برای استاد ، رشته سخن را در همین جا کوتاه ، و پرداختن به این مهم را به بزرگانی که به یقین بیش از این کمترین به دقایق و ظرایف ادبی آثار استاد وقوف دارند واگذار می کنم، با این دعا که :

مؤید باد شعر قدسی تو
تو را روح القدس بادا موید

در حاشیهٔ نشستی
در مرکز فرهنگی شهر کتاب

عکاسخانهٔ آدم‌های خوشبخت

محمد رضا حیدرزاده



مجموعه داستانی «عکاس‌خانه آدم‌های خوشبخت» در نشستی با حضور چند تن از نویسندگان، از جمله: امیرعلی نجومیان، بلقیس سلیمانی، مهدی مدیر واقفی و سلیم اوزبان، در مرکز فرهنگی شهر کتاب نقد و بررسی شد.

کتاب «عکاس‌خانه آدم‌های خوشبخت»، مجموعه داستانی است مشتمل بر ۱۰ اثر از ۹ نویسنده ترکیه، متعلق به دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ میلادی، که به تازگی، به همت نشر افراز منتشر و به همراه یک کتاب صوتی با صدای هنرمندانی چون رضا بهبودی، فاطمه گودرزی و فرهاد آییش، در معرض توجه مخاطبان ایرانی قرار گرفته است. این مجموعه را مهدی مدیر واقفی به فارسی ترجمه کرده است. این مجموعه، قصهٔ تنهایی آدمهای شهرنشین است.

نجومیان در این نشست با اشاره به تقارن تاریخی، آثار گردآمده در مجموعه عکاس‌خانه آدم‌های خوشبخت را با ادبیات داستانی ایران در دهه های سی و چهل قیاس، و بر این اساس آنها را کمی مأیوس کننده ارزیابی کرد. وی ضمن تأکید بر این‌که ممکن است این قیاس، ناکارآمد و ناصحیح باشد، گفت:

«واضح است که در جوامع مختلف، ادبیات تحت تأثیر عوامل متعدد سیاسی، اجتماعی، تاریخی و گفتمانی شکل می گیرد. نویسندگان ایرانی در مقطع یادشده، علاوه بر تاثیرپذیری از جریان‌های ادبی مدرن جهان، اتفاقات بزرگ سیاسی و اجتماعی را نیز تجربه کرده‌اند. دوران طلایی داستان‌نویسی ایران، متأثر از این دست جریانات بوجود آمده است. حتی اگر مجموعه‌ای چون کویر، نوشته دکترعلی شریعتی را مد نظر قرار دهیم، به سادگی می توانیم موقعیت و سطح متفاوت داستان ایرانی در آن مقطع را، نسبت به آثار پیش رو دریابیم.»

وی در ادامه، با استناد به نقل قولی از اکانر، مبنی بر این‌که داستان کوتاه، داستان آدم‌های تنهاست؛ آثار گردآمده در مجموعه عکاس‌خانه آدم‌های خوشبخت را تحلیل کرد و افزود:

«از ورای این نوع نگاه، داستان کوتاه پیش از هر چیز بر تنهایی یک شخصیت تأکید دارد. داستان‌های این مجموعه، حول وضعیت انسان‌های تنها شکل گرفته‌اند، که در آن واحد در معرض تنشی عظیم با محیط و اجتماع خود هستند. آن محیط اجتماعی، بیش از هر چیز، شهر است. شهر استانبول در غالب داستان‌های این مجموعه حضور و اهمیتی بسزا دارد.»

نجومیان سپس برخی نقاط ضعف و قوت آثار مجموعه مورد نقد را تشریح کرد و افزود: «در مجموع باید گفت داستان‌ها مخاطب را به فضایی مدرنیستی که از آنها انتظار می‌رود، هدایت نمی کنند.»

مدیر واقفی هم ضمن اشاره‌ای مختصر به تاریخ داستان‌نویسی در ترکیه و ادوار آن، در خصوص اهمیت ترجمه این اثر گفت: «بین دو کشور ایران و ترکیه تفاوت‌های فرهنگی چندانی وجود ندارد؛ اما متأسفانه فارغ از برخی استثنائات مثل پاموک و حکمت، آثار نویسندگان ترک در ایران ناشناخته هستند.

این مجموعه با هدف معرفی ادبیات ترکیه به مخاطبان ایرانی و فارسی‌زبان گردآوری شده است. از آنجا که آثاری متعلق به ادوار مختلف ادبیات ترکیه، در مجموعه عکاس‌خانه آدم‌های خوشبخت، گردآمده است، می‌توان به تأثیر این مجموعه در تحقق این امر امیدوار بود.»

سپس «بلقیس سلیمانی»، زیرساخت‌های تاریخی، سیاسی و اجتماعی مؤثر در پدید آمدن ادبیات شهری در ترکیه را شرح داد. وی همچنین مصادیق تأثیر و تأثر این دست اتفاقات در جریانات فرهنگی ایران را نیز بررسی و خاطر نشان کرد:

«فروپاشی دولت عثمانی پس از شش قرن، نوعی اصلاحات اجتماعی را در ترکیه به دنبال داشت که به تقریب مصادف است با اصلاحاتی از همین دست در ایران. از این روی بسیاری از مشروطه‌طلبان ایرانی متأثر از اتفاقاتی بودند که در استانبول صورت گرفته بود. بر این اساس، آشنایی ایشان با ادبیات غربی کمی پس از ترک‌ها محقق شد. تأثیرات غربی شدن ترکیه و تاثیر آن بر جریان‌های ادبی، باعث بروز دو رویکرد در کار نویسندگان شد.

عده‌ای از آنها، تحت تأثیر ادبیات فرانسه، نوگرایی را پی گرفتند و هوادار تفکر و فرهنگ غربی شدند؛ در مقابل عده‌ای بر حفظ سنت‌های پیشین پای فشردند.

به دنبال این دو رویکرد، نوعی ادبیات شهری در ترکیه پدید آمد که یا در پی بازنمایی دتنگی از شرایط درخشان و باشکوه دولت عثمانی بود و یا به دنبال غربی شدن و یا نقد آن. مطلوب است این مجموعه را از همین منظر بررسی کنیم. غالب آثار این مجموعه در حوزه داستان‌های شهری جای دارند؛ من نیز مایلم همان قول کانر را در بررسی خود، مبنا و اساس قرار دهم. یکی از مهمترین ویژگی های داستان‌های شهری، تصویر کردن انسان تنهای مدرن است که در آثار این مجموعه به خوبی می توان دید.»

بقیه در صفحه ۲

نگاهی به موسیقی متن بهترین پیشنهاد
آخرین فیلم تورناتوره

همکاری آشکار آهنگساز و کارگردان

نوشته: جیمز سوتال | ترجمه: هومن ظریف



این که تورناتوره به‌عنوان یک کارگردان ایتالیایی، فیلمی انگلیسی زبان را جلوی دوربین ببرد؛ آن هم در شرایطی که سینما پارادیزوی او ،اعتبار فیلمی کلاسیک را در دنیا پیدا کرده است، ساخت فیلم بهترین پیشنهاد که در کسب موفقیت کم رونق است، این جسارت کمیابی است.

جفری راش در این فیلم نقش دلال حراج را بازی می کند و تمایل دارد که کلکسیون هنری سیلویا هوکس را بفروشد. البته با پشتیبانی جیم استراگس و دانالد ساترلند. تورناتوره به عنوان کارگردان کاملاً با اینو موریکونه به عنوان آهنگساز همکاری کرده است و آهنگساز نیز آشکارا از همکاری با کارگردان لذت می برد. می توان گفت بسیاری از تولیدات قابل توجه ۲۵ سال اخیر، محصول چنین نگاهی است.

آلبوم موسیقی متن فیلم بهترین پیشنهاد با «La Migliore offeta» آغاز می شود، آخرین وارسیون موریکونه از تم دبراه «Debroh» است، از موسیقی متن روزی روزگاری در امریکا.

گرچه این ملودی جدید است، اما شما می دانید که آجرهای این ساختمان از کجا تهیه شده اند. این قطعه بسیار لطیف است و بسیار دور از کانون توجه به عنوان قطعه دوم.

قطعه خارق العاده «votti e fantasmi»، به واسطهٔ هدایت خوب ارکستر و الکتریک باس و برخی صداهای انسانی که در میان آنها صدای خانم ادا دل اورسو Eda Dell'orso)) خواننده ایتالیایی که به واسطه همکاری با موریکونه شهرت دارد، شنیده می شود، مایهٔ قدرت آهنگساز است. موریکونه از سال ۱۹٦٤ تا اکنون با این بانوی هفتادساله کار کرده است.

بقیه در صفحه ۵

رمان و منطق گفت‌وگویی



دکتر هادی خانیکی

باختین با بررسی چند تفسیر دیگر از داستایفسکی به شرح نظر فرمالیست‌ها- مکتبی در نقد ادبی آن روز روسیه که به تحلیل صورت و فرم اثر ادبی علاقه داشت - به نقل از اثر ویکتور شکلوفسکی ۱ (۱۹۸٤-۱۸۹۳) دربارهٔ او می‌پردازد و دو نکته را از این منتقد جالب توجه می‌یابد:

اول اینکه آثار داستایفسکی چند صدا و ناتمام است و نکتهٔ دوم که درخور توجه است، برخورد شخصیت‌ها و عناصر در رمان‌های داستایفسکی است.

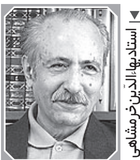
باختین از اینجا ادامه می‌دهد که این چند آوایی و برخورد (یا دیالوگ) در وهلهٔ اول لازم و ملزوم یکدیگرند و در وهلهٔ دوم آثار داستایفسکی همان طور که دیالوگ‌ها و برخوردهای درونی دارند، بریده از زمینهٔ وجودی خود نیستند و «پدیده‌هایی تقریباً جهانی اند که در کلام و روابط و تجلیات انسانی نفوذ دارند».

در واقع داستایفسکی هر اثر خود را به‌عنوان «گفت‌وگویی بزرگ» طراحی کرده است؛ گفت‌وگویی که شاید با کل «هستی» نباشد، اما بسیاری از گفتمانهای

بقیه در صفحه ٤

مقاله

کژتابی‌های ذهن و زبان



استاد بهاءالدین خرمشاهی

۸۲

بـا اعتماد بـه نفس خاصی جـواب داد: «من دیپلم ردّی دارم». گفتـم مگـر بـرای ردی از دیپلـم هم به آدم دیپلم می‌دهند؟

*

در نشـریهٔ محبوب کتاب هفته، این عنوان آمده بود: «چند کتاب از حروفیه».

الف) ابتدا گمان کردم چند کتاب دربارهٔ سلسـله یا فرقهٔ حروفیه منتشر شده است.

ب) بعـد کـه مطلب را خواندم معلوم شـد که مراد معرفی انتشار چند کتاب از انتشارات «حروفیه» است!

*

به دفتر یک انتشاراتی جدیدالتأسیس فعال رفته بودم که جایش در واقع آپارتمانی بود که چندتا پله می‌خورد و پایین می‌رفت و «زیرزمین» بود. تا وارد شدم گفتم: دوستان شما در اینجا کار نشر می‌کنید یا «فعالیت‌های زیرزمینی»؟ همان ناشـر در ضمن حرف‌هایـش گفت: «ما از بیکاری آمدیم و ناشر شدیم»

من هم سـر ضرب در پاسخ او گفتم: ما برعکس، از ناشری به بیکاری رسیدیم!

*

در یکـی از برنامه‌های بعد از سـال تحویل (که قبلاً یکی در رادیو آن را سال تحویل/ با کسرهٔ اضافهٔ لام تلفظ می‌کرد) یکی از مسـئولان ترابری با ادب و احترام چنین گفت: «فرارسیدن عید و بهار طبیعت را به هموطنان عزیز و خانوادهٔ بزرگم تبریک می‌گویم» و من نفهمیدم که خانوادهٔ بزرگ او همان هموطنان عزیز هستند یا نه، و سخن از دو گروه می‌گوید؟!

*

مـن واقعاً تلویزیون کـم می‌بینم، مگر فیلم خوب و فوتبال خوب‌تر در میان باشـد، و این از سـر افاده نیست؛ چـون به حد لازم و کافـی کانال و قنات داریم و بالاخره عاقبت جوینده یابنده بود و با کانال‌گردانی و جست‌وجو، برنامه‌ای که کمی تا اندکی دیدنی باشد پیدا می‌شود.

حال با این مقدمه، یک روز یکی از دوسـتانم به من تلفـن زد. و تلفن نزدیک به تلویزیون و صدای تلویزیون هم بلند بود. دوسـتم از آن سـوی خط تلفن گفت: «چه عجب داری تلویزیون، تماشا می‌کنی!»

من که واقعاً تماشـا نمی‌کردم و فقط در صدارس و روبـه‌روی تلویزیون بودم، گویـی که به غیرتم برخورده باشد، بی‌اختیار گفتم: «به جای تو نه، من تلویزیون تماشا نمی‌کنم، تلویزیون مرا تماشا می‌کند!»

*

ایـن رباعـی را در زمانـی که از حـق تألیف ندادن مجـلات و روزنامه‌ها به مقالات، مخصوصاً مقالات نقد کتابم (نقد کتابم یک کمی کژتابی دارد: ۱ـ نقد بر کتاب من ۲ـ نقد من بر کتاب دیگران) دلخون بودم سرودم:

زیـن بیـش روا مـدار تضعیفـم را
از مـن بنگـر نحیف‌تـر کیفـم را
از من که مقاله نقد و خوش می‌خواهید
نسـیه مدهیـد حـقّ تألیفـم را

* رباعی زیر را هم در ۱۷ـ۱۶ سال پیش در بحبوحهٔ جنگ ایران و عراق، که مدام ـ حتی بیشتر از یک شب در میان ـ برق می‌رفت و نیروگاه‌ها توان تأمین برق سراسری را نداشتند، و من بسیار پرکار بودم و مثل خیاطی شب عید کارهای ناتمام بسیار و اعصاب خُردکن داشتم سرودم:

از قلّـت وقـت بـر لبـم جـان آیـد
زین عمر چه سـود غیر خسـران آید
چون حال شود خوش و شرایط همه جمع
یـا بـرق رود و یـا کـه مهمـان آید!

*

برای دوسـتی طنزپرداز [رضاخان رفیع!] مقدمه‌ای طنزآمیز بر کتابش نوشـته و در آن قصیده‌ای سروده بودم و در آن این مصرع آمده بود: «طلای ناب مس به کیمیای رفیع» بعد که سرودمش دیدم کژتابی دارد:

الف) طلا مس می‌شود (که مقصود اصلی‌ام بود)

ب) مس طلا می‌شود ـ اگر تأکید تلفظ و آهنگ کلام را بگذاریم روی «طلای ناب».

*

یک روز در شورای فرهنگستان، در بحث‌های پیش از دسـتور یکی از دوسـتان و همکاران این بحث را آغاز کرد که نه غرب‌گرایی در کاربرد کلمات درست است، نه عربی‌گرایی. بعد گفت: «مثلاً بعضی از سازمان‌ها نامشان را با «ال» (الف و لام) عربی درست می‌کنند؛ مانند دانشگاه الزهرا، و مؤسسهٔ انتشاراتی الهُدی.»

ادامه دارد

گزارش ادبی

در حاشیهٔ نشستی در مرکز فرهنگی شهر کتاب

عکاسخانهٔ آدم‌های خوشبخت

بقیه از صفحه اول

وی، در شـرح برخی ویژگی‌های داستان شهری گفت: «دو کتاب «اسطوره تهران»، نوشته جلال سـتاری و «تجربه مدرنیه»، نوشته مارشان برمن، ویژگی‌های داسـتان شـهری را به خوبی تشـریح کرده‌اند. جلال ستاری در کتاب خود، تمامی آثاری که تهران را به عنوان بسـتر داستان خـود برگزیده‌انـد، از این حیث بررسـی کرده اسـت که آیا رابطه‌ای اندام‌وار بین شهر تهران و شخصیت‌های داستان برقرار است یا خیر.

برمـن نیز در کتاب خود چگونگی همراه شـدن شـهرها با ادبیات مدرن را تشـریح کرده اسـت. او به مدد مصادیق متعدد، «ملال پاریس» نوشـته بودلر را یکی از نمونه‌های موفق در این حوزه می‌داند. به نظر من در داستان‌های شهری، شـهر باید با تمام صور و وجوه خود در داسـتان ظهور نماید.»

سلیمانی در ادامه افزود: «داستان شهری باید بیانگر تجربه زیسـت و زندگی شهری باشد. از آنجا که زیست شهری، متأثر از تحولات صنعتی، دچار مصرف‌گرایی شـده اسـت، باید حضور اشـیا و تأثیر آنها نیز در زیست شخصیت‌ها، در داستان شهری نمود داشته باشد. در برخی آثار این مجموعه، نمونه‌هایی به نسبت موفق، از این دست می‌توان یافت. دیگر این که در بررسی و شناخت داستان شهری تحولاتی که در حوزه‌های سبکی روی داده اسـت، حائز اهمیت هستند؛ استقرار سبک رئالیست، در بستر زندگی شهری رخ داده است. سبکی چون رمانتی سیسم، ضد شهر و ضد رئالیست است.

مصـداق ایـن مدعـا را در بسـیاری از داسـتان‌های ایرانـی متعلق به چنـد دهه پیش می‌تـوان یافـت. در آنهـا آدم‌هایـی را می‌بینیم کـه در پـی ورود بـه تهـران، دچار اشـرافیت پوسـیده، مصرف‌گرایی و بروکراسـی شده‌اند. داستان‌نویس، در بستری رمانتیک، شخصیت را به رجوع به همان بسـتر پیشـین که در آن آداب و سـنن و افسانه‌ها و اسـطوره‌ها جاری و زنده هستند، هدایت می‌کند.»

سلیمانی، کارکردهای عملی این شاخصه‌ها را در داسـتان‌های شهری، تشـریح کرد و ادامه داد: «در صـورت وجود آن رابطـه اندام‌وار بین اثر و شـهری که بسـتر آن است، اگر شخصیت را از شـهر خارج کنیم، اثر زنده نخواهد ماند. از جهات نمادین و هم از جهات واقعی، سرگذشت شهر، سرگذشت اشخاص است، به این معنا که اگر شهری دچار اضمحلال شود، شخصیت نیز دچار آن می‌شود و اگر شهری بالنده و پیروز بود، شـخصیت هم اتفاقی مشـابه را تجربه می‌کند. اشیا و نمادهای شهری باید رابطه‌ای تنگاتنگ و ارتباطی درونی با شخصیت داستان داشته باشند.»



وی، داستان‌های این مجموعه را نمونه‌هایی موفق در دسـته داستان‌های شـهری ارزیابی و تأکید کرد «در داستان اول، مهمترین ویژگی پرسه‌زنی است، که یکی از مهمترین شاخصه‌های داستان شـهری است. انسـان شـهری در دلتنگی‌های عصرانه خـود، در بلوارها و پارک‌ها، بی‌مقصد پرسـه می‌زند؛ این تجربه برای انسان روستایی بی‌معنی است. در همین داستان، به‌دنبال پرسه‌زنی شـخصیت، اتفاقی تراژیک صورت می‌گیرد و در نهایت داسـتان با یک پایان‌بندی نامطلوب به پایان می‌رسـد. به نظر می‌رسد که تحقق پایانی مـدرن بـرای آن، مطلوب‌تر می‌بـود. در دیگر داستان‌های این مجموعه، بسیاری از ویژگی‌های داستان شهری دیده می‌شود؛ از آن دست می‌توان بـه رویکردهای ذهنی شـخصیت‌ها، توجه به مصرف‌گرایـی، روزمرگـی و مانند آنها اشـاره کرد.»

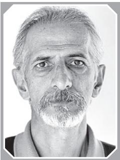
سلیمانی ادامه داد: «تأثیرپذیری و برقراری ارتبـاط درونی داسـتان‌ها بـا مخاطب از حیث ترجمـه نیـز در حد مطلوبی قـرار دارد. به نظر می‌رسد مترجم از عهده کار خود به خوبی برآمده است. از دیگر ویژگی‌های ترجمه، روان بودن آن و استفاده از شاخصه‌های زبان محاوره‌ای است.»

در ادامه این نشست، سلیم اوزبان، ادوار مختلف داستان نویسـی ترکیه را در بستر تاریخ تشریح و افـراد مؤثـر در این حـوزه را معرفی کرد. وی خاطرنشان کرد «روند داستان‌نویسی در معرض اتفاقات سیاسـی و اجتماعی، همـواره در حال تغییر اسـت. گاه بسـیار درخشـان و گاه بسیار راکـد. داستان‌نویسـی در ترکیه نیز از این قاعده مستثنی نیست. سیر پیشرفت در داستان‌نویسی ترکیـه، متأثر از دو دلیل بوده اسـت؛ اول این که داستان‌نویسـی ترکیه تحت تأثیر و میراث‌خوار سـبک‌های ادبی جهان و نویسندگان مشهوری چون کافکا و چخوف و جویس بوده است. دوم،



این که، این ادبیات، همواره نوع نگاه خاص خود را نیز حفظ کرده است.»

وی شاخصه‌های تحول در داستان‌نویسی ترکیـه را بـا ارجاع به مصادیقی تشـریح کرد و گفت: «دیدگاه‌های تازه در مسـیر داستان‌نویسی ترکیـه، بـا الهـام از قصه‌هـای عامیانـه آغاز شـده اسـت. امیـن نهـاد، در اثری بـا عنوان مسامره‌نامه، نظریه‌های سنتی را با تکنیک‌های تازه داستان‌نویسـی در آمیخته است. او روابط زن و مرد، روابط مدنی، وطن‌پرستی و همچنین بهت انسان مدرن را دستمایه کار خود قرار داده است.



محمدرضا حیدرزاده

قهرمانان او جلوه‌های با شـکوه انسان‌های پیشـین را ندارنـد و چـون انسـان‌های امـروزی دچـار ضعف‌ها و بهت‌هایی هستند. نویسنده دیگری که از این ویژگی‌ها بهره جسـته اسـت احمد مدحت افندی است، او در دهه ۱۸۷۰ بدون اطلاع از شـاخصه‌های پست مدرنیزم آثاری در این حوزه با مرکزیت انسـان خلق کرده است.»

اوزبان، دیگر نویسندهٔ ترک، رویکردهای مشـابه را معرفی کـرد و ادامه داد: «بسـیاری از نویسـندگان ترکیـه، چون عمر سـیف الدین، توانستند در اوضاع ملتهب سیاسی بر خوانندگان خود تأثیرات بسزا داشته باشند؛ همچنین در آثار ایشـان می‌توان تحولات اجتماعی و سیاسی را مشاهده کرد.

در ادوار بعـدی، یعنـی در دهه‌های میانی قرن نوزدهم نیز این روند ادامه داشـته است. در داسـتان‌های این دوره، شاخصه‌های زندگی در عصر جدید، چون گوشه‌گیری و انزوای آدم‌ها، مد نظر نویسندگان بوده است. تأثیر رویکردهای سوسیالیسـتی در دهـه ۱۹۷۰ بر نویسـندگان، مقطعـی تازه در ادبیات ترکیـه به‌وجود آورد. از نویسندگان مطرح این دوران می‌توان به اورهان کمال اشاره کرد. این تأثیرات در دهه‌های بعدی و پس از فروپاشـی سوسیالیسم، کم‌رنگ شدند و در پی آن، مسـأله انسـان و همچنین مسائلی در حوزه زیبایی‌شناسـی، دوباره اهمیت یافت و مطرح شد.»

وی افزود: «تأثیر ادبای ترک از کسانی چون امبرتو اکو، کافکا، بکت و از این دست، در ادوار بعدی، باعث طرح مسـائلی چون، جنسیت، از خود بیگانگی، نوسـتالژی‌های دوران کودکی و مسـائلی از این دسـت، در ادبیات ترکیه شد، که در گذشـته فراموش شده بودند. این مسائل پس از بازنگری، به ادبیات ترکیه بازگردانده شـدند. از میـان تمامی نویسـندگان و ادبـای ترک در ایـن ادوار، احمد حمدی تانپینار، کمال طاهر و اؤزآتای، مشخصا روح ادبیات ترک هستند. اگر آنها نباشند، ادبیات ترکیه وجود ندارد و نمی‌توان از آن سخن گفت. آنها در حوزه‌های نقد، رمان و ادبیات داستانی چراغ ادبیات و فرهنگ ترکیه را روشن نگه داشته‌اند.»

اوزبان، بر تداوم روابط بینافرهنگی ایران و ترکیه و آشنایی هرچه بیشتر مخاطبان از ادبیات دو کشـور تأکید کرد و گفت: «این کتاب نمایندهٔ ادبیات ترکیه نیست، ولی برای آشنایی مهم است. می‌تـوان گفت آغازی برای یک ارتباط فرهنگی است.»

تلویزیون

جاذبه و دافعهٔ برنامه های مناسبتی

اکنون که ماه رمضان به پایان رسیده، فرصت خوبی است تا با نگاهی اجمالی و البته عمیق تر به ساختار برنامه های ترکیبی بپردازیم. اگر ویژه برنامـه های مـاه رمضان را به عنوان شـمایلی کوچک از برنامه‌سازی تلویزیونی در نظر بگیریم، می توانیم با تحلیل آن به تصویری کلی از ساختار برنامه سازی در رسانه ملی دست یابیم.

ویژه برنامه های مناسـبتی در این ماه به دو بخـش کلی برنامه های نمایشـی و برنامه های ترکیبی تقسـیم می شـود که همین مبنا را کم و بیـش می توان به کلیت برنامه های تلویزیون در طول سال تعمیم داد. مخاطب شناسی تلویزیون نیز نشان می دهد که بیشترین طیف مخاطبان میان این ساختار و شکل برنامه ای تقسیم می شود که البته می توان مخاطبان اخبار و برنامه های ورزشی را نیز به آن اضافه کرد. اما برنامه های ترکیبی در یک دهه گذشته رشد کمی و کیفی قابل توجهی داشته و در انواع مناسبت های ملی و مذهبی مورد استقبال مخاطب قرار گرفته اند.

با توجه به تحولاتی که در شـیوه اجرا، دکوربندی و رنگ آمیزی و شـیوه سـاخت این برنامـه ها مثل اسـتفاده از نماهنـگ، دعوت از مهمانان محبوب و سرشناس و درنهایت تزریق عناصر شادی بخش به آن باید گفت برنامه های ترکیبی به یک ثروت و ظرفیت رسـانه ای برای جذب مخاطب تبدیل شده که بیشتر مخاطبان آن جوانان و زنان خانه دار هستند.

اگـر همین دو طیف مخاطب را فقط در نظر بگیریم به این نتیجه می رسیم که از یک سو رسـانه ملی در معرفی و جاانداختن برنامه های ترکیبی و جذب مخاطب بیشتر موفق بوده و این برنامه ها بشـدت مخاطب پذیرند، اما از سـوی



دیگر، باید بپذیریم بخوبی از این ظرفیت استفاده نشده و به نوعی در دام تکرار گرفتار آمده اند. به عبـارت دیگر این جنس از برنامه ها می تواند با ظرفیت سازی های بیشتر بر تعداد مخاطبان جعبه جادو بیفزاید. بدون شـک، خاطره انگیز ترین برنامـه های ترکیبی و اتفاقـاً پربیننده ترین آنها برنامه های ترکیبی مناسبتی بویژه در ماه رمضان اسـت. طی دو دهه اخیر که تصویر و برداشـت رسمی از ماه رمضان به جشن و شادی تغییر کرده ایـن برنامه ها نیـز از مؤلفه های جذاب تری در ساخت و تولید بهره گرفتند.

مثلاً به همین برنامه ماه عسل توجه کنید یا ریشه های آن در گذشته مثل برنامه کوله پشتی که در دکوربندی و رنگ آمیزی و انتخاب لباس و پوشش مجریان از رنگ های شادتر و فضاهای بانشاط تری استفاده کرده‌است. جذابیت ساختار تکنیکی و بیرونی برنامه که زیبایی شناسی صوری و روبنـای این سـاختمان را جذاب تر می کند، قطعـاً یکی از عناصر مهـم در تولید برنامه های ترکیبی است، اما همه چیز به فرم ختم نمی شود و درنهایت این محتوا و مضمون برنامه هاست که موجب جذب و رضایت مخاطب می شود.

مصـداق این سـخن می توانـد برنامه «درس هایـی از قرآن» حجت الاسـلام قرائتی باشـد که بیش از تغییر در فـرم و دکوربندی به دلیل جذابیت محتوی همچنان مخاطبان خود را حفظ کرده است.

برنامه های ترکیبی رمضان خود قابل تقسیم به دو گونه اسـت؛ یکـی برنامه های با محوریت مذهبی و مفاهیم رمضانی که برنامه‌های سحرگاهی یـا دم افطاری را می توان نمونه ای از این برنامه ها دانسـت و دوم برنامه هایـی که گرچه در زمینه معنویت رمضان تولید شـده، اما سویه اجتماعی و سرگرم کنندگی آن بیشتر است؛ مثل ماه عسل. البته این تقسیم بندی را با توجه به نوع مخاطبان این برنامه نیز می توان تقسـیم کرد و شکل دوم را بیشتر مورد توجه نسل جوان دانست. واقعیت این اسـت که وقتی درباره سـاخت برنامه های معارفی ـ مناسبتی سخن می گوییم، بیشتر اذهان متوجه مضامین و درونمایه معنوی آنها می شود؛ اما باید توجه داشـت در سـاختار رسانه ای فرم مقدم بر محتواسـت و درواقع محتوا را به شکل زیبایی شناسانه در فرم و ساختار اجرایی باز تولید می کند، لذا وقتی از رسانه و برنامه سازی در آن حرف می زنیم اولویت با فرم اسـت و همه چیز خود را در زبان فرم نشان می دهد.

حتی خود کارشناسان مذهبی نیز بر این نکتـه تاکید دارند و معتقدنـد ما از لحاظ محتوا چیـزی کم نداریم و معارف دینی به اندازه کافی جذاب و شیرین است که مخاطب را خسته نکند، اما شیوه بیان آن و چگونه ارائه و نمایش آنهاست که گاه باعث شکست می شود. طبیعتاً تبلیغ و آموزش مفاهیم و انگاره های مذهبی به شـدت



سید رضا صائمی

تابع ابزار و منطق رسانه ای بوده که قرار اسـت این مسئولیت را به عهده بگیرد.

قطعـاً ارائـه معارف دینی برای مردم به شکل سنتی و در مسجد و روی منبر با همین هدف در یک برنامه تلویزیونی متفاوت است و لذا یک سخنران و مبلغ مذهبی موفق در ساحت سـنتی اش لزوماً نمی تواند کارشـناس مذهبی خوبی برای رسـانه باشـد و در این زمینه باید از افراد و متخصصانی استفاده کرد که علاوه بر عالم بودن در حوزه دینی زبان رسانه ای را شناخته و با ملزومات آن آشنا باشند.

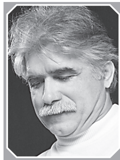
خوشـبختانه در سال های اخیر، کارشناسان مذهبی ـ رسانه ای خوبی در تلویزیون ظهور کرده اند که بویژه در جلب اعتماد نسل جوان موفق بوده اند، اما اینک فرآیند تولید برنامه های ترکیبی به مرحله‌ای رسیده که باز هم نیازمند بازنگری و بازسازی در فرم و ساختار اجرایی است. گویی این شکل از برنامه سازی ترکیبی که در سال های اخیر جواب داده و حتی به شکل گیری کمپین های طرفداران در فضـای مجازی هم انجامیده، نیازمند تغییر و تحولی تازه هستند.

تکنولوژی های نوین ارتباطی و گرافیکی، مستندسـازی و صنعـت پویا نمایـی، کوتاه کردن بخش ها و شـتاب دادن به ضرباهنگ برنامه، تولید ترانه‌ها و موسیقی های مذهبی و استفاده از چهره‌های جدید مجریـان از جمله عناصری هسـتند که مـی تواننـد در این نوسـازی به تهیـه کنندگان برنامه های ترکیبی کمک کرده و به ظرفیت سازی های جدید دست بزنند.

نقدینه

معرفی مجموعه شعر «بخورات»/ عبدالصمد آبروشن/ نشر پاریس/ ۱۳۹۱

حرف‌های یک فیل آدمخوار



اکبر اکسیر

شعر امروز تفسیر دیگری دارد که با مفهوم سنتی شعر تفاوت دارد. اصلاً بهتر است آن را کلمات بخوانیم. به نظرم کلمات می‌تواند جانشین مناسبی برای کلمه شعر باشد. این کلمات در کنار هم جملاتی را می‌سازند که با مفهوم سنتی جمله ترکیبی از نهاد و گزاره یا جمله اسمیه و فعلیه متفاوت است. امکان دارد جملاتی در یک مجموعه از شعر امروز بیاید که از دید پنج استاد مغشوش و بی‌محتواست، اما وجود دارد.

مخاطب کلمات امروز، دیگر به موزون و مقفی بودن آن نمی‌اندیشد. حتی به صرف و نحو آن. او وظیفه دارد کلمات کنار هم را که گاه با خطوط و نشانه‌های گرافیکی پر می‌شود، در ذهن خود پس و پیش کند. جاهای خالی را پر کند و پازل گسستهٔ متن را مرتب نماید. آنگاه فکرش را به کار اندازد که منظور از این تکه چه بوده است؟

همین طور تکه‌پرانی‌های کلمه‌پرداز را تفسیر کند. نه تفسیری عرفانی یا زبان‌شناختی، بلکه تفسیری که از ورای کلمات و جملات مثله شده می‌تواند به هم ببافد و به لذت متن برسد. اینجا به جای یک معنی اتوکشیده آقا معلمی مقدّر، او به معانی مکرری می‌رسد و خود را در پشت متن پنهان می‌سازد و هرمنوتیک هندلی خود را به کار می‌گیرد و آن را باور می‌کند. اینجاست که متن زنده می‌شود، پا می‌گیرد، راه می‌رود و مخ مخاطب را مختل می‌سازد!

این نوع از شعر یا کلمات در ادبیات ما به نام شطح و طامات و لغز و... در متون عرفانی وجود داشت و کسی به نام نوخواهی و نوجویی به آن نزدیک نمی‌شد. وقتی از قول فلاسفهٔ امروز غرب به نام پست مدرن به ایران برگشت، توسط مترجمان و مفسران، جان تازه‌ای گرفت و دههٔ هفتاد را دههٔ آشوب نام‌ها کرد. حال که به انبوهی از این متون مراجعه می‌کنیم، دچار سردرگمی می‌شویم و آنها را به جرم دیرهضمی پس می‌زنیم یا همراه با مطالعهٔ این قبیل نوشته‌ها قرص معده می‌خوریم!

هر متنی از مجموعه شعر امروز، در نوبت خود قابل تأمل است انصاف نیست به جرم دیرفهمی این نوع از جانوران سخت‌پوست، آنها را دفع کنیم. باید خودمان را به فهم مفاهیم پیچیده در هزارتوی آن مجهز کنیم که فردا خیلی دور است.

**

نسخه‌ای که در مقدمه برای شما پیچیدم، یک شوخی بود. خواستم شما را بترسانم. یادمان باشد با این توضیحات نمی‌توان مخاطب تیزهوش امروز را گول زد. خودتان باشید و از هیچ منتقد مسدس مسدود نترسید! اینها می‌خواهند با تحقیر مخاطب، ضعف مؤلف را بپوشانند. شعر یا کلمات یا هر نوشته‌ای اگر قابل فهم نباشد، لذتی نخواهد داشت. وقت خود را تلف نکنید و بروید سراغ شعرهای سادهٔ با محتوا، در هر قالب و سبکی که باشد. شعرهای خوبی که مفاهیم عالی انسانی داشته باشد و اگر کسی از شما نظر خواست، صریح، نه مثل من نعل و میخی، بگویید نفهمیدم، خوشم نمی‌آید. مگر نه این که وقت طلاست؟ پس وقت خود را تلف نکنید. اصلاً مال بد بیخ سبیل صاحبش!

«بخورات» نام مجموعه شعر عبدالصمد آبروشن از شاعران خوش آتیهٔ جنوب شعر ماست، باطرح وحشتناکی از خود شاعر بر روی جلد که آدم را می‌ترساند! طرحی از انسان در هم لهیدهٔ سیاه‌بخت جذامی چرخ کرده که برای ترساندن مخاطب شعر امروز مناسب است. شعرهای این مجموعه روایت سادهٔ یک آدم روان‌پریش فرزانهٔ هزاره سوم است که فکرهای بزرگی در سر دارد. ژل به ژولیدگی‌اش زده و به موهایش آرایش نظامی داده است تا سگ شود در خیابان و پاچه مانکنی را بگیرد... او یک فیل آدمخوار است نه یک آدم فیل خور!

شعرهای آبروشن، هرچند به روشنی آب است، امّا عمیق‌تر و اسرارآمیزتر است. کلمه‌ها با وسواس انتخاب شده و شکل تکامل یافتهٔ شعر ناب با زبان امروز است. از تکرار واژگان معمول خبری نیست. از تکرار سوژه خبری نیست. هر چه هست، یک مشت حرف قابل فهم گیج‌کنندهٔ اعصاب خردکن گواراست!

ترکید مثل هزار بادکنک/ حواسم پرت شد توی آلزایمر...

طنزهای نهفته در متن عبدالصمد در بخورات، چرت مخاطب ساده‌دل را پاره می‌کند. او را دق‌مرگ می‌کند تا به قطعیتی در معنا برسد. ای کاش عبدالصمد برای هر شعرش کیسه هوا تعبیه می‌کرد تا مخاطب موبایلی صدمه نبیند:

جذام که صورتش را خورد/ از دماغ شروع کرد/ بعد قطع شد/ بوی ممتد خوابش را آشفت/ چرتش که پاره شد/ سر خودش را به تن شیر دوخت/ و اسمش را گذاشت ابوالهول/ که لم بدهد و با اهرام بازی فکری بکند/ مومیایی‌ها لابه‌لای نوارهای سفید خمیازه کشند/ و برای عبدالصمد دماغ می‌گذارند/ دماغی از هویج/ دماغی از کلم.



آبروشن حرف‌های روشن خود را در لای کاغذ سوسیس پیچیده، اعتراف می‌کند:

از خود سیر شده‌ام/ لای کاغذها سوسیس نیست/ خردلی که ریخته روی این شعر/ مرا به میز می‌کشاند/ تنباکو نیستم گر بگیرم/ گیاه گوشتخواری هستم/ حشره‌ای سمی خورده‌ام/ و بدون درد می‌میرم.

شعرهای این دفتر باید بارها و بارها خورده شود تا هضم شود و زیبایی‌های متن یکی بعد از دیگری خود را نشان دهد. چند شعر کوتاه از عبدالصمد آبروشن:

* دیازپام خورد/ و با برج کج شد/ خط لب‌هایش/ پاریس ریس ریس می‌خندد/ به مرزی که از دهان تو می‌گذرد/ مونالیزا!

*گاوها اطفال معصومی هستند/ که از دروغ‌های بزرگ ما شاخ در آورده‌اند/ هی گاوها/ من با هیچ کاردی نسبت خونی ندارم.

*پرندگان ساحلی/ شکسته نستعلیق می‌پرند...

آبروشن شاعر خوبی خواهد شد، دلخواه مخاطب امروز؛ اگر از شعرهای کوتاه این دفتر خود را بیاویزد. او حلاجی است که از چشم شبلی نهان مانده است. او عقل سرخ شعر امروز است. او را بشناسانیم. حیف است سهروردی ناتمام شعر ما باشد:

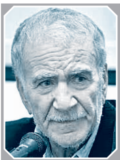
آقایان و خانم‌ها/ نترسید/ کسی که با شما صحبت می‌کند، یک گاو است!

گفتگو

بخش بیست و هفتم

تفسیر دکتر دینانی از «گلشن راز»

رازِ راز



گفتگو از: کریم فیضی

انسان و منزلش

در اینجا فقط می‌توان گفت که صنفی دیگر از اصناف انسان‌ها و اصحاب ولایت کسانی هستند که زیبایی و آثار معشوق برای آنها مطرح است و دربارهٔ آن داد سخن می‌دهند و از زلف و خال و خطش حرف می‌زنند و شراب و شمع و شاهد برایشان مطرح است. آنها اصل هستی را معشوق می‌دانند و آثارش را مورد بحث قرار می‌دهند. هر یک از زلف و خط و خال دارای معنایی است که باید در جای خودش مورد بررسی قرار بگیرد. در واقع، این شیوه‌ای است که در آن، از نشانه‌ها به صاحب نشان می‌رسند. در مجموع، این گونه‌ها، نشان‌دهندهٔ اقسام خلایق است و اینکه هرکسی راهی دارد و طریقی.

*** و طریقتی، از این گونه‌ها و اقسام که بگذریم، می‌رسیم به بیتی که به نظر می‌رسد ثقل ماجرا در آن است:**

سخن‌ها چون به وفق منزل افتاد
در افهام خلایق مشکل افتاد

* هرکسی بروفق منزل خودش سخن می‌گوید. منزل هرکسی برابر است با مرتبه فهمش. بنابراین هرانسانی، مطابق منزلی که به آن رسیده، حرف می‌زند و نمی‌تواند از منزلی که نرسیده و ندیده، سخن بگوید. انسانی از چیزی صحبت می‌کند که می‌داند و به آن رسیده. «منزل» یعنی جایی به آن رسیده‌ایم. منزل هر سالکی مرتبهٔ معرفتی‌اش است و معرفت مراتب مختلفی دارد و شاید بتوان گفت مقدار این مراتب بی‌شمار است. ببینید! من می‌توانم نشانی منزل خودم را به شما بدهم، نه اینکه آدرس خانه دیگران را به شما بدهم، چون هرکسی از منزل و مرتبهٔ خودش خبر می‌دهد و منازل یکسان نیست و مراتب فهم نمی‌تواند یکسان باشد. این صحبت، بین انسانها اختلاف به وجود آمده و مشکلاتی حادث شده است. از اینجاست که اشخاص حرف‌های همدیگر را نمی‌فهمند.

*** به عبارت ساده و عامیانه: هرکسی منزل خودش را به رسمیت می‌شناسد و ممکن است منزل غیرخودش را بی‌ارزش هم بداند.**

* چنین چیزی در بین انسانها مصداق دارد. هرکسی به منزل خودش علم دارد و می‌داند که در اتاق‌ها و طاقچه‌های خانه‌اش چه دارد. من می‌توانم از منزل خودم خبر بدهم ولی نمی‌توانم از منزل شما سخن بگویم، چون منزل شما را ندیده‌ام و هر حرفی که بزنم، بی‌خود و بی‌معنی است. مشکلات عالم از اینجاست که فهم‌ها مختلف است و اشخاص همدیگر را نمی‌فهمند و درک نمی‌کنند، اما اجازه بدهید این حرف را در اینجا اضافه کنم و بگوییم: کسی که در منزل بالاتر به سر می‌برد، منزل‌های پایین‌تر از خودش را می‌شناسد و درک می‌کند.

*** در واقع، بالا، پایین را درک می‌کند و می‌فهمد ولی پایینی، نمی‌تواند بالایی را درک کند.**

* دقیقاً. نفهمی از پایین به بالاست نه از بالا به پایین. کسی که صاحب منزل دهم است، می‌تواند منزل‌های زیرین را بفهمد ولی کسی که منزل در اول و دوم واقع است، به منازل بالاتر دسترسی ندارد. پس بازگشت مشکل به اینجاست که: منازل پایین و صاحبان منزل‌های فرودست، منزل‌های بالاتر از خودشان را درک نمی‌کنند و نمی‌فهمند.

*** جالب است که در بیت قبل از این بیت، سخنی آمده که من عمداً آن را نخواندم ولی در واقع مفهوم این سخن را نشان می‌دهد و می‌گوید:**

یکی از هستی خود گفت و پندار
یکی مستغرق بت گشت و زنّار

* کاملاً درست است. هرکسی از هستی خودش سخن می‌گوید. هرکسی اناالحق می‌گوید، از فرعون تا حلاج ولی فرق است بین این هستی و آن هستی. هستی حلاج به بحر وحدت برمی‌گردد ولی هستی و اناالحق فرعون از روی جهل و خودخواهی و پندار است و مشکلات از اینجا ناشی می‌شود که اشخاص مراتب مختلفی دارند و همدیگر را نمی‌فهمند.

*** ما می‌دانیم که بین انسان‌ها اختلاف وجود دارد. شبستری چندین گونه از اصناف انسان‌ها را ذکر می‌کند و نشان می‌دهد که هرکس به چیزی باور دارد و استدلالش این است که اختلاف‌های به وجود آمده در افهام انسان‌ها از کجا ناشی می‌شود ولی فکر نمی‌کنید اختلافات انسان‌ها، از اختلافات الفاظ ناشی می‌شود و نزاع‌ها لفظی است؟**

* نه، اختلاف معرفتی است.

*** به نظر می‌رسد دعوا بر سر لفظ است به این معنا که ممکن است من به مرتبه‌ای، لفظی اطلاق کنم که شما آن لفظ را قبول ندارید و به چیزی دیگر اطلاقش می‌کنید!**

انسان‌ها کلمات و تعابیر را مطابق فهم خودشان به کار می‌برند و استعمال می‌کنند. ممکن است من کلمه‌ای را که شما در معنایی دیگر به کار می‌برید، مطابق فهم خودم به کار ببرم.

ادامه دارد

ادبیات جهان

تجربه

نوشته: گونتر زویرن (Guenther Seuren)
برگردان از: فاطمه اتراکی

گونتر زویرن (Günter Seuren)، نویسنده آلمانی (۲۰۰۳-۱۹۳۲) از سال های جوانی به نویسندگی در مطبوعات می پرداخت. بعدها به نقد فیلم و ساخت فیلم های مستند برای شبکه های تلویزیونی روی آورد.

او که بخشی از سال های عمرش را در سوئیس گذراند، جوایز ادبی و هنری هم دریافت کرده بود. از جمله در برلینال سال ۱۹٦٦ جایزه بهترین فیلمنامه را برای فیلمنامه ای که بر اساس یکی رمان هایش نوشته بود، با نام «فصل شکار گرگ ها» از آن خود کرد.

از او آثار انتقادی و واقع گرایانه ای مانند: دروازه، کهنه خر، وداع با یک جانی و فصل پنجم باقی مانده است.

**

مرد گفت: «عقب عقب می روم، چون دیگر نمی خواهم رو به جلو راه بروم». قدش بلندتر از متوسط بود، تلاشی که برای تمرکز روی عقب عقب رفتن به خرج داده بود، موجب شده بود رنگ پریده به نظر برسد و بینی اش از وزش باد سرخ شده بود. باد غربی تندی که می وزید، ضربه های سختی به صورتش می زد؛ ضربه هایی که برای بقیه عابران هم جهت با او باد ملایمی بود که به پشتشان می خورد. کندتر از دیگران حرکت می کرد ولی از حرکت نمی ایستاد، مانند خرچنگی که عقب عقب برود.

گفت: «یک روز، در یک پارک کاملاً تنها بودم، بادی نمی وزید، صدای پرندگان را می شنیدم که در نزدیکی من در میان بوته ها به دنبال غذا می گشتند، صدای آواز کبوترها را می شنیدم و آرامش عظیمی به من دست داد. چند قدم به عقب رفتم و حالا می دانم که: وقتی آدم همیشه رو به جلو حرکت کند، مسیر را برای خود محدود می کند. وقتی عقب عقب راه رفتن را آغاز کردم، چیزهایی را که ندیده بودم و از کنارشان گذشته بودم، دیدم. حتی ناشنیده ها را شنیدم. می بخشید اگر نمی توانم به شیوه ای قابل فهم برایتان توضیح بدهم. از من انتظار منطق نداشته باشید. چون آن چیزی که کشف کرده ام، در واژه ها نمی گنجد. و فکر نکنید که قصد من از این کار به عقب برگشتن است، من برنمی گردم، من ...» چند ثانیه سکوت کرد و مصمم به جلو خیره شد، «تعجب می کنید ... ولی من خیالباف نیستم».

همراهش، مردی که هم جهت با او، ولی رو به جلو، حرکت می کرد، پرسید: «بعدش چه؟ از این کار که پیشرفتی حاصل نمی شود! یک روز ایستاده اید، شاید می خواسته اید صدای رشد علف ها را بشنوید، چند قدم به عقب رفته اید تا مکثی کرده باشید. این طور بوده است؟»

مردی که عقب عقب می رفت به همراهش نگاهی انداخت، نگاهش آرام بود. گفت: «تجربه من هنوز به پایان نرسیده است». مرد همراهش گفت: «آیا فکر می کنید زمانی روش راه رفتن شما باب شود؟»

جواب داد: «یک سؤال سخت» و نگاهش را به نقطه ای گیراند که مرد همراه نمی توانست آن را تشخیص دهد. سپس ادامه داد: «با این همه، ایده من چیز تازه ای نیست. آن طور که بعداً فهمیدم، ملتی که حالا چیزی از آن باقی نمانده است هم زمانی مشکلاتی همچون مشکلات ما داشته است. ادامه حیات آنها هم در یک استادیوم رقم می خورد. آن هم به یک روش کاملاً نادر، شما اگر خواستید می توانید بگویید حقه: آن زمان‌ها که درگیری های خشونت آمیز بسیاری بین قبایل رخ می داد، در میان این ملت، مبارزان پشت به هم می ایستادند و آن قدر رو به هوا ضربه می زدند و فریاد می کشیدند تا این که یکی پس از دیگری از پای درمی آمدند. همه سپاهیان که به سختی نفس می کشیدند بر زمین می افتادند و آنچه بلافاصله نصیبشان می شد، خواب بود. این جنگ ها روزها به طول می انجامید ولی بدون خونریزی بود و تنها نتیجه اش عضلات بسیار سفت شده. به نظرتان چطور است؟»

مرد همراه گفت: «قبول، این روش می تواند کورسوی امیدی برای جوامع بدوی باشد ولی برای ما چه اهمیتی دارد؟ شما با این حرکت به عقب در انتظار چه هستید؟»

پاسخ داد: «امیدوارم که توجه را به سوی خود جلب کنم».

مرد همراه گفت: «این کار را به هر حال دارید می کنید. کسی که به طور دائم پیانو می نوازد یا آن که پنجاه کیلومتر روی دست راه می رود هم می تواند توجه افراد را به خود جلب کند.»

ولی مرد عقب رو که اجازه نمی داد این کنایه ها او را از کوره به در ببرد، ادامه داد: «امیدوارم که فهمیده شوم، وقتی برای اولین بار عقب عقب رفتم، دوباره زنده شدم.»

مرد همراه گفت: «باشد. شما اولین کسی نیستید که چنین دیدگاه هایی دارد. ولی به هر حال شما انجام یک کار عملی را پیشنهاد می کنید. در این که موفق شوید، بسیار تردید دارم.»

مرد گفت: «موفق شوم یا نه، باید تلاش می کردیم تا آن را انجام دهیم، همه مان.»

مرد همراه گفت: «ببخشید، من در دنیای واقعیات به سر می برم: آیا تاکنون به دلیل ایجاد اختلال در رفت و آمد از سوی پلیس جریمه نشده اید؟»

مرد عقب رو برای نخستین بار کاملاً رو به او، به صورتش خیره شد و لبخندزنان گفت: «فقط یک بار، آن اوایل بود، زمانی که هنوز نامطمئن بودم.»

«و امروز دیگر با هیچ کسی برخورد نمی کنید؟»

مرد همچنان لبخندزنان پاسخ داد: «هرگز!»

سکوت کردند. مرد عقب رو با گام های منعطف عقب عقب می رفت. همراهش برای دنبال کردن او به زحمت افتاده بود. مردی که عقب عقب می رفت، پا تند کرد و گفت:



مترجم: فاطمه اتراکی

«ببخشید، متأسفانه باید کمی عجله کنم. یک قرار دیگر دارم. به امید دیدار.»

و سپس در چشم بر هم زدنی ناپدید شد.

مرد دیگر مثل کسی که جا مانده باشد، گام هایش را آهسته کرد تا نفسش جا بیاید. چند لحظه بعد آن اتفاق افتاد. مانند این که از یک شکاف در زمین چیزی بیرون بزند، فریاد چندصدایی بلندی در فضا منفجر شد. آدم ها ایستاده بودند و به یک سو خیره شده بودند. اول تک تک و بعد به صورت گروهی جمع شدند و به حلقه ای از آدم ها تبدیل شدند که به سرعت بزرگ می شد.

زمانی که مرد همراه بالاخره آن قدر خود را در حلقه جمعیت چپاند، که بتواند درون دایره را ببیند، مرد عقب رونده را دید که مانند عروسک خیمه شب بازی بزرگی که از آسمان افتاده باشد، پخش زمین شده است. یکی از میان جمعیت گفت: «ماشین مقصر نبود، من می توانم شهادت بدهم.» و یکی دیگر گفت: «باید مست باشد، عقب عقب می رفت!»

مرد همراه خود را به وسط حلقه کشاند و بر روی او خم شد و گفت: «صدای مرا می شنوید؟»

مرد گفت: «بله» و حرکتی نکرد. گونهٔ چپش روی آسفالت قرار داشت و انگار که با پوستهٔ خاکستری زمین حرف می زد، ادامه داد: «یک بار امتحانش کنید، وقتی کاملاً تنها هستید. هر جایی. در یک پارک یا شب ها در یک جای خلوت. امیدوارم از آن لذت ببرید و بهتر از من انجامش بدهید.»

پلیس ها به درون حلقه وارد شدند. یکی از آنها به مرد همراه گفت: «چیزی می دانید که بگویید؟» مرد همراه پاسخ داد: «می خواست عقب عقب راه برود.»

پلیس گفت: «امروز این چهارمین کسی است که این کار را می کند. مردم چه شان شده است؟»

رمان و منطق گفت‌وگویی

بخش سوم

بقیه از صفحه اول

اجتماعی موجود را مخاطب قرار داده است؛ در درون این گفت‌وگوی بزرگ می‌توان صدای «خرد – گفت‌وگوها» را هم شنید.

فرمالیست‌ها تنها صدای خرد – گفت‌وگوها را شنیده‌اند و به گفت‌وگوی میان متن و زمینه توجهی نکرده‌اند. به همین سبب باختین بر آنها خرده می‌گیرد.

آنچه در بررسی باختین از ادبیات تولید شده پیرامون داستایفسکی آشکار است، دقت و حوصله‌ای است که در شرح و بررسی نظر دیگران صرف می‌کند. هر نظری جنبه‌های مثبتی دارد که باختین به تأیید آن می‌پردازد و بعد در میان نقاط ضعف یا منفی با ارائه دلایل آن را نقد و اصلاح می‌کند. در اینجاست که می‌توان گفت‌وگوی باختین را با همهٔ مکاتب ادبی – فلسفی روزگارش شنید؛ گفت‌وگویی که چگونگی رابطهٔ او را با دیگران و تشکیل حدود و هویت نظریه‌اش را تعیین می‌کند.

در بخش دوم تحلیل باختین از «گفتمان رمان گونه» او به مسئلهٔ نسبت میان نویسنده و شخصیت در هنر داستایفسکی می‌پردازد. باختین در آثار اولین‌اش به صورتی کاملاً انتزاعی، «تک منطق» و بدون اشاره به نویسنده‌ای خاص به این موضوع پرداخته بود و حال براساس آثار داستایفسکی به شرح و بسط بیشتر و ارائهٔ روشن‌تر آن ادامه می‌دهد. در هنر داستایفسکی «آنچه باید مشخص و معیّن شود نه وجود خاص یا تصویر شخصیت که کلّیت آگاهی و خودآگاهی شخصیت و درنهایت کلام آخر شخصیت نسبت به خود و جهان خود است». اگر گوگول ۱ (۱۸۵۲–۱۸۰۹) کارمند دون پایه اش را بدقت توصیف می‌کند، داستایفسکی در برابر یادداشت‌نویس زیرزمینی‌اش آیینه‌ای قرار می‌دهد؛ آیینه‌ای انسانی که او را از زاویهٔ دید دیگری نشان می‌دهد، آن گاه او از چشم دیگری دربارهٔ خود به تأمل می‌نشیند. به این ترتیب داستایفسکی با کاستن از نقش و سهم خود و سپردن کار به آگاهی شخصیت «انقلاب کوپرنیکی کوچکی» را به انجام می‌رساند.

در کنار آگاهی شخصیت و در همان سطح آگاهی‌های دیگر، جهان‌بینی‌های دیگر و نگاههایی از زاویه‌هایی دیگر هم در رمان وجود دارند که با آگاهی قهرمان برخورد می‌کنند و با آن وارد گفت‌وگو می‌شوند. در این میان آگاهی نویسنده، آگاهی قهرمان و آگاهی دیگر شخصیت‌ها هیچ کدام بر دیگری تفوّق و برتری ندارند. در قصهٔ تولستویی و در ژانرهای متمرکز روایی همچون حماسه یک یا چند شخصیت سخنگوی نویسنده‌اند، اما در رمان داستایفسکیایی به نویسنده و نه قهرمان هیچ کدام از مازاد یا رانت معنایی برخوردار نیست. داستایفسکی به شخصیت‌هایش منطقی درونی می‌بخشد. خود به کناری می‌نشیند و همهٔ امور را به آن منطق درونی و تعاملات میان آگاهی‌های مختلف می‌سپارد.

بخش سوم کار باختین به قراردادن ایده‌ها در کار داستایفسکی اختصاص دارد. اساساً در نظر باختین هیچ ایده‌ای خارج از ذهنیت و آگاهی شخصیت وجود ندارد. اگر دین یا اندیشه‌ای فلسفی، هنری و اجتماعی در کار داستایفسکی مطرح می شود، کار انسانی آگاه است؛ کار انسانی است که خودِ آن ایده را زندگی کرده است. تا پیش از داستایفسکی، حتی در رمان اروپایی، خود نویسنده به صورت مستقیم یاغیرمستقیم (از طریق یکی از شخصیت‌ها یا راوی یا با به کارگیری تکنیک‌های خاص روایت) وارد قصه می شد و به تفسیر یا تغییر گفتمانها و حوادث می‌پرداخت. گاه در میان متن و حتی در بین گفته‌های یک شخصیت خاص گفتمانها و ایدئولوژی‌هایی مطرح می‌شد که متعلق به متن یا خود شخصیت نقل کننده نبود، حتی نمی‌توانست نسبت خود را با بقیهٔ صداهای متن تعیین کند.

انقلاب کوچک کوپرنیکی داستایفسکی، ایدئولوژی نویسنده را از مرکز برداشت و بسیاری از صداها و روابط میان آنها را در گسترهٔ افقی متن نشان داد.

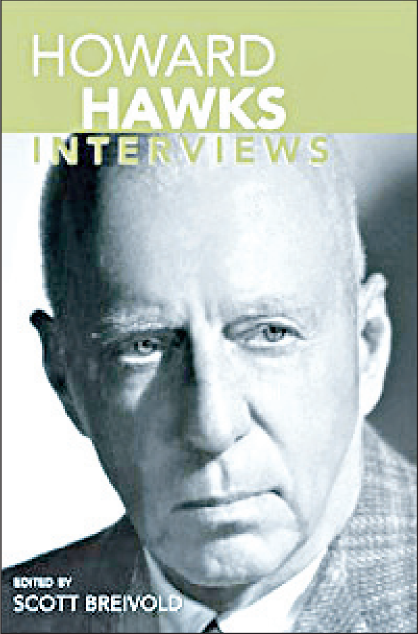
ادامه دارد

مروری بر زندگی و آثار «هوارد هاکس»، کارگردان بزرگ سینما

سازندهٔ آثاری در ستایش مردانگی



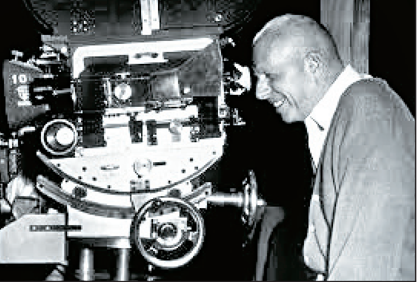
امیر شریفی خضارتی
عضو رسمی باشگاه پژوهشگران جوان



«هوارد هاکس» (Howard Hawks) با نام کامل «هوارد ونیچستر هاکس» در ۳۰ ماه می سال ۱۸۹٦ میلادی در شهر «گاشن» از شهرهای ایالت «لوئیزیانا» در ایالات متحده آمریکا به دنیا آمد. پدرس «فرانک» و مادرش «هلن» نام داشتند. پدر هاکس در صنایع کاغذسازی دارای موقعیت مناسبی بود و مالک مرفه کارخانه کاغذسازی محسوب می‌شد. هاکس دارای ۲ برادر بود که هر دو کار فیلم می‌کردند؛ برادر اول «کِنت» نام داشت که به شغل کارگردانی اشتغال داشت و در جَریان فیلم‌برداری از یک صحنه پرواز کشته شد. برادر دوم نیز «ویلیام» بود که به کارگزاری و تهیه‌کنندگی فیلم اشتغال داشت و در سال ۱۹٦۹ درگذشت. امّا هوارد هاکس ۲ خواهر هم داشت؛ «گریس» که در ۱۹۲۷ بر اثر بیماری سل از دنیا رفت و خواهر دیگری که در طفولیّت مسموم شد و مُرد.

خانواده هاکس وقتی او ۲ سال سن داشت، اول به شهر «نینا» در ایالت «ویسکانسین» مهاجرت کردند و بعد از ۱۰ سالگی او، به شهر «پازادنا» در «کالیفرنیا» نقل مکان نمودند. هاکس دوره دبیرستان را در شهر «گلندورا» در «کالیفرنیا» گذراند، سپس در کالج تکنولوژی «تروپَ» در «پازادنا»، آکادمی «فیلیپ اِکزتر» در نیوهمشایر و دانشگاه «کُرنل» در نیویورک به تحصیل پرداخت. او در دانشگاه «کُرنل» دوره مهندسی مکانیک را گذراند و بعد از آن به لس‌آنجلس بازگشت. وی در دوران جنگ جهانی اول در تگزاس و در نیروی هوایی آمریکا خدمت کرد و معلم پرواز ارتش بود. هاکس پس از ترخیص از خدمت نظام، در مسابقه‌های اتومبیل‌رانی شرکت کرد و سازنده و خلبان هواپیما نیز شد. او در دوران حیات خود ۳ بار ازدواج کرد و دارای ٤ فرزند (۲ دختر و ۲ پسر) و همچنین یک پسرخوانده بود.

هوارد هاکس در هنگام گذراندن تعطیلات خود حین تحصیل در دانشگاه «کُرنل» در سال‌های ۱۹۱٦ و ۱۹۱۷ در قسمت مربوط به لوازم صحنه در استودیوی «فیموس پلیرز



ـ لاسکی» که بخشی از استودیوی «پارامونت» بود، به کار پرداخت. او در سال ۱۹۱۷ چند صحنه از فیلم «شاهزاده خانم کوچک» ساخته «مارشال نیلان» و با شرکت «مری پیکفورد» را کارگردانی کرد.

هاکس در پایان جنگ جهانی اول و پس از اشتغال به رانندگی اتومبیل‌های مسابقه‌ای، خلبانی و هواپیماسازی، شخصاً چند فیلم کوتاه کمدی را کارگردانی نمود و تهیه تعدادی فیلم به کارگردانی افرادی همچون «مارشال نیلان» و «آلن دوان» را به عهده گرفت. او مدتی نیز با کارگردان مشهور آن زمان «سیسیل ب.دومیل» (۱۹۵۹ـ۱۸۸۱م) همکاری کرد.

هاکس در سال ۱۹۲۲ به قسمت تدارک داستان در کمپانی «پارامونت» پیوست و روی سناریوی تقریباً ٦۰ فیلم (اغلب بدون ذکر نام خودش) کار کرد. او در سال ۱۹۲٤ به امید شروع کارگردانی فیلم به استودیوی «مترو گلدوین مایر» رفت، امّا بعد از یک سال کار، آنجا را ترک کرد و قراردادی را برای کارگردانی با استودیوهای «ویلیام فاکس» منعقد ساخت. وی در این استودیو نخست به فیلمنامه‌نویسی پرداخت و نهایتاً فرصت کارگردانی در سال ۱۹۲٦ برای فیلم «جاده افتخار» به او داده شد.

بینش اجتماعی هاکس در دهه ۱۹۳۰ شکل گرفت؛ یعنی زمانی که در فیلم‌هایش شروع به بررسی برخوردهای دراماتیک میان گروهی از مردان که حرفه و فعالیتی مشترک دارند، کرد؛ همچون: خلبان‌ها در «گشتی صبحگاهی» (۱۹۳۰)، «ارتفاع صفر» (۱۹۳٦) و «فقط فرشتگان بال دارند» (۱۹۳۹)؛ یا گنگسترها در «قانون تبهکاری» (۱۹۳۱) و «صورت زخمی» (۱۹۳۲)؛ یا سربازان در «امروز زندگی می کنیم» (۱۹۳۳) و «جاده افتخار» (۱۹۳٦)؛ یا رانندگان اتومبیل‌های مسابقه‌ای در «جمعیت می خروشد» (۱۹۳۲)؛ و یا ماهیگیران در «ببر کوسه» (۱۹۳۲).

این فیلم‌های اکشن، تجلیل‌هایی از وابستگی‌های میان مردان و فعالیت جمعی و تخلیه تنش‌های میان اشخاص بودند.

سبک بصری هاکس به تدریج و طی دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹٤۰ میلادی متحول شد تا بازتاب بینش اجتماعی او باشد. دوربین او همسطح چشم بیننده عادی و متناسب با وضعیت خود شخصیت‌ها باقی ماند؛ ولی فضایی که برخوردهای شخصیت‌ها در آن صورت می گرفت، به تدریج گسترده‌تر شد و از عمق میدان نسبتاً کم اوایل دهه ۱۹۳۰ به وضوح عمیق اصلاح گردید.

هاکس در زمینه فیلم‌های کمدی و حادثه‌ای توانست آثار خوش‌ساختی همچون «قرن بیستم» (۱۹۳٤) و «بزرگ کردن بینی» (۱۹۳۸) را به تصویر بکشد. او همچنین توانست داستان پر از حادثه و نسبتاً بی‌عیب و نقص «فقط فرشتگان بال دارند» (۱۹۳۹) را کارگردانی کند. این دسته از آثار پرکشش هاکس، به راحتی تماشاگران را به خنده یا هیجان وا می‌داشتند. فیلم «دختری به نام جمعه» (۱۹۳۹) اقتباسی آزاد از نمایشنامه «بن هکت» و «چارلز مک آرتور» بود. این فیلم بر قهرمان بودن آنارشیستی (یک فرد هرج و مرج‌طلب) تأکید می کند که به اعدام با صندلی الکتریکی محکوم شده است. فیلم مهم هاکس در دهه ۱۹٤۰ میلادی «گروهبان یورک» (۱۹٤۱) نام داشت که با بازی «گری کوپر» (۱۹٦۱ـ۱۹۰۱) ساخته شد. این فیلم درباره جوانی به نام «الوین یورک» است که از ناحیه کوهستانی «تِنسی» سرخورده شده و دست از اعتقادهای صلح گرایانه‌اش بَرداشته است و لذا در جنگ جهانی اول شرکت کرده و به مقام قهرمان ملی نائل می‌شود. این فیلم چنان چشم‌اندازهای سیاه و تلخ جنگ و شعله‌ها و دودهای مارپیچ را به تصویر می‌کشد که صدای انفجار گلوله‌ها و توپ‌ها، مرگ و نیستی را به بیننده القا می‌کند. هاکس برای «گروهبان یورک» نامزد اسکار بهترین کارگردانی شد و در واقع این اولین و آخرین باری بود که او برای دریافت جایزه اسکار کاندیدا گردید، اما نهایتاً جایزه اسکار به «جان فورد» (۱۹۷۳ـ۱۸۹٤م) برای فیلم «چقدر درهٔ من سرسبز بود» رسید.

«داشتن و نداشتن» (۱۹٤۵) و «خواب بزرگ» (۱۹٤٦) آثار بعدی هاکس بودند که در هر دوی آنها «همفری بوگارت» (۱۹۵۷ـ۱۸۹۹م) و «لورن باکال» ایفای نقش می‌کردند. او در ژانر وسترن نیز کار کرد و با اینکه در مجموع فقط ٦ فیلم وسترن ساخت امّا از دیدگاه اکثر منتقدان سینما به عنوان یکی از بزرگترین سازندگان آثار وسترن لقب گرفته است.

شاخص‌ترین وسترن‌های هاکس عبارتند از: «رود سرخ» (۱۹٤۸)، «ریو براوو» (۱۹۵۹) و «الدورادو» (۱۹٦٦) که توانستند به شکل ظریف و گیرا، مقطعی از تاریخ پیدایش و شکل‌گیری غرب وحشی را به تصویر بکشند. هاکس همچون دیگر فیلمسازان معاصر خود نظیر: «جان فورد»، «رائول والش»، «ویلیام ولمن»، «آنتونی مان» و «هنری کینگ» از فیلمسازان



حرفه‌ای به شمار می آمد که وجه مشخصه آنها حس ظریف مشاهده و ظرافت کار است. در میان کارگردانان آمریکایی «اورسن ولز» درباره هاکس می گوید: «قطعاً با استعدادترین بود.» همچنین «هانری آنژل ـ منتقد فرانسوی ـ نوشته است: «هاکس یکی از ناب‌ترین اشراف سینما بود که توجه به نجابت انسانی از اصول اخلاقی او محسوب می‌شد.» از دیدگاه «مانی فاربر» ـ منتقد آمریکایی ـ «هوارد هاکس شخصیت کلیدی فیلم‌هایی با ساختار مردانه است؛ زیرا او حداکثر سرعت و زندگی درونی را در نهایت سر راستی نشان می‌دهد.»

امّا «ژاک ریوت» ـ کارگردان مشهور فرانسوی و منتقد مجله «کایه دو سینما» ـ چنین می گوید: «اگر هاکس مظهر سینمای کلاسیک آمریکا است و اگر نجابت و اشراف‌زادگی را وارد هر ژانری کرده است، به این دلیل است که او به هر حال موفق شده تا کیفیت خاص هر ژانر سینمایی را به درستی کشف کند و موضوع‌های مورد علاقه خودش را همان‌طور که پیش از او غنی شده بود، به صورتی برجسته و شایسته بسازد.»

با نگاهی به آثار متعدد و متنوع هاکس مشاهده می کنیم که او تقریباً در همه گونه‌های سینمایی کار کرده و این حکایت از کارگردانی خستگی‌ناپذیر می کند که دوست دارد درگیر شود و حتی بارها بازسازی کند. شخصیت‌های آثار او نیز همین‌طور هستند. هاکس این مسأله را ساده کرده و می گوید: «به نظر من بهترین درام آن است که مردی در خطر بیفتد.»

منتقدان فرانسوی دهه ۱۹٦۰ فرانسه، هوارد هاکس را واقعاً جدی گرفتند و او را به عنوان یک کارگردان مؤلف معرفی کردند. البته فیلم‌های او همیشه و همه جا مورد توجه بودند و استقلال وی در هالیوود به مدت ٤ دهه فعالیت، یعنی از ۱۹۳۰ تا ۱۹۷۰، دست نخورده باقی ماند. او که نه آثاری به طور مشخص هنری و نه چندان اجتماعی می‌ساخت، هرگز کسی نبود که مطابق ذوق و سلیقه عام کار کند. در واقع، فیلم‌های هاکس موضوع مورد بحث مجالس مُد روز دوره خود نمی‌شد، اگرچه برخی از آثارش به دلیل حضور ستارگان، بسیار مورد توجه قرار می گرفت.

هاکس هرگز توسط منتقدان فیلم نیویورک ستایش نشد و هیچگاه تصویرش روی جلد نشریه «تایم» چاپ نشد و حتی جایزه اسکار هم به عنوان بهترین کارگردان نگرفت؛ فقط چند سال قبل از مرگش، به او یک اسکار افتخاری تعلق گرفت که معنی جبران مافات یک عمر بی‌توجهی و غفلت بود. او در مورد آثار ماندگاری که در عالم سینما به جا گذاشته، گفته است: «فکر نمی‌کنم به عنوان یک فیلمساز حق داشته باشم به مردم بگویم چه کار کنند یا به چه فکر نمایند. سینماگر باید داستان‌های ساده امّا واقعی را تعریف کند.»

هاکس در پرورش هنرپیشه‌ها و یا کشف استعدادهای بزرگ، نقش عمده‌ای داشته است؛ به طوری که «کارول لمبارد» (همسر «کلارک گیبل» که در اوایل دهه ۱۹٤۰ بر اثر سقوط هواپیما جان باخت)، «لورن باکال» (همسر «همفری بوگارت» که تا آخر عمر بورگات در ۱۹۵۷ به او وفادار ماند)، «مونتگمری کلیف» و «آنجی دیکسون» توسط او کشف شدند.

همچنین هاکس در شهرت «پل مونی»، «جرج رافت»، «ریتا هیورث»، «جین راسل» و «مریلین مونرو» سهم بزرگی داشته است. «گری کوپر» نیز اولین اسکار بازیگری خود را در سال ۱۹٤۱ برای «گروهبان یورک» مدیون هاکس است. «هانری لانگلو» ـ سینماشناس بزرگ فرانسوی ـ در مورد هاکس می گوید: «او مرد زمانه خود بود، ولی سینمای وی، از سینمای زمانه‌اش جلوتر بوده و سریع‌تر حرکت می‌کرد.»

در فیلم‌های جنگی و حادثه‌ای هاکس، جای خاصی برای مردان شجاع و شریف وجود دارد. این نوع مردها و دوستی‌ها و فداکاری‌های آنها و همچنین پیوند و وابستگی آنان با طبیعت آزاد، خصلت اساسی آثار اوست. ستایش مردی و مردانگی و تکیه کردن روی جلوه‌های دوستی مردانه، از تم‌های همیشگی آثار هاکس هستند که با تعمق در آثار او آشکار می‌شوند. هر فیلم او مملو از موقعیت‌های بی‌شمار است. نزد کمتر فیلمسازی می‌توان چنین قدرت خارق‌العاده‌ای در پرورش حوادث، رهبری صحنه و جایگزین کردن حوادث متعدد را بیابیم.

هاکس همواره به عنوان همکار سناریست، دخالت مستقیم در سناریوهای آثار خود به عمل می‌آورد. دوربین در آثار او حرکات و زوایای کاملاً طبیعی دارد و عملیات حیرت‌آور انجام نمی‌دهد و هرگز زوایای غیرعادی به خود نمی گیرد. دوربین آثار هاکس جانشین چشم بیننده است؛ آن هم درست در ارتفاع چشمان او.

هوارد هاکس، کارگردانی بود که فقط سوژه‌هایی را در دست می‌گرفت که خوشایند تمام وجودش باشد و همین امر است که کمبود نسبی فیلم‌های او را توجیه می‌کند. در واقع



می‌توان گفت زمینه‌های مختلف آثار هاکس، بازتاب خصائص زندگی او هستند. وی در پرداخت شخصیت‌ها توانایی فوق‌العاده‌ای داشت. اغراق نیست اگر گفته شود که در آثار او فقط سیاهی لشگرها هستند که شخصیتی ندارند. به هر حال، هاکس جزو استادان بزرگ عالم سینما محسوب می‌شود.

هوارد هاکس در ۲٦ دسامبر سال ۱۹۷۷ در منزلش واقع در «پالم اسپرینگز» ایالت کالیفرنیا درگذشت. مرگ او به دنبال جراحتی بود که به دلیل یک حادثه برایش پیش آمد.

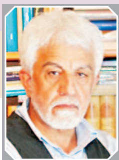
عمده فیلم‌شناسی هوارد هاکس (فیلم‌های ناطق)

گشت نگهبانی سپیده‌دم (۱۹۳۰)	گروهبان یورک (۱۹٤۱)
قانون جنایی (۱۹۳۱)	آتشپاره (۱۹٤۲)
صورت زخمی (۱۹۳۲)	نیروی هوایی (۱۹٤۳)
غرش جمعیت (۱۹۳۳)	داشتن و نداشتن (۱۹٤۵)
ببر کوسه (۱۹۳۳)	خواب بزرگ (۱۹٤٦)
امروزه زنده‌ایم (۱۹۳٤)	رود سرخ (۱۹٤۸)
قرن بیستم (۱۹۳٤)	آهنگی پدید می‌آید (۱۹٤۸)
ساحل بارباری (۱۹۳۵)	من عروس مذکر زمان جنگ بودم (۱۹٤۹)
منطقه پرواز صفر (۱۹۳٦)	آسمان بزرگ (۱۹۵۲)
راهی به افتخار (۱۹۳٦)	سرزمین فراعنه (۱۹۵٤)
بیا و بگیرش (۱۹۳٦)	ریوبراوو (۱۹۵۹)
بزرگ کردن بچه (۱۹۳۸)	هاتاری (۱۹٦۲)
فقط فرشتگان بال دارند (۱۹۳۹)	الدورادو (۱۹٦۷)
دخترک منشی همه کاره او (۱۹٤۰)	

پژوهش ادبی

درنگی در یک عاشقانه

مثنوی شریف؛ قتلگاه عشق!



دکتر علی فردوسی
مدیر گروه تاریخ دانشگاه نتردام (کالیفرنیا)



نـــی حدیـــث راه پرخـــون می کند
قصه‌های عشـــق مجنـــون می کند

این «راه پرخون» که نی معروف مولانا گزارندهٔ «حدیث» آن است (یا به تعبیری موحش‌تر خونین کنندهٔ آن)؛ چه راهی است، و اصلاً چرا «پرخون» اســـت یا باید بشود؟ چرا باید چنین تصویر هولناک و خشنی، فکرش را بکنید، گزاره چنین راهی باشد؟



چرا مولانا، پس از معرفی نی به مثابه راوی کل، بدنهٔ مثنوی‌اش را با این هشـــدار شروع می کند؟ چرا می گوید بقیه مثنوی روایتی است از یک مسیر خونبار؟ چرا می گوید که سرجمع ،روایت نی چیزی نیســـت جز خون و جنون؟ خون چه کسی، و چه نوعی از جنون؟ می گویند: این ردّ عشق است که ردّی است خونین. آنچه نمی گویند این است: مسیر عشق مسیر قتل است. بشمارید: رقم موارد قتل و مرگ در مثنوی بیشتر است تا رقم موارد عشق. باور کنید! و تازه، داستان هر عشقی در مثنوی نخست و اساساً داستان یک قتل است.

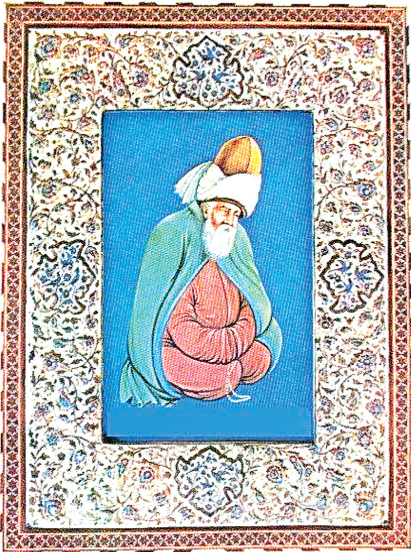
این خونی که نی مولانا از آن سخن می گوید، بیش از آن که خون دلی باشـــد که «عاشق» می خورد، خون قربانیان پروژه ادبی / فکری اوســـت. نهایتاً، مثنوی شریف قتلگاه عشق است، به مثابه عشـــق، در پیشگاه «عقل کل». آنچه مولانا می خواهد و می ستاید، از دیدی فلســـفی، از دیدی که به پس پشـــت واژه‌ها و صور خیال می‌نگرد، تهی کردن مفهوم عشق اسَت، از آنچه آن را عاشق می کند، تا پس از این طبیعت‌زدایی، آن را به عنوان استعاره ای درون تهی در خدمت پروژه تسلیم آن به آنچه وی آن را «عقل کل» می خواند قرار دهد. عشق در مثنوی همانی نیست که، مثلاً، در «عبهرالعاشقین» روزبهان اســـت. در اندیشـــه روزبهان، اندیشـــه ای که به ادبیات شـــیرازی و به حافظ ســـرایت می کند، عشق همچنان از محتوای تنومند انسانی‌اش سرشار است. عشق در فلسفه روزبهان حفره‌ای نیست پرداخته از واژگان و استعاره های عاشقانه دور جای خالی عشـــق به مثابه عشق انسانی. عشـــق برای روزبهان عشق است، با تمامی چگالی خاکی اش.

در مثنـــوی، امّـــا... از آنجا که مولانا عشـــق را از خاک تفریق می کند، عشـــق در مثنوی یک ســـرقت ادبی است. این تهی کردن مفهوم عشق از محتوای عاشقانه، در مسیر تسلیم آن به عقل کل است که مسیری است پرخون؛ پرخون چون مسیری است از اعمال یک خشونت فکری و ادبی. تردیدی نیست که داستان آفرینش به روایت مولانا، داســـتان اعمال یک خشونت است: نی را به ضرب داس یا تبری از نیستان اش «بریده‌اند».

مثنوی صدای این خشـــونت، این قطع و زخم، است، و نیز فریـــاد اعتراض و انتقام نی. نـــی مولانا نمی نالد. «بانگ» می زند، «نفیر» می کشد و نفرین می کند: وجود نی از این خشونت زادمانی «آتش» گرفته اســـت. فریاد «نیست باد!» سر می دهد. جهان مولانا «جهان جنگ» اســـت، «ذرّه با ذرّه، چو دین با کافری». «بانگ» نی «نفیر» شیپور این آوردگاه است.ّبه مفهومی، تمامی مثنوی تکرار همان داستان اوّل دفتر اوّل است. پادشاهی روزی که بهر «شکار» رفته بود، چشمش به کنیزکی افتاد، خواستار او شد، «داد مال، و آن کنیزک را خرید». بعد هم بلافاصله از او برخوردار شد. با این معامله و تصاحب، کنیزک بیمار شـــد. طبیبان هرچه کردند نتیجه نداد و «کنیزک از مرض چون موی شد». پادشاه به مسجد دوید. مناجات کـــرد، و «میان گریـــه خوابش در ربود.» مـــژده آمد که «حاجاتت رواست». فردا «حکیم حاذقی» از راه می رسد که «علاجش سحر مطلق» است. فردای آن روز طبیب از راه می رسد و پس از معاینه کنیزک پی می برد که کنیزک عاشق جوانی است زرگر در سمرقند. اینجا ما دو تصویر داریم از عشـــق: «عشـــق» شـــاه به کنیزک که از مسیر معامله و تصاحب بی درنگ ترسیم می شود و عشق کنیزک به زرگر که شاهد آن بیماری و رنجوری روزافزون دختر است. طبیب حاذق چکار می کند: به دختر دروغ می گوید. چرا دروغ می گوید: چون فکر می کند که این دروغ در خدمت حقیقتی است والاتر، و آن سعادت دختر است به عنوان کنیزک شاه. زرگر را به خدعه از سمرقند به دربار می آورند. بعد روز به روز به او زهر می خورانند تا او در مقابل چشـــم عاشـــقش «زشت و ناخوش و رخ زرد شد» تـــا اینکه «خون دوید از چشـــم همچون جـــوی او» و «رفت در دم زیر خاک». شاه این قتل فجیع و کِشدار را، به گفته، مولانا، «از پی شهوت نکرد»، بلکه برای این کردَ که او «شاه بود و شاه آگاه بود». شاه نمودگار «عقل کل» است. مولانا نیّتی نمادین از این حکایت دارد. امّا به چه بهایی؟ به بهای تهی کردن مفهوم عشق از محتوای انسانی آن. چون منصفانه کدام یک از این دو عشق – عشق کنیزک یا پادشاه – محتوای عاشقانه تری دارد؟

و از آن مهمتر، چرا باید معشوق کنیزک آن هم به این شکل زجرآور در مقابل چشمان او به قتل برسد؟ آیا می شود گفت که با قتل مرد زرگر کنیزک عاشق پادشاه شده است، یا فقط به صورتی بی روح تسلیم تقدیر قدرت؟ «عقل کل» نمی تواند عاشق شود. تنها می تواند تصاحب کند. این تهی کردن عشق است از محتوای آن. برای پادشاه و حکیم، به مثابه دو سیمای نهایی مرد، عشق چیزی نیست جز «برخورداری».

چرا شـــارحان ما این داســـتان خدعه و قتل فجیع را باز هم داستانی عاشقانه می پندارند؟ درست برای آنکه آنها نیز با تهی کردن عشق از معنای آن، با تبدیل آن به یک افزار روایی، با سلب هر نوع



قداستی از عشق و تفویض قداست به «برخورداری» پادشاهی که هم «ملک داشت و هم دین» در این تبانی سهیم اند. در اینجا روایتی مردسالار با خوانشی مردسالار در یک همدستی مذکرّ علیه زنانگی هستی جفت و جور می شوند.

پژوهش ادبی

بازشناسی افکار و اشعار «سیمرغ خراسان»

دفاعیّات ناصرخسرو



دکتر نورالدین قاضی

بخش سیزدهم

جایگاه حق گرفته هیکل باطل

ناصرخسرو در اواسط قصیده (٦١) نقدی دارد از زمانه و مردم آن که سند و برگ زرینی است در مبارزات خستگی ناپذیـــر و جســـورانه او. می فرماید: فضای مطلوبی حاکم نیســـت، به طوری که امروز هیچ کس نزد دانایان نمی رود و همگـــی جویای حاکمیت موجود و حاکمان شـــده‌اند!



اگر عالم و دانا شـــوی، این عاملان و حاکمان غاصب در چشم تو، خوار و ذلیل به نظر می‌رسند... بر راه و در مسیر تو، دیوان و غولان نشســـته‌اند از آنها بر حذر باش، از گرسنه چشمانی که چـــون حواصیل و غم خورک، دهان طمع گشوده‌اند.

این حاکمان، دشـــمنان عدل و ضد حکمت و دانش هســـتند؛ اگر چه امروزه به ظاهر، حاکم‌اند! حاکمانی که چون نوک قلاب ماهیگیری، چنگال خویش تیز کرده‌اند تا به شکار این مردم ضعیف بپردازند! خوب دقت کن و با چشم سر بنگر که چگونه هیکل و هیأت باطل و غاصب، جایگاه حق را تصرف کرده است.

حاکمانـــی که روزهـــا و در منظر مـــردم، ریاکارانه ســـکوت اختیار کرده و آرام و آهســـته به نظر می‌رســـند، اما همین‌ها شـــب هنگام در محفل می و مجلس طرب به رقص و آواز مشغولند.

[متداعی غزل بســـیار معروف حافظ: واعظان کاین جلوه بر محراب و منبر می کنند / چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می کنند]. این حاکمان، عیش نقد را به نسیه وعده‌ها نمی‌فروشند. در دوران حاکمیت اینها، ظالمان و قاتلان در امنیت هستند در حالی که مظلومان و ستمکشان، در رنج و درد می میرند، حاکمان ستمکار ظاهراً خوشحالند و حـــال و کاری خویـــش دارند!! امـــا بدان و آگاه باش که همه اینها، چیزی نیست، جز «مکر خدا» بر این مکّاران به ظاهر پیروز![اشاره به آیه ٥٤ سوره آل عمران: و مکروا و مکرالله و الله خیرالماکرین]

بـــر ره، غـــولان نشســـته‌اند حذر کن
بـــاز نهـــاده دهان‌هـــا چـــو حواصیل
دشمن عدلند و ضدّ حکمت اگر چند
یکســـره امـــروز حاکمنـــد و معـــدل
هـــر یکی از بهـــر صید ایـــن ضعفا را
تیـــز چـــو نشـــپیل کرده‌انـــد انامـــل
بنگرشـــان تا به چشـــم ســـرت ببینی
جایگـــه حـــق گرفتـــه هیـــکل باطل
خامش و آهســـتگان بـــه روز ولیکن
در می و مجلس به شب به‌سان جلاجل
هر که ثوابش شراب و ساقی، حورست
تکیـــه زده بـــا موافقـــان، متقابـــل
و امـــروز اینجـــا همـــی نیایـــد هرگز
عاجـــل نقـــدش دهـــد به نســـیه آجل
هیـــچ نبینـــد که رنـــج بیند یـــک روز
ظالـــم در روزگار خویـــش و نـــه قاتل
بلکه ســـتمکش بـــه درد و رنج بمیرد
بـــاز ســـتمگار دیـــر مانـــد و مقبـــل

نمایش و نقّالی

نگاهی به موسیقی متن بهترین پیشنهاد آخرین فیلم تورناتوره

همکاری آشکار آهنگساز و کارگردان

نوشته: جیمز سوتال
ترجمه: هومن ظریف



بقیه از صفحه اول

دســـته کوینتـــت (پنـــج نفره) صـــدای زنـــان بـــا جنبش صدایـــی یکدیگـــر را پوشـــش می دهنـــد تا تأثیـــری فریبنده و اغواگر بر شـــنونده گذاشـــته و در ذهن پایدار بمانند. این قطعه ۸ دقیقه ای جادویی نشـــان می دهد که موریکونه توانســـته هنوز واقعاً خلاق باشد. حتی اکنون که به هشتاد سالگی رسیده است.

قطعه «Un violin» ما را به حدس و گمان می اندازد که چه ویولونی می تواند صدای دو ویلون را همزمان اجرا کند؟

البته این دوئت (دو نوازی) عاشـــقانه تحت تأثیر موسیقی کولی ها یا جیپســـی اســـت و قطعهٔ خیره کننده ای را ایجاد کرده است.

آهنـــگ تاحد قابل توجهی تیره و کـــدر «Nevesoi Fobia»، قطعه ای نگران کننده اســـت که در آن حرکت کاهشـــی ارکستر و اشـــاره ای مبهـــم بـــه دوران بـــاروک توســـط هارپســـیکورد (نوعی چنگ)، شنیده می شود.

در واقع این جنبهٔ تیرگی بیشتر در موسیقی به عنوان آغازگر ۳ قطعه از موسیقی متن فیلم شنیده می شود، اما این رویکرد در سراسر موسیقی به صورت قانع کننده ای حفظ می شود.

خلاصـــه ای از قطعـــه «Sguardi Furitivi» گهـــگاه به نمایش در می آید و من فکر می کنم این کار جدیدی از موریکونه است. اگر چه من در خصوص قضاوت دربارهٔ آن صبر می کنم. این قطعه توسط سازدهنی برای ایجاد فضایی تعلیقی و تأثیر گذار و رازآلود، ورای این جهانی به کار رفته است.

«Carea » بســـیار عالـــی اســـت کـــه بـــه تدریـــج در طـــول خـــود هماننـــد آب شـــدن تکـــه ای یـــخ ،رمانتیـــک مـــی شـــود. «Cecalae non Troraria» کمتـــر جلـــب توجـــه مـــی کنـــد و فقـــط از نظر تعلیقـــی به قدر کافـــی جلوه مـــی کند چون بـــرای آثاری که برای چنیـــن لحظاتی در تاریخ ســـینما ،نواخته شـــده اســـت.(در واقع این قطعه اشـــاره هایی ملودیـــک وکاملاً غیرعمدی به موســـیقی فیلـــم هیچکاک،اثر برنـــارد هرمـــان دارد.من بـــه غیر عمدی بودن ایـــن کار اطمینان دارم.)

«Atta Villa» برگشتی قابل توجه داردو سازدهنی اتفاقاتی را با ارکستر رم می زند که با صدای ویولون سل اصیلی، پرونده این قطعه نیز به پایان می رسد.

در «Perduta» موتیف ها بر می گردند و ویلون به صورت تکنواز خود را به بالاترین فضای ارکستر پرتاب می کند.

«Un Cancello» قطعه ای انفجاری اســـت .چند رشـــته ملودیک که غصب کننده فضا به نفع خود هســـتند ،فضای سرد و تاریکی را ایجاد می کنند تا ویلون های دیگر برای دونوازی وارد این فضای تاریک شود. در «Ilvuote Dento» یک پیشنهاد قابل توجه برای خطر نهفته است،دوباره سازدهنی نقش خود را آغاز می کند و ویلون ها او را همراهی می کنند.

«Le Vuote Stanze» یکی دیگر از قطعات اغواگر است که توسط نت های بم و ویلون سل تکرار می شود و از نقطه میانی، ویلون سل ،نیمه ای از قطعه را به خود اختصاص می دهد.

«A Quattro voci» مـــن را بـــه یاد برخی آوازهای کار قبلـــی موریکونه در فیلم «Vatal »(فیلمی به کارگردانی رونالد جفه در سال ۲۰۰۰) می اندازد که درخشان بود.

آن اشاره به هرمان نیز به صورت غیرقابل توضیحی یادآوری می شود، اما قطعه «Poreti Bianche» کاملاً از موریکونه است و هارمونی قطعه نشانی از سبک کار آهنگساز را دارد.

«Ritratti D'autore» قطعـــه ای رنگارنـــگ برای نقش آفرینی چهارســـاز –کوارتت– اســـت،در بالاترین حد زیبایی و ارزشـــمندی وپس از قطعـــه «Semza Voce » ، قطعه بعدی، واریوسونی از همان قطعه اصلی بهترین پیشنهاد است و سپس قطعه « Volte e Fantasm » واریوســـون کوتاهتری اســـت و ســـازدهنی در آن نقش کلیدی دارد .موســـیقی متن فیلم بهترین پیشـــنهاد بسیار قوی است و نشـــان دهنده تلاش و پشتکار این آهنگســـاز اســـت.این اثر نشان دهنده این اســـت که در سالهای اخیر ،آهنگســـاز،فقط وقت خود را صرف نوشـــتن موســـیقی رومانتیکـــی هرچه آســـانتر ،نکـــرده وآثاری را نوشـــته که برای شنوندگان یادآور قدرت اوست.موریکونه ۸٤ ساله هنوز هم در نگارش موسیقی،به کیفیت آن توجه دارد.

منبع: سایت movie-ware.net

با شاعران امروز

مهرا آریانمهر

غزلسرا



«مهرا آریانمهر» از شاعران جوان و غزلسرای ساکن تهران و کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی است.
وی هم اکنون دبیر ادبیات فارسی و مدرس دانشگاه پیام نور است و سابقهٔ خبرنگاری و روزنامه نگاری را در کارنامه خود دارد.

(۱)

لحظه ای ماوراء خط زمان مرگ با درد او مقارن بود
رعشه ای بر تمام اسکلتش آخرین دانهٔ مسکن بود
پلک می زد نگاه پنجره را،میله هایی که بی قفس ماندند
مثل زندان تا ابد در بند یا تفنگی که قفل ضامن بود
حال سنگین چشم هایی که خط به خط جنگ را درو می کرد
برگ و باری که بی نفس خشکید،همهٔ ریشه اش محاسن بود
جای پرواز راه می رفتند، همه گنجشک های شهر ولی
تب پرواز در همه حتی سنگ در باور فلاخن بود
بین زنجیرها گره می خورد،شهر امادچار بی وزنی است
همه مسموم بی تفاوتی و شدن هرچه غیرممکن بود
گاه گاهی برای مصلحتی ناخداهای با خدا بودند
نان به نرخ فریب می خوردند،آنچه هرکس نبود مؤمن بود
سهم او شانه های پر درد و سهم آن شانه ها ستاره و ماه
شب رئیسی ترکش و باروت،مگس معرکه معاون بود
آنقدر راه ها عوض شده که باز تکلیف باد روشن نیست
وقت وقت حراج باورها،دور دور رفیق خائن بود
صندلی ها به قیمت ماندن،ثانیه را حساب می کردند
قبل و حالا و بعد او اما،همه مدفون ترکش و شن بود
قدر یک پلک از خودش رد شد،دیگر انگار بی قرار نبود
سرفه هایش نبود و درد نبود،مرگِ در انتظار لکن بود
نفسش می گرفت در مرز سینه ای که ستبر آتش شد
شهر بی او چه عاری از دشمن،شهر بی او چقدر ایمن بود...

(۲)

رها نمی شوم از سایه های تبعیدی
رها نمی شوم از شب...سیاه پوشیدی؟
عبور یک تن تاریک،از تنی خسته
دوباره در تن (تن ها) سکوت رقصیدی
به یاد لعنتی ات در توهم دیوار
به بغض های عمیقی که تو نمی دیدی
قرار بود نباشی،ولی همیشه شدی
و لحظه های زنی را به زور دزدیدی
تو اتفاق نبودی و تا شروع شدی
تمام دغدغه ها را درست فهمیدی
سیاهچال نگاهم همیشه مجرم داشت
ولی تو بودن من را تقاص می دیدی
که خواستم که نباشی، که خواستم بروی
ولی برای نرفتن بهانه می چیدی
عبور،فاصله،تهدید،مرگ...اما حیف
تو هیچ وقت از این واژه ها نترسیدی
من و تشنج و پایان آخرین سیگار
و در تمامی این لحظه ها...تو خوابیدی

(۳)

برای یاد گرفتن کتاب کافی نیست
برای نور فقط آفتاب کافی نیست
هزار پرسش و انکار خویش و آخر سر
رسیدن از تو به تو،یک جواب کافی نیست
برای از تو سرودن برای گفتن تو
مداد و دفتر و حال خراب کافی نیست
فقط برای رسیدن به آرزوهامان
که آسمان و عبور شهاب کافی نیست
دعا دعا و نشستن به دیر تا که مگر
به انتظار شود مستجاب کافی نیست
شجاعت و دل شیر نترس خواهد و عشق
به جنگ نفس تفنگ و خشاب کافی نیست
کجا مسافر ساعت؟کمی درنگ، بمان
برای زود رسیدن شتاب کافی نیست
گذر ز کوچهٔ دربند و راه آزادی
عبور کردن از انقلاب کافی نیست
نه حوریان بهشتی بهشت می سازند
و هم برای جهنم عذاب کافی نیست
برای بازی در صحنه زمان دیگر
فقط گریم ولباس ونقاب کافی نیست

نگاهی به مجموعه دیتاهای «من آمبولانس هستم»، نوشته حبیب محمدزاده

خود شاعر می گوید اینها شعر نیستند!



کیوان اصلاح پذیر

شاعر را نمی شناسم و چه بهتر!... عنوان کتاب به صورت آینه ای نوشته شده است و این نخستین دق الباب بر منطق شعر است. این طور که علم الاشیاء می گوید ما هم قبل از پردازش تصاویر آنها را وارونه می بینیم. برای نزدیک کردن اجسام از طریق لنز نیز همین اتفاق رخ می دهد که با کارگذاری یک لنز اضافه، تصویر معکوس را معکوس می کنند و ما آن را به شکل عادی –غیرعادی (؟!) – می بینیم.

پس این شعرها به جهان ماقبل پردازش مغز و ذهن تعلق دارند. خود شاعر می گوید اینها شعر نیستند بلکه دیتا هستند. دیتا مفهومی پیش ــ شعر است. مثلتاملاتدرادبیات کهن. شعر نارس. نطفهٔ شکل نگرفته شعر . اما یک چیزی دارد که همان رشد می کند، ریتم پیدا می کند، ریخت پیدا می کند، همنشین و جانشین پیدا می کند، سطر و پاراگراف پیدا می کند، نقطه و ویرگول پیدا می کند و خلاصه بزک و دوزکی پیدا می کند و می شود شعر!

دیتا یک مفهوم جدیدتر هم دارد. از آنجا که ترجمه نشده است به دونکته پی می بریم؛ اول اینکه شاعر (یا همان دیتانویس) به زبان پالوده و دست نخورده، اعتقادی ندارد و دوم اینکه خواسته است مفهوم دیتا را از مسیر کامپیوتر به خواننده برساند. دیتا در کامپیوتر به معنای واحدهای اطلاعاتی است.خطوطی هستند که می توانند دیتا را حمل و نقل کنند. دیتاها امروزه همه ی فرهنگ بشری را به سرعت نور منتقل می کنند. پس در این دیتاهای حبیب محمد زاده، هم سرعت هست، هم نوگرایی و هم پیش – پردازشی. خودش هم اذعان دارد که این دیتاها،سازنده یاشعارهستند و خودشان شعر نیستند.

اما اسم «من آمبولانس هستم» و نحوهٔ نوشته شدن آینه ای اش، دوباره دیتاها را در مسیری جدید می اندازد. همیشه آمبولانس به شکل آینه ای روی آن نوشته می شود تا در موقع انعکاس، درست خوانده شود و نیازی به پردازش نباشد. حالا با یک پردازش عکس روبرو هستیم. پردازش به عهدهٔ ما خواهد بود اگر آیینه شویم؛ یعنی پردازش، بی پردازش! این طنز در تعویض مرتب، منطق نشانه محرز آوانگاردیسم است. ما به دیدار دیتاهای پیش پردازشی ماورای نو می رویم. تطبیق پیش پردازشی با ماوراءنو، خبر از تطبیق آوانگاردیسم حبیب با جهان پیشاذهن می دهد . دیدن وشنیدن اشیاء،همان گونه که هستندونه آنگونه که ذهن ماپردازش می کند .

***

اکنون برویم سراغ دیتاهای هفتصد گانه حبیب محمدزاده.درشکل کلی دیتاها،فاقدموسیقی بیرونی ودرونی هستند. این سکوت موسیقی، هم برای زدودن حاشیه ها از متونی است که قرار است فقط از طریق خودشان با خواننده ارتباط بگیرند و هم یادمان نرود که در دنیای پیش –پردازش ها،ریتم وقافیه وجودندارد؛هرچه هستم شاهدی محض طبیعی است. دنیایی ازجنس بچه های ژانژاکروسو.

ومورد آخر اینکه دیتاها،گرچه شماره به شماره جدا هستند، اما گاهی به صورت سریالی نوشته شده اند و معمولاً هر چهار – پنج دیتا، به هم ربط دارند؛ و ربط ها نه حول مفهوم بلکه حول کلمه می چرخند؛ مثلاً ۱۸۲–اصلاً چرا باید پلنگ برای سیر کردن شکم زن و بچه اش بز کوهی را شکار کند؟ پلنگ با همین فکر، صبحش را شب کرده بود و داشت بی چیز به خانه اش برمی گشت.
۱۸۳–پلنگ، بز را گاز گرفت. بعد به خانه برگشت و دهان زن و بچه اش را لیس زد.
۱۸٤–بز، نمرده است. فقط یک زخم عمیق برداشته است. به زودی مرگ او را شکار خواهد کرد.

***

والبته دیتاهای مستقل هم داریم که گرچه پشت سر هم نوشته شده اند، اما با هم بی ارتباط اند. شماره گذاری دیتاها باعث می شود تا هرگونه ارتباط بین آنها انکار شود و پیوستگی ارگانیک مفاهیم دریافتی به شکل دیجیتالی مختل شود. معمولاً مفاهیم به صورت آنالوگ و به هم پیوسته درک می شوند، اما این پیشا –ذهن ها دیجیتالی اند وبه صورت مقطعه نوشته می شوند. این اصرار بر شماره گذاری، خواننده را هر چه بیشتر از انواع رایج متن –نثروشعر–دور می کندتاخواننده بتوانددوراز حاشیه های تعریف شده،به دیتاهابرسد.

***

این دیتاهابه اعتبارپیش فرض بودنشان نیزقابل تفسیرند؛زیرا هنوز بکرند و باکره و کشف نشده .

من آمبولانس هستم
حبیب محمدزاده
دیتاهای فارسی
نسخه ی اول
هفتصد دیتا

خواننده می تواند با خواندن آنها به دنیایی وارد شود که هنوز عوامل تمیز دهند و ممیز، دست به کار نشده اند.پس متن درمشارکت خواننده است که بازنویسی می شود و هر تأویلی از آن، مجاز و بلکه واجب است. دیتاها از خواننده می خواهند یا در کودکی شان سهیم شوند یا از طریق ذهن خود، آنها را بزرگ کنند و به مفاهیم جدیدی تبدیل نمایند. نویسندهٔ دیتاها، توانسته است با این تمهید ها خود را ازصحنهٔ متن غایب کند و خواننده را حیران باقی بگذارد.

***

پرداختن به همهٔ هفتصد دیتا، کار سختی است و دسته بندی کردنش هم کاری عبث؛ زیرا نویسنده، هرگونه ارتباط طولی را بین دیتا ها قطع کرده است تا شکل خوشه ای و هم ریز آن، تابع هیچ نظم معناداری نشود و متن ها قربانی جایگاه خود در نظم تعریف شده، نشوند. این، اعلام خودمختاری و بلکه استقلال دیتا هاست. با این استدلال، کتاب را باز کرده و چند دیتای مختلف را برای بررسی انتخاب می کنم و مطمئن هستم اگر از اول یا آخر هم شروع می کردم فرقی نمی کرد:

***

۱۳٦–سرم را روی پای عروسکم می گذارم و ستاره ها را می شمارم. زیر سرم، کوتاه است؛ عروسکم را مچاله می کنم و دوباره می گذارم زیر سرم./
اطلاعات شماره ۱۳٦ درباره فاعل، هیچ است. نمی دانیم کودک است یا بزرگسال؟! شاید هم خود حبیب باشد! فرض می کنیم با وجود عروسک، او کودک باشد. اما هیچ بچه ای عروسک مورد علاقه اش را مچاله نمی کند. سر را روی پای عروسک گذاشتن ایهام به مردی دارد که سرش را روی پای محبوبش گذاشته است و در آسمان غرق است. رابطه بین دو لذت جسمی و آسمانی، به ضرر لذت جسمی تمام می شود. اصلاً این کودک –مردکجاست؟روی پشت بام؟توی رختخواب؟یادرکویر؟یاهرجای دیگر؟هرجاهست بالشی درکارنیست تا سرش رابرآن بگذارد. درآسمان چه می گذردکه اواین همه مشتاق دیدنش است؟ آیا آسمان، کویر است و یک شب بیشتر در کویر نمی ماند؟ آیا کودک است بر پشت بام و ستاره ها برایش تازگی دارند؟ آیا منجم است و به دنبال ستاره ای خاص می گردد؟ خواننده باید سرانجام انتخاب کند و انتخاب او در مورد فاعل، محل، عروسک و انگیزه، می تواند این دیتا را به یک نثر علمی، تخیلی، شعر عاشقانه، شعر نهیلیستی و یا ادبیات کودک، تبدیل کند.

***

۳۰٤–ما می رویم و به جای ما، آدمهای دیگری می آیند و به جای این شهر، شهر دیگری و به جای این کوه، کوه دیگری می آید./
دیتای ۳۰٤ ظاهراً جمله قصار است، اما با افزودن بدیهیات، اتفاق دیگری می افتد. رفتن آدم را با رفتن شهر و کوه و جایگزینی آدم را با جایگزینی شهر و کوه، یکی می کند. در رفتن آدم و جایگزین شدنش با آدم های دیگر، شکی نیست، اما رفتن شهرها و کوه ها و جایگزین شدنشان داستان دیگری است . آیا نویسنده، سهواً دچار این اشتباه شده است؟ آنچه به غرابت منطق دامن می زند فاصله این جابجایی هاست و نحوه جابجایی. انسان، یک ارگان زنده است و شهر، یک ارگان مصنوع و کوه یک ارگان معدنی. نابودی همه آنها محرز است اما جانشینی، حرف دیگری است. شهرها، نو می شوند و کوه ها کوتاه تر می شوند. این تغییرات مثل هم نیست و هر کدام برخاسته از ماهیت خود است. اما انگار این دیتا ها، پیش –پردازش اند واین خواننده است که خودرادرگیرمنطق هایی می کندکه هنوزبه وجود نیامده اند.

***

۳۲–جنگ، پر از نقطه است: شلیک ها./
نه! این دیتای پیش –پردازش نیست! شلیک ها در جنگ ربطی به اصول هندسه حروف ندارند، مگر اینکه شاعری در میدان جنگ آنها را دیده باشد. این دیتا، پردازش شده است و خوب هم پردازش شده است. نقطه های سیاه روی کاغذ سفید، اگر با چشمانی عادت شکن دیده شوند، حتماً کاغذ را سوراخ سوراخ خواهد دید. آهان! پس دوباره برگشتیم به اول سطر . این همان دیدار اول یک جنگ دیده سواد نیاموخته با متن پرنقطه است! به شرط آنکه خط، فارسی یا عربی باشد؛ البته فارسی، نقطه دارتر است و جنگ دیده تر! این دیتا ها، خواننده را تحریک می کند تا به پردازش های دوباره و سه باره دست بزند. اما شلیک ها کارشان کشتن جنگاوران است نقطه ها قرار است چه یا که را بکشند؟ ظاهرا هیچ کس را. اما تثبیت معنا از طریق حروف به نوعی مرگ معنا و مومیایی کردنش نیست ؟ بگذریم! انگار به پردازش های دیگری نیاز است که جایش اینجا نیست.

***

۱۹–کاش ما را فقط همینجا نکشته بودند. جاهای حاصلخیزتری هم هست. /
کجا قرار است ما را بکشند؟ و چند جا می شود ما را کشت؟ و کشتن ما در جای حاصلخیز، چه فایده‌ای برای کشتگان دارد؟ واصلاً این چه کشته‌ای است که می پرسد؟ به نظر می رسد این یک دیتای پیش –پردازشی نیست ومفهوم کشتن،تصعید یافته و حالت استعاره ای پیدا کرده است. خب، چه می شود کرد؟ گاهی هم دیتانویس، هوس برنامه نویسی به سرش می زند! این کشته تکراری، می خواهد جایی کشته شود و خونش بریزد که از خونش چیزی بروید؛ در حد و اندازه های شقایق یا پرسیاوشان! پس لابد ادعای شهادت دارد که به مرگ خود ایمان نیاورده و هنوز پس از مرگ حرف می زند و نگران کویری است که خونش را هدر دهد، بویژه که به باروری خونش اعتماد کامل دارد.

***

این تأویل ها می تواند تا ۷۰۰ شماره ادامه یابد، اما بد نیست خودتان بخوانید و از تأویل های خودتان لذت ببرید. این دیتاهای خام، خوشمزه نیستند. آتش می خواهد و دندان!

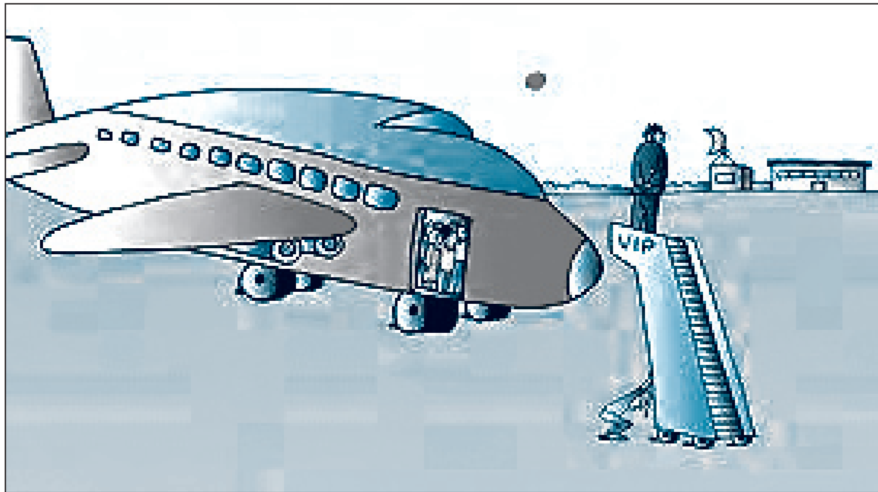
شعر امروز

مغز

محمد امینی

پیچیده است مغز
کمی رودهٔ پیچیده است مغز
پیچیده در بوهای کهنه
خون تن است که رد می شود از روی فکرها
مچالگی است مغز
شکلش را خراب انتخاب کرده از اول
قلبی گریخته از سرخی است
قلبی گریخته از سینه
قلب چاک چاک ورم کرده است مغز
گوش کن
مشتی در سرم فکر میکند
گوش کن
سلول های ریه ام خاکستری است
گوش کن
تنم را برداشته است فکر
گوش کن
کسی کمک می خواهد انگار
گوش کن
یکی دیوانه ام کند لطفاً!

پلاک های VIP!



ایجاد دانشگاه در هر بیغوله و آبادی، علاوه بر اشتغال زایی و توسعه پایدار، ضامن بالا رفتن سطح سواد مردم آن منطقه است که گوش شیطان کر، روز به روز هم بر کمیت آنها افزوده می شود و هر چه سوله و انبار بلا استفاده در حال تبدیل به مراکز آموزشی عالی و معدنی است که جای بسی خرسندی و شعف است!

از مزایای بالا رفتن سطح عمومی سواد در جامعه، سهولت در استفاده از کلمات فرنگی در گفتار می باشد که منجر به غنی سازی یا به عبارتی دو رو خاشخاشی کردن گفتمان می شود. یکی از این کلمات نو پدید(البته برای ما) کلمه اسطقس دار و پرطمراق VIP است که کُلهم کلاس و پرستیژ است و معنای ظاهری آن«very important person» به مفهوم شخص خیلی مهم است؛ ولی معنای اصلی آن همان «از ما بهترون» است.

این لغت در ورزشگاه ها، سمینار ها، اتوبوس ها، هواپیما ها، هتل ها و مهمانپذیر ها کاربرد دارد. هر چند در برخی بلاد، حمام ها و قبرستان های عمومی نیز اخیراً دارای بخش VIP شده اند.

در گذشته نیز این امکانات ویژه وجود داشت. حافظ علیه الرحمه در این خصوص می فرماید: « تکیه بر جای بزرگان نتوان زد به گزاف / مگر اسباب VIP همه آماده کنی »! حتی در قرن نهم هجری زمزمه ساخت کجاوه های VIP و احداث یونیت های VIP در کاروانسرا های بلخ شنیده شد که به دلیل مخالف اعضای شورای شهر بلخ و کسر بودجه این طرح عملی نشد!

در خصوص مشخصات ظاهری «از ما بهترون» نیز باید گفت که این عزیزان افرادی هستند که به دلایل مختلف نظیر تمکن مالی، ورود به عرصه سیاست، تبحر در بازیگری، مجری گری، مربیگری، بازی فوتبال و ... نسبت به سایرین هژمونی پیدا می کنند؛ یعنی خودشان را یک سر و گردن از بقیه، بالاتر می دانند و نمی توانند روی صندلی های معمولی جلوس کنند یا روی تخت های معمولی به قیلوله بروند یا مثل بچه آدم روی زمین غذا بخورند. (البته زبانم لال یک وقت شائبه داشتن شهروند درجه یک و دو و سه ایجاد نشود، چرا که الحمدالله همه مردم به یک اندازه یارانه دریافت می کنند هر چند خوشه هایشان کمی با هم فرق دارد!)



وحید حاج سعیدی | علی آباد کتول

این افراد به سبب ثروث فراوان پاپی جون یا کسب شهرت از قبل فوتبال، سینما، سیاست، صدا و سیما یا پست و مقام حاصل از رأی مردم یا اعتماد بانک مرکزی، جزو «از ما بهترون» شده اند و گرنه از نظر ساختار فیزیکی، امعا و احشاء داخلی و دل و روده چیزی از بقیه کمتر یا بیشتر ندارند!

با وجود چنین مفترقات حاصل از این هژمونی ساختار شکن در جامعه، متأسفانه این بزرگواران در قوانین رانندگی با سایر شهروندان عادی، یکسان هستند و عنداللزوم در هر نوع تخلف رانندگی اعمال قانون می شوند و سوییچ از آنها گرفته می شود و خودروی آنها به پارکینگ منتقل می شود که با روحیات آنها سازگار نیست و اجل از شخصیت آنهاست.

به همین منظور توصیه می شود دوستان پلیس راهور نوعی پلاک های VIP هوشمندِ خوشرنگ و چشم نواز طراحی نموده تا این دوستان روی خودرو های خود نصب کنند و به صاحبان این پلاک ها اجازه داده شود تا علاوه بر عبور از مسیرهای ممنوعه نظیر جاده یک طرفه ، پیاده رو، طرح زوج و فرد، مسیر عبور اتوبوس، مسیر دوچرخه و حتی مسیر مترو ؛ امکان تردد با هر میزان سرعت و هر نوع جنگولک بازی نظیر رانندگی مارپیچ ،لایی کشیدن، سبقت از سمت راست و ... را داشته باشند.

در ضمن اگر امکان ساخت مسیر VIP فراهم شود، دیگر نور علی نور است و ملالی نیست جز دوری شما!

دو پیشکش برای رضا رفیع

چرا پا می کنی در کفش اخبار؟



مجید رحمانی صانع - مشهد

«الا ای طوطی گویای اسرار»
چرا پا می کنی در کفش اخبار؟
چرا پا می کنی درکفش اخبار
و بر این کار شر داری تو اصرار؟
نده این قدر بسته پشت بسته
نشد فکّ تو خسته از چنین کار؟
شنیدی از فضول و از جهنم
ولی اینجا جهنم نیست ، هشدار!
جهنم قیر وکبریت است و یک قیف
که یا این نیست یا آن نیست هر بار
ولی اینجا تو و آن جسم لاجون
و آن نوشابه های بس ضرردار
مبادا جانم آن سبزین سرت را
فنا سازد زبان سرخ سرکار
همان سر را که از آن بی محابا
رسد بر این مشام ما به تکرار
شمیم دلنشین قرمه سبزی
نه الان نه عزیزم، وقت افطار
عزیزم تا به کی حرف از سیاست؟
دخالت تا به کی در کار اغیار؟
نمی دانی که اینجا هرچه گویند...
بزرگان، می کنندش زود انکار
بله، دیوار حاشا بس بلند است
نرو پس این قَدَر بالای دیوار

اگر چه مثل تو من هم شکارم
از این وضع هشلهفت و اسفبار
چه گویم بهتر از من گفته شاعر:
«سه غم آمد به جانم هر سه یکبار»
سه غم آمد به جانم مثل بختک
گرانی و تورم ، مسکن و کار
مگو صانع حسابیدن بلد نیست
مگو اینها نشد سه،بلکه شد چار!
که اصلاً سه شدن در کار ما نیست
نشان داده است این را قبلاً آمار
چه می گفتیم؟ صحبت از کجا بود؟
آهان... صحبت شد از غم های بسیار
چو از اینها به مسؤولی بگفتم
به من فرمود: هذیان داری انگار!
گرانی حل شده یک چند وقتی
چو شک داری، ببین روی نمودار
بیا اینجا ببین با وعده هایم
گذارم ملتی را بر سر کار
بیا بنشین درون مسکن مهر
برون کن از سرت این گونه افکار

***

عزیز من، رضا جانم، رفیعم
بیا و گوش کن پندی از این یار:
به هر سو رو کنی، گنده دماغی است
نزن پس حرف های شِبه بودار!

ای که قندی به پهلویت داری!



حمید نیک نفس - کرمان

مِثل بهلول، شوخ و با حالی
گاه پندی به پهلویت داری
می زنی نیش این خلایق را
نیشخندی به پهلویت داری
قرضمان را بده اگر داری
باز چندی به پهلویت داری؟
باج با آن سبیل می گیری
شغل گندی به پهلویت داری
پیرزالی اگر تو بستانی
سالمندی به پهلویت داری
او نه تنهاست بلکه می گوید
شصت واندی به پهلویت داری
زنِ قرقیز گر تو بستانی
تاشکندی به پهلویت داری
ظاهراً در جزیرهٔ جاوه
تایلندی به پهلویت داری!...
تو «رضا»یی و مشهدی یعنی
شاه زندی به پهلویت داری
مثل پیکان بنده می مانی
باربندی به پهلویت داری
کاش بودم شبی به پهلویت
ای که قندی به پهلویت داری!

تبسم و تفکر

سعید صادقی



*متولد ۱۳۵۳ - ساکن جهرم
*کارشناس نقاشی از دانشگاه هنر تهران
*دبیر هنر و گمشده در آموزش و پرورش
*فعالیت در زمینه کارتون، نقاشی و گرافیک
* نفر اول جشنواره بین المللی غزه ، ایران - ۱۳۸۷

از فرمایشات ما

شیلنگت را زمین بگذار!



رضا رفیع

طبیعی است که هرچه بر شدت گرمای لاکردار هوا اضافه بشود، میزان مصرف آب هم بالا برود. فلذا مسؤولان آب و فاضلاب تهران و کشور، چشم بسته غیب نگفته اند اگر گفته اند که طی روزهای اخیر،مصرف آب در پایتخت، رکورد پنجاه سال اخیر را شکسته است. خب یک بخش ماجرا طبیعی است. چون هواشناسی هم اعلام کرد که افزایش گرمای هوا در شصت سال اخیر بی سابقه است.

مثل روزآمد: هرچه گرما بیش، صرف آب بیش!

خبر واصله: «در پی افزایش دمای هوا، مصرف آب در پایتخت به طور بی سابقه ای افزایش یافت که همین مسأله،مسؤولان امر را ناچار به قطع آب در مناطقی از تهران کرد. اقدامی که به علت نبود اطلاع رسانی،مشکلاتی برای شهروندان به دنبال داشته است.»

صحنه سازی: روز/داخلی/منزل استیجاری/داخل حمام گرم کوی تو!

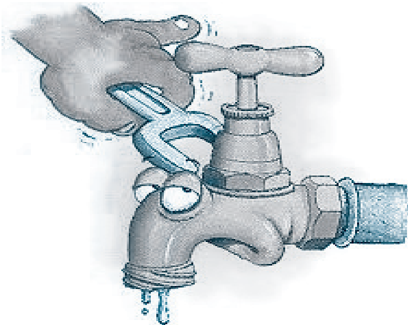
اکبر آقا،همسایهٔ دست چپی ما، هوس کرده برود حمام،یک دوشی بگیرد که تن و بدنش بوی عرق چهل گیاه ندهد. سر و کله اش را لیف و صابون زده و قصد دارد کف صابون را از سر و صورت خود پاک کند که دست به شیر می شود. اما هرچه شیر دوش آب را باز و بسته می کند،دریغ از یک قطره آب به اندازهٔ همان یکی قطره باران سعدی که می گوید ز ابری چکید و خجل شد چو پهنای دریا بدید.

در اینجا اما سازمان آب خجالت زده می شود که بدون هر گونه اطلاع رسانی لازم، زده آب طرف را قطع کرده و حالا اکبرآقای بندهٔ خدا مانده با سر و صورتی کف آلود که لحظه به لحظه دارد سوزش چشمانش را بیشتر حس می کند. لحظاتی گفتمانی بین مرد خانه و عیال محترمه در می گیرد:

–عیال، بدادم برس که آب قطع شده و سر و کله ام پر کف صابون!

–می فرمایی چه کار کنم من مرد؟

–خب یک سطل آبی چیزی برسون که چشمم سوخت!



–سطل آبم کجا بود مرد؟... اینا که خوش انصافا از قبل اعلام نکردند که آب ذخیره کنیم.

–خب پس من الآن چه آبی به سرم بریزم؟...یه ساعت دیگه هم جلسه دارم؛ همین طوری برم؟

–ببین...یه چیزی؛ من یه قابلمه آب برداشتم واسه آبگوشت شب که هنوز محتویات داخلش رو نریختم؛ میخوای فعلاً همین قابلمه آب رو بیارم. حالا تا آبگوشت شب خدا بزرگه. شاید آب وصل شد.

–ای به قربان عیال خوشفکرم بشم من که همین خلاقیتش در مواقع تبدیل بحران به فرصت، منو عاشقش کرد! بردار بیار قابلمه رو که چشام از سوزش ورقلمبید!....ان شاءالله در دولت بعدی، مسؤولان بیشتر با مردم هماهنگ باشند. پیشاپیش، روحانی متشکریم!

– سیاسیش نکن؛ چه ربطی داشت این حرفت الان؟

–والا خودمم نفهمیدم. چشمم بدجوری می سوخت؛ نفهمیدم چی گفتم!

بستهٔ پیشنهادی: از آنجا که مسؤولان سازمان آب و فاضلاب، در راستای کاهش مصرف آب و جلوگیری از قطع آن از مردم آب مصرف کن تهران درخواست کردند که اگر می توانند در حد ۱۰ تا ۱۵ درصد صرفه جویی آبی به عمل آورند؛ لهذا در راستای کمک به همین موضوع، نکاتی را عرض می نماییم:

۱- کاهش مصرف: مردمان پایین دست(خوشه اولی ها و خوشه دومی ها و خوشه سومی های عزیز)، لطفا به اندازهٔ یک لیوان آب در روز کمتر مصرف کنند؛ مردمان بالادست(مشمولان دارندگی و برازندگی) نیز اگر اشکالی ندارد، یکبار کمتر استخرشان را پر بفرمایند. این جوری، همهٔ مردم،به طور مساوی در مصرف آب صرفه جویی کردند. دمشان گرم!

۲- سفتاندن شیر: هموطنان جان،علی الخصوص شهروندان تهرانی،حتماً شیرهای آب منزل خود را دقیقاً چکاپ(=چک آب) نمایند که بر اثر شل بودن واشری چیزی، نشتی نداشته باشد و آب بیخودی هدر نرود. در عوض مسؤولان سازمان آب و شهرداری هم قول می دهند که مواظب شاه لوله های زیر شهر باشند که اگر عمرشان به زمان شاه برمی گردد؛ بر اثر پوسیدگی و ترکیدگی، آب مملکت را هدر ندهند. اگر به چنین موردی برخوردند، در نطفه، لوله را ببندند.

۳- شیلنگت را زمین بگذار: واقعاً این شعر جناب سهراب سپهری عزیز را که: «آب را گل نکنید»؛ باید به این شکل تبدیل به شعارش کرد که: «آب را ول نکنیم...». وقتی این شعار، فرهنگ شد و جا افتاد؛ آن وقت می توان به همسایهٔ شلنگ به دست که دارد با آب شرب شهر، خودرو خود را می شوید یا داره درخت را آب می دهد، با صدایی خوش و رسا گفت: «شلنگت را زمین بگذار!...».

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز دوشنبه ۲۲ مرداد ۱۳۵۲، (برابر با ۱۴ رجب ۱۳۹۳، ۱۳ اوت ۱۹۷۳) نقل شده است

مدیران کل و روسای ادارات آموزش و پرورش بتهران احضار شدند

مدیران کل و روسای ادارات کل آموزش و پرورش کشور جهت تحویل گرفتن سئوالات امتحانی ششم متوسطه نهائی به تهران احضار شدند.

اداره کل امتحانات وزارت آموزش و پرورش از این عده خواسته است که تا اول شهریور ماه به تهران بیایند.

امتحانات نهائی ششم متوسطه از روز دهم شهریور ماه در سراسر کشور آغاز می‌شود و تا روز ۲۱ شهریور ادامه خواهد داشت. امتحانات داوطلبان شرکت در امتحانات رشته‌های ریاضی، ادبی، بازرگانی، منشیگری از روز دهم و امتحانات رشته‌های طبیعی و خانه‌داری از روز یازدهم آغاز می‌شود.

در حدود ۵۵ درصد از شرکت کنندگان در امتحانات خردادماه (ششم متوسطه) تجدیدی شده‌اند که این عده در شهریور ماه امتحان خواهند داد.

در امتحانات نهائی ششم متوسطه خردادماه ۵۱ هزار نفر در تهران شرکت کرده‌اند که از این عده ۳۰ هزار نفر از آنان تجدیدی شده‌اند.

۲۸۰ آپارتمان بین کارمندان کم درآمد تقسیم میشود

تا ۳ ماه دیگر ۲۸۰ دستگاه آپارتمان بین کارمندان کم درآمد دولت تقسیم خواهد شد.

سرپرست سازمان اوقاف در این مورد توضیح داد که آپارتمان‌های مزبور با کمک بانک رهنی ایران در سراسیاب دولاب ایجاد شده است.

قبلاً قرار بود بلوک‌های ساختمانی ۷ ماه دیگر آماده شود و با توجه به سیاست دولت در تأمین مسکن برای کارمندان دولت برنامه ٤ ماه زودتر پایان خواهد یافت.

آپارتمان‌های مزبور تماماً دارای ٤ اتاق می‌باشد و هر ٤٠ آپارتمان در یک بلوک قرار دارد.

آپارتمانها دارای فضای سبز خواهد بود و ساکنان آنها از مهد کودک ـ پارک کودک ـ سوپر مارکت ـ کتابخانه که برایشان در نظر گرفته شده استفاده خواهند کرد. سال گذشته قیمت آپارتمان بین ٦٥ تا ٧٥ هزار تومان برآورد شده بود ولی با توجه به بالا رفتن نرخ مصالح ساختمانی گفته میشود قیمت آنها حدود ٨٠ تا ٩٧ هزار تومان قیمت گذاری می‌شود.

۵۰۰ واسطه و دلال از میدان طرد میشوند

قندهای احتکار شده چند انبار در تهران از امروز در مرکز بازرسی اتاق اصناف واقع در منطقه بازار جهت فروش عرضه گردید و حواله فروش قندها بوسیله اتحادیه صف قندریز صادر گردید و بیش از هزار نفر از فروشندگان و عاملین فروش این قندها را خریداری کردند. مرکز بازرسی اتاق اصناف در بازار اعلام داشت: هم اکنون در بازار شکر بمقدار کافی در اختیار فروشندگان گذارده شده است و عاملین این کالا موظفند آنرا به نرخ رسمی بفروشند.

مقام رسمی اتاق اصناف امروز همچنین یادآور شد که کمیته پنج نفری اتاق اصناف که مسئول اجرای طرح میدان می‌باشد مطالعات خود را برای اجرای طرح آغاز کرده‌اند این مجریان که از طرف اتاق اصناف تعیین شده‌اند بتدریج از فعالیت نزدیک به پانصد نفر واسطه و دلال جلوگیری بعمل خواهد آمد. این واسطه‌ها که در فاصله بین تولید و مصرف قرار گرفته‌اند گاهی قیمت کالاها را ضمن دست بدست گرداندن تا پنج برابر نیز افزایش میدهند.

هشتاد درصد تعمیرکاران تلویزیون در تهران ناشی‌اند

اختلالی که تعمیرکاران ناآزموده و فاقد صلاحیت فنی در بازار مصرف ایران بوجود آورده‌اند مشکل بزرگ و ظاهراً پیچیده و حل نشدنی مردم بشمار می‌آید.

تاکنون معیاری برای شناخت مهارت صاحبان حرفه در اختیار مردم نبود و هیچ مرجعی وجود نداشت تا حدود آشنائی تعمیرکاران و مغازه‌داران مدعی رفع نواقص فنی را مورد آزمایش قرار دهد و کم و کیف این گروه را بسنجد و محک بزند.

مردم دقیقاً نمیدانند کسی که اتومبیل یا تلویزیون، یخچال و سایر وسائل خانگی آنها را تعمیر میکند واقعاً میکانیک و تعمیرکار است یا از این فنون و مهارتها فقط اسمی دارد و بس.

براساس آزمونی که چندی پیش از گروهی از کارگران تعمیرکار تلویزیون بوسیله کارشناسان امور حرفه‌ای وزارت کار و امور اجتماعی بعمل آمد معلوم شد که ۸۰ درصد تعمیرکاران تلویزیون مهارت و صلاحیت فنی ندارند و بیشتر مخرب‌اند تا سازنده. در قانون نظام صنعتی قید شده است که پیشه‌وران و صاحب حرف باید در زمینه کار خود و یا شغلی که قصد دارند به آن مشغول شوند مهارت و خبرگی داشته باشند و میزان مهارت و آزمودگی آنان مورد سنجش و تائید کارشناسان قرار گیرد.

قاب امروز

زندگی در گرینلند - برف در تابستان! / منبع: msnbc

داستان کوتاه

من اینجا مسافرم

جهانگردی به دهکده‌ای رفت تا زاهد معروفی را زیارت کند و دید که زاهد در اتاقی ساده زندگی می‌کند. اتاق پر از کتاب بود و غیر از آن فقط میز و نیمکتی دیده می‌شد.

جهانگرد پرسید: لوازم منزلتان کجاست؟...

زاهد گفت: مال تو کجاست؟

جهانگرد گفت: من اینجا مسافرم.

زاهد گفت: من هم.

منبع: داستانک

سُرایه

از واقعه‌ای تو را خبر خواهم کرد
و آنرا به دو حرف مختصر خواهم کرد
با عشق تو در خاک نهان خواهم شد
با مهر تو سر ز خاک برخواهم کرد

ابوسعیدابوالخیر

پند بزرگان

● چه شکاف عظیمی بین شناختن خدا و محبت نسبت به او وجود دارد.

پاسکال

امروز در تاریخ

روزی که چین با ایران همسایه شد

سال ۹٤ میلادی و طبق محاسبات تقویمی، ۱۳ آگوست این سال ارتش چین کار تصرف منطقه درّه رود «تاریم Tarim» و نواحی اطراف آن از جمله (کاشغرستان و قره شهر امروز) را تکمیل کرد و در شمال شرقی منطقه فرارود (ماوراء النهر و طبق منطقه بندی جغرافیون غرب؛ آسیای میانه) با ایران همسایه دیوار به دیوار شد. مرزهای شمال غربی چین اینک پس از گذشت این همه سال همان است که ۱۳ آگوست ۹٤ میلادی تعیین شده بود. در عملیات تصرف آن مناطق، ژنرال «بان چائو Banchao» نیروهای چینی را فرماندهی می کرد.

بان چائو (که در کتب تاریخ ایران قدیم «پنچو» ذکر شده است) سه سال بعد معاون خودرا برای مذاکره درباره خطوط مرزی به ایران فرستاد. این فرستاده در سر راه خود به تیسفون هنگام دیدار از شهر صددروازه [دامغان] ابراز تمایل کرده بود که یک معبد بودایی در آنجا دایر شود که مقامات محلی این درخواست وی را ردّ کردند، ولی دولت ایران (اشکانیان) پیشنهاد تاسیس سفارتخانه دائمی، مبادله دیپلمات، گسترش بازرگانی و مناسبات فرهنگی با چین را پذیرفت که ادامه یافته است. دولت اشکانی متعهد شد در طول جاده ابریشم (در منطقه ایران) کاروانسرا دایر و مامور محافظ بگمارد. ایرانیان قرن سوم پیش از میلاد واژه چین را از نام دودمان سلطنتی این کشور «Qin شین = صین» ساختند و در جهان عمومی کردند. این کلمه از طریق ایران باستان به قلمرو روم (اروپا) منتقل و جهانی شده است.

پایان حکومت غزنویان بر ایران خاوری

۱۳ آگوست سال ۱۱۵۲ میلادی علاء الدین غور با تصرف غزنه به عمر حکومت ۱۵۵ ساله غزنویان بر ایران خاوری پایان داد. حد غربی حکومت غزنویان بر ایران، ایالت ری بود.

اوج حکومت غزنویان در زمان سلطان محمود بود که هندجنوب غربی را هم در چند حمله متصرف شده و تا ساحل اقیانوس هند پیش رفته و معبد مهم هندوان در شهر سومنات (ایالت گجرات) هند را ویران ساخته بود. فردوسی که تنها به خاطر وطنش و عشق به ایرانیان و نه چشمداشت دیگری، شاهنامه (تاریخ منظوم ایران باستان) را سرود و در سال ۱۰۲۵ میلادی فوت شد در زمان سلطان محمود می زیست و در زادگاه خود، توس، زندگی می کرد.

«آتاتورک» رئیس جمهوری ترکیه شد

ژنرال مصطفی کمال پاشا ۱۳ آگوست ۱۹۲۳ به سمت نخستین رئیس جمهوری ترکیه انتخاب شد. ترکیه نامی است که بر باقیمانده از امپراتوری عثمانی گذارده شده است. کمال پاشا به خاطر خدماتی که به ملت ترکیه کرده بود لقب «آتا ترک =آتاتورک» گرفت.

تغییر الفبای ترکیه از عربی به لاتین که دارای حروف «صدادار» است و تلفظ ها یکسان شده است از خدمات اوست. از دیگر خدمات او، قراردادن پاسداری از قانون اساسی ترکیه بر عهده ارتش است، بنابراین نقض اصول این قانون کار دشواری است. اگر مصطفی کمال و چند همقطار و همفکر او نبودند و در برابر فاتحان جنگ جهانی اول مقاومت مسلحانه نمی کردند امروز کشوری به نام ترکیه وجود نداشت.

آغاز تعرّض ۳۰۰ هزار نفری ژاپن به شانگهای چین

ارتش امپراتوری ژاپن ۱۳ آگوست ۱۹۳۷ تعرض به شهر بندری بزرگ شانگهای چین را با سیصد هزار سرباز، ۵۰۰ هواپیما، سیصد تانک و ۱۸۰۰ توپ آغاز کرد. آتش توپ های ۱۳۰ ناو و ناوچه ژاپنی نیز از این تعرض پشتیبانی می کرد. نبرد خیابانی دو نیرو سه ماه و ۱۳ روز طول کشید و شانگهای سقوط کرد. در این نبرد یکصد تا دویست هزار نظامی چینی کشته شدند.

www.iranianshistoryonthisday.com

سودوکو ۸۵۰

		۳			۸	۶		
۶		۴		۵		۲		
	۱	۸						
	۹		۸				۶	
۱			۳		۷			۵
	۴				۱		۹	
						۴	۲	
		۲		۳		۷		۱
		۱	۷			۵		

حل جدول ۸۴۹

۶	۱	۹	۷	۳	۸	۴	۲	۵
۴	۲	۵	۶	۱	۹	۷	۳	۸
۷	۳	۸	۴	۲	۵	۶	۱	۹
۹	۶	۱	۸	۵	۷	۳	۴	۲
۳	۷	۴	۹	۶	۲	۸	۵	۱
۸	۵	۲	۱	۴	۳	۹	۶	۷
۲	۹	۶	۳	۸	۱	۵	۷	۴
۱	۴	۷	۵	۹	۶	۲	۸	۳
۵	۸	۳	۲	۷	۴	۱	۹	۶

جدول شرح در متن ۳۳۶۳

غلامحسین باغبان

اثری از پل استر	دوختن زیورآلات لباس		نوعی اسباب بازی / زبان کوچک سرحلق		خاطر و حافظه		ایالتی در هند / عزیمت کرد	خمیدگی کاغذ / اتحادیه فوتبال اروپا		سلاح مار / پنهانی	
بی جنبشی / اندازه					ترمیم فرش / روز ازل				غوزه پنبه / زودشکن		
				طلب فتوی کردن / صدای درد							رسیدن به آرزو
از حبوب ریز و گرد دانه		سرسرا / مرکز فرماندهی				کم پشت	مؤسسه سلسله اشکانی / همراه وعده				
			اقرارکننده / حرف ندا					پیشوندی معادل ده / هر نوع فلز			
				زندگانی آسان / دولت ها					دریا / پرحرفی		
ایالتی در آمریکا / اضافه					پایتخت اکوادور / بازگشت					پهلوانان	
			طرف / مقیاس طول			شاعر اهل نیکاراگوئه / آش فروش					
شکار / مهربانی	سودای ناله	پناهگاه / قیمت بازاری					خواب کودکانه / کارتن بازنشده				
				از نمازهای یومیه				محل و مکان			
از خط های باستانی								تازه و جدید آذری			

حل جدول ۳۳۶۲

کاملا نا آگاه / و بی اطلاع !	شاعر ایرانی موش وگربه	ز	درخشنده روی / چاه کن	ف	درک	س	سهل / ساختمان مرتفع	کاشف میکروب سل / توان	ک	زبان / به هم متصل کردن	ض
ا	ز	ه	م	ه	ج	ا	ب	ی	خ	ب	ر
مار سیاه و سفید / فرمان کشتی	ا	ر	ق	م	زنگ کاروان / از نیروهای دفاع مقدس	د	ر	ا	عضو بالا نشین / از کلمات استفهام	س	ر
س	ک	ا	ن	با کمال اطمینان / سنگ آسیاب	ب	ه	ج	ر	آ	ت	لباس خانم ها
حشره چسبنده	ا	گلی معطر / بلند همت	ی	آ	س	نوعی قورباغه	آفریدگار / نام زنانه	ا	ی	ز	د
ک	ن	ه	پایتخت کره‌جنوبی / کارگاه بافندگی	س	ی	و	ل	بجا آوردن / ستاره شناسی	ا	د	ا
ن	ی	م	ه	خراج زمین / هسته انگور	ج	ز	ی	ه	اثر رطوبت / جمع ظاهر	ن	م
نصفه / ذات	کاهش تدریجی / جمع نجیب	ا	ف	ت	مقابل رقیق / تفرجگاه عمومی	غ	ل	ی	ظ	کیسه پول	ن
ج	ن	م	ظرف سرکه / فلز مرتجع	ک	پ	پیامبر پرشکیب / فلز چهره	ا	ی	و	ب	حرف دوم یونانی
ح	ج	جبر و زور / زمینه موسیقی	ف	ش	ا	ر	ادب آموختن / شگرد	ت	ا	د	ب
از عبادات / از مصالح ساختمانی	ب	ت	ن	بسته بندی استوانه ای	ر	و	ل	شهر بی قانون!	ه	ر	ت
از عناصر	ا	م	ر	ی	ک	ی	م	آزاد	ر	ه	ا